



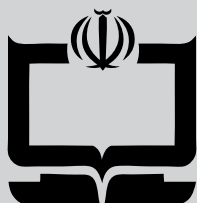
شماره ۱۳ روشنده سالنامه

بهار ۱۳۹۸

برای سردبیران و کارشناسان آموزشی، ارتباطات و رسانه

www.roshdmag.ir





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

سالنامه رشد

✽ سالنامه رشد شماره ۱۳ ✽ بهار ۱۳۹۸ ✽

✽ مدیرمسئول: محمد ناصری ✽

✽ شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: سیدکمال شهابلو، مانلی نورائی آشتیانی، سید سعید بدیعی، فریبا کیا ✽

✽ مدیر داخلی: مانلی نورائی آشتیانی ✽

✽ طراح گرافیک: نوید اندرودی ✽

✽ ویرایش: بهروز راستانی، کبری محمودی ✽

✽ عکس: غلامرضا بهرامی، اعظم لاریجانی ✽

✽ نشانی: تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶ ✽

✽ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۸۷ ✽

✽ چاپ: شرکت افست (سهامی عام) ✽

✽ وبگاه: www.roshdmag.ir ✽

آرای مندرج در متون، ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان سالنامه نیست.

فهرس

یادداشت

✽ یادداشت آخر / محمد ناصری / ۶

سرمقاله

✽ به مناسبت آغاز سال نو / مانلی نورائی / ۸

پنجره

✽ رسالت مجلات رشد در بیانیه گام دوم / سخنان حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی ذوعلم، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در نشست برنامه‌ریزی سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی / ۱۰

✽ دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی یک سازمان یادگیرنده است / سخنان محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در نشست برنامه‌ریزی سالانه دفتر / ۲۶

گفت‌وگو

✽ ترغیب به تعالی در مسیر یادگیری / نگاهی به فعالیت‌های ۱۰ ساله دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در گفت‌وگو با محمد ناصری، مدیرکل دفتر / محمدحسین دیزجی / ۳۰

نشست علمی - کاربردی

✽ رشد و تعالی در مسیر یادگیری / تجربه‌های تأثیر بر مخاطبان با حضور حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی / ۵۲

گزارش

✽ رهبری اثربخش، نقشه راه مدیریت سازمان است / سخنان دکتر حیدر تورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در بیستمین نشست سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی / ۶۶

✽ از سرّی ترین سخنان تا جزئی ترین مسائل / نگاهی به فعالیت تاریخ‌نگاران و راویان دفاع مقدس / یونس باقری / ۷۲

✽ بهبود و تحول در کلاس درس اتفاق می‌افتد / گزارشی از ششمین همایش درس پژوهی دوره ابتدایی در استان همدان / محمدحسین دیزجی / ۷۶

میزگرد

✽ نشریاتی که پشتیبان برنامهٔ درسی اند / میزگردی با محور نقش و اهمیت مجلات رشد در آموزش / ۸۴

سامان بخشی

- ✽ تدوین کتاب‌های آموزشی با راهنمای تولید کتاب / نگاهی به تازه‌ترین راهنماهای کتاب‌های آموزشی / زهره امینیان / ۱۰۲
- ✽ حضور فهرستگان رشد در مدارس سراسر کشور برای سومین سال متوالی / گزارشی از انتشار فهرستگان و کتاب‌نامه‌های رشد در سال ۱۳۹۷ / طیبیه الدوسی / ۱۰۸
- ✽ نقش کتاب‌های داستانی در گسترش ذهن / گزارشی از نشست ناشران داستانی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران / س. رمضانپور / ۱۱۴
- ✽ پایان شانزدهمین جشنوارهٔ کتاب، با معرفی ۳۸ کتاب برتر / دبیرخانهٔ ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی / ۱۲۰
- ✽ قهرمان‌هایی که از خط پایان گذشتند / گزارشی از مراسم پایانی شانزدهمین جشنواره کتاب رشد / سمیه میرزایی / ۱۲۶

جشنوارهٔ فیلم رشد

- ✽ سینما و آموزش، گامی برای صلح در جهان است / گزارشی از مراسم اختتامیهٔ چهل‌وهشتمین جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد / روابط عمومی جشنواره / ۱۳۴
- ✽ دانش آموزان فیلم‌ساز در چهل‌وهشتمین سکانس جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد / روح... مال میر / ۱۴۰
- ✽ رقابت فرهنگیان فیلم‌ساز در چهل و هشتمین جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد / روح... مال میر / ۱۴۴
- ✽ کارگاه نقد و بررسی فیلم‌های فرهنگیان و دانش آموزان فیلم‌ساز در چهل و هشتمین جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد / روح... مال میر / ۱۴۸

جشنوارهٔ عکس رشد

- ✽ مسائل آموزش و پرورش از پشت لنز دوربین شما / گزارش مراسم پایانی دهمین جشنوارهٔ عکس رشد / ۱۵۴

نمایندگان رشد

- ✽ معرفی نمایندگان نشریات رشد در سال ۱۳۹۷ / ۱۶۶

کارنامهٔ رشد

- ✽ روزشمار سال ۱۳۹۷ / ۱۷۴



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ ...

یادداشت آخر

همکاران ارجمندم در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

... هر شروعی را پایانی است و امروز که پس از یک دهه حضور در دفتر، این فضای دوست داشتنی را ترک می‌کنم، وظیفه اخلاقی خود می‌بینیم از همراهی و همفکری و همدلی شما، صمیمانه تقدیر و تشکر کنم.

بی‌تردید، «مجلات رشد» یک سرمایه اجتماعی ارزشمند برای سیستم آموزش و پرورش ایران است. خانواده بزرگ رشد با پیشینه بیش از نیم قرن، در رشد و بالندگی ذهنی و روانی، روزآمد ساختن دانش، اصلاح بینش و تقویت مهارت‌های حرفه‌ای مخاطبانان خود، قطعاً تأثیر فراوان داشته است.

برای من جای بسی افتخار است که در طول خدمت نزدیک به سی و چهارساله خود، بخش قابل توجهی را در

خدمت همکاران عزیزم در این دفتر بوده‌ام.

خاطرات بسیار شیرین و بهجت‌انگیز، موج در موج، در کرانه‌های ذهنم از این دوره وجود دارد. آنچه در این نوشته و یادداشت به آن تأکید می‌کنم، «رویکرد اصلی دفتر» در این دوره است.

رویکردهای دفتر

همه ما با همدلی یکدیگر، برای نیل به کیفیت بهتر و بهره‌ور ساختن فرایندهای دفتر، در همه لحظات کار، به رویکردهای زیر تأکید داشتیم:

۱. مخاطب‌محوری به جای سلیقه‌محوری؛
۲. درک اولویت‌های زمانه به لحاظ ذهنی و زبانی و کنشی؛
۳. درک تطبیق متون مجلات با سیاست‌های کلان آموزش و پرورش؛

۴. تأکید بر نوآوری و خلاقیت و پرهیز از سطحی‌انگاری؛
۵. ایجاد فضای شوق‌انگیز و رغبت‌آفرین به تلاش گروهی؛
۶. برنامه محوری و نقد علمی پس از تولید مجلات؛
۷. بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های بومی در فرایندهای مدیریتی؛
۸. تأکید بر سنجه‌های کیفی (استاندارد) در همه مراحل تولید، اعم از نیازسنجی، تولید محتوا، پردازش زبانی، صفحه‌آرایی، چاپ و بازخورد سنجی و اصلاح ورودی‌های سیستم پس از هر دوره؛
۹. مستندسازی تجربه‌ها و تأکید بر تولید «سالنامه رشد»؛
۱۰. تکریم بزرگان و پیشکسوتان در هر فرصتی؛
۱۱. ایجاد زمینه برای گفت‌وگوی رودررو با مخاطبان؛
۱۲. ایجاد و تقویت روحیه تعامل با همه دفاتر مرتبط با آموزش و پرورش؛
۱۳. ایجاد عدالت جنسیتی و تسهیم مطالب به دختران و پسران، با رعایت ویژگی‌های مشترک و متمایز؛
۱۴. توجه جدی به زبان‌آموزی، ادبیات داستانی و طنز؛
۱۵. توجه به ارائه متون دینی با رعایت نیازهای زمانه؛
۱۶. تربیت نسل آینده‌روزنامه‌نگار و نوین در قالب جلسات کارگاهی؛
۱۷. استفاده از یافته‌های علمی صاحب‌نظران دانشگاهی و حوزوی در غنی‌سازی محیط کار؛
۱۸. تأکید بر ارتباط طولی محتوای مجلات دانش‌آموزی؛
۱۹. توجه به تخصص‌گرایی در حوزه‌های مفهومی و گونه‌های نوشتاری و تصویری با تشکیل «شورای سردبیری» در مجلات پرشمارگان دانش‌آموزی؛
۲۰. توجه به یافته‌های پژوهشی در استان‌ها و حوزه ستاد از بازخورد مطالب مجلات؛

و...

طبیعی است برای عینیت بخشیدن به این رویکردها، بایستی برنامه‌ها و نقشه‌های عملیاتی طراحی و اجرا می‌شد که هر ساله و بنا به شرایط زمانه، گزارش کامل و دقیق آن‌ها تا حدودی در نشریه «سالنامه رشد» همان سال، مستند سازی شده است.

تصورم این است به جز صدها و هزاران عنوان مجله که افتخار تولید آن در دهه گذشته به همکاران بنده منتسب است، قطعاً محتوای نشریه «سالنامه رشد» چراغ راه روشنی برای آیندگان خواهد بود تا از رهگذر آن، برای برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی و اجرای فرایندهای آینده، استفاده معقول و حرفه‌ای ببرند.

در پایان، ضمن قدرشناسی مجدد از همه همکاران در همه بخش‌های داخل و خارج از دفتر (ستاد آموزش و پرورش، دفاتر سازمان، نمایندگان مجلات رشد در استان‌ها و...)، از خدای مهربان می‌خواهم تا مجلات رشد، این سرمایه ارزشمند اجتماعی را پویاتر، جذاب‌تر و مؤثرتر برای آیندگان حفظ کند و نسل کودک و نوجوان و جوان امروز و فردا را با مفاهیم و معانی عمیق و سازنده‌ای که خواهد داشت، به آینده‌ای روشن‌تر از دیروز رهنمون سازد. بی‌تردید، در طول این سال‌ها کاستی‌هایی وجود داشته است. به ویژه اگر در شرایط کار دفتر، رفتار و سخن اینجانب باعث دلخوری و کدورتی شده است، صمیمانه پوزش می‌طلبم.

از خداوند منان، برای همگان سعادت، سلامت و سرفرازی روزافزون آرزومندم.

محمد ناصری
فروردین ۱۳۹۸

سرمقاله

به مناسبت آغاز سال نو

مانلی نورائی آشتیانی / عضو شورای سردبیری

سالنامه
شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸



خداوند متعال با ظرفیت‌ها و استعدادهایی که در انسان به ودیعه نهاده و ابزار و امکاناتی که در اختیارش گذاشته و استعدادی که در او فراهم آورده است، او را آزاد گذاشته تا مسیر کمال را بییماید. وجه امتیاز انسان با همه موجودات خلقت «عقل» اوست که با بهره‌مندی از آن باید مسیر کمال خود را طی کند. اینجاست که خداوند امکاناتی به انسان عطا کرده، پیامبران درونی در او قرار داده و عقل به عنوان مهم‌ترین پیامبر درونی، راهنمای عمل انسان است.

بهار، فصل شکفتن است، فصل رویش است، فصل تحول و دگرگونی است. اگر با چشم بصیرت به تحولی که در عالم طبیعت اتفاق می‌افتد نظر افکنیم، صدای شور زندگی، ترانه حیات، عشق و میل به کمال مطلق را در همه اجزای طبیعت می‌بینیم. همه جا پر از سرود سرزندگی، شادابی و کمال‌یابی است. اگر با همین چشم بصیرت به عالم هستی نگاه کنیم، می‌بینیم که در کل عالم وجود و کائنات، تنها انسان است که به عنوان احسن موجودات خلق شده است.



ضمن اینکه خداوند متعال پیامبرانی برای بشر فرستاده است تا در مورد آنچه از عقلشان مغفول است او را راهنمایی و آگاه کند. در آغاز این فصل رستاخیز پرشور حیات در طبیعت از خداوند می‌خواهیم با تقدیر خویش قلب‌های ما را متوجه تحول واقعی کند که به دست خودمان است و همه هم نسبت به ایجاد این تحول مسئولیم. اگر نیت‌ها را خیر کنیم، ان‌شاءالله حرکتمان را «بِسْمِ رَبِّ» شروع می‌کنیم و با «بِسْمِ رَبِّ» ادامه خواهیم داد. از محضر خداوند متعال می‌خواهیم که کارمان را در سال جدید به نام «او» شروع کنیم و با توفیقاتی که نتیجه الطاف اوست بتوانیم این راه را ادامه دهیم.

سالنامه رشد شما را با یک سال فعالیت و تجربه‌های دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در حوزه مجلات رشد، فیلم رشد، عکس رشد، کتابنامه رشد و... در سال ۱۳۹۷ آشنا می‌کند. با ما باشید!



رسالت مجلات رشد در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سخنان حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی ذوعلم،

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در نشست برنامه ریزی سالانه

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

بتوانیم در مسیر هم‌سویی با گام دوم انقلاب اسلامی گامی برداریم.

زمانی که با جناب آقای ناصری برای این جلسه برنامه ریزی می‌کردیم، خبری از «بیانیه گام دوم» نبود. این بیانیه برای ما بهانه خوبی شد که امروز به استناد آن حرف‌هایی بزنیم. برداشت من این است که بیش از اینکه به محتوای آن بپردازیم، بیانیه گام دوم باید مدلی به ما بدهد که ما بعد از ۴۰ سال بررسی کنیم که دستاوردهای ما چه بوده است و الان و در چه وضعی قرار داریم. خطاهای ما چه بوده‌اند و آن‌ها را برطرف و تصحیح کنیم. بینیم چه جهت‌گیری‌های کلانی را باید بعداً دنبال کنیم و در چه مسیری باید پیش برویم. وقتی که رهبر انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم. خداوند را سپاسگزارم که توفیق حضور در جمع دوستان، برادران و خواهران بسیار ارزشمند، نخبه، دلسوز و توانمندی را که بخش عمده‌ای از بار تحول در آموزش و پرورش و پیشبرد امر تعلیم و تربیت را بر عهده دارند، به من داد. از افرادی که قبل از ما در این دفتر بودند، از آقای دکتر **حداد عادل** که بنیانگذار مجموعه این دفتر بودند، از آقای **گلدانساز** و دوستان دیگر تا زمان آقای **ناصری** و جمع حاضر، و از همه چهره‌های ارزشمندی که در این فرایند حضور داشته‌اند، قلم زده‌اند، و جهت و مسیر کار را مشخص کرده‌اند، تشکر می‌کنم. خداوند را سپاس‌گزاریم که این نشست در آغاز پنجمین دهه انقلاب برگزار می‌شود و امیدواریم ما هم





مضاعفی است. تبریک می‌گوییم میلاد مسعود **حضرت فاطمه زهرا** (سلام الله علیها) را و امیدوارم بتوانیم حقیقتاً آن مکتب و نگاه و نگرش را در کار خودمان هم متبلور کنیم.

همچنین میلاد فرزند خلف حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، رجل الهی، آن حکیم انقلابی، آن بنیان‌گذار فیلسوف و اندیشمند، **حضرت امام خمینی** (رضوان الله تعالی علیه) را تبریک عرض می‌کنم. اگر بخواهیم در یک کلمه بگوییم که ما در گام دوم چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم، عرض من این است که ما باید در گام دوم، فکر و اندیشه امام را بشناسیم و همان اندیشه را به اقتضای زمان، به اقتضای نیاز و به اقتضای مخاطب در جامعه‌مان نهادینه کنیم. ما نمی‌خواهیم کار سختی انجام دهیم. اگر امام ۸۰-۷۰ قبل ایده تحول در جامعه را مطرح کرد و آرمانی را نشانه‌گیری کرد و در یک لایه‌ای

چنین مدلی را ارائه می‌دهند، به خصوص برای ما می‌تواند چارچوب بسیار هدایتگری باشد. به نظر من در این نشست، نه فقط باید برنامه یک سال بعد را تدوین کنیم، بلکه باید بینم گام دوم چیست. ۴۰ سال زحمت کشیده شده و کار شده است که به این دستاورد رسیده‌ایم؛ دستاوردی بسیار ارزشمند که معلمان، دانش‌آموزان و مدارس ما از آن بهره برداری می‌کنند. ولی آیا همین کافی است؟ یا اینکه باید به یک جهش، یک حرکت، و یک تحول، شناخت اقتضائات زمان و وضعیت کنونی‌مان برسیم.

چون میلاد مسعود حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است، باید از همکاران خواهرمان تشکر و سپاس‌گزاری کنیم. خواهران در این مجموعه‌ها معمولاً تلاش مضاعفی دارند. چون در کنار کاری که باید انجام بدهند، در همین مسئولیت فرهنگی و اداری خودشان بالاخره یا مادر هستند یا باید به خانواده رسیدگی کنند و این واقعاً جهاد

از آن آرمان توانست هدفی را ترسیم کند و به آن هدف دست پیدا کند، با همت مردم، با همراهی مردم، از مردم، با مردم، برای مردم، ما هم باید بتوانیم با معلمان، با دانش آموزان، از معلمان، از دانش آموزان، برای معلمان و برای دانش آموزان همان آرمان‌ها و هدف‌گیری را و همان سیره و سبک را دنبال کنیم.

من چند روز گذشته در «بشاگرد» بودم. عرض کنم، متأسفانه تلاش‌هایی که دوستان انجام می‌دهند، در آن لایه‌هایی که باید برود، نمی‌رود. من دیروز به هر مدرسه‌ای که در بشاگرد رفتم، از معلمان و دانش‌آموزان سؤال کردم که مجله رشد کجاست، اصلاً انگار اسم این مجلات هم به گوششان نخورده بود. همان جا احساس کردم چقدر ما درباره عدالت آموزشی سخن می‌گوییم، اما از آن دور هستیم. ما شبکه رشد را داریم که باید از آن استفاده کنند، اما اصلاً امکانی برای بهره‌برداری از اینترنت در آنجا وجود نداشت.

البته بشاگرد نسبت به سال‌های قبل بسیار متحول شده است. آنجا نمونه‌ای است که نشان می‌دهد، چگونه با یک روحیه جهادی و با عزم مردمی که نه حوزه و نه دانشگاه دیده‌اند و نه تجملات و آداب ما را دارند، خیلی خاکی، بی‌صدا و بی‌ادعا، کاری کرده‌اند که چهره آن منطقه عوض شده است. اما آیا به وضع مطلوب رسیده‌اند؟ قطعاً نه.

با توجه به جلسه امروزمان به این فکر می‌کردم که: واقعاً ما با این ابزاری که داریم، چه کار می‌توانیم بکنیم؟ در این دفتر پنج کار مهم انجام می‌شود که هر کدام به نوبه خود می‌تواند تحول‌ساز باشد.

ما در همان جهاتی که مطرح کردم، در مقام یک بازآرایی تشکیلاتی هستیم. سرکار خانم کیا سال‌ها است در این دفتر مشغول هستند، هنوز گله‌مندند که فهرست منابعی که می‌تواند به فهم دانش‌آموز در فلان درس کمک کند، در پایان کتاب درسی نمی‌آید. چرا نمی‌آید؟ ما که کنار هم هستیم. ما که با هم بیشتر از یک اتاق فاصله نداریم. هنوز گله‌مندیم که چرا در نیازسنجی برای مجلات رشد مرکز مطالعات و پژوهشگاه هیچ احساس وظیفه‌ای نمی‌کند. یا ما سفارش نداده‌ایم یا اینکه آنجا ساز و کارهایی هست که این تحقق پیدا نمی‌کند. خوب چرا؟ ما که زیر یک سقف هستیم.

یا نکته‌ای که درباره زیرساخت‌های سخت‌افزاری شبکه رشد مطرح شد. چرا نباید ما پنج سال قبل به این فکر می‌افتادیم؟ این چراها را چگونه باید جواب بدهیم؟ آیا همه را رئیس سازمان باید جواب بدهد؟ قطعاً نه. یک مانع آن جزیره‌ای بودن تشکیلاتی است. در دفتر فنی و حرفه‌ای و کار دانش و دفتر تألیف نظری این تلقی وجود دارد که مثلاً گروه قرآن، گروه ادبیات، گروه زیست‌شناسی، گروه ریاضی و... فقط باید برای دوره متوسطه نظری کار کنند و فنی و حرفه‌ای و کار دانش باید برای خودشان سراغ متخصصان ریاضی، زیست‌شناسی یا زمینه‌هایی که مربوط به رشته‌هایشان است، بروند. چرا باید این طور باشد؟ مگر ما دو تا آموزش و پرورش هستیم؟

بعد ما برای کارهای پژوهشی‌مان سراغ مسائلی می‌رویم که مسائل درجه سوم و چهارم هستند. مسائل درجه اول و درجه دوم ما نه کشف می‌شوند و نه مطرح، و نه به دنبال آن هستیم که به آن‌ها پاسخ بدهیم. ما در درجه اول باید



ما باید در گام دوم، فکر و اندیشه امام را بشناسیم و همان اندیشه را به اقتضای زمان، به اقتضای نیاز و به اقتضای مخاطب در جامعه‌مان نهادینه کنیم

دوم برای خودشان تعریف کنند: گام دوم ما چیست؟ حال ممکن است دو سه نفر را بنده به عنوان مشاوران رئیس سازمان پیشنهاد بدهیم. کسانی که تلقی من این است، خارج از مجموعه، کاری می‌توانند انجام بدهند، اما رکن آن خود شما هستید. نمی‌خواهیم دوباره به چارچوب سند تحول بپردازیم که مبانی نظری چارچوب تحول و اندیشه درباره این سند چیست و فقط حرف بزنیم. شهید بهشتی ۵۰ سال قبل برای بچه‌ها کتاب‌های دینی تألیف کرده است. گاهی که من آن‌ها را می‌خوانم، می‌بینم همان‌ها را اگر امروز به بچه‌ها درس بدهیم - با عرض معذرت - از کتاب‌هایی که امروز نوشته‌ایم، بهترند. جلسه گذاشته‌ایم، گفته‌ایم می‌خواهیم علمی بنویسیم، چارچوب نظری و مبانی تعیین کرده‌ایم، الگوهای مفهومی شرح داده‌ایم، و همین طور حرف زده‌ایم. اما آنچه در آمده است، به دل نمی‌نشیند.

هنرمندی مثل **کمال الملک**، وقتی نقاشی کشیده، مبتنی بر سند نقاشی نکرده است. درس خوانده، سند خوانده، فلسفه خوانده، حکمت خوانده، فکر کرده، ولی این تابلویی که ترسیم کرده، از فکری عمیق برخوردار و از یک حال هنری برآمده است. این حال خیلی اهمیت دارد. اگر این حال نباشد، ما همه چیز داریم، اما همه آن‌ها کلیشه‌اند و فقط به درد کتابخانه و گزارش به دیگران می‌خورند. ما

به یک برنامه‌ریزی تحولی در خود سازمان که بتواند این بار تحول را بردارد، دست بزنیم. یعنی اگر نگاه ما نگاه ۱۰ سال قبل، ارتباطاتمان ارتباطات ۱۰ سال قبل، و تشکیلاتمان تشکیلات ۱۰ سال قبل باشد، نمی‌توانیم بگوییم تحول بنیادین اتفاق افتاده است؛ چون فقط یک شعار می‌شود. بعد خودمان در مصاحبه‌ها می‌گوییم تحول هنوز اتفاق نیفتاده است. در صورتی که تحقق این شعار به عهده خود ماست. به قول شاعر:

من از بیگانگان هرگز نالم / که بامن هرچه کرد آن آشنا کرد

من به وزارتخانه و معاونت‌ها کاری ندارم چون آن‌ها برای خودشان دارند تلاش می‌کنند و زحمت می‌کشند. منتها این نکته درست است که رابطه ما باید با آن‌ها خیلی رابطه نزدیکی شود و نباید فکر کنیم که فقط ما باید مجلات رشد را تولید کنیم. ما اگر بتوانیم همان دانش‌آموز بشاگردی را در تولید مجلات رشد شرکت بدهیم، این هنر ماست. یعنی به گونه‌ای شود که اگر مجله برایش ارسال نشد، بگوید کجاست آن مجله رشدی که حرف مرا می‌زند؟ در مرکز تهران همین طور. در شیراز، مشهد و تبریز و همه جا همین طور. آن نیاز باید احساس شود که اگر او تشنه شد، این آب از بالا و پس بجوشد.

پیشنهاد روشن بنده این است که ما در خود این دفتر که بحمدالله، هم از چهره‌های پیشکسوت و هم از جوان‌های فعال و نوگرا و از طیف‌های مختلف فکری برخوردار است، ذیل همان تفکر انقلابی اسلامی و تفکر حضرت امام، بتوانیم همه حرف‌ها را داشته باشیم. دوستان با هدایت جناب آقای ناصری کارگروهی تشکیل بدهند و یک گام



نباید فکر کنیم که فقط ما باید مجلات رشد را تولید کنیم. ما اگر بتوانیم همان دانش آموز بشاگردی را در تولید مجلات رشد شرکت بدهیم، این هنر ماست

۱۰۰ جلد تحقیق کرده‌ایم. بر اساس این ۱۰۰ جلد تحقیق، ۱۰ جلد چارچوب برنامه‌درسی هم نوشته‌ایم. شش سند هم تولید کرده‌ایم. اما کجاست؟ بعد از شهادت شهید بهشتی مردم شعار می‌دادند و می‌گفتند: «آمریکا در چه فکریه، ایران پر از بهشتیه.» ولی آیا واقعاً یک بهشتی داریم؟ آیا یک **مطهری**، یک **رجایی**، یک **باهنر** داریم؟ رجایی و باهنری که در آموزش و پرورش دغدغه دانش‌آموز را داشتند. یعنی ما را برای دیگران می‌خواستند، نه ما برای خودمان. ما گاهی می‌شویم ما برای خودمان. پس دیگران چی؟ می‌گوییم دیگران که دکترای فلان رشته ندارند، یا فلانی حرفش حرف سطحی است، یا فلانی روی فلان موضوع کار نکرده است یا اصلاً اقتضائات ما را نمی‌دانند و از این قبیل حرف‌ها. واقعاً در طول ۱۰ سال، ۲۰ سال یا ۴۰ سال گذشته سازمان ما چقدر یادگیرنده بوده است؟ ترجمه کردن منابع خارجی که یادگیرندگی محسوب نمی‌شود. ما ایرانی هستیم، باید ایرانی بیندیشیم. ما مسلمانیم، باید اسلامی بیندیشیم. ما انقلابی هستیم، باید انقلابی بیندیشیم. هویت ما این است. هویت ملی ما سه مؤلفه خیلی روشن دارد: ایران، اسلام و انقلاب اسلامی. ما می‌توانیم به این سه مؤلفه افتخار کنیم و آن‌ها را پیش برنده تلقی کنیم. این سه مؤلفه با هم و در هم تنیده معنا می‌دهند، نه جدا

از هم. نه اینکه مثلاً اگر تخت جمشید را نماد کردیم پس این بُعد ایرانی ماست. اگر یک جا قرآن را برجسته کردیم، این بُعد اسلامی ماست. اگر یک جای عکس امام زدیم، بُعد انقلابی ماست. نه، این‌ها با هم هستند. در درجه اول تحلیل و فهم این مویرگ‌ها و تار و پودی که در هویت ملی ماست، بسیار اهمیت دارد. اینکه در ما همان حالی را ایجاد کند که در کمال‌الملک ایجاد می‌کرد و در همین انسانی که در این مکان صاحب‌نام است: **امیر کبیر**.

به اعتقاد من، امیر کبیر دقیقاً همین طور بود. یعنی او یک مسلمان ایرانی انقلابی بود. او واقعاً انقلابی بود، ولی شعار انقلاب نمی‌داد. چون در آن زمان واژه انقلاب خیلی مطرح نبود. امیر کبیر در عمل در حد مقدمات خودش همان کاری را کرد که امام خمینی انجام داد. همان نگاهی را که **امام خامنه‌ای** امروز دنبال می‌کند و همان نگاهی که بر اساس آن ما می‌گوییم پیشرفت، تعالی و سند ۵۰ ساله، همان را انجام داد. حرفش خیلی هم ساده بود. او می‌گفت: به جای اینکه بچه‌ها را به ایتالیا، بلژیک یا فرانسه بفرستید که درس بخوانند و بعد عده‌ای اصلاً برنگردند و یا عده‌ای که برمی‌گردند، تفکرشان تفکر غربی شده باشد، ما خودمان یاد می‌گیریم. ما یادگیرنده‌ایم. ما از دیگران دعوت می‌کنیم بیایند اینجا و به ما یاد بدهند. ولی عمرش کفاف نداد که خودش این فرایند را هدایت کند. به همین سبب بعداً بحث توپ‌سازی و علوم پایه ماند و بحث حکمت و فلسفه و مانند این‌ها دیگر غایب شد. جهت‌گیری دارالفنون هم بعد از امیر کبیر تغییر کرد. ولی ایده استقلال علمی، ایده او بود.

یعنی ما حاضریم یاد بگیریم. باید یاد بگیریم. از غرب



یاد می‌گیریم، از شرق هم یاد می‌گیریم، از گذشته خودمان هم یاد می‌گیریم. یادگیرندگی ما هیچ مرزی ندارد. ولی مهم این است که چه چیز را باید یاد بگیریم. ما امروز حتماً به **حافظ** نیاز داریم. ولی به همان حال و هوایی که حافظ داشت و مثلاً می‌نشست لب جوی آب و گذر عمر را نگاه می‌کرد، نیاز نداریم؟ آیا باید این‌کار را بکنیم؟ یا اینکه آنچه را که می‌خواهیم یاد بگیریم، باید مشخص و انتخاب کنیم؟ ما از **مولوی، فردوسی، ابن‌سینا و خواجه‌نصیر** باید یاد بگیریم. از **هگل و کانت** هم باید یاد بگیریم. از **داروین** هم باید یاد بگیریم. اما مهم این است که چه چیز را یاد بگیریم.

ما هرگز غربی نیستیم و هرگز نمی‌گوییم فرهنگ ما باید فرهنگ جهانی شود. چون اصلاً محتوایی پشت سر این عنوان نیست. فرهنگ جهانی یعنی چه؟ مگر جهان یک فرهنگ دارد؟ کجای جهان؟ برای چی؟ هر چند وقتی ما می‌گوییم فرهنگ ایرانی، به این معنی نیست که هر چه در فرهنگ امروزمان هست را قبول داریم. اگر فرهنگ امروز ما یک فرهنگ بسیار منزه در سطح کامل و عالی بود که وضع ما خیلی خوب بود. همه وجدان کار داشتند، همه نظم داشتند، همه وظیفه‌شناس بودند، همه روحیه همکاری و همدلی داشتند، همه حاضر بودند نسبت به هم تواضع داشته باشند، و همه عدالت خواه بودند. اگر این‌طور بود چه اتفاقی می‌افتاد؟ خیلی عالی بود. امروز فرهنگ اقتصادی ما خراب است، فرهنگ سیاسی ما اشکال دارد، فرهنگ آموزشی ما عیب دارد. یعنی هر عیبی که وجود دارد، از معایب فرهنگی ماست. پس اگر به فرهنگ ایران افتخار می‌کنیم، به نقاط مثبتش افتخار می‌کنیم.

ما گاهی مباحث را قاطی می‌کنیم. به همین دلیل هم همه ما که پشت این میزها هستیم، می‌گوییم فرهنگ ایرانی، فرهنگ اسلامی، فرهنگ انقلابی. ولی فرهنگ انقلابی یعنی چه؟ یعنی فقط شعار بدهیم؟ این فرهنگ انقلابی نیست. این کاری نمادین است که یک روز از سال انجام می‌دهیم. باید ببینیم آن عقلانیتی که در امام بوده است، چیست. آن حکمتی که در انقلاب اسلامی بوده است، چیست. استقلال به معنی ظلم‌نپذیرفتن و زیر بار نرفتن، خودباوری ملی و خودآگاهی ملی، آن چیست. آن آزادی به معنای اینکه واقعاً باید در جامعه ما بیش از آنچه هست در فضای علمی و فکری ما تحقق پیدا کند، آن چیست.

من می‌بینم کارشناس می‌ترسد درباره مدیرکلش نظر بدهد. این یعنی فقدان آزادی. آزادی که فقط در خیابان و روزنامه نیست. آزادی در همین جا باید باشد. یعنی اگر دوستان نسبت به بنده انتقاد داشتند، بتوانند با شجاعت بگویند و اگر دیدند من قبول نمی‌کنم، مرا توبیخ کنند. این یعنی آزادی. مثلاً کارشناس مسئول فلان اداره کل به من زنگ می‌زند و می‌گوید: آقا، معاونی که مربوط به کار ماست، اصلاً برای این جلسه که شما می‌خواهید بیایید، مرا دعوت نکرده است. یعنی تا این حد خفقان و خودخواهی مدیریتی وجود دارد. این اشکال ماست. باید آن را بفهمیم. وقتی می‌گوییم انقلابی هستیم، یعنی همین. من با افتخار می‌گویم سازمان ما باید یک سازمان ایرانی، اسلامی و انقلابی باشد. سازمانی که می‌خواهد برای خودش حیات طیبه را تجربه کند. همین که در «دفتر انتشارات و فناوری آموزشی» صمیمیت و هم‌افزایی وجود

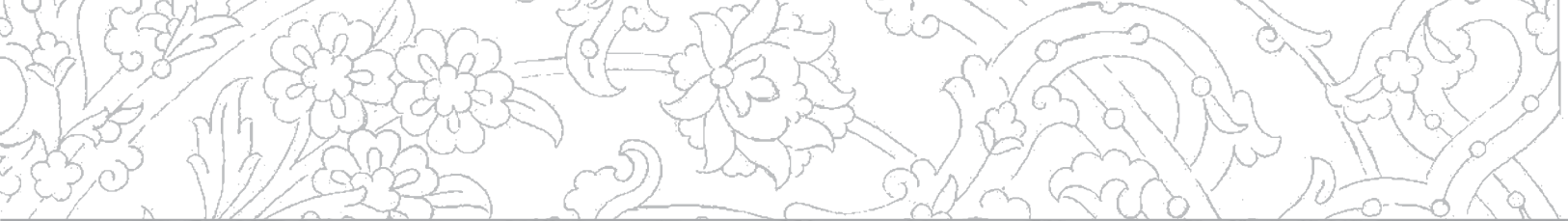




که بچه‌ها در آن نفس بکشند و لذت ببرند. مدرسه‌ای که معلمش بتواند از مدیرش انتقاد کند. مدرسه‌ای که مدیرش آن را مشارکتی اداره کند. مدرسه‌ای که خانواده‌ها در هدف‌گذاری‌های آن شریک باشند. نگوییم آن پدر و مادر که درس نخوانده‌اند. من از شما می‌پرسم آیا تأثیر پدر و مادر بر فرزندان فقط زمانی است که تحصیلات داشته باشند؟ چه کسی گفته است؟ همه ما دیده‌ایم، در بعضی خانواده‌ها، پدر و مادر خیلی تحصیلکرده نیستند. نه اجتهاد حوزه دارند و نه دکترای دانشگاه. آنچنان عمق تربیتی در فرزندشان ایجاد کرده‌اند که آدم غبطه می‌خورد. برای من پیش آمده است که بارها غبطه خورده‌ام به حال بعضی از خانواده‌هایی که دیده‌ام، پدر چقدر قشنگ با فرزندش تعامل کرده و الان فرزندش روی پای خودش ایستاده

دارد، خیلی ارزشمند است. این را باید حفظ کرد، ولی نه فقط برای خودمان. یعنی باید در این دفتر را باز کنیم و بگوییم: دفتر تألیف هم باید همین‌طور بشود، پژوهشگاه باید همین‌طور بشود.

به نظر می‌رسد هدف اصلی ما و گرانیگاهی که نقطه آغاز و نقطه پیشران تحول ماست، مدرسه است. ما هر دو روز و نیم یک مجله تولید می‌کنیم، هر روز سه کتاب امضا می‌کنیم که چاپ بشود، هر چند ۱۰ روز یک پژوهش را رونمایی می‌کنیم، هر سال ۵۰ هزار تن کاغذ را به کتاب و مجله تبدیل می‌کنیم و مانند این‌ها. خب، چه شد؟ اگر مدرسه ما تکان نخورده باشد، اگر مدرسه ما تولیدات ما را برای خودش ابزار و مقدمه قرار ندهد، چه ما به مدرسه پویا، صالح و مدرسه زندگی نیاز داریم. مدرسه‌ای



کوچک بود، کاری کرده بود که او عصبانی شد. گفت جوری شد که من دنبال او کردم تا او را بگیرم و با او صحبت کنم. فرزندم شروع کرد به دور حوض دویدن و من هم به دنبال او افتادم. یک مرتبه به خودم آمدم و گفتم: «من وزیر آموزش و پرورش، از یک برخورد تربیتی با فرزند خودم که یک نفر است، عاجزم. الان که بار ۸-۷ میلیون دانش‌آموز بر دوش من است، چگونه می‌خواهم آن‌ها را تربیت کنم؟!»

گفت همان موقع به گریه افتادم. گفتم: «خدایا این بار را بر دوش من گذاشته‌ای، اما من عاجزم از تربیت یک نفر! بعد بلافاصله به این نتیجه رسیدم که خدایا چقدر خوب صحنه‌ای برای من پیش آوردی که این عجز از تربیت برای من ملموس شود. با خودم گفتم شاید خدا می‌خواست به

است. فرزند او در زندگی و کارش خلاق، با نشاط و امیدوار است و دارد کار می‌کند، ولی بسیاری از ما نتوانسته‌ایم. زمانی مرحوم پرورش در جلسه‌ای تعریف کرد: «چند روز قبل اتفاقی باعث شد که به گریه افتادم.» در آن زمان که همه با امور تربیتی برخورد چکشی می‌کردند که یا نباید باشد یا دفاع محض می‌کردند که باید باشد، ایشان دفاع حکیمانه‌ای داشت. در ابلاغی که آن زمان در امور تربیتی به من داد، چنین تعبیری به کار برد که: «من در خدمت شما هستم، چرا که شما در خدمت تربیت هستید.»

در واقع وزیر آموزش و پرورش کشور تلویحاً با من شرط کرد که اگر در خدمت تربیت باشی من در خدمت شما هستم. ایشان تعریف کرد، وقتی که فرزند بزرگشان

من نشان بدهد که تو می‌گویی من وزیر آموزش و پرورش هستم، برای بچه‌ها برنامه دارم، پدران باید چنین کنند و مادران باید چنان کنند، اما خودت از یک برخورد تربیتی با فرزندت، گاهی ناتوان می‌شوی. حواست باشد.»

نگاه شهید رجایی و شهید باهنر این بود که ما باید بتوانیم در مدرسه فضایی ایجاد کنیم که بچه‌ها بتوانند تربیت شوند. ما که تربیت کننده نیستیم. خوش بختانه در تعریف تربیت این کنایه بسیار زیبا آمده است که: تربیت یعنی زمینه‌سازی. پس ما باید زمینه‌سازی کنیم. آن هم برای یک فرایند. این هم فرایند است. یعنی نمی‌شود با یک بخشنامه و یا تصمیم پشت تریبون تلویزیون اعلام کنیم و بعد هم بگوییم اقدام شود. کسی که نامه را می‌خواند، اولاً باید فهمیده باشد که به او چه گفته‌ایم که اقدام کند. بعد هم باید متوجه شود که چگونه اقدام کند، با چه کسی اقدام کند، کجا اقدام کند، چه زمانی اقدام کند و اصلاً اقتضائات آن اقدام چیست.

حالا اگر رهبری می‌گویند ما آماده‌ایم خطاهایمان را تصحیح کنیم، یعنی همین. باید همین خطاها را اصلاح کنیم. ما اگر مدرسه را هدف قرار دهیم، می‌توانیم به جایی برسیم. مدرسه هم باید خودش هویت پیدا کند. ما باید بتوانیم از طریق مجلات رشد و سایر رسانه‌های در اختیارمان به دوستان بگوییم؛ اگر یک مدرسه هویت داشت، می‌شود «دارالفنون». دارالفنون هویت دارد. در این مدرسه زمانی امیرکبیر حضور داشت. چنین فکری وجود داشت که هنوز هم الهام‌بخش است. یا می‌شود «مدرسه البرز». درست است افرادی را که این مدرسه را پایه‌گذاری کردند، ما قبول نداریم، چون اهدافشان چیز

دیگری بوده، اما به هر حال کاری است که ماندگار شده. اتفاقاً می‌گوییم افتخار می‌کنیم که امروز خودمان داریم آن را اداره می‌کنیم. البته به شرط اینکه همان هویت را مدرسه البرز امروز پیدا کرده باشد. می‌شود «مدرسه علوی». ممکن است من شخصاً با بعضی جهت‌گیری‌ها و رویکردهای مدرسه علوی تفاوت سلیقه‌ای داشته باشم، اما این مدرسه هویتی دارد.

خب، امروز چند تا از مدارس ما هویت دارند؟ مدرسه هویت‌دار یعنی مدرسه‌ای که مدیرش می‌داند این مدرسه می‌خواهد چه کار کند. صرفاً به خاطر بخشنامه وزیر برنامه ویژه مدرسه را اجرا نمی‌کند. اگر خودش این دیدگاه را داشته باشد که من مدیر باید یک ساعتی را به نیازهای منطقه‌ای، محلی، بومی و مدرسه‌ای اختصاص بدهم، آن وقت خیلی قشنگ و زیبا می‌شود. این مدیر مدرسه به این حد رسیده است. حالا اگر وزیر هم بگوید انجام بده و این‌ها به هم گره بخورد، تحولی اتفاق می‌افتد. اما اگر مدرسه‌ای است که اصلاً هویتی ندارد، مدیرش از جایی ابلاغ گرفته که مدیر آن مدرسه بشود، در حالی که محل، منطقه و معلمان را نمی‌شناسد، وقتی می‌آید می‌خواهد از صفر شروع کند، نمی‌داند که آنجا از ۱۰ سال قبل مدیر داشته است، این مدرسه دیگر هویت پیدا نمی‌کند.

مدرسه بدون هویت نمی‌تواند در فرزندان ما هویت ایجاد کند. مدرسه‌ای است که معلم آن تعلق به آن ندارد. به دبیرش از فلان جا گفته‌اند، شما شش ساعت کم دارید، برای پر کردن ابلاغتان یک روز باید بروید فلان مدرسه. بنده خدا از منطقه ۱۴ با مترو و اتوبوس می‌رود منطقه ۲ و خسته می‌رسد به مدرسه. کاملاً بی‌انگیزه است و اگر



**اما به مدرسه پویا، صالح و مدرسه زندگی
نیاز داریم. مدرسه‌ای که بچه‌ها در آن
نفس بکشند و لذت ببرند**

و جمهوری دوم و سوم مطرح بود. من به او گفتم: «تا هر وقت شما بخواهید هست، هر وقت نخواهید، نیست. منظورم فقط توی دانش‌آموز نیست، منظورم از شما یعنی همه مردم.»

واقعاً اعتقاد عمیق من این است که تا وقتی مردم از نظر عملی، فکری، باورها، علاقه‌ها و مانند آن بخواهند، جمهوری اسلامی هست. نخواهند، نیست. امروز به خصوص در این جمهوری که امام آن را بنیان‌گذاری کرده و به صراحت فرموده که: «میزان رای ملت است» و ما هم پای این حرف ایستاده‌ایم، خوب معلوم است که مردم باید بخواهند. اینجا هم همین طور است. ما برقراریم که با تبیین کاری که دنبال می‌کنیم، بگوییم این ۵-۴ دفتر دیوارهایشان باید برداشته شود. این ۱۱ حوزه یادگیری باید واقعاً شکل بگیرند. باید واقعاً حوزه یادگیری علوم تجربی بشوند؛ نه اینکه فیزیک، به علاوه شیمی، به علاوه زیست‌شناسی. اینکه حوزه یادگیری نیست. این‌ها سه گروه هستند که ما یک کلمه‌اش را برداشتیم و یک کلمه دیگر گذاشته‌ایم. باید از پوسته دیسیپلینی و رشته‌ای بودن در بیاید و حوزه یادگیری علوم تجربی بشود. حوزه قرآن و معارف اسلامی نباید گروه قرآن به علاوه گروه عربی، به علاوه گروه دینی باشد. باید بشود قرآن، زبان قرآن؛ معارف قرآن، یعنی بشود یک نگاه یکپارچه.

خیلی متعهد باشد باید با آن‌ها تست کار کند. تست هم کاری ندارد به اینکه در کدام مدرسه، منطقه و محله است. در کردستان است یا خراسان. این هویت‌های منطقه‌ای و محلی اگر نباشند، چه بستری برای هویت‌سازی باقی می‌ماند؟ من هرگز به این منطقه و جغرافیا متعصب نیستیم و تعصب غیرعقلانی ندارم که بگوییم چون من اصفهانی هستیم، هر جا می‌روم، باید ببینم چه کسی اصفهانی است و او را در اولویت قرار بدهم. این کار قطعاً غلط است و ضد آن اسلامی است که یکی از اضلاع هویتی ماست.

اینکه عرض کردم ما باید ببینیم کدام تار و پود هر کدام از این اضلاع را می‌توانیم بگیریم، همین جا خودش را نشان می‌دهد. اسلام با هرگونه گرایش ضد عدالت، با هرگونه تبعیض، با هرگونه رانت‌خواری، با هرگونه قوم و خویش‌بازی و رفیق‌بازی صدرصد مخالف است. ما الان در سازمان پژوهش هیچ فرد اضافی نداریم. هیچ کس قرار نیست از سازمان خارج بشود. ما الان فقط یک بازنمایی تشکیلاتی انجام می‌دهیم. ممکن است یک نفر را از یک صندلی به صندلی دیگری ببریم. یعنی الان می‌خواهیم جورچین خودمان را درست کنیم. می‌خواهیم ارتباطاتمان درست شود؛ البته اگر شما بخواهید. اگر نخواهید، هر چقدر هم بگوییم چه حرف‌های خوبی زده شد، اما کار انجام نخواهد شد.

زمانی من در «مدرسه توحید» قم که از مدارس هویت‌دار و مؤسس آن قای **رضا فرهادیان** است، تاریخ معاصر درس می‌دادم. در آن مدرسه فضای بازی ایجاد کرده بودیم که بچه‌ها بتوانند حرف بزنند و سؤال کنند. روزی یکی از بچه‌ها به من گفت: «حاج آقا، این جمهوری اسلامی تا کی هست؟» آن زمان بحث اصلاح قانون اساسی



**مدرسه هويت‌دار يعنى مدرسه‌اى كه
مديرش مى‌داند اين مدرسه مى‌خواهد
چه كار كند و صرفاً به خاطر بخشنايم
وزير برنامه ويزه مدرسه را اجرا نمى‌كند**

ضمن اينكه اين ۱۱ حوزه نبايد حوزه‌هاى باشندن كه بينشان خط است، بلكه بايد بينشان نقطه‌چين باشد. يعنى بايد با هم ارتباط داشته باشندن. همان مقدار كه درس دينى درباره ايمان افزاىي مسئوليت دارد، درس رياضى و علوم تجربى هم به همان ميزان مسئوليت دارندن كه ايمان دانش‌آموزان تقويت شود. در اينجا هم نمى‌شود كليشه‌اى عمل كرد. اگر در كتاب رياضيات عكس مناره و گنبد بزنييم، كار درست نمى‌شود. گاهى لازم است و بايد اين كار را انجام بدهيم اما نه به صورت كليشه‌اى. كار بايد معنادار باشد. يعنى دانش‌آموز ما بايد احساس كند كه از شنبه كه به مدرسه مى‌رود تا روز چهارشنبه، درس رياضى كه مى‌خواند واقعاً رياضى است و در او تفكر منطقى ايجاد مى‌كند. آخرين ديده‌گاه‌هاى رياضى را ياد مى‌گيرد، نه رياضى سده نوزدهم و بيستم غرب را. واقعاً رياضى قرن بيستم و يكم هم در آن ديده مى‌شود. امروز در دنيا رياضى و آموزش رياضى عوض شده است، در صورتى كه ما در فكر رياضى ۴۰ سال قبل مانده‌ايم.

بله زمانى بود كه ما با غرب ۲۰۰ سال فاصله داشتيم. زمانى كه **محمدعلى فروغى** كتاب «سير حكمت در اروپا» را نوشت، ما ۳۰۰ سال با فلسفه غرب فاصله داشتيم. امروز خوش‌بختانه كتاب سال‌هاى ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ ترجمه

مى‌شوند و به بازار مى‌آيند. بايد اين فاصله‌ها را كم كنيم. يادگيرى ما از ديگران بايد به روز باشد اما تقليد نباشد. نه اينكه همه حرف‌ها را ترجمه كنيم و بگوييم حرف عالى است. نه، حرف‌هاى عالى را مى‌شنويم، حرف‌هاى عالى خودمان را هم قاطى آن مى‌كنيم. پنج هدف اصلى خودمان هم كه برايمان مشخص است. مى‌خواهيم بچه‌ها به عقلايت، ايمان، علم، عمل و اخلاق برسندن، در ارتباطات چهارگانه رابطه با خود، با خدا، با خلق و با خلقت. با اين تعابيرى كه داريم، حالا برايشان محتوا توليد مى‌كنيم. محتواىي كه در اين حوزه يادگيرى توليد مى‌شود، فقط محتواى كتاب درسى نيست. يك بخش اين محتوا براى كتاب درسى است، يك بخش آن براى پايگاه رشد و مجلات رشد است، بخشى از آن براى «انتشارات مدرسه» است و...

اگر انتشارات مدرسه بخواهد كتاب‌هايش را در اين ده سال گذشته در ۲۰ خانه توزيع كند، درباره تعقل با خود، تعقل در رابطه رابطه با خدا، تعقل در رابطه خلق - خلق شامل خانواده، معلم، همسايه، هم‌وطنان، جامعه جهانى، دوست و دشمن مى‌شود - تعقل در رابطه با خلقت كه بخشى از آن طبيعت است و ما بايد با آن آشنا باشيم، براى اين خانه‌ها چند كار توليد كرده‌ايم؟ آيا از نظر كمى توزيع متوازنى انجام شده است؟ مشكل ما بيشتر كجاهاست؟ ما الان در عنصر تعقل و تفكر بيشترين مشكل را داريم. يعنى تعقل و تفكر در ما، جامعه ما و دانش‌آموز ما بايد ريشه‌دار بشود. ما در همه سطوح، هم به تفكر انتقادى، هم به تفكر تحليلى، و هم به تفكر اكتشافى نياز داريم. نمونه عقلايت متعالى همان حضرت على و حضرت زهرا هستند. نمونه





برتر و بالاترش در سطح جهان، وجود مقدس خاتم انبیا و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است که سعدی گفته: «بعد از خدا بزرگ تویی، قصه مختصر.» این اوج عقلانیت است. آن‌ها قله‌های دست نیافتنی هستند و ما می‌خواهیم در این دامنه حرکت کنیم.

البته عقل کانتی هم جاهایی به درد ما می‌خورد و از آن استفاده می‌کنیم و آن را کنار نمی‌گذاریم. عقل ابزاری و تکنیکی را هم در جایگاه خودش قبول داریم. بعضی‌ها فکر می‌کنند وقتی ما می‌گوییم عقل فقط سراغ «سفر اربعه» و این حرف‌ها می‌رویم. به تعبیر بنده عقل به جمیع معانی و در جمیع مراتبش برای ما مفید است. گاهی ما را به چالش می‌کشند و می‌گویند شما اصلاً عقل را چه تعریف می‌کنید. در غرب که عقل چند جور تعریف شده است. علامه مجلسی هم ۷-۸ تعریف از عقل بیان کرده است. بنده می‌گویم: آقا این را به عقل شما واگذار می‌کنم. شما با عقل خودت، هر تعریفی که از عقل داری، عمل کن. هر کدام از ما مختصر عقلی داریم. این مختصر عقل‌ها اگر به هم گره بخورند، راه ما را باز می‌کنند. این گره خوردن را خیلی کم داریم.

بچه‌های ما باید اهل تفکر بشوند. تفکر در پرسشگری بسیار لازم است. بچه‌ها باید پرسشگر و مسئولیت‌شناس شوند. ما باید به این مرحله برسیم که هر مقدار از جامعه مطالبه داریم، به همان اندازه برای جامعه تولید کنیم. اگر بیشتر تولید کردیم که می‌شویم نخبه جامعه. نخبگان بیش از آن مقدار که از جامعه مطالبه دارند، به جامعه می‌دهند. یک عده هم داریم که در جامعه مفت‌خور هستند. فقط از جامعه می‌گیرند و به جامعه هیچ چیز نمی‌دهند. ولی

عدالت این است که حداقل به اندازه‌ای که از جامعه انتظار داریم به ما بدهد، ما هم به جامعه بدهیم. فلان تاجر بازار از اوضاع بازار و دلار گله دارد یعنی انتظار دارد، دولت به او کمک کند. بسیار خوب، اما شما هم باید به همان اندازه به جامعه کمک کنی و باید به جامعه بدهی. نمی‌شود شما فقط به فکر شخص خودت باشی.

امروز متأسفانه اکثر سرمایه‌داران جامعه ما شعار می‌دهند که دولت باید اقتصاد را واگذار کند و من هم حاضرم تحویل بگیرم. بعد می‌رود کارخانه‌ای را که هزار میلیارد می‌ارزد، به مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان می‌گیرد و نصف همان را هم از بانک قرض می‌کند و بقیه را با زد و بند، شاید بدهد. بعد یکباره فهرستی بلند بالا در می‌آید که این‌ها چند هزار میلیارد بدهکار هستند. خوب بروید از آن‌ها بگیرید. من که نمی‌توانم بگیرم. قوه قضاییه و دولت باید بگیرند. یا حداقل از این به بعد وام ندهید. از آن طرف کارمند ضعیفی می‌خواهد خانه بخرد، برای ۳۰-۲۰ میلیون که می‌خواهند به او وام بدهند، کلی سخت می‌گیرند.

بسیاری از رؤسای بانک‌ها چون پول دستشان هست، احساس می‌کنند آدم‌های خیلی مهمی هستند و از بالا به پایین نگاه می‌کنند. وقتی می‌فهمند طرف از آموزش و پرورش است، می‌گویند آموزش و پرورش گداخانه است. متأسفانه تحقیر می‌کنند و کارشان را انجام نمی‌دهند. این همان فرهنگ اقتصادی غلط است. او حاضر نیست به همان اندازه که می‌خواهد، به همان اندازه هم به جامعه بدهد. قطعاً هیچ مسئولی در نظام جمهوری اسلامی حق ندارد برای خودش فکر کند، برای خودش حريم خصوصی ایجاد کند یا برای خودش امتیاز ویژه‌ای در نظر بگیرد.



حالا جایی ضرورت و نیاز است، و در حد ضرورت و نیاز اشکالی ندارد.

اوایل انقلاب این‌طور نبود که یک مسئول، خدماتی مثل ماشین ضد گلوله و محافظ داشته باشد. شهید بهشتی با اینکه نفر دوم مملکت بود، در مسجدی که از ایشان دعوت می‌شد، به منبر می‌رفت. شهید باهنر و شهید رجایی هم همین‌طور بودند. بزرگ‌ترین خیانتی که گروهک منافقین و گروه فرقان به این کشور کردند این بود که جامعه ما را امنیتی کردند. آن‌ها جرقه زدند و عده‌ای هم که در دل خودشان خیلی دوست داشتند ماشین و محافظ داشته باشند و برای خودشان شاهی باشند به میدان آمدند و از این وضعیت سوء استفاده کردند. شهید بهشتی در سال ۱۳۵۸ رئیس شورای انقلاب بود. روزی می‌خواست سوار ماشین بشود که یک نفر در ماشین را برایش باز کرد. ایشان به او عتاب کرد که این کار را نکن. بعد گفت شما ما را بد عادت می‌کنید. خودم در ماشین را باز می‌کنم. بعد ایشان در جایی به صراحت هم به این موضوع اشاره کرد. اما متأسفانه نه صدا و سیمای ما این‌ها را بازنمایی می‌کند و نه آموزش و پرورش این‌ها را به گوش معلمان و جامعه می‌رساند تا نسل آینده ما بدانند که چه منش، روش و اخلاقی از کارگزاران مورد انتظار است. عده‌ای از ما هم حجاب شده‌ایم. چون اگر بخواهیم خودمان از این کارها بکنیم، آن وقت از خودمان سؤال خواهند کرد و مثلاً می‌گویند آقای فلانی شما که می‌گوی من شاگرد شهید بهشتی هستم، شهید بهشتی این‌طور بود، و من چون نمی‌خواهم نقطه ضعف خودم برجسته شود، می‌گویم حالا از شهید بهشتی چیز دیگری بگویید که قدری بهتر باشد.

ما باید این موضوع را در آن عقلانیت و در آن فرهنگ سیاسی و اقتصادی دنبال کنیم.

من معتقدم، اگر بخواهیم به این گام دوم واقعاً بپردازیم، کافی نیست که فقط شعار بدهیم و چند جمله از آن در بیاوریم. یکی از جملات بسیار برجسته مقام معظم رهبری در این گام دوم این است که: «باید آماده تصحیح خطاهایمان باشیم.» بعضی از ما فقط خطاهای دیگران را می‌گوییم. بعضی هم فقط برای سند سازی، خطاهای انقلاب را می‌گوییم که آن هم نه خطای انقلاب، که گاهی خطای مسئولان را به پای انقلاب می‌نویسیم. این هم خطای دیگری است. باید واقعاً در پی تصحیح خطاهای گذشته‌مان باشیم. ما قبلاً جامعه اسلامی نبوده‌ایم و هنوز هم نیستیم. ما یک جامعه فرهیخته‌ای که شیعه واقعی و مسلمان واقعی باشد نبوده‌ایم و هنوز هم نیستیم. خطاهای کلی و جزئی داشته‌ایم. باید آن‌ها را اولویت‌گذاری کنیم.

من معتقدم هر کدام از ما در دستگاه خودمان ببینیم در تعامل با دانش‌آموز و مدرسه چه خطاهایی داشته‌ایم. در تشکیلاتمان در این سازمان کجا مانعی بوده است که سبب شده، فهرستی که این قدر برایش کار می‌کنیم، در کتاب ما نیاید. یعنی حداقل این است که بنده رئیس سازمان هستم، باید بگویم خانم کیا شما آن فهرست را به من بدهید تا روی آن تأمل کنم. کتاب که از دفتر تألیف به دست من رسید و من دیدم در انتهای آن فهرست را نگذاشته‌اند، خودم به چاپ و نشر بگویم که این فهرست را در آخر این کتاب بگذارید. چرا تا حالا این کار را نکرده‌ایم؟ در بخش آی تی هم باید از همین امروز پیگیری کنند که زیرساخت‌های مورد نیاز شبکه رشد چه چیزهایی



اسلام با هرگونه گرایش ضد عدالت، با هرگونه تبعیض، با هرگونه رانت‌خواری، با هرگونه قوم و خویش‌بازی و رفیق‌بازی صددرصد مخالف است

ساعت کار این مدرسه از ۹ صبح شروع شود، هم معلم جوانی که از راه دور می‌آید، راحت‌تر به مدرسه می‌رسد و هم دانش‌آموزی که از راه دور می‌آید راحت‌تر می‌آید. بعد هم مدرسه یک نوبته است. ظهر هم کمیته امداد ناهار می‌دهد و استراحت می‌کنند و بعد از ظهر هم هستند تا ساعت چهار و بعد هم به خانه می‌روند. این یک مدل است. اصلاً این تصمیم را به عهده مدیر مدرسه بگذاریم. مدرسه ما باید یک مدرسه دانا باشد. مدرسه هوشمند هم خوب است، اما هوشمند قدری با معانی دیگری آمیخته شده و از آن دانایی درآمده است. امروز به مدرسه‌ای که زیادتر دوربین در آن کار می‌گذارند، می‌گویند هوشمندتر است. اما از نظر من این طور نیست. مدرسه باید دانا، عاقل و فرهمند باشد. مدرسه‌ای باشد که در واقع خودش خودش را مدیریت کند. مدرسه‌ای باشد که به دنبال خود تحولی باشد. چنین مدرسه‌ای خودش مشخص می‌کند که کی بیایند و کی بروند. ما به جای اینکه پنج شنبه‌ها را بر اساس بخشنامه تعطیل کنیم، می‌توانستیم بگوییم مدارس ما یک روز در طول هفته تعطیل باشند. این یک روز می‌تواند به دو نیم روز هم تبدیل شود. مثلاً ممکن است مدرسه بخواهد بعدازظهر یکشنبه و صبح سه‌شنبه را تعطیل کند، اما پنجشنبه دایر باشد. چه اشکالی دارد؟

است. باید زیرساخت قوی برایش درست کنیم که حداقل یک میلیون کاربر بتوانند هم‌زمان از آن استفاده کنند. باید ببینیم چه کار لازم است انجام شود. اگر باید بودجه بگیریم، خوب بگیریم. خوش‌بختانه در مخابرات و وزارت ارتباطات دوستان ما هم جوان هستند هم همراه و آماده‌اند که این کار را انجام بدهند.

به نظر ما باید مقداری این فضا را عوض کنیم. ممکن است در این راه چند نفر بر اساس برداشت‌های نادرست خودشان گله‌مند شوند. این وسط شیطان هم به کار می‌افتد. کسانی هم هستند که این وسط شیطنت می‌کنند و حرف‌هایی می‌زنند. اما اصلاً این طور نیست. من اینجا عرض می‌کنم، هیچ فردی از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیرون نخواهد رفت. یعنی ما نمی‌گذاریم کسی بیرون برود. همه دوستان باید باشند، اما باید افرادی هم اضافه شوند. وقتی می‌خواهیم چنین کار سنگین تحولی انجام دهیم، نیاز داریم نیروهای دیگری هم به ما کمک کنند. باید همدلانه کمک کنیم تا این ۱۱ حوزه یادگیری شکل بگیرند. چهار دوره که باید برای مدرسه کار کنیم. آقای رهبری نژاد کارگروهی را تشکیل داده‌اند تا ببینیم هر کدام از مسئولان و گروه‌های دوره‌ای ما با نگاهشان به مدرسه، چه نیازی احساس می‌کنند. چه کمبود و چه خلأیی وجود دارد؟

ما باید چند مدل داشته باشیم. نمی‌توانیم با یک متر همه مدارس را اداره کنیم. چه کسی گفته است، همه مدارس باید ساعت هشت صبح شروع شوند؟ ممکن است لازم باشد مدرسه‌ای در یک منطقه ساعت ۹ صبح شروع شود؛ مثل همین مدرسه‌ای که ما در بشاگرد دیدیم. اگر





خانواده‌ها بیایند بحث کنند و نظر بدهند؛ به خصوص در جاهایی که جمعیت کمتر است و ارتباط بیشتری با هم دارند.

ما فکر می‌کنیم همه جا تهران است و همه جا خیابان ایرانشهر است. نه همه جا این‌طور نیست. در همین تهران به منطقه ۱۶ و یا ۱۸ و یا منطقه ۲ بروید، واقعاً وضعیت با جاهای دیگر فرق می‌کند. من زمانی که در دفتر تألیف در خدمت دوستان بودم، بارها می‌گفتم ما که زیر این سقف نشسته‌ایم، خیلی مسئول هستیم. بسیاری از استرس‌ها و چشم و هم‌چشمی‌ها ناشی از کارهایی هستند که ما انجام می‌دهیم. ما باید ایرانی بیندیشیم و برنامه‌ریزی کنیم، نه ایرانشهری. گاهی تصمیم‌گیری‌ها ایرانشهری‌اند نه ایرانی. ایران کشوری بزرگ و با عظمت با ۱۴ میلیون دانش‌آموز است. ما در اسناد و در برنامه‌داری ملی توجه به تفاوت‌های فردی آورده‌ایم، اما این هنوز شعار است. همین دیروز دانش‌آموزی خیلی قشنگ از من پرسید: «چرا شما کتابی نمی‌نویسید که منطقه‌بشاگرد را معرفی کند و ما بدانیم که بشاگرد چه جایی است؟» ۱۰-۱۲ سال قبل یکی از دوستان کتاب استان‌شناسی را نوشت. برای اینکه بچه‌های هر استان حداقل بدانند که استانشان چه مفاخری، چه پیشینه‌ای، چه امکاناتی و چه ظرفیتی دارد و بداند چه کاری می‌تواند برای استانش انجام دهد. به او گفتم: حرف شما درست است.

من معتقدم باید اسم آن دانش‌آموز بشاگردی را بگیریم و این ایده را به اسم او ثبت کنیم تا دانش‌آموزان دیگر بفهمند که ایده‌نگاشت و تألیف کتاب درسی که منطقه‌بشاگرد در آن معرفی شده، از کجا آمده و اجرا شده است. کاری کنیم

﴿

مدرسه باید دانا، عاقل و فرهنگمد باشد.
مدرسه‌ای باشد که در واقع خودش
خودش را مدیریت کند. مدرسه‌ای باشد
که به دنبال خود تحولی باشد

﴾





این پنج عنصر را در ما ارتقا بدهد، باید استقبال کنیم. ما به انگیزه نیاز داریم. ما نباید بعد از ۳۰-۲۰ سال خدمت بگوییم این همه خدمت کرده‌ایم، حالا نوبت جوان‌هاست. بله جوان‌ها هم بیایند، ولی نه اینکه غیر جوانان بروند. آن‌ها هم باید باشند و کمک کنند تا تجربه‌ها منتقل شوند.

حضرت امام که امروز تولدشان است، نمونه چنین انسانی بودند. ایشان در سن ۸۵ سالگی انگیزه‌اش برای کار و تلاش و پیگیری هدف‌ها کم نشده بود. شما در صحیفه امام می‌بینید که امام با چه انگیزه و با چه نگاه عمیق و افق گشایی بالایی حرف می‌زند؛ آن‌هم از جایگاه یک فرد خودباور. فردی که نگاهش به خودش و به ملت و به جامعه اسلامی و به جهان است و می‌گوید ما می‌توانیم. ان‌شاءالله سازمان ما هم بتواند چنین کاری را انجام بدهد. رویکرد ما نباید به جای نظارت رقابت بشود. باید با تولیدکنندگان مواد کمک آموزشی جلسه بگذاریم و بگوییم مواد آموزشی تولید کنید. بیایید کتاب دینی پایه پنجم را شما بنویسید. ما باید انحصار تعریف را بشکنیم. یعنی نباید در یک مصاحبه تلویزیونی به من بگویند که نویسنده‌گان شما سال‌هاست که یک عده خاص هستند. من چه باید به آن‌ها بگویم؟ چه می‌توانم بگویم؟ می‌توانم بگویم: بله این‌ها هستند، ولی افراد دیگری هم هستند. این یک تخصص است. البته درست هم می‌گویم، این کار یک تخصص است. اما شهید بهشتی برای ما الگوی حضور است. امیدوارم خدای متعال به ما توفیق کار و تلاش بیشتر با همین همدلی، همراهی، هم‌افزایی و هم‌فکری را بدهد؛ ان‌شاءالله.

که حداقل برای بعضی از مناطق این‌گونه کارها شروع بشوند؛ مثل همین بشاگرد. اگر ما انقلابی عمل کنیم و با لحاظ همه بحث‌های برنامه درسی، برنامه‌ریزی آموزشی و... کتاب را آماده کنیم، می‌توانیم بگوییم اول سال تحصیلی ۱۳۹۸ این کتاب در بشاگرد تدریس شود تا بشاگرد در ذهن دانش‌آموز بشاگردی یک منطقه فلج و بد تلقی نشود. آنجا فرصت‌های کشاورزی دارد که در سطح ایران منحصر به فرد است. یعنی اگر دو نوع محصول در بشاگرد واقعاً کشت شود، تا ۱۰ سال بعد به یکی از ثروتمندترین مناطق کشور تبدیل می‌شود؛ البته به شرط اینکه با فرهنگ اقتصادی درستی همراه باشد. نه اینکه مثل فلان شهرستانی بشود که صادرات آن خیلی رشد پیدا کرد، ولی فقط یک طبقه نوکیسه جدید در آن شهرستان شکل گرفت که برای خانه دوطبقه‌اش آسانسور می‌گذاشت. این آفت کار است.

به یاری خدا باید این مسیر را دنبال کنیم. دوستان هم در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی در پنج شاخه نرم افزارهای آموزشی، مجلات رشد، انتشارات مدرسه، شبکه رشد و جشنواره فیلم رشد وارد عمل شوند. جشنواره فیلم رشد باید فرصتی شود برای یک چرخه و فرایند ورود دانش‌آموزان به تولید رسانه‌های تصویری. یعنی بچه‌هایی که با موبایلشان یک فیلم مستند پنج دقیقه‌ای تولید کرده‌اند، تشویق شوند. منتها بگویید فیلم تو باید فیلمی باشد که به درد من بخورد. سرگرمی محض نباشد. باید عقل مرا افزایش بدهد. من را به فکر فرو ببرد. در من پرسشی ایجاد کند. ایمان مرا ارتقا بدهد. دانش مرا بیافزاید. به معنی انگیزه فعالیت بدهد. ما از هر کسی که به ما یاد بدهد، با هر ابزاری یاد بدهد که





دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی یک سازمان یادگیرنده است

سخنان محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

در نشست برنامه‌ریزی سالانه دفتر

فروردین ماه در تنکابن انجام می‌دادیم، الان در اسفند و در این روز بسیار مبارک انجام می‌دهیم به دلیل اینکه دفتر ما دفتری است که برنامه‌ریزی خودش را در این ایام قطعی می‌کند و معمولاً در برنامه‌ریزی این‌طور بوده که رئیس محترم سازمان دیدگاه‌های خودشان و دیدگاه‌های وزارتخانه و اهم نکاتی را می‌گوید که باید مورد توجه کارشناسان دفتر قرار بگیرد. از این بابت جلسه حاضر جلسه بسیار مغتنمی است. امروز اهم نکات و رویکردهای جدید سازمان گفته خواهد شد و همه ما به استقبال این صحبت‌ها خواهیم رفت.

بسم الله الرحمن الرحيم. خدمت همه خواهان و برادران عزیز سلام و خیر مقدم عرض می‌کنم. تبریک می‌گویم این روز بسیار مبارک را که میلاد خجسته حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و همین‌طور تولد حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) است. همین‌طور خیر مقدم عرض می‌کنم به رئیس محترم سازمان، جناب آقای دکتر ذوعلم و شورای محترم مدیران سازمان. فلسفه اصلی این جلسه شنیدن فرمایشات جناب آقای ذوعلم است. این بخش بسیار اهمیت دارد. کاری که ما معمولاً در اواخر



در معاونت سامان‌دهی دفتر و حضور بسیار مؤثر بانوانی است که در این بخش خدمت می‌کنند. البته این موضوع هیچ چیز از همه عزیزان ما که در بخش‌های دیگر مشغول خدمت هستند، مثل سردبیران بزرگوار، مدیران داخلی که اغلب از بین خواهران انتخاب شده‌اند و همه گروه‌های دیگر کم نمی‌کند. اما می‌خواهم بگویم آنچه خودش را در دفتر ما در بخش سامان‌دهی نشان می‌دهد نقشی است که خانم‌ها ایفا می‌کنند و در ذاتشان آن نظم و انضباط،

اما من اجازه می‌خواهم چند نکته را بگویم. اولین نکته اینکه یکی از توفیق‌های «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» به نظر من حضور بسیار مؤثر و تعیین کننده خواهرانی است که در این دفتر حضور دارند. یعنی تردیدی ندارم که اگر این دفتر توفیقاتی داشته، به سبب نظم و انضباط و حساسیت و وجوه مادرانگی است که خانم‌ها دارند و کاری را که به آن‌ها سپرده شده است را از آب و گل در آورده‌اند. نقطه خیلی مرکزی آن هم حضور سرکار خانم فریبا کیا





همه ما باید در خدمت مدرسه، کلاس درس، دانش آموز و معلم باشیم. اگر این کار را کردیم، آدم‌های موفقی هستیم

فراغشان کار دلشان را انجام می‌دهند. ان شاء الله که در این برهه از زندگی هم موفق باشند.

نکته دیگر این است که تاکنون چهره‌های مهمی در دفتر ما رفت و آمد کرده و حضور داشته‌اند. گاه که مجله‌ها را ورق می‌زنم و به شناسنامه آن‌ها نگاه می‌کنم، واقعاً احساس افتخار می‌کنم. چون سال‌های سال با این آدم‌ها معاشرت کرده‌ام و از آن‌ها آموخته‌ام؛ تخصص‌های مختلف و هیئت تحریریه‌های بسیار مهم در همه حوزه‌ها. مثلاً در تولید مجلات دانش‌آموزی ما واقعاً افتخارانگیز است که چنین گروه‌هایی درگیر تولید محتوای مجلات رشد هستند. رشد‌های تخصصی و عمومی هم همینطورند. همه ما توفیق داشته‌ایم که از یکدیگر یاد بگیریم و به یکدیگر یاد بدهیم و این ویژگی مهمی است. البته همه سازمان این ویژگی را دارد.

دفتر ما به این دلیل که نو به نو تولیدش عوض می‌شود، دائماً در حال تولید کردن است. ما به طور میانگین هر دو روز و نیم یک مجله تولید می‌کنیم. به طور میانگین از کاری که فقط در بخش مجلات انجام می‌دهیم، ۱۰ هزار صفحه تولید می‌کنیم و این ۱۰ هزار صفحه عمدتاً تولید فرهنگی است که اینجا متولی آن است. نه اینکه خودشان تولید کنند، یعنی همکاران شهرستانی، معلمان و صاحبان قلم می‌دانند که این نقطه، نقطه‌ای است که می‌توانند حرف‌هایشان را بزنند و نقطه امنی است.

و دقت نظر وجود دارد. من بارها در دفتر از نزدیک مشاهده کرده‌ام که ایشان با چه صبوری و چه متانتی پاسخ‌گوی ناشرانی هستند که می‌آیند و می‌روند. این کارها حوصله و مدارا می‌خواهد. این کارها به احترام گذاشتن به آدمی نیاز دارد که زحمت کشیده است و کارش مشکل دارد. اینکه شما با صبوری نگاه آموزش و پرورش را به آن‌ها بگویید و آن‌ها در انتها با آرامش بیرون بروند، کار بزرگی است. نقش بانوان در این قضیه بی‌نظیر است.

خانم کیا و تعدادی از همکاران ایشان که عمدتاً از خواهران بسیار خوب کارشناس و محترم ما هستند، واپسین روزهای خدمت خودشان را می‌گذرانند که من به همه آن‌ها خسته نباشید جانانه می‌گویم. دلیل این کار پر شدن ایام خدمت این عزیزان است. من به همه دوستانی که در این روزها بازنشسته می‌شوند، خسته نباشید عرض می‌کنم. سازمان ما همواره سازمانی یادگیرنده بوده است. سازمانی بوده که این افراد فارغ‌التحصیلان آن هستند. چیزهایی یاد گرفته‌اند و حالا از این تجربه‌ای که اندوخته‌اند، حتماً بهره می‌گیرند و با روحیه‌ای که دارند، در اوقات



دفتر ما به این دلیل که نو به نو تولیدش عوض می‌شود، دائماً در حال تولید کردن است. ما به طور میانگین هر دو روز و نیم یک مجله تولید می‌کنیم

بیشتر شود، می‌تواند تعیین کننده‌تر و مؤثرتر باشد. در واقع ما وقتی در کلاس درس و در کنار بچه‌ها و با مخاطبان اصلی خودمان حضور پیدا می‌کنیم، جان تازه‌ای می‌گیریم.

نکته دیگر درباره این دفتر، شور و نشاط و لذت بردن از کار است. نه اینکه کاری تولید می‌شود، نه اینکه دیده می‌شود، نه اینکه باز خورد داده می‌شود، نه اینکه شما باز خورد می‌گیرید، این نشاط آور و شورانگیز است. لذت بخش است. کار مفیدی است. شما در هر بخشی از این فعالیت‌ها که قرار می‌گیرید، چه در بخش مدیریتی، چه در بخش تألیف و چه در بخش توزیع، این ویژگی‌ها را دارد و این نکته مهمی است.

این نکته که عرض کردم، بخشی از دریافت من بود از این سال‌هایی که توفیق حضور در دفتر را داشتم و از این بابت خدا را بسیار سپاس گزارم. شما هم حتماً خدا را شکر کنید که توفیق حضور در سازمان و فعالیت‌های آن را داشته‌اید. آدم‌های بزرگی در سازمان حضور دارند که با آن‌ها ارتباط داشته‌ایم، از آن‌ها یاد گرفته‌ایم و به نوبه خودمان، کاری را که بلد بوده‌ایم، انجام داده‌ایم.

ویژگی دیگر روابط عاطفی است که بین افراد وجود دارد؛ چه افرادی که در دفتر به عنوان نیروهای رسمی مستقر هستند، چه کسانی که قراردادی‌اند و چه کسانی که به شکل پروژه‌ای کار می‌کنند و در رفت و آمد هستند. این‌ها همه آن مواردی بوده‌اند که به نظر من باعث قوام و دوام دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی بوده‌اند.

نکته دیگری که بسیار اهمیت دارد و امروز طلوعه و آغاز آن است، برنامه سالانه دفتر است. امروز که آقای ذوعلم فرمایشاتی خواهند داشت، شما آن را به مثابه نگاهتان به برنامه سال بعد ببینید. در واقع فصل برنامه‌ریزی مجلات رشد، شبکه رشد و سامان‌دهی امروز کلید می‌خورد و هرکس به فراخور آنچه گفته می‌شود، کاری را که در سال آینده باید انجام بدهد، به عنوان برنامه یادداشت کند.

نکته دیگر رابطه ما با مدرسه و دانش‌آموزان است. همه ما باید در خدمت مدرسه، کلاس درس، دانش‌آموز و معلم باشیم. اگر این کار را کردیم، آدم‌های موفق‌تری هستیم. هرچه سفرهای استانی ما بیشتر شوند و هر چقدر این ارتباط نزدیک‌تر شود، محصولی که شما تولید می‌کنید، به واقعیت و حقیقت نزدیک‌تر خواهد بود. دفتر ما این توفیق را داشته که ارتباطش با مخاطبانش، با کف کلاس و کف مدرسه و با معلمان و دانش‌آموزان زیاد بوده است. البته باز هم عرض می‌کنم که باید زیادتر شود. این ارتباط هرچه

گفت‌وگو

ترغیب به تعالی در مسیر یادگیری

نگاهی به فعالیت‌های ۱۰ ساله دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

در گفت‌وگو با محمد ناصری، مدیر کل دفتر

محمدحسین دیزجی

شاید آن روزهایی که برای مجلات رشد داستان می‌نوشت و می‌فرستاد، این تصور در ذهنش پر رنگ نبود که چندین سال بعد، به امضای او هر ماه چند میلیون نسخه نشریه در سراسر ایران زمین به دست گسترده‌ترین مخاطبان کشور، از دانش‌آموز ابتدایی تا معلمان و کارشناسان متخصص می‌رسد تا از این مسیر بر میزان دانایی و آگاهی خود بیفزایند. ابتدا به طور رسمی در سال ۱۳۷۵ با پذیرش مسئولیت سردبیری نشریه «رشد جوان» وارد این مجموعه شد. چندی بعد معاونت مجلات رشد را هم برعهده گرفت. تا پایان سال ۱۳۷۹ هم با پست معاونت و سردبیری این دفتر را همراهی کرد و سپس به «کانون زبان ایران» رفت. روز ۱۸ آذر سال ۱۳۸۷، به دعوت دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی»، به عنوان مدیر کل «دفتر انتشارات کمک آموزشی» به این مجموعه بازگشت. از آن روز تا زمان این گفت‌وگو که در زمستان سال ۱۳۹۷ انجام شده، این دفتر مسیرهای رو به تعالی و پیشرفتی را در ابعاد گوناگون پشت سر گذاشته است که ثبت و ضبط آن‌ها خالی از لطف نیست.



بهبود و افزایش کیفیت کاغذ مجلات، شورایی شدن سردبیری نشریات رشد برای بهره‌مندی بهتر و بیشتر از خرد جمعی در تولید محتوا، نقش آفرینی و حضور پررنگ‌تر اهالی و دست‌اندرکاران مجرب و متخصص فرهنگ، هنر و ادب حوزه کودک و نوجوان کشور در نشریات دانش‌آموزی، عمومی و تخصصی رشد، انتشار مجلات به صورت الکترونیکی در کنار ارائه کاغذی آن به مخاطبان، و در دسترس قرار دادن نشریات رشد در قالب اپلیکیشن رشد برای استفاده بهتر و مطالعه دانش‌آموزان، معلمان و کارشناسان بر روی گوشی‌های تلفن همراه و تبلت، افزوده شدن دفتر تکنولوژی آموزشی به عنوان یکی از معاونت‌های این دفتر و مواردی از این دست، از جمله موضوع‌ها و نکته‌هایی است که طی ۱۰ سال اخیر به آن‌ها توجه کرده است.

در همین ارتباط باب گفت‌وگویی را با محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش گشودیم تا این دوره از فعالیت‌های دفتر را بهتر بشناسیم و مرور کنیم. باهم این مصاحبه را می‌خوانیم.

ما سالانه کارگاه‌های آموزشی متعددی را برای ناشران برگزار می‌کنیم و با دعوت از ناشران می‌کوشیم رویکردهای آموزش و پرورش را اشاعه دهیم

امروز که با هم به گفت‌وگو نشستیم، بیش از ۱۰ سال از ورود رسمی و مجدد شما به مجموعه بزرگ دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی می‌گذرد. بنا داریم نگاهی به این دوره از فعالیت‌های دفتر داشته باشیم و چه کسی بهتر از شما که اشراف کامل به مجموعه دارید. تا آنجا که من می‌دانم، فعالیت‌های بسیار ارزشمندی در طول این دهه به همت شما و همکارانتان انجام گرفته‌اند که شاید تشریح تک آن‌ها وقت بسیار و فراوان می‌طلبد. اما هدف ما تنها یک مرور است و بس. لذا با این پرسش آغاز می‌کنم که وقتی شما این مجموعه را تحویل گرفتید، دفتر دارای چه بخش‌هایی بود و چه فعالیت‌های اجرایی در آن صورت می‌گرفت؟ همچنین در ادامه، تغییرات و تحولاتی را بیان بفرمایید که عملکرد این دفتر را در ابعاد متفاوت بهبود بخشیدند.

بنده برای اولین بار به شکل رسمی در سال ۱۳۷۵ به دعوت آقای سیدمحسن گلدانساز، مدیرکل وقت دفتر، با پذیرش مسئولیت «رشد جوان» به این دفتر آمدم. البته از قبل به طور غیررسمی داستان‌هایی را در مجله‌های رشد داشتم و به این شکل با این مجله‌ها در ارتباط بودم. برخی از سردبیران آن‌ها هم از دوستانم بودند. زمانی که وارد مجلات رشد شدم، تعداد مجله‌های رشد حدود ۱۵-۱۰ مجله بود و من، سردبیر

مجله رشد جوان شدم. به فاصله کوتاهی و بعد از حدود دو سال مسئولیت دیگری با عنوان «معاون مجلات» به بنده محول شد. در همان سال‌ها اتفاقاتی رخ دادند که به تبع آن‌ها، فعالیت‌های «دفتر انتشارات کمک آموزشی» مفصل‌تر شدند. در آن زمان فقط مجلات عمومی ماهنامه که چند نسخه از آن‌ها مختص دانش‌آموزان و چند عنوان نیز مختص بزرگسالان بودند، چاپ می‌شدند. اتفاقی که رخ داد این بود که وقتی من معاون مجلات شدم و به فاصله چند ماه بعد از آن، آقای دکتر روح‌الله عالمی که رئیس سازمان پژوهش بود، از آقای گلدانساز خواست وظیفه انتشار مجله‌های تخصصی رشد را که تا آن زمان بر عهده دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی بود، دفتر انتشارات کمک آموزشی عهده‌دار شود.

می‌دانیم که اولین مجله تخصصی رشد در سال ۱۳۶۴ منتشر شد. در آن زمان مجله‌های رشد خیلی دیرتر توزیع می‌شدند. چون فرایندی برای توزیع این مجله‌ها وجود نداشت. به دلیل بی‌نظمی‌های موجود، در انتشار و توزیع مجله‌ها، انجام این کار را به آقای گلدانساز سپرد. ایشان هم از من خواست که با سردبیران و مدیران داخلی این مجلات جلساتی شبیه جلسات منظم مجلات ماهنامه داشته باشیم. به این ترتیب در سال ۱۳۷۷ سردبیران و مدیران داخلی مجله‌های تخصصی که عمدتاً از سرگروه‌های مواد درسی بودند، آشنایی پیدا کردم و مجله‌های تخصصی به مجله‌های دفتر انتشارات کمک آموزشی ملحق شدند.

رخداد دیگری نیز در سال ۱۳۷۸ داشتیم. این دفتر قبلاً دارای یک معاونت با عنوان معاونت دفتر انتشارات کمک آموزشی بود. آقای گلدانساز یک معاونت دیگر با نام

«معاونت کتاب» را به دفتر اضافه کرد که بخش سامان‌دهی کتاب‌های کمک آموزشی را راه‌اندازی کرد. معاونت جدید در سال ۱۳۷۹ با حضور آقای **محبت‌اله همتی** که اولین معاون کتاب بود، کار خود را شروع کرد. در سال ۱۳۸۰ اولین جشنواره کتاب‌های کمک آموزشی برگزار شد.

فعالیت بسیار مهم دیگری که در دوره ریاست آقای گلدان‌ساز کلید خورد، انتشار مجموعه‌ای از کتاب‌های مورد نیاز نوجوانان بود؛ کتاب‌هایی مانند «چهره‌های درخشان»، «چلچراغ»، «فرزندگان» و... به این ترتیب بخش نشر این دفتر نیز فعال شد. به علاوه، هنگامی که مجله‌های تخصصی به دفتر واگذار شدند، به تعداد عنوان‌های این مجلات اضافه شد. از جمله مجله رشد تربیت‌بدنی راه‌اندازی شد. خاطریم هست که به این منظور از آقای دکتر **عباسعلی گائینی**، از مدیران سابق تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش و استادان برجسته دانشگاه تهران، دعوت به عمل آمد و در جلسه‌ای که بنده نیز حضور داشتم، از ایشان خواسته شد مجله‌ای در زمینه تربیت‌بدنی راه‌اندازی کنند. دکتر گائینی برای یک سال این مسئولیت را پذیرفت و همچنان بعد از سال‌ها سردبیری ایشان ادامه دارد.

آقای گلدان‌ساز در تاریخ ۳۱ خرداد ماه ۱۳۷۹ از این دفتر خداحافظی کرد و مسئولیت ریاست «کانون زبان ایران» را به عهده گرفت. من نیز در پایان سال ۱۳۷۹ از این دفتر خداحافظی کردم و به کانون زبان پیوستم. تا اینکه در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۸۷ مجدداً به دعوت جناب آقای دکتر محمدیان که در همان سال به ریاست سازمان پژوهش منصوب شده بود، به دفتر بازگشتم. در فاصله سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۷ فعالیت‌های این دفتر کمی گسترده‌تر شده بود و بنا به

تصمیم رئیس جدید سازمان که مرحوم **جعفر علاقمندان** بود، سیاست حداکثری عنوان‌های مجله‌ها اجرا شد و از جمله مجله «رشد مدرسه فردا» که در حوزه IT فعالیت دارد، مجله «رشد مدیریت مدرسه» و مجله تخصصی «رشد قرآن» راه‌اندازی شدند.

❖ آیا در این فاصله که فرمودید مجله‌ای از مجله‌های رشد حذف شد؟

خیر، مجله‌ای حذف نشد، بلکه به تعداد آن‌ها اضافه هم شد. زمانی که مجدداً به این دفتر بازگشتم، آقای دکتر محمدیان چند نکته را به من متذکر شد. یکی اینکه به اضافه شدن مداوم عنوان‌های مجله‌ها اعتقاد نداریم. مثالی که در این زمینه ذکر کرد، مجله‌های رشد معارف و رشد قرآن بودند. ایشان فرمود با وجود مجله رشد معارف، لزومی برای انتشار مجله رشد قرآن وجود ندارد. این دو مجله در حقیقت یکی هستند. دیدگاه دکتر محمدیان کاملاً بر متمرکز سازی عملکرد مجله‌ها و پرهیز از موازی‌کاری مبتنی بود. بعداً هم با انتشار اسناد تحولی، آقای محمدیان در جلسات مکرر خصوصی و عمومی با سردبیران، بر هم‌سویی با اسناد تحولی تأکید داشت. برای مثال، اگر ما در حوزه یادگیری ریاضیات را داریم، باید یک مجله ریاضیات منتشر کنیم. یا در حوزه زبان و ادبیات فارسی، باید فقط یک مجله وجود داشته باشد. یا برای علوم پایه که شامل فیزیک، شیمی و ریاضی است، فقط باید یک مجله داشته باشیم. البته بنده با نظر ایشان در این مورد موافق نبودم. مطالب این علوم در یک مجله نمی‌گنجند. بنابراین سیاست دکتر محمدیان بر گسترش و تعدد عنوان‌ها نبود، مگر اینکه نیاز بسیار مهمی اتفاق بیفتد. روزی که بنده وارد دفتر شدم، یک شماره از مجله «رشد

آموزش پیش دبستانی» به عنوان شماره صفر منتشر شده بود. وقتی این مجله منتشر شد، بنده بر اساس مطالعاتی که داشتم متوجه شدم موضوع پیش دبستان موضوع مهمی است که باید ادامه پیدا کند و باید رسانه داشته باشد. همان طور که می‌دانید، موضوع پیش دبستان از یک سو به بهزیستی و از طرف دیگر به آموزش و پرورش مرتبط است. بعد از چند ماه بنده درخواست اضافه شدن مجله جدیدی با عنوان «رشد آموزش پیش دبستانی» را عنوان و دریافت مجوز انتشار آن را در معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیگیری کردم و این مجله به مجله‌های ما اضافه شد.

بعد از چند سال با موضوع کودکان استثنایی درگیر شدیم و آقای محمدیان نیز از این موضوع حمایت بسیاری کرد و آقای همتی نیز در این عرصه اقدامات بسیاری داشتند. به این ترتیب دو نوع مجله به مجله‌های ما اضافه شد: یکی مجله «رشد روشن» برای نابینایان و دیگری همین مجله‌هایمان منتها در قطع و فونت‌های بزرگ‌تر برای کم بینایان. به بیان دیگر، مجله‌های کودک، نوآموز، دانش‌آموز، نوجوان و جوان با همان محتوا و گاه با حذف برخی از محتواها در قطع و فونت بزرگ‌تر چاپ می‌شد. پس از گذشت دو سال و به دلیل مسائل مالی موجود، آقای محمدیان به اتفاق دست‌اندرکاران تصمیم گرفتند مجله کم بینایان حذف شود و مجله رشد روشن همچنان به کار خود ادامه دهد و هنوز هم ادامه دارد. انتشار این مجله یکی از کارهای بسیار دلنشین و قابل احترام دفتر است و مخاطبان آن نیز ارتباط نزدیکی با دفتر دارند. چون این مجله تنها مجله‌ای است که در میان مجلات رشد به شکل رایگان ارائه می‌شود و هیچ یک از مجلات ما رایگان نیست. در واقع ما مجله‌های رشد روشن و رشد پیش دبستانی

را اضافه کردیم و انتشار «رشد جوانه» نیز به صورت منظم‌تری صورت گرفت و از آن پس این مجله را به شکل الکترونیکی منتشر کردیم؛ البته به غیر از فصلی که در آن جشنواره برگزار می‌شد و به شکل کاغذی انتشار می‌یابد.

با ورود من به این دفتر رخداد دیگری داشتیم که ظاهری تلخ داشت و باطن آن برای این دفتر شیرین بود. آقای **علیرضا حاجیان زاده**، مدیرکل پیشین این دفتر، به بنده گفت که برای یارانه مجلات رشد تخصصی که بسیار گران‌تر از قیمت روی جلد تولید می‌شوند، سازمان همیشه ۱۵۰ میلیون تومان به ما کمک می‌کرد (در سال ۱۳۸۷). از ایشان درباره دلیل گفتن این موضوع سؤال کردم، ایشان گفت: از زمانی که آقای دکتر محمدیان آمده، این مبلغ به ما پرداخت نشده است. در همان ماه اول ورودم به دفتر، نامه‌ای با این مضمون که «خواهشمند است طبق سنوات گذشته مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان به حساب مجلات رشد واریز شود» برای آقای محمدیان نوشتم و این نامه را به دفتر ایشان بردم و با عنوان کردن یک مقدمه به ایشان تقدیم کردم.

ایشان نامه را خواند و با خنده کناری گذاشت و گفت که به مجلات رشد ریالی کمک نخواهند کرد، چون یکی از موفقیت‌های مجله‌های رشد این است که خودگردان هستند. بنده عرض کردم که بحث مجله‌های تخصصی مطرح است. ایشان گفت که مجله‌های تخصصی را نیز خودگردان کنید و اگر مقرون به صرفه بود ادامه دهید و در غیر این صورت انتشار آن‌ها را ادامه ندهید. همچنین ایشان درباره سیاست خود که پرهیز از گسترش مجله‌ها و بلکه تجمع آن‌هاست صحبت کرد. به ایشان عرض کردم: این کمک مالی قبلاً رایج بوده و چرا الان قطع شده است؟ ایشان دوباره خندید و گفت:

ما جشنواره‌های متعددی را برگزار می‌کنیم و یکی از آن‌ها جشنواره تولید محتوای الکترونیکی دانش‌آموزان و معلمان است

نسخه کمتر باشد. به این ترتیب بنده دستور جمع‌آوری آمار دقیق سفارش‌ها را دادم. این موضوع با انتصاب آقای **سید کمال شهابلو** به معاونت دفتر مقارن شد. ایشان در بدو ورودم به عنوان مشاور بنده در دفتر حضور داشت. آقای واحدی بعد از یک سال تقاضای بازنشستگی کرد و ما نیز موافقت کردیم و ایشان رفت.

آیا بعد از رفتن آقای واحدی و انتصاب آقای شهابلو، مجدداً اتفاق امحای مجله‌ها تا به حال صورت گرفته است؟

خیر. حضور آقای شهابلو برکات بسیار زیادی برای دفتر داشته که یکی از آن‌ها مدیریت بسیار عالی در انتشار و توزیع مجلات است. برای مثال، تعداد امحای مجلات یک دهم تعدادی بود که پیش از این امحا می‌شد. مثلاً در سال ممکن بود حدود ۲۰۰ هزار مجله اضافه بیاید. به طور مثال استان‌های گرمسیر مانند خوزستان به دلیل گرمسیر بودن منطقه، در ماه‌های گرم سال دانش‌آموز ندارند. لذا نمی‌توانند مجله‌ها را توزیع کنند و ما در تعداد مجله‌های آن‌ها تجدید نظر و آن‌ها از آمار خود خارج کردیم. البته اخیراً این استان زودتر از موعد نامه‌ای مبنی بر عدم درخواست مجله‌های فروردین، اردیبهشت و خرداد را برای ما ارسال کرده است. یا در سال‌های اول ورود ما به دفتر، استان‌هایی بودند که درخواست مجله می‌دادند و سپس آن را لغو می‌کردند. به این ترتیب مجله‌ها اضافه می‌آمدند. ما از این اضافه‌ها در مناطق

با این شرایط کارها را پیگیری کنید و اگر به مشکل برخوردید با هم صحبت خواهیم کرد. بنابراین از کمک مالی ناامید شدیم و درباره چگونگی اداره مجله‌های تخصصی اندیشیدیم. در اوایل ورود بنده نامه‌ای که آقای فریدون واحدی آن را تنظیم کرده بود، به دست من رسید. مضمون نامه عبارت بود از اینکه: «لطفاً دستور بفرمایید، تعداد ۱/۹۹۰/۰۰۰ نسخه از مجله‌های رشد امحا شود.» بنده در پاسخ گفتم که این درصد زیادی از مجله‌ها را شامل می‌شود و چرا از شمارگان ۳۲ میلیون مجله باید حدود دو میلیون امحا شود؟ در پاسخ گفتند این که قاعده مطبوعات است و امحای پنج درصد مشکلی ایجاد نمی‌کند.

دلیل دستور بر امحای این تعداد از مجله‌ها چه بود؟

چون تعدادی از مجله‌ها (مجله‌های فروردین و دوره قبل) فروش نرفته بودند. از این موضوع بسیار ناراحت شدم. به نظر بنده اساس شمارگان مجله‌ها سفارش آن‌ها بود. با توجه مسئله و اینکه سال‌های قبل نیز دو میلیون از مجله‌ها امحا شده‌اند، سعی داشتند از بنده رضایت بگیرند. برای آن سال این موضوع را پذیرفتم و قرار شد در آینده این کار را به خوبی مدیریت کنم و در صورت لزوم و وجود تقاضا تجدید چاپ صورت گیرد. بنده با مدیرعامل «شرکت افست» که در آن زمان آقای **علی طارمی‌راد** بود، درباره مجله‌های رشد کودک، نوآموز و دانش‌آموز صحبت کردم و گفتم: اگر برای مجله‌های کودک، مثلاً ۷۰۰ هزار نسخه سفارش دهیم و مجدداً تقاضای ۵۰۰ هزار نسخه داشته باشیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ ایشان گفت: اتفاقی نمی‌افتد و سفارش شما انجام خواهد شد، فقط تعداد افزایش سفارش نباید از ۲۰۰ هزار

یکی از فعالیت‌های ما در این دفتر، جلب توجه معلم و دانش‌آموز به رسانه‌های دیگر، اعم از قطعه فیلم، عکس، انیمیشن، صدا و صوت بوده است

محروم و با افغانستان استفاده می‌کردیم. علاوه بر این، برخی نهادها مثل کتابخانه‌ها، مجلات را از ما می‌خریدند و یا به شکل رایگان به برخی نهادها واگذار می‌کردیم. به این ترتیب توزیع مجله‌ها کاملاً سامان‌دهی شد و در اینجا لازم است، از آقای شهابلو و تیم همکار ایشان به طور ویژه یاد کنم. آقای شهابلو بحث سامان‌دهی توزیع را یکی از سیاست‌های مهم دفتر می‌دانست و به طور جدی در آن فعالیت کرد.

نکته دیگر اینکه مجله‌های رشد از شرکت افست با بند شیرینی بسته و با کامیون به انبارهای واقع در خیابان روبه‌روی شرکت افست برده می‌شدند. در نتیجه به هر مجله حدود دو تومان یا ۱۸ ریال هزینه باربری تعلق می‌گرفت. این موضوع هم باعث آسیب رسیدن به مجله‌ها و هم اضافه شدن ۲۰ ریال به بهای مجله می‌شد. بستن مجله‌ها با بند شیرینی از نظر ما بی‌سلیقه‌گی بود. ما تقاضای «شرینک» مجله‌ها و تغییر بسته‌بندی را به شرکت دادیم. با این کار مجله‌ها با کمترین خسارت به دست مخاطب می‌رسیدند. شرینک مجله‌ها با مشمع از آسیب دیدن آن‌ها در اثر بارندگی نیز جلوگیری می‌کند. در عمل شرینک، ۱۰۰-۸۰ نسخه از مجله‌ها با استفاده از پلاستیک ضخیم بسته‌بندی می‌شوند. در گام‌های بعدی درباره اضافه هزینه ۲۰ ریال تمهیداتی اندیشیده شد و مجله‌ها به جای انتقال به انبارها، به دست مصرف‌کننده می‌رسید. به این ترتیب ما ۲۰ ریال را ذخیره

کردیم. این هزینه‌ها به انتشار مجله‌های تخصصی که یارانه آن‌ها قطع شده بود، کمک کرد. همچنین با این اتفاق امحای دو میلیون مجله نیز حذف شد. در کل ما سیستم توزیع خود را از انبارها به خود شرکت افست منتقل کردیم و از یک جابه‌جایی بی‌جهت و اضافه‌جلوگیری کردیم و بدین ترتیب یک واسطه حذف شد.

بعد از حدود دو سال از ورود من به دفتر، به نمایندگی از سازمان و به عنوان عضو هیئت مدیره شرکت افست در آن شرکت حضور یافتیم و بدین ترتیب در جریان همه اتفاقات شرکت افست قرار گرفتیم. چون شرکت افست چاپخانه بود باید بابت کاری که انجام می‌داد، مالیات می‌پرداخت. اتفاق بزرگ دیگری که در زمان آقای گلدانساز افتاد این بود که در اواخر دوره آقای طارمی در افست و طی شش سال اخیر، این اندیشه که مالیات پرداختی از طرف شرکت افست در حقیقت از طرف ما پرداخته می‌شود، شکل گرفت. شرکت افست نیز مالیات میلیاردی پرداخت می‌کرد. بنابراین چون به ناشران مالیات تعلق نمی‌گرفت، شرکت افست به عنوان ناشر مجله‌ها در نظر گرفته شد و به این ترتیب، با این تغییر عنوان کل مالیات‌ها حذف شد. همه این اقدامات سبب پایین آوردن قیمت مجله‌ها شد.

❶ با حذف مالیات از شرکت افست، چگونه این مبلغ به دفتر کمک می‌کرد؟

همیشه قیمت تمام شده مجله در نظر گرفته می‌شود. با حذف مالیات، مجله در قیمت پایین‌تری به چاپ می‌رسد. با این کار، هم به افست، هم به دفتر و هم به سازمان (چون کتاب‌های درسی هم در افست چاپ می‌شوند) کمک بزرگی شد. پرشمارگان‌ترین مجله‌های ما مجله‌های دانش‌آموزی



هستند و یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های بنده برای کار در این دفتر بودند. چون اگر فرض کنیم کل شمارگان مجله‌های ما ۴۰ میلیون نسخه در یک سال باشد، از این تعداد حدود ۳۷ میلیون آن دانش‌آموزی است؛ یعنی مجله‌های کودک، نوآموز، دانش‌آموز، نوجوان و جوان. ما مجله‌هایی با شمارگان دو هزار و چهار هزار داریم. «رشد معلم» در حدود ۱۸ هزار نسخه و «رشد مدرسه‌فردا» ۱۶ هزار نسخه به چاپ می‌رسند. به دلیل اشراف در این حوزه، بنده در بدو ورودم دو اقدام انجام دادم: اول اینکه نوسازی و حضور افراد حرفه‌ای‌تر در مجله‌های دانش‌آموزی اتفاق افتاد.

❖ دلیل این کار شما چه بود؟

به دلیل این که بنده مجله‌های رشد را سرمایه‌م‌می‌دانم و عقیده دارم که برای تولید آن‌ها باید به دنبال بهترین و عالی‌ترین افراد کشور برویم. در بدو ورودم، وقتی مجله کودک را مشاهده کردم، متوجه شدم که یک استاد دانشگاه سردبیر آن است. بنده در همان سال ۱۳۸۷ که آمدم، در سه ماه اول کل بدنه مجلات دانش‌آموزی را مطالعه کردم و تغییر دادم. به نظر بنده، رشد کودک که برای بچه‌های پیش دبستان و اول دبستان چاپ می‌شود، مجله‌ای بسیار مهم است. چون در این حوزه‌ها قبلاً آشنایی و مطالعه داشتم، بهترین فرد را سرکار خانم شکوه قاسم‌نیا می‌دانستم. بنده از ایشان دعوت کردم و وقتی ایشان دعوت مرا پذیرفت، تقریباً همگان تعجب کردند. یکی از افرادی که بسیار متعجب شد، استاد بنده، مرحوم جناب آقای امیرحسین فردی بودند. ایشان به خاطر دعوت و جذب خانم قاسم‌نیا به بنده احسنت گفت. برای رشد نوآموز خانم افسانه موسوی گرمارودی را دعوت کردم. برای رشد دانش‌آموز از آقای شهرام شفیعی

دعوت کردم و برای رشد نوجوان آقای حبیب یوسف‌زاده را در نظر گرفتیم. سردبیر رشد جوان که آقای ناصر نادری بود و در این حوزه شناخته شده بودند، تغییر نکرد. این تغییرات در سال‌های آینده نیز ادامه داشت. مثلاً آقای یوسف‌زاده در مجله نوجوان از من خواهش کرد که در مجله دیگری فعالیت کند و بنده آقای علی اصغر جعفریان را جایگزین کردم. یا چند سال بعد، در مجله دانش‌آموز نیز تغییری انجام گرفت و از آقای بابک نیک‌طلب برای همکاری دعوت کردم. چون آقای نادری سردبیر رشد جوان، به عنوان یکی از معاونان دفتر منصوب شد، بنابراین از آقای محمدعلی قربانی و سپس آقای سیدامیر موسوی برای سردبیری رشد جوان دعوت شد.

❖ برداشت من از صحبت‌های شما این است که وقتی آمار ۳۷ میلیون مخاطب مجله را می‌بینیم و با توجه به تجربه برگشت مجله‌ها و خمیر شدن و از دست دادن سرمایه، نتیجه می‌گیریم که افراد فعال در این مجله‌ها باید دارای مقبولیت و محبوبیت کافی بین مخاطبان خود باشند و مجله‌ای ارائه کنند که مخاطب به دنبال آن و خواهان آن باشد تا در نتیجه شمارگان ۳۷ میلیونی افت نکند.

بله صحیح است. باید عرض کنم، از روزی که وارد دفتر شدم، آمار شمارگان مجله‌ها همواره رو به رشد بوده است و از سال ۱۳۸۷ تاکنون از این حیث افولی در مجله‌ها رخ نداده است. در حالی که در بدو ورودم جمعیت دانش‌آموزی ۱۴ میلیون بود و سپس به حدود ۱۱ میلیون کاهش یافت. البته در حال حاضر مجدداً در حال افزایش است. یعنی با اینکه جمعیت دانش‌آموزی دچار کاهش شد، شمارگان



مجله‌های ما افزایش پیدا کرد. دلیل بالا رفتن آمار مجلات، مسافرت‌های بسیار زیاد گروه‌های ما به استان‌های کشور بود. یعنی در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ به طور میانگین هر ۴۵ روز یک به یکی از استان‌های کشور سفر داشتیم. مسافرت‌ها به صورت تیمی بودند و خاطریم هست که یکی از مهم‌ترین اتفاقات یک استان در آن ماه حضور تیم ما در آن استان بود. هنگامی که به یک استان وارد می‌شدیم، افراد در سطح استان پخش می‌شدند. یک گروه ستاد بود و بنده و مسئولان و معاونان استان حضور داشتیم. حتی معاونان نیز به مدارس شهرستان‌های مختلف اعزام می‌شدند.

در سال ۱۳۸۸ متوجه شدم و آن این که مجلات رشد تا به آن روز با کاغذ کاهی یا کاغذ مکانیکال چاپ می‌شد و کاغذها کهنه به نظر می‌رسیدند و به هر استانی که سفر می‌کردیم، از بی کیفیت بودن کاغذ مجله‌ها شکایت می‌کردند. نکته دیگر اینکه خیلی از مجله‌های ما چهار رنگ و تمام رنگی نبودند و بیشتر آن‌ها یا تک رنگ بودند و یا دو رنگ. با این اوصاف تصمیم گرفته شد کاغذ مکانیکال را تغییر دهیم و کاغذ مرغوب استفاده کنیم.

❖ کاغذ مجله‌های شما از کجا تأمین می‌شود؟

به خاطر حجم بسیار بالا و قیمت مناسب، معمولاً از خارج از کشور تأمین می‌شود.

❖ آیا افست باید کاغذ مرغوب مورد نظر شما را تأمین می‌کند؟

چون به حجم بالایی از کاغذ نیاز داریم، شرکت افست به نمایندگی از وزارت آموزش و پرورش برای مقرون به صرفه شدن آن مستقیماً با کشورهای ژاپن، فنلاند، کره، مالزی، اندونزی و... ارتباط برقرار می‌کند. کاغذی به نام کاغذ

«LWC» وجود دارد که در دنیا به عنوان نمونه مناسب و خوب برای مجله‌ها شناخته می‌شود. این کاغذ گرماژهای متفاوتی دارد؛ از ۵۰ تا ۶۰ یا ۶۴ تا ۷۰ گرم. با پیگیری ما مشخص شد، گاهی قیمت این نوع کاغذ از کاغذهای مورد استفاده ما کمتر است و کاغذ بدون اینکه هزینه اضافی به سازمان تحمیل کند، تغییر کرد. به این ترتیب کیفیت عرضه به یکباره بالا رفت.

منطق دوستان قبلی این بود که مهم محتوا است و بستر عرضه محتوا اهمیت چندانی ندارد. در صورتی که بستر ارائه محتوا، انگیزه و رغبت مخاطب را افزایش می‌دهد. در این مورد رئیس سازمان نیز کاملاً همراه بود و عقیده داشت که ما باید بهترین کاغذ، بهترین چاپ و بهترین محتوا را به کودکان کشور ارائه دهیم. بنابراین ما کاغذ مکانیکال کاهی را به کاغذ LWC تبدیل کردیم و کاغذ مجلات از کاغذهای مرغوب و سفید خارجی و در یک مقطعی از کاغذ ایرانی استفاده می‌شد. تمام مجلات عمومی بنا به ذائقه‌ای که از مخاطب به دست آوردیم، چهار رنگ و تمام مجله‌های تخصصی نیز دو رنگ شدند؛ البته به استثنای رشد آموزش جغرافیا و رشد آموزش زیست‌شناسی که چهار رنگ شدند. این تغییرات ناشی از آن بود که خودم در شرکت افست حاضر بودم و در جریان کاغذ، چاپ و... قرار داشتم.

یکی دیگر از کارهای کلیدی این دفتر در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، درخواست برنامه سالانه از سردبیران بود. یعنی می‌خواستیم بدانیم که مثلاً رشد زیست‌شناسی برای سال آینده چه برنامه‌ای خواهد داشت؟ بنابراین در همه مجله‌ها به سمت برنامه محوری حرکت کردیم و همگی باید برنامه سالانه ارائه می‌کردند. مثلاً برخی مجله‌ها صرفاً از مقاله



که در چند سال اخیر در مجله‌های رشد روی آن کار کردیم، موضوع مهم «تربیت جنسی» بود. این موضوع را در برنامه مجله‌ها، از رشد کودک تا رشد مشاوره و مجله‌های تخصصی گنجاندیم.

یکی دیگر از نکاتی که در اولین سال‌های ورودم به دفتر متوجه شدم، این بود که بیشتر مجله‌های امحا شده از مجله‌های تخصصی تابستان بودند که کسی آن‌ها را نخریده بود. به سردبیران طرح افزایش تعداد صفحه‌های مجله‌های تخصصی را از ۶۴ صفحه به ۸۰ صفحه دادیم و با این کار، مجله‌های تخصصی تابستان را حذف کردیم.

● با این کار محتوا را به مخاطب منتقل کردید، اما عامل زمان را از آن گرفتید. یعنی محتوای مورد نظر را در سه فصل دیگر غیر از تابستان به مخاطب خود ارائه دادید.

بله. چون در تابستان مدرسه و مخاطبی وجود ندارد. نکته دیگر اینکه در سفرهای استانی متوجه شدیم، بچه‌های دبستانی علاقه دارند، در اردیبهشت و اوایل خرداد ماه که

استفاده می‌کردند و هیچ گفت‌وگو یا گزارشی در آن‌ها دیده نمی‌شد. یا مقاله‌ها حول یک موضوع بودند و مثلاً به موضوع‌هایی مثل یافته‌های علمی و تجربه‌های مفید ما و دنیا، سمینارهای مفید در حوزه‌های تخصصی، نقد و بررسی کتاب‌های درسی، چهره‌های علمی شناخته شده در رشته‌های گوناگون و آشنایی با اقداماتی که در آموزش هر رشته صورت می‌گیرند، نمی‌پرداختند.

در این کار دو نکته مثبت وجود داشت: اول اینکه عملکرد گروه هیئت تحریریه و شورای برنامه‌ریزی را جدی‌تر کرد. یعنی دیگر فقط سردبیر فکر نمی‌کرد و خرد جمعی حاکم شد. سردبیر برنامه را در شورای تحریریه عنوان می‌کرد و آن‌ها نیز برنامه را به ما اعلام می‌کردند. دوم اینکه مجله برای مطالب خود برنامه منظم می‌نوشت. بنده به رئیس سازمان عرض می‌کردم که برنامه را برای سال جدید و در اسفند ماه هر سال به طور سالانه در تنکابن ارائه می‌دهیم و هر پیشنهادی وجود دارد، باید در این برهه زمانی و قبل از تدوین قطعی برنامه گفته شود. برای مثال، یکی از کارهایی

سعی کردم رشدهای پرشمارگان را که بخش اصلی مجله‌های ما محسوب می‌شوند، از سلیقه فردی سردبیران خارج کنم تا شورایی اداره شوند

امتحانات خود را پشت سر گذاشته‌اند، به مجله‌های رشد بپردازند. در نتیجه رشدهای کودک، نوآموز و دانش‌آموز را در شماره چاپ کردیم و شماره ۹ را اضافه کردیم که هنوز هم ادامه دارد. البته اگر شمارگان رشد دانش‌آموز تا شماره هشت ۱/۶۰۰/۰۰۰ است، این رقم برای شماره ۹ به ۱/۳۰۰/۰۰۰ نسخه می‌رسد. اما شمارگان مجموع رشدهای دانش‌آموزی به پنج میلیون نسخه می‌رسد (۱/۳۰۰/۰۰۰ از شماره ۹ برای هر یک از رشدهای کودک، نوآموز و دانش‌آموز) و یکی از دلایل بالا رفتن شمارگان نیز همین موضوع است.

یکی دیگر از اقدامات مهم این بود که سعی کردم رشدهای پرشمارگان را که بخش اصلی مجله‌های ما محسوب می‌شوند، از سلیقه فردی سردبیران خارج کنم تا شورایی اداره شوند. این رویداد دو سال است که اتفاق افتاده و برکات بسیار زیادی دارد. فلسفه انتقال رشدهای دانش‌آموزی را از نظام سردبیری به نظام شورایی، در سالنامه سال قبل (سالنامه رشد شماره ۱۲ که در بهار ۱۳۹۷ منتشر شده است) شرح داده‌ام.

در چند سال اخیر ما در کنار مجله‌های کاغذی خود، مجله‌های الکترونیکی را نیز تهیه کرده‌ایم. البته نسخه «PDF» مجله‌ها از سال ۱۳۸۸ به طور مرتب در سایت ما موجود بوده است. ما مجلات الکترونیکی را نیز که قابلیت‌های صوتی، تصویری، متنی و عکسی بیشتر دارند، در سایت مجلات رشد داریم و در برخی از مجله‌ها از «QR»

کد» استفاده کرده‌ایم. یعنی به موازات مجله‌های کاغذی، کار الکترونیکی همه مجله‌ها نیز پیش می‌رود. حتی اپلیکیشن‌ها هم وجود دارد که افراد می‌توانند از طریق آن، مجله‌ها را در گوشی‌ها و تبلت‌ها مطالعه کنند.

بنابراین با ورود شما شمارگان مجله‌ها بهبود پیدا کرد و نسخه PDF مجله‌ها نیز برای استفاده افراد تهیه شد. البته در دسترس بودن نسخه PDF مجله‌ها نیز طبیعتاً با یک فاصله زمانی از مجله‌های کاغذی میسر می‌شود. نکته‌ای که به نظر رسید این است که وقتی مجله کاغذی بود، امکان دسترسی به محتواهای قبلی و مطالب سال‌های گذشته وجود نداشت و یا به سختی انجام می‌گرفت. ولی با آنچه که شما شرح دادید و با وجود نسخه الکترونیکی، حداقل دسترسی به آرشیو این دوره ۱۰ ساله امکان پذیر شده است.

بله، دقیقاً همین‌طور است. ضمن اینکه چون انتشار اولین مجله‌های تخصصی از سال ۱۳۶۴ آغاز شد، بعد از ورود بنده این مجله‌ها در حال نزدیک شدن به شماره ۱۰۰ بودند. لذا ما تصمیم گرفتیم، هر مجله‌ای که به شماره ۱۰۰ رسید، جشنی برای آن بگیریم و در آن از تمام سردبیران سابق و افراد مهم مجله تقدیر کنیم. اولین جشن را برای مجله رشد آموزش ریاضی گرفتیم که چند شخصیت مهم ریاضی مثل مرحوم پرویز شهریاری و مرحوم عبدالحسین مصحفی حضور داشتند. این مراسم بسیار جذاب و عاطفی بود و در آن افراد پیشکسوت و مسن‌تر شرکت می‌کردند. برای این مراسم نشان ذرین هم تهیه کرده بودیم که در واقع آرم دفتر بود که آن را با طلا ریخته بودند؛ البته با وزن کم، به طوری



مجله‌های رشد خواهند شد. اگر ممکن است بفرمایید چه تدبیرها و چه اقداماتی برای جذب بچه‌های شهرستانی انجام داده‌اید تا همچنان آن‌ها را تشنه دریافت مجلات رشد نگه دارید؟

هنگامی که مخاطب واقعی با تولیدکنندگان واقعی ارتباط داشته باشد، این علاقه‌مندی حفظ می‌شود. ما کوشیده‌ایم این ارتباط را حفظ کنیم و برای دانش‌آموزان در حد توان در حوزه تولید محتوا سنگ تمام بگذاریم. جلسات طولانی برگزار می‌کنیم و گروه‌های متنوعی از نویسندگان، شاعر، تصویرگر و... برای این کار تشکیل داده‌ایم. در واقع زیر سقف این دفتر بخشی از بهترین و مهم‌ترین نویسندگان، تصویرگران، طراحان، شاعران و همه پدیدآورندگان حوزه کودک و نوجوان در تردد و در ارتباط هستند. این افراد خود ارتباط‌هایی با بچه‌ها دارند و ما نیز از طریق سفر به استان‌ها و مدرسه‌ها و سایر برنامه‌ها، این ارتباط‌ها را وسیع‌تر کنیم.

به بیان دیگر تولیدکنندگان مطالب مجلات رشد سعی در به دست آوردن هوا و فضای مورد نظر مخاطب دارند و همه این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا محتوایی در خور علاقه‌های مخاطبان تولید شود. هنگامی که مجله‌های رشد وارد مدرسه‌های ابتدایی می‌شوند و مدیران یک و یا نیمی از روز را به مجله اختصاص می‌دهند، این به معنای مهم بودن مجله است. در دهه‌های قبل موضعین مجله‌های رشد عمدتاً از کسانی بودند که کتاب‌های درسی را توزیع می‌کردند. یعنی جزو گروه معاونت اداری-مالی-پشتیبانی بودند. اما از دوره قبل از ورود ما، معاونان آموزشی درگیر شدند و ما نیز همین روند را ادامه دادیم. وقتی معاون آموزشی آموزش و پرورش استان نماینده مجله رشد باشد، کار توزیع به کاری فرهنگی

که در آن زمان از ربع سکه کمتر می‌شد. ما این نشان را تقدیم عزیزان می‌کردیم. به علاوه، تمامی ۱۰۰ شماره قبلی را به صورت «CD» با قابلیت جست‌وجو در آوردیم. یعنی ریشه‌های تاریخ، فیزیک، زیست‌شناسی، ریاضی و... را با قابلیت جست‌وجو به صورت CD تهیه و تمام ۱۰۰ شماره قبلی را در آن تعبیه کردیم. این CD را همراه با لوح تقدیر و نشان ویژه به سردبیر تقدیم می‌کردیم. این نیز از کارهایی بود که پیش از این انجام نشده بود. البته به مناسبت دویست و پنجاهمین شماره رشد معلم نیز به صورت نمادین و به عنوان نماینده بقیه مجله‌های رشد، مراسمی برگزار کردیم و تمام رؤسای سابق و زنده سازمان و همه مدیر مسئولان مجله‌ها دعوت شدند و وزیر وقت آموزش و پرورش نیز حضور داشت و مراسمی بسیار عاطفی بود. در این مراسم تمام مدیر مسئولان مجله‌های رشد به غیر از مرحوم ایرج جهانشاهی، آقای محسن چینی‌فروشان، آقای سیدمحسن گلدان‌ساز، آقای جعفر ربانی، آقای علیرضا حاجیان‌زاده حضور داشتند. همه سردبیران رشد معلم هم حاضر بودند.

بیشتر مخاطبان مجله‌های رشد شهرستانی هستند و این یعنی ما مجله‌ای ارزان و مفید که به ارتقای فرهنگی و علمی دانش‌آموزان و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان کمک می‌کند، در راستای بسط عدالت آموزشی ارائه می‌کنیم. با مقایسه آمار می‌بینیم که شهرستان‌ها و استان‌ها نسبت به پایتخت، بیشتر مشتری مجلات ما هستند.

📌 **با توجه به اینکه دانش‌آموزان، کودکان و نوجوانان شهرستان‌ها امکان دسترسی کمتری به منابع کسب اطلاعات دارند، طبیعتاً با اتخاذ راهبرد درست توسط دست‌اندرکاران، بیشتر جذب**



تبدیل می‌شود. در واقع اجرای این برنامه‌ها در کلاس‌ها و مدرسه‌ها جزو وظایف آن‌هاست.

بدین ترتیب مدیران و معاونان مدرسه‌ها هم درگیر این موضوع می‌شوند. یعنی بدنه اصلی که در مدرسه نقش ایفا می‌کند، با این روند به ما کمک می‌کند. ما نیز تاکنون با آن‌ها جلسات سالانه داشته‌ایم و تنها سالی که این جلسه به طور مستقیم برگزار نشد، امسال بود که به دلیل مسائل اقتصادی تشکیل نشد. وگرنه طی ۹ سال گذشته برخی از جلسات در تهران و برخی دیگر در تنکابن یا مشهد تشکیل شده‌اند. البته عمدتاً در تهران بوده است. ما جلسه‌های معاونان آموزشی استان‌ها و مدیران آموزش و پرورش تهران را در دو مراسم مجزا برگزار می‌کنیم، هر سال از آن‌ها تقدیر می‌کنیم و با آن‌ها دربارهٔ منطبق مجله‌ها به گفت‌وگو می‌نشینیم و به این ترتیب همواره با این افراد ارتباط داشته‌ایم. این‌ها همگی دلیل ادامه، چاپ مجلات ما هستند.

❖ لطفاً در مورد فعالیت‌های دیگر دفتر نیز صحبت بفرمایید.

در دههٔ ۱۳۷۰، حدود ۱۰ عنوان مجلهٔ رشد منتشر می‌شد. سپس بنا به نیاز، معاونت سامان‌دهی کتاب‌های کمک آموزشی به وجود آمد و تا دههٔ ۱۳۸۰ به همین شکل ادامه داشت. از سال‌های قبل، سازمان دفتری به نام «دفتر تکنولوژی آموزشی» داشت که ادارهٔ شبکهٔ رشد، برگزاری جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد، تهیهٔ مواد و رسانه‌های الکترونیکی، ارزیابی فیلم‌های معلمان و... را بر عهده داشت. یعنی اگر قبلاً یک معاونت به این دفتر اضافه می‌شد، در سال ۱۳۹۱ این دفتر یکبار به دفتر ما ادغام شد و همهٔ بدنه دفتر تکنولوژی به این دفتر منتقل شد. اکنون در سازمان

پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تنها یک دفتر وجود دارد که دارای چهار معاون است. دفتر تألیف نظری و دفتر تألیف فنی و حرفه‌ای هر یک دارای دو معاون هستند. ولی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی چهار معاون دارد و با این تصمیم تمامی کارشناسان دفتر تکنولوژی به دفتر ما ملحق شدند. ساختمان دفتر تکنولوژی قبلاً در خیابان سمنان بود و با ساخت و سازهایی که در اینجا انجام شد، همهٔ دوستان به این محل منتقل شدند. از این تاریخ به بعد، دفتر ما به دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی تغییر نام داد.

❖ آیا الحاق دفتر تکنولوژی آموزشی به این دفتر کمکی هم به دفتر شما کرد؟

نه، در واقع دو دفتر مهم و مستقل در سازمان وجود داشت و ادغام آن‌ها واقعاً کار اشتباهی بود. هر کدام از این دو دفتر می‌توانست مدیریت خود را داشته باشد. بعد از ادغام این دو دفتر بنده مدیر کل آن شدم. حرف من به دلیل فشاری که به ما وارد شد نیست، بلکه به این دلیل است که تکنولوژی و انتشارات، با همهٔ ارتباطی که با هم دارند، دو کار و فعالیت مجزا هستند. حوزهٔ کاری آن دفتر الکترونیکی، فیلم، و مانند این‌هاست، در حالی که حوزهٔ کاری ما مجله، انتشارات و کتاب است.

❖ سؤال من این است که وقتی دفتر تکنولوژی به اینجا منتقل شد، چه اتفاقات مهمی در این دفتر رخ داد؟ با این ادغام چه تغییری در جشنوارهٔ فیلم رشد، تعداد فیلم‌های آن، تعداد مخاطبان و ارائهٔ خدمات به معلمان صورت گرفت؟ آیا با انتقال به این دفتر، همچنان مسیر فعالیت‌های قبلی طی شد؟ یا



اینکه وقتی به مجموعه شما اضافه شد، شما به عنوان مسئول بالادست این مجموعه، باعث گسترش فعالیت‌های آنان شدید؟ آیا برای فعالیت‌های آنها تدابیر خاصی اندیشیدید؟

دفتر تکنولوژی آموزشی بنا به ذائقه و علاقه رئیس سازمان به حوزه تکنولوژی، افت و خیزهایی داشته است. مثلاً زمانی که آقای رحمت‌اله مهرابی مدیرکل دفتر تکنولوژی بود و ایشان جشنواره فیلم رشد را اداره می‌کرد، بودجه‌ای کلان با نیروی انسانی وسیع و تبلیغات گسترده و حجم عظیمی از خدمات برای این کار به آن دفتر داده شد و دوره مهمی از جشنواره فیلم رشد بعد از انقلاب به آن دوره برمی‌گردد.

❖ سپس افول اتفاق افتاد و ضعیف‌تر شد.

از دیدگاه مثبت اگر بخواهیم به رویداد ادغام دو دفتر نگاه کنیم، این است که وقتی حوزه‌های انتشارات و تکنولوژی با یک مدیریت واحد دنبال می‌شوند، طبعاً ارتباط آنها با هم نسبت به زمانی که دو دفتر مستقل هستند، خیلی بیشتر می‌شود. برای مثال، وقتی شبکه رشد را داریم و می‌خواهیم برای تمام مجلات رشد از آن استفاده کنیم، باید دو دفتر ارتباط برقرار کنند. در حالی که وقتی دو دفتر ادغام شده‌اند، ارتباط مجله‌ها در یک دفتر با آن سایت خیلی غنی‌تر و راحت‌تر می‌شود. اگر مجله‌های رشد بخواهند فیلم یا قطعاتی از فیلم بسازند، به راحتی می‌توانند با بخش تکنولوژی خود مرتبط شوند و خدمات مورد نظر را تدارک ببینند و آماده کنند. فیلم رشد، مجلات رشد، شبکه رشد، سایت مجلات رشد، عکس رشد، تولیدات الکترونیکی، نظارت بر فعالیت‌های الکترونیکی، مجوز کتاب‌های مناسب و نامناسب و... از فعالیت‌های دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است.



از دیدگاه مثبت اگر بخواهیم به رویداد ادغام دو دفتر نگاه کنیم، این است که وقتی حوزه‌های انتشارات و تکنولوژی با یک مدیریت واحد دنبال می‌شوند، ارتباط آنها با هم بیشتر می‌شود.



البته نیروی انسانی همه دفترها و از جمله این دفتر در کل و به مرور کاهش پیدا کرده است. مثلاً من سال ۱۳۷۵ با پست سردبیر مجله رشد جوان وارد این دفتر شدم. در حالی که اکنون همه این پست‌ها حذف شده‌اند و فقط پست‌هایی که جنبه نظارتی دارند، باقی مانده‌اند. پست‌های رسمی مجله‌ها انگشت شمار هستند، در حالی که تعداد مجله‌ها در آن سال‌ها زیر ۱۰ نسخه بود و امروزه ۳۳ عنوان مجله وجود دارد.

❖ در مورد سامان بخشی بفرمایید. سامان بخشی از جمله کارهای بسیار با ارزشی است که در این دفتر



یکی از جشنواره‌های مهم ما «جشنوارهٔ عکس رشد» است که هر دو سال یکبار برگزار می‌شود و یکی از اهداف این جشنواره معطوف کردن توجه جامعهٔ عکاسان، اعم از آماتور و حرفه‌ای، به موضوع‌های آموزش و پرورش است

انجام می‌پذیرد و نتایج بسیار مفیدی هم داشته است. اجرای طرح سامان‌بخشی از سال ۱۳۷۸ شروع به کار کرد. دلیل این امر وجود یک سلسله کتاب‌های نامناسب در جامعه بود که به طور عادی وارد مدرسه‌ها می‌شدند. سازمان پژوهش، به منظور جلوگیری از فعالیت‌های مغایر با هدف‌های آموزش و پرورش، بر لزوم نظارت بر کتاب‌ها و تعیین حدودی برای ناشران تأکید کرد.

❖ نامناسب از نظر محتوای عمومی یا از نظر محتوای درسی؟ در این صورت نقش وزارت فرهنگ و ارشاد چیست؟

محتوای عمومی نیز مد نظر است. وزارت ارشاد مجوز کتاب را صادر می‌کند، اما تشخیص اینکه کتاب با هدف‌های وزارت آموزش و پرورش مغایرت دارد یا با استانداردهای آموزشی و تربیتی همراه است، بر عهدهٔ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است. سازمان پس از داوری کتاب چاپ شده اعلام می‌کند کدام کتاب مناسب است و می‌تواند به مدرسه وارد شود.

❖ پس طبق فرمایش شما، بخش سامان‌دهی به این دلیل تشکیل شده است که حریمی برای

کتاب‌های دارای مجوز ارشاد که می‌خواهند به مدرسه وارد شوند، ایجاد کند.

بله، دقیقاً. بدین معنا که ما از بین کتاب‌ها، کتاب‌های مناسب را انتخاب و گلچین می‌کنیم. دیدگاه آموزش و پرورش برای ورود کتاب‌های آموزشی و فرهنگی-تربیتی به مدرسه، داشتن استانداردهای مشخص است. این استانداردها به تمامی ناشران و نویسندگان اعلام شده‌اند. حتی برای این کار جشنواره برگزار می‌کنیم و فهرست کتاب‌های مناسب را منتشر می‌کنیم. در مجله‌های رشد نیز این کتاب‌ها را معرفی می‌کنیم و نام بهترین‌های آن‌ها را در کتاب‌های درسی نیز می‌آوریم. بدین ترتیب ما عمل «هدایت، نظارت و هدایت» بر کتاب‌ها را انجام می‌دهیم. عمل هدایت اول را با ارائهٔ استانداردهای مورد نظر و کتاب‌های راهنمایی که تولید کرده‌ایم انجام می‌دهیم. عمل نظارت را از طریق بدنهٔ ۵۰۰ نفره‌ای از کارشناسان که بیش از ۴۵۰ نفر از آنان بیرون از سازمان هستند (این کارشناسان از معلمان مجرب، نویسندگان، هنرمند و... هستند)، روی کتاب‌ها صورت می‌گیرد. عمل هدایت دوم نیز از طریق انتشار کتابنامه و درج فهرست کتاب‌های مناسب در انتهای کتاب‌های درسی و همچنین اهدای جایزه در جشنواره و تبلیغ در مجله‌های رشد اعمال می‌شود.

اولین جشنوارهٔ کتاب رشد در سال ۱۳۸۰ برگزار شد. تا سال ۱۳۸۷ با یک روال ادامه پیدا کرد. هنگامی که من به دفتر آمدم، از آقای **محب‌اله همتی** به عنوان بنیان‌گذار این جریان، دعوت کردم به عنوان معاون به این دفتر بیاید. چون ایشان در «دفتر چاپ و توزیع» بود. آقای همتی به دفتر آمد، و کارهای سامان‌دهی با جدیت و شتاب بیشتری



دنبال شد. قدرت ناشران رو به صعود بود و وظیفه سامان دهی خیلی بیشتر از گذشته اهمیت پیدا کرده بود. با آقای دکتر محمدیان درباره تقویت این کار صحبت کردیم و ایشان چون قبلاً دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش بود، پیشنهاد کرد که این موضوع را در شورای عالی آموزش و پرورش به قانون تبدیل کنیم. مصوبه ۸۲۸ که مبنای همه فعالیت‌های ما در این حوزه است، در سال ۱۳۸۹ تصویب و سپس در سال ۱۳۹۱ آن را ابلاغ کردند. این مصوبه در مورد سامان دهی منابع آموزشی است و چکیده همه فعالیت‌ها در آن آمده است.

ما به مدت دو سال و از سال ۱۳۸۸، با شرکت در جلسات متعدد می‌کوشیدیم این مصوبه را آماده کنیم تا توسط رئیس جمهور ابلاغ شود. یعنی می‌باید تمامی حوزه‌های مرتبط، اعم از صدا و سیما و همه دستگاه‌ها به این امر کمک کنند. نتیجه جلسه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش این مصوبه بود. ۱۰ سالی که این مصوبه، اوایل به همت آقای همتی و بعد با زحمات بی‌دریغ خانم فریبا کیا، در حال اجراست و در حال حاضر یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های وزارت آموزش و پرورش محسوب می‌شود. با اجرای درست این مصوبه کمک شایانی به پیشبرد اهداف آموزش و پرورش می‌شود. چون در این مصوبه نحوه مشارکت بخش خصوصی نیز معین شده است.

طرح سامان دهی به نویسندگان، ناشران یا فیلم‌سازانی که خارج از آموزش و پرورش در حال فعالیت هستند، چه کمکی می‌کند؟ چون هر یک از آنها قطعاً منافع خود را می‌بینند. برای مثال، اگر برای نویسنده‌ای منفعتی نداشته باشد، وارد این حیطه نخواهد شد. زمانی ناشر یا فیلم‌ساز خود را

با این سامان دهی همراه خواهد کرد که منفعتی نیز برای خود ببیند.

اولین منفعت سامان دهی این است که استانداردها به روشنی اعلام شده‌اند. وقتی از کتابی در حوزه فیزیک یا ریاضی به عنوان کتاب مناسب نام می‌بریم، باید مطابق با اسنادی به نام «راهنمای تولید کتاب» باشد که به صورت دقیق منتشر شده و استانداردهای ما را به خوبی بیان کرده است. ناشر نیز طبیعتاً قصد حرکت برخلاف جریان آموزش و پرورش را ندارد و این استانداردها به مسیر درست ناشران کمک خواهد کرد. ما سالانه کارگاه‌های آموزشی متعددی را برای ناشران برگزار می‌کنیم و با دعوت از ناشران می‌کوشیم رویکردهای آموزش و پرورش را اشاعه دهیم.

بعد از مرحله اعلام استاندارد به ناشران، بر کارهای آنان نظارت می‌کنیم و کتاب‌های استاندارد را به عنوان کتاب‌های مناسب اشاعه و ترویج می‌دهیم. اشاعه عادی آن‌ها، آوردن نام کتاب‌ها در کتابنامه رشد و بالاتر اینکه در کتاب‌های درسی نیز ذکر می‌شوند و بالاتر از آن هم اینکه در جشنواره معرفی می‌شوند. در مورد فیلم‌های آموزشی نیز استانداردهای مشخصی وجود دارند و شورایی به نام «شورای حمایت از اکران فیلم» داریم که فیلم‌هایی را که مناسب مدرسه، دانش آموز و معلم هستند، بررسی می‌کند و در مورد نمایش این فیلم برای رده سنی مشخصی نظر می‌دهد. این نتیجه به مدارس بخشنامه می‌شود. اگر مدرسه‌ای نیز بخواهد بچه‌ها را به سینما ببرد، فیلم مناسب بچه‌ها به صورت بخشنامه به مدارس اعلام می‌شود. اگر معاونت پرورشی قرار است برای تجهیز کتابخانه مدارس ۱۰ میلیارد تومان هزینه کند، طبیعتاً از فهرست کتاب‌های مناسب که اعلام شده است،



استفاده می‌کند. نکته تأکیدی بنده این است که در بخش سامان‌دهی بدنه کارشناسی ما، افراد در اینجا مستقر نیستند و ترکیبی از معلمان برجسته، مؤلفان کتاب‌های درسی، نویسندگان و... هستند.

❖ **یعنی وقتی این دفتر کتابی را معرفی می‌کند، بدین معناست که آن کتاب از فیلترهای قابل توجهی که دغدغه‌های آموزش و پرورش را منعکس می‌کنند، عبور کرده است و افراد می‌توانند با اعتماد کامل آن را برای فرزندان خود تهیه کنند. خب اگر از این موضوع هم بگذریم، به بحث سایت‌های اینترنتی می‌رسیم. درباره سایت‌های دفتر برایمان بیشتر بفرمایید.**

مهم‌ترین نکته در مورد سایت‌ها این است که هر دفتری در سازمان پژوهش یک سایت اختصاصی دارد؛ مانند سایت دفتر تألیف، سایت دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، سایت معاونت پشتیبانی سازمان و... سایت دفتر ما اطلاعات زیاد و خوبی در اختیار دارد. همچنین تولید خبر به صورت دائم در این سایت انجام می‌گیرد.

❖ **لطفاً نشانی اینترنتی سایت دفتر را بفرمایید.**

نشانی «سایت مجلات رشد» www.roshdmag.ir است. سایت دیگری معروف به «شبکه ملی مدارس ایران» داریم به نشانی www.roshd.ir، که در دهه ۱۳۸۰ از نظر کلیک‌خور بودن در صدر بود و «تبیان» و سایر سایت‌ها در رده‌های بعدی بودند. یکی از بخش‌های این سایت «دانش‌نامه» است و در آن می‌توان درباره انواع موضوع‌های علمی مثل نجوم جست‌وجو کرد. در واقع این سایت تمام موضوع‌های علمی را برای حوزه دانش‌آموزی و حتی معلمان پوشش می‌دهد. اخیراً با فعالیت‌های صورت گرفته، این سایت در حال تبدیل

شدن به یک سایت تعاملی است. مثلاً برای پایه دوم دبستان یا پایه دوازدهم مجلات رشد و دانش‌نامه وجود دارد. سؤال‌ها و رشته‌های دانشگاهی مرتبط نیز در این سایت آورده شده‌اند. یکی از محاسن تلفیق این است که بخش انتشارات دفتر و تولیدات تکنولوژی در این سایت معرفی شده‌اند و مخاطبان هم‌زمان به تمام اطلاعات به صورت یکجا دسترسی دارند. تا سال قبل این سایت به صورت یکطرفه فعالیت می‌کرد و وقتی بحث تعامل پیش آمد، تغییرات اساسی در این سایت صورت گرفت.

❖ **تعامل به چه معناست؟ آیا مخاطب می‌تواند چیزی به آن اضافه کند؟ آیا به عنوان یک معلم یا دانش‌آموز امکان اضافه کردن مطلبی در این سایت وجود دارد؟**

بله این امکان و یا امکان پرسش در آن وجود دارد و کارشناسانی هستند که به سؤال‌ها پاسخ می‌دهند. برای مثال، در بخش تعاملی معلمان، برای کتاب جدید التألیف مطالبی درباره منطق کتاب و نحوه تدریس آن به صورت فیلم آورده شده است.

❖ **یعنی مخاطب دانش‌آموز یا معلم می‌تواند محتواهای خود را در این سایت ارائه کند و بعد از بررسی کارشناسان در سایت ارائه می‌شود؟**

بله. ضمن اینکه برای تعامل، این سایت باید شما را بشناسد. یعنی با کد ملی می‌توان به سایت وارد شد و امتیازات خاص خود را دارد. به این صورت نیست که هر کسی بتواند هر مطلبی را در آن بنویسد.

❖ **این از اقتضات هر سایتی است و در**



روابط عاطفی و بسیار عمیق دوستانه، و خواهرانه و برادرانه‌ای که در این دفتر وجود دارد، یکی از مهم‌ترین عوامل دوام و قوام فعالیت‌های دفتر است

سایت‌هایی مثل تبیان مخاطب می‌تواند با سایت ارتباط برقرار کند و کارشناسانی هستند که درباره صحت و سقم محتواهای ارائه شده نظر می‌دهند و با سنجش سلامت مخاطب، مطلب را ارائه می‌کنند. آیا مخاطبان ما (معلمان و دانش‌آموزان) وقتی محتوایی را در سایت ارائه می‌دهند به نام خودشان در سایت درج می‌شود؟

کمک معلمی، نرم‌افزارهای قرآنی-پرورشی، نرم‌افزارهای تربیت‌بدنی و حوزه سلامت، نرم‌افزارهای فرهنگ و دایره المعارف، نرم‌افزارهای بازی و سرگرمی، نرم‌افزارهای آزمایشگاه و کارگاه مجازی و... این جشنواره از سال ۱۳۸۲ توسط دفتر فنی و حرفه‌ای برگزار شده و همچنان ادامه پیدا کرده است. یکی از فعالیت‌های ما در این دفتر، جلب توجه معلم و دانش‌آموز به رسانه‌های دیگر، اعم از قطعه فیلم، عکس، انیمیشن، صدا و صوت بوده است.

بله. البته قابل ذکر است که ما جشنواره‌های متعددی را برگزار می‌کنیم و یکی از آن‌ها جشنواره تولید محتوای الکترونیکی دانش‌آموزان و معلمان است. مثلاً در سال گذشته ۲۰۰ هزار قطعه محتوای متنوع تولید شد. یکی از اهداف برگزاری این جشنواره تشویق تولید محتواهای غیر مکتوب است؛ با توجه به اینکه مانند گذشته رسانه‌ها فقط شامل رسانه‌های مکتوب نیستند. هدف دیگر آن توسعه و تعمیم فرهنگ تولید محتوای الکترونیکی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند یادگیری است. برای مثال، در تولید محتوا، معلم برای فهم یک مفهوم فیزیکی قطعه‌ای را تولید می‌کند، یا دانش‌آموز پاورپوینتی تهیه می‌کند و یا یک عکسی با هدف علمی، آموزشی و فرهنگی تهیه می‌شود. این محتواها می‌توانند در جشنواره شرکت کنند.

در مورد roshd.ir توضیح کافی ارائه کردید. لطفاً درباره roshdmag.ir نیز توضیح دهید و اینکه این سایت قبل از شما نیز وجود داشت؟

این سایت در گذشته فعالیت بسیار ضعیفی داشت ظرف ۱۰ سال گذشته رونق بسیار بالایی پیدا کرد. اگر سرفصل‌های سایت roshdmag.ir را ببینید، متوجه می‌شوید که هر روز جنبه اطلاع‌رسانی و خبری دارد و مواردی که مربوط به دفتر است، در آن جا اطلاع‌رسانی می‌شوند. مهم‌ترین محتواهای مجلات رشد تقریباً در تمام روزها به شکل خبر و چکیده در این سایت دیده می‌شود. برای مثال اگر در مجله رشد مشاور مدرسه موضوع مهمی مطرح شده باشد، چکیده آن به شکل خبر در سایت می‌آید و به همین منوال مطالب مهم درسی فیزیک، شیمی و... نیز در سایت آورده می‌شوند.

جشنواره تولید محتوای الکترونیکی دانش‌آموزان و معلمان جشنواره‌ای استانی است. برگزیدگانی در مرحله استانی انتخاب و سپس در سطح ملی و در این دفتر بررسی و داوری می‌شوند و جوایزی به افراد برتر تعلق می‌گیرد. از محصولات و محتواهای برگزیده در همین سایت استفاده می‌شود. محورهای برگزاری جشنواره در دوره‌های گذشته عبارت بودند از: درس‌افزارهای آموزشی، درس‌افزارهای





کاغذی به سرانجام رسید، می‌توانند مجله را در سایت دریافت کنند. این امکان یکی از قابلیت‌های خوب دفتر است و اگر کسی کل مجله را به صورت PDF بخواهد، می‌تواند کل مجله و یا به صورت مجزا بخشی از مجله و یا حتی بخشی از یک مقاله را داشته باشد. لطفاً در خصوص جشنواره‌های رشد مانند جشنواره‌های عکس، فیلم و سایر جشنواره‌ها توضیحاتی داشته باشید.

یکی از جشنواره‌های مهم ما «جشنواره عکس رشد» است که هر دو سال یکبار برگزار می‌شود و دوره دهم آن نیز برگزار شده است. یکی از اهداف این جشنواره معطوف کردن توجه جامعه عکاسان، اعم از آماتور و حرفه‌ای، به موضوع‌های آموزش و پرورش است. بدین معنا که عکاسان با نگاه آموزش و پرورشی عکاسی کنند. این نگاه آموزش و پرورشی جنبه اطلاع‌رسانی و دانش‌افزایی دارد. مثلاً ممکن است عکاسان عکس‌هایی با موضوع فعالیت مدارس مدرن، مدارس خاص مثل مدرسه طبیعت، و یا مدارس محروم داشته باشند. عکاسان می‌توانند به طور کلی به جلوه‌های مدرسه در سراسر کشور نگاه کنند و عکس بگیرند و یا از جاذبه‌های طبیعی ایران عکاسی کنند. همچنین می‌توانند به جوه اجتماعی موضوع‌ها نگاه کنند و مثلاً در خصوص نام‌گذاری سال‌ها عکاسی کنند.

آیا هر سال موضوعی برای عکاس‌ها مشخص می‌شود؟

هر سال یک سلسله موضوع‌ها مطرح می‌شوند، ولی که معمولاً موضوع‌های دانش‌آموزان آزاد است. عکاسان حرفه‌ای‌تر نیز بر اساس موضوع‌هایی که آموزش و پرورش



از روزی که وارد دفتر شدم، آمار شمارگان مجله‌ها همواره رو به رشد بوده است و از سال ۱۳۸۷ تاکنون از این حیث افولی در مجله‌ها رخ نداده است

همچنین در این سایت افراد می‌توانند نسخه PDF مجلات رشد را به طور کامل و یا به تفکیک مقاله‌های مودر نظرشان دریافت کنند و یا وارد حجم عظیمی از اطلاعات سامان‌دهی کتاب شوند. می‌توانند همه راهنماها و جشنواره‌ها را ببینند و فهرست‌ها را نیز مشاهده کنند. همچنین ناشران می‌توانند تمامی مراحل ارسال کتاب بر روی سایت انجام دهند و فقط فیزیک کتاب است که برای ما ارسال می‌شود. برای مثال ناشر در ساعت دو و نیم شب می‌تواند کتاب مورد نظر را در سایت قرار دهد و به‌طور خودکار پس از یک ماه جواب برایش ارسال می‌شود.

آیا ناشران کتاب را برای سامان‌دهی در سایت بارگذاری می‌کنند؟

ناشران در کار سامان‌دهی هر اقدامی را می‌توانند روی کتاب انجام دهند و روی سایت بارگذاری کنند.

در واقع ناشر فرایند گذر کتاب تا مرحله نتیجه را می‌تواند روی سایت ببیند؟

بله. در سایت کاملاً می‌توانند مشاهده کنند.

نکته قابل تأمل اینکه کل مجلات رشد بعد

از انتشار پس یک بازه زمانی در سایت در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد. در واقع پس از اطلاع رسانی از انتشار مجله و بعد از یک ماه و نیم که فروش مجله





اعلام می‌کند، عکاسی می‌کنند. به این ترتیب حجم وسیعی از عکس‌ها به دست ما می‌رسد؛ حدود ۲۰ هزار عکس که بعد از بررسی و ریزش بیشتر، حدود ۳۰۰ عکس انتخاب می‌شوند. این عکس‌ها را به منظور استفاده خودمان به مبلغی می‌خریم. از بین این ۳۰۰ عکس، عکس‌های برتر اول، دوم و سوم انتخاب و به مبلغ بالاتری خریداری می‌شوند. طی مراسمی هم به رتبه‌های اول تا سوم جوایزی اهدا می‌کنیم. به غیر از این ۳۰۰ عکس، عکس‌های با کیفیتی وجود دارند که سردبیران برای استفاده در مجله با عکاس آن‌ها تماس می‌گیرند و آن‌ها را می‌خرند.

❖ آیا عکس‌های خریداری شده جزو آن ۳۰۰ عکس هستند یا...؟

این عکس‌ها چون مناسب هستند، خریداری می‌شوند. در واقع هر عکسی با اجازه عکاس در کتاب یا مجله می‌آید. با این کار به آرشيو آموزش و پرورش عکس اضافه می‌شود. از آنجا که عکس یک رسانه است، ما در خدمت آموزش و پرورش از آن استفاده می‌کنیم.

❖ یکی دیگر از نتایج اقدامات شما این است که تعدادی عکاس در حوزه آموزش در استان‌ها تربیت می‌شوند و این موضوع باعث کاهش هزینه‌ها می‌شود. در گذشته اگر مأموریت عکاسی در استان‌ها وجود داشت، می‌باید از تهران عکاس اعزام می‌شد، ولی امروزه در همه استان‌ها عکاس تربیت شده آموزشی داریم.

در ضمن با این اقدام عکاسی که مثلاً در سیستان و بلوچستان زندگی می‌کند و کار عکاسی آموزشی انجام می‌دهد، دارای شغل و درآمد شده است. «جشنواره بین المللی فیلم رشد» یکی از قدیمی‌ترین

جشنواره‌های سالانه فیلم در ایران است که امسال چهل‌وهشتمین دوره را سپری کرد. اولین دوره این جشنواره در دهه ۱۳۴۰ شروع شد و اولین دبیر جشنواره نیز آقای پرویز نائل خانلری بود که ایشان شخصیت شناخته شده‌ای در حوزه فرهنگ بودند. تغییر کلمه «فستیوال» به «جشنواره» نیز توسط آقای خانلری انجام شده است. این جشنواره همچنان با فراز و نشیب‌های خود برگزار می‌شود.

یکی از اتفاقات امسال این بود که ما از آقای وحید نیکخواه آزاد، فیلم‌ساز و کارگردان حوزه کودک و نوجوان، دعوت کردیم. ایشان از چهره‌های شناخته شده و کارگردانان مطرح در فیلم‌سازی کودک و نوجوان است. البته ما باید بتوانیم بین آموزش و پرورش و فیلم‌سازان آشتی ایجاد کنیم که این آشتی موجب استفاده از رسانه فیلم در حوزه آموزش و پرورش می‌شود. می‌توان موضوع‌های آموزش و پرورش را به فیلم‌های سینمایی و یا غیر سینمایی تبدیل کرد و با این کار اقتصاد فیلم آموزشی نیز به چرخش در می‌آید. جشنواره بین‌المللی فیلم رشد در آبان ماه و در تمامی استان‌ها برگزار می‌شود. قابل ذکر است که سال گذشته چهار میلیون دانش‌آموز فیلم‌های منتخب جشنواره را دیدند.

❖ تا اینجا موضوع صحبت‌های ما فعالیت‌های اصلی دفتر بود، اما در این ۱۰ سال حتماً کارهایی هم در حاشیه انجام شده‌اند؛ رویدادهای خوبی که شاید در حاشیه این گفت‌وگو بتوان آن‌ها را مطرح کرد.

بله، ما کارهای مهم دیگری نیز در دفتر انجام داده‌ایم که دانستن آن برای مخاطبان اصلی ما می‌تواند جذاب باشد. ما هر سال مجله‌ای به نام «سالنامه رشد» منتشر کرده‌ایم و این گفت‌وگو نیز در سالنامه رشد چاپ خواهد شد. در این



سال‌ها سعی کرده‌ایم گزارشی از منطق فعالیت‌هایمان در سالنامه بیاوریم. برای مثال موضوع شورایی شدن مجله‌های رشد دانش‌آموزی را در سالنامه سال گذشته (شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۷) توضیح دادیم.

آیا مخاطبان سالنامه رشد همکاران خود ما هستند؟

مخاطبان سالنامه در واقع مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش و فعالان حوزه اختصاصی این موضوع‌ها هستند. سالنامه شمارگان بسیار کمی دارد که البته در سایت مجلات رشد هم بارگذاری می‌شود. ما در سالنامه فلسفه فعالیت‌های خود را بیان کرده‌ایم. مثلاً وقتی بحث «تربیت جنسی» را شروع کردیم، در سالنامه از شخصیت‌های مهم، استادان دانشگاهی، صاحب نظران این حوزه و افراد مختلف دعوت کردیم و این افراد اهمیت، منطق و راه‌های ورود به این بحث را بیان کردند. بنابراین سالنامه رشد یکی از اسناد مهم ما محسوب می‌شود.

آیا سالنامه رشد در این دوره ۱۰ ساله تولید شده، یا از قبل وجود داشته است؟

در این ۱۰ سال به طور مستمر چاپ شده است. سالنامه رشد گزارش کاری از فعالیت‌های سالانه دفتر و منطق پشت فعالیت‌های آن نیز محسوب می‌شود. یکی دیگر از کارهای ما در همان سال‌های اول، تولید کتابی حدوداً ۲۵۰ صفحه‌ای با عنوان «از پیک تا طلوع رشد» بود که توسط آقای محمد دشتی در ۲۰ نسخه آماده شد. در این کتاب تاریخ دفتر از آغاز در سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۹۰ آمده است. کتاب دیگری که در حدود ۵۰۰ صفحه منتشر شده «تاریخ شفاهی مجلات رشد» است که حاوی گفت‌وگوهای آقای مهرداد غفارزاده

با رؤسای سازمان پژوهش، مدیران کل دفتر انتشارات و سردبیران، مدیران داخلی، مدیران هنری مجلات رشد است و خیلی از افراد خاطراتشان را نقل کرده‌اند. گردآوری این کتاب هم با آقای دشتی بوده است. «فرهنگ‌نامه پدیدآورندگان مجلات رشد» نیز کتاب دیگر ماست که بر روی سایت مجلات رشد نیز بارگذاری شده است.

یعنی به نوعی مخاطبان و نفرات بعدی که وارد مجموعه می‌شوند، می‌توانند با افرادی که در گذشته با رشد همکاری داشته‌اند، آشنا شوند.

همین طور است.

آیا این فرهنگ‌نامه نیز بر روی سایت قرار دارد؟

بله. این‌ها فعالیت‌هایی هستند که به تدریج انجام داده‌ایم و کارهایی هستند که معمولاً در مستندسازی و مدیریت دانش اهمیت دارند. یعنی اگر کسی بخواهد درباره جزئیات فعالیت‌های دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی اطلاعات کسب کند، بسیار راحت‌تر از سایر قسمت‌های سازمان می‌تواند این کار را انجام دهد.

به عنوان حسن ختام این گفت‌وگو اگر نکته‌ای هست که تمایل دارید به آن اشاره کنید، در خدمت شما هستیم.

بیشترین چیزی که می‌توانم از فضای مجلات رشد تعبیر کنم، «خانواده رشد» است. روابط عاطفی و بسیار عمیق دوستانه، و خواهرانه و برادرانه‌ای که در این دفتر وجود دارد، یکی از مهم‌ترین عوامل دوام و قوام فعالیت‌های دفتر است. این دفتر از بدو تشکیل تا به امروز (به غیر از کسانی که حدود سه ماه در آن مسئولیت داشته‌اند) و به طور کلی در این ۶۰ سال، شش مدیر داشته است. یعنی

مرحوم آقای ایرج جهانشاهی در سال ۱۳۴۱ این دفتر را تأسیس می‌کنند و تا سال ۱۳۵۷ مدیرکل دفتر بوده است. سپس آقایان محسن چینی‌فروشان، جعفر ربانی، سیدمحسن گلدان‌ساز و علیرضا حاجیان‌زاده آمدند و سپس بنده وارد دفتر شدم. به عبارت دیگر، من ششمین مدیر دفتر هستم. البته در این سیر مرحوم آقای سیدهادی محدث، جناب آقای دکتر علیرضا میرزا محمد و... هم چند ماه در این دفتر مدیریت کرده‌اند.

دلیل ماندگاری مدیران و افرادی مثل سردبیران دارای بیش از ۳۰ سال سابقه (مثل دکتر عادل یغما)، اول وجود روابط عاطفی و انسانی در دفتر طی همه این سال‌ها بوده، و دوم احترامی است که مدیران برای مدیران قبل از خود قائل بوده‌اند (اگر به سالن جلسات ما مراجعه کنید، عکس‌های همه این مدیران را می‌بینید). معمولاً مدیران چیزی را خراب نکرده‌اند و فعالیت‌ها را وسیع‌تر و معایب احتمالی را اصلاح کرده‌اند. به عبارت دیگر، همه مدیران یکی پس از دیگری کارها و فعالیت‌های یکدیگر را تکمیل کرده‌اند. به عبارت دیگر:

هر که آمد عمارتی نو ساخت / رفت و منزل به دیگری پرداخت

این روابط و احترام به تخصصی که افراد گوناگون دارند، در همه حوزه‌های فعالیت ما به چشم می‌خورد. یکی از شاخصه‌های مهم مجلات که افراد زیادی هم با آن ارتباط دارند، سردبیران بسیار شایسته و بزرگی هستند که در این دفتر حضور دارند. برخی از آن‌ها در حوزه‌های تخصصی خود، شخصیت‌های بی‌نظیری در کشور هستند. احترام به این تخصص‌ها و قدردانی از آن‌ها (که قدردانی مطلقاً مالی نمی‌تواند باشد)، به دلیل شخصیت‌های عالی فرهنگی این افراد، باعث شروع و ادامه

بیشترین چیزی که می‌توانم از فضای مجلات رشد تعبیر کنم، «خانواده رشد» است. روابط عاطفی و بسیار عمیق دوستانه، و خواهرانه و برادرانه‌ای که در این دفتر وجود دارد

فعالیت این عزیزان در این دفتر شده است.

لازم است عرض کنم که بنده در این دفتر خیلی چیزها آموختم و با شخصیت‌های بسیار بزرگی مأنوس و محشور بوده‌ام. درست است که به ظاهر من مدیر مسئول بوده‌ام، با این حال می‌دانستم که سردبیر مجله، شخصیت بسیار مهمی است. ایجاد شرایط برای انجام فعالیت‌های این افراد، وظیفه من بوده است. از نظر بنده، این دوره بالغ بر ۱۰ سال، دارای فضایی دلپذیر، دوستانه و توأم با احترام بوده است. بین همه دوستان ما، اعم از افرادی که در حوزه خدمات فعالیت داشتند تا افراد بالاتر، روابط عاطفی عالی برقرار بوده است. بارها دیده شده است، همه دوستان به احترام شخصی که کار خدماتی انجام می‌دهد و چای می‌آورد، از جا برخاسته‌اند. ان‌شاءالله فعالیت‌های این دفتر همواره بر همین مدار بچرخد.

بنده نیز با توجه به اینکه به ایام بازنشستگی خود نزدیک می‌شوم، خداوند را شاکر هستم که بخش اعظمی از زندگی‌ام در دفتری با روابط انسانی، گرم و عاطفی و در کنار انسان‌های فرهیخته سپری شده است و از این طریق از دوستان و همکاران خود تشکر و تقدیر می‌کنم و از همه آن‌ها بابت قصور و تقصیر خود حلالیت می‌طلبم.

✪ با تشکر از شما برای حضور در این گفت‌وگو.

نشست
علمی-کاربردی

رشد، در مسیر آموزه‌های قرآنی

گفت‌وگو و تبادل نظر در خصوص تجربه‌های تأثیر بر مخاطبان
با حضور حجت‌الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

سالنامه
شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸

۵۲

تأثیر پذیری مخاطبان از محتوای پیام‌های وسایل ارتباط جمعی اعم از مطبوعات، رادیو، تلویزیون، سینما و... سابقه‌ای دیرینه دارد. از همان آغاز انتشار نخستین روزنامه‌ها، همواره میزان و نحوه اثرگذاری آن‌ها بر خوانندگان و دریافت‌کنندگان مطالب آن‌ها در کانون توجه نویسندگان و گردانندگان آن‌ها بوده است. به دلیل اهمیت موضوع الگوهای تأثیر پذیری مخاطبان از محتوای مجلات رشد فرصت ویژه‌ای فراهم شد تا طی نشست با حضور حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی و سردبیران و کارشناسان مجلات رشد، از نظرات و تجربیات ایشان در این زمینه بهره‌مند شویم. آنچه در پی می‌آید گزارشی از این نشست است.

حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی

خوش‌حالم شب عید غدیر در جمع شما صحبت می‌کنم، اما متأسف هستم که چرا دیر یکدیگر را شناختیم. من چند اصل را برای شما که اهل قلم و دانشمند هستید، عنوان می‌کنم.

بهترین کتاب ما «قرآن» است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: قرآن دریایی است که دست ما به عمقش نمی‌رسد: «بِحُرِّ لَأُدْرِكُ قَعْرَهُ». برای اینکه قرآن وارد زندگی مردم شود، نقش مجلات رشد چیست؟ تفسیر میزان به درد مجله شما نمی‌خورد. مثلاً پوستین لباسی قیمتی است، اما به



گفتم من اصلاً در حوزه آن‌ها تخصصی ندارم که بخواهم برایشان حرف بزنم. هر کسی تخصص خودش را دارد و نمی‌تواند در حوزه تخصص دیگران وارد شود. در نهایت گفتم یک موضوع به من پیشنهاد دهید که درباره آن صحبت کنم. موضوع پیشنهادی آن‌ها استرس و آرامش بود. گفتم در مورد این می‌توانم صحبت کنم. آیات و روایات زیادی در این مورد داریم. اصلاً همه دین ما آرامش است. اینکه می‌گویند رهبر باید معصوم باشد یعنی چه؟ او باید معصوم باشد تا ما آرام باشیم. اگر دستمان به معصوم نرسد، می‌گویند مجتهد باید عادل باشد تا ما آرام شویم. اگر عادل نباشد به دیکتاتوری دچار می‌شود. اگر کسی رئیس باشد اما عادل نباشد و بگوید هر چه من گفتم باید همان انجام شود، می‌شود استبداد. فرق بین ولایت فقیه و استبداد همین است. اگر ولایت فقیه حتی کمی گناه نکند، نه تنها ولایت فقیه نیست، حتی نمی‌تواند پیش‌نماز یک روستا بشود؛ چون از عدالت افتاده است. این عدالت

درد مردم شهر بندرعباس نمی‌خورد. برای مردم زنجان خوب است، آن هم فقط در زمستان. کلمه علمی بودن به بت تبدیل شده است. مثلاً می‌گویند باید علمی باشد. نتیجه آن چه می‌شود؟ کتاب‌هایی داریم که نویسندگان آن‌ها دانشمند هستند، ولی چون «قولاً معروفاً» نیستند، یعنی بیان آن عرفی نیست، عوام آن را نمی‌فهمند. قلم و بیان باید به شکلی باشد که عوام آن را بفهمند و خواص هم آن را بپسندند. اگر عوام آن را نفهمند، ۵۰ درصد آن ناقص است. اگر عوام می‌فهمند اما خواص می‌گویند از نظر علمی مردود است باید برای ما عار باشد. حواستان باشد که اصطلاحات دانشگاهی نباید شما را گیج کنند. مثالی برایتان بزنم. پارسال جایی دعوت شده بودم. گفتند در این مجلس هزار نفر روان‌شناس حضور دارند و ما می‌خواهیم شما برای آن‌ها سخنرانی کنید. گفتم من روان‌شناسی نخوانده‌ام و اصطلاحات آن را هم بلد نیستم. گفتند خودشان می‌خواهند شما برای سخنرانی بیایید که

یعنی آرامش. مرجع تقلید شما باید اعلم باشد تا آرامش داشته باشد. من در قرآن حدود ۵۰۰-۴۰۰ آیه برای آرامش پیدا کرده‌ام. برخی از این آیه‌ها را نوشتیم و دادم به آقایانی که استاد تمام روان‌شناسی بودند. آن‌ها گفتند این‌ها در کتاب‌های ما نیستند. دلیل آن هم این است که به کلمه «هُم» عمل نشده است. خدا در قرآن می‌فرماید: «شاورْهُم». هُم یعنی همه. روحانیون دور هم می‌نشینند و با هم مشورت می‌کنند. یک روز به جامعه مدرسان رفتم و گفتم بالاخره من ۴۰ سال است که در تلویزیون هستم، شما نباید از من هم نظر بخواهید؟ تا به حال کلاس‌های من یک شب جمعه هم تعطیل نشده است. این خیلی مهم است. بپرسد که نظر تو در این مورد خاص چیست. انسان‌ها هم خودشان باید تیم بشوند و مقاله بنویسند و سخنرانی کنند، و هم وارد تیم‌های دیگر بشوند.

همه ما مسلمان هستیم. اما واقعاً برای قرآن چه کرده‌ایم؟ خوب است هر مجله‌ای یک ستون باز کند و یک نکته قرآنی بگوید که وقتی یک جوان یا یک معلم آن را بخواند، با خودش بگوید: «عجب! این را نمی‌دانستم.» البته دقت کنید که مطلب نو و جدید باشد. پیشنهاد من این است که هر کدامتان در مجله خودتان ستونی به دین اختصاص بدهید. سهم دین چقدر است؟ الان مشکل مملکت ما دو چیز است: یکی اینکه عده‌ای دین ندارند و دیگر اینکه عده‌ای دین دارند، اما مهارت ندارند. الان بیشتر افراد بی‌کار در جامعه ما افرادی هستند که مدرک لیسانس دارند. چیزهایی حفظ کرده‌اند برای گرفتن نمره. مدرک که اصلاً کاربرد و خاصیتی ندارند.

به آقای دکتر جاسی، زمانی که رئیس دانشگاه آزاد بود گفتم: گیرم که همه دیپلمه‌ها را لیسانسه کردی، برای

ذخیره آخرت چه کردی؟ قرآن چندین آیه دارد که در آن می‌گوید برای قیامت چه ذخیره کرده‌ای. از او پرسیدم: این آدمی که لیسانس گرفت و در زندگی‌اش هم به همه چیز رسید چقدر انسان است؟ چقدر در زندگی‌اش صداقت دارد؟ مشکل ما الان فناوری نیست. همه ما تلفن همراه داریم اما در آن دروغ می‌گوییم. همه ما تلفن همراه که یک وسیله ارتباطی هست را داریم اما با هم قهر هستیم.

یک تخصص «نماز» داریم. بهترین فرد در هستی ما امام زمان (عج) است. یک تخصص «مهدویت» داریم که در مورد آن هم حدود ۴۰۰ کتاب موجود است. باید از این‌ها کمک بگیرید. شما می‌توانید یک ستونی داشته باشید که در آن امام زمان را به بچه‌ها معرفی کنید.

من الان شبهه‌ای مطرح می‌کنم تا ببینیم چه کسی می‌تواند جواب دهد. همه شما شیعه هستید. کسی ممکن است بگوید: من «غدیر خم» را از پایه قبول ندارم، برای اینکه نمی‌شود ده‌ها هزار نفر در غدیر خم ببینند که پیغمبر گفت: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً»، همه هم بشنوند، اما بعد از ۷۰ روز همه از یادشان برود. اگر کسی این را گفت شما چه جوابی می‌دهید؟ آیا نباید جواب این پرسش را بلد باشیم؟ با یک سخنرانی مجله‌های میلیونی شما روی هوا می‌رود. من الان می‌توانم ۳۰ شبهه القا کنم و همه بچه‌ها را بی‌دین کنم. پس یک ستون برای دین باز کنید و بچه‌ها را بیمه کنید.

این شبهه‌ای که مطرح کردم ۱۲ جواب دارد. بین فوت پیغمبر و غدیر خم ۷۰ روز فاصله است. مگر می‌شود ده‌ها هزار نفر که مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً را شنیده‌اند در عرض ۷۰ روز یادشان برود؟ بله، می‌شود. پسران یعقوب صبح به پدر قول دادند که یوسف را به ما بسپار، با ما



پسران یعقوب صبح به پدر قول دادند که یوسف را به ما بسپار، با ما بیاید برای گردش و حفظش می‌کنیم. شب که برگشتند، گریه کردند که نتوانستیم حفظش کنیم. آن‌ها پسران پیغمبر بودند. حسادت برادر را هم می‌کشد

می‌خواهد بخش‌نامه صادر کند، باید اصولی را رعایت کند. اول اینکه بخش‌نامه باید شفاف، قاطع و قابل فهم باشد؛ که همان کلمه «إِنْ» است. دوم، کسی که بخش‌نامه را صادر می‌کند، باید خودش هم به آن بخش‌نامه عمل کند. خدا وقتی می‌خواهد بگوید مردم صلوات بفرستید، می‌گوید: «إِنْ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ»: خدا و فرشته‌ها صلوات می‌فرستند. بعد بخش‌نامه می‌کند که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا».

اگر می‌خواهید مردم به بخش‌نامه‌های شما عمل کنند، به مردم بگویید از شما بهترها به آن عمل کرده‌اند: «رَوَى مَلَائِكَتُهُ» مثلاً بگویید در کشورهای پیشرفته برای موتور سیکلت از کلاه ایمنی و برای رانندگی از کمربند ایمنی استفاده می‌کنند، یا قطع درخت را جرم می‌دانند. در این آیه هم می‌گوید: ملائکه که از تو بهتر هستند صلوات می‌فرستند، تو نمی‌خواهی صلوات بفرستی؟

اگر می‌خواهی مردم به حرفت گوش بدهند، با کرامت با مردم صحبت کن. نمی‌گوید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ صَلُّوا عَلَيْهِ»، می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ». مرتبه عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» بالاتر است.

بخش‌نامه دهند خودشان باید بیش از دیگران به آن عمل

بیاید برای گردش و حفظش می‌کنیم. شب که برگشتند، گریه کردند که نتوانستیم حفظش کنیم. آن‌ها پسران پیغمبر بودند. حسادت برادر را هم می‌کشد، این‌ها که بعد از ۷۰ روز فراموش کردند. بچه‌های حضرت یعقوب (ع) صبح قول دادند و شب فراموش کردند. حضرت یوسف (ع) حتی یک سیلی به برادرهایش نزده بود اما چون حسادت بود، برادرهایش می‌خواستند که او نباشد. حضرت امیر پدراهای آن‌ها را در جبهه‌ها کشته بود، چه توقعی است که از او حمایت کنند: «أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ حَيِّرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً».

حضرت یوسف (ع) در کنعان محبوبیت داشت. کنعان شهر کوچکی بود. اما حضرت علی (ع) حکومتی ابدی در طول تاریخ می‌خواست. توقع دارید تحمل کنند؟ محبوبیت در کنعان را برای حضرت یوسف (ع) قبول نکردند، توقع دارید محبوبیت جهانی حضرت علی (ع) را بپذیرند؟

خود ما وقتی مریض می‌شویم، قول می‌دهیم و نذر می‌کنیم و وقتی خوب می‌شویم، فراموش می‌کنیم. «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَاوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ» تا در امتحان کنکور است، مادرش با تسبیح صلوات می‌فرستد. در دانشگاه سال اولی‌ها بهتر از سال دومی‌ها هستند، سال دومی‌ها بهتر از سال سومی‌ها هستند. هر چه باسوادتر می‌شوند، فاصله‌شان از خدا بیشتر می‌شود.

تفسیر گفتن بسیار مهم است. نمونه‌ای برایتان می‌گویم. در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران جلسه‌ای رفته بودم که استادان مدیریت، معاونان دانشگاه و دانشجویان دانشکده در آن جلسه حضور داشتند. به آن‌ها گفتم می‌خواهم از آیه «إِنْ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَي النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، اصول مدیریتی برای شما بگویم.

یکی از وظایف مدیر، صدور بخش‌نامه است. کسی که



در مجله‌هایتان یک ستون خنده داشته باشید. من خودم چند هزار خنده دارم

کند: «يُصَلُّونَ» یعنی دائماً در حال صلوات فرستادن هستند. بخش‌نامه باید جامع باشد. می‌گوید: «صَلُّوا»، یعنی با زیانت و «سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، یعنی با عملت هم تسلیم باش. این طور نباشد که عکس امام بالای سرت باشد، اما ضد امام عمل کنی. «تَسْلِيمًا»، یعنی عمل به بخش‌نامه با عشق و علاقه باشد، نه با اکراه و از روی اجبار.

اگر آموزش و پرورش ما در کنار محفوظات، ادب، معنویت و دین هم تزییق کرد و اگر دست بچه‌ها را در دست قرآن و امام زمان (عج) گذاشت، بچه‌ها تقلید می‌کنند. می‌پرسد: چرا تقلید کنیم، در حالی که خودمان عقل داریم؟ شما برای لباس دوختن به خیاط مراجعه می‌کنید و یا برای ساختن ساختمان به مهندس ساختمان مراجعه می‌کنید. پس چطور وقتی نوبت به دینتان می‌رسد، می‌گویید خودم کارشناس هستم؟ رجوع به کارشناس اصلی است که همه دنیا به آن اعتقاد دارند. یک نفر در روی کره زمین وجود ندارد که لباسش را به خیاط و ساختمانش را به مهندس ندهد. تقلید یعنی رجوع به کارشناس.

سؤال اینجاست که آیا ولی فقیه ممکن است اشتباه کند؟ بله. ما نمی‌گوییم اشتباه نمی‌کند، اما ضریب اشتباه او بسیار کم است. پزشک ممکن است قرصی به اشتباه تجویز کند، اما در ۱۰۰ تجویز ممکن است یکی از آن‌ها اشتباه شود. در حالی که اگر دکتر نباشد، ممکن است از ۱۰ مورد در پنج مورد آن اشتباه کند. اگر دست ما به معصوم نمی‌رسد، باید به سراغ عادل برویم که ممکن است اشتباه هم بکند.

من شما را به درستی نمی‌شناسم، اما حرف‌هایی می‌زنم که اگر یک ساعت دیگر نبودم، حرف‌هایم را به درستی زده باشم. قرآن آیه‌ای دارد که می‌گوید: «الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» یعنی علامت مؤمن این است که وقتی قدرت پیدا کرد، دست مردم را در دست خدا بگذارد. یعنی شما باید بین نسل نو و خدا دلال بشوید. بعد از «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»، یعنی شما مشکل اقتصاد، فقر و گرسنگی را باید حل کنید تا رابطه با خدا حل بشود. از خود بچه‌ها کمک بگیرید. چند سالی است که بچه‌ها پرسش مهر دارند. الان هم هست. شما هم از بچه‌ها سؤال

کنید اگر شما بودید، چه می‌کردید. گاهی ممکن است بچه‌ها نظریه‌ای بدهند که کارشناسان رسمی به ذهنشان نرسد. حضرت ابراهیم ۱۰۰ ساله بود و یک پسر ۱۳ ساله داشت که با او مشورت می‌کرد. میگفت: «إِنِّي أُرِي فِي الْمَنَامِ آتِي أَدْبُحَكَ»: پسر جان! من پی در پی خواب می‌بینم که باید سر تو را ببرم. گفت: «يَا أَبَتِ أَفْعَلُ مَا تُؤْمَرُ»: هر چه را که خدا گفته است انجام بده. من صبر می‌کنم. «فَانظُرْ» نظر بدهید. «فَانظُرْ مَاذَا تَرَى» نظر تو چیست؟ از مخاطبان‌تان بپرسید. یک ستون مشورتی در مجله بگذارید. ممکن است چیزهایی به ذهنشان بیاید. مثلاً بگویند جاهایی اسراف می‌شود و پول بیخودی خرج می‌شود. جایی هست که مشابهی دارد.

شما می‌توانید از آن‌ها بپرسید: برای صرفه‌جویی چه کنیم؟ تحریم آمریکا علیه ما زیاد شد. اگر تو بودی چه می‌کردی؟ جلوی چه ولخرجی را می‌گرفتی؟ ممکن است چیزهایی به ذهنشان بیاید. در خود آموزش و پرورش این مجله رشد شما باعث شده است که جلوی اسراف گرفته شود. آقای دکتر عالمی زمانی معاون وزیر آموزش و پرورش بود. در جلسه‌ی جهانی آموزش و پرورش می‌گفت: فلان کشور که به دنیا کاغذ می‌فروشد، بچه‌های خودشان کتاب‌های درسی را ۹ سال می‌خوانند. یعنی هر سال که کتاب را خواندند، برای سال بعد کتاب‌ها را به بچه‌های بعد از خودشان می‌دهند. ما هر سال کتاب‌ها را دور می‌ریزیم. اصلاً اگر کتاب چاپ نشود، چه اتفاقی می‌افتد؟

یک نفر به من گفت: شنیده‌ام روزنامه نمی‌خوانی! گفتم: بله، روزنامه نمی‌خوانم. پرسید: چرا؟ گفتم یک بار رفتم مکه ۴۰-۳۰ روز روزنامه نخواندم. وقتی برگشتم دیدم هیچ اتفاقی نیفتاد. فهمیدم اگر نخوانم اتفاقی نمی‌افتد. باید

چیزی بخوانم که اگر آن را نخوانده باشم، جایش خالی باشد. حدیث داریم اگر می‌خواهید ببینید آخوندی آخوند خوبی است یا نه، ببینید اگر نباشد چه اتفاقی می‌افتد. شما هم ببینید اگر مجله‌تان نباشد، چه اتفاقی می‌افتد. اگر مقاله‌ای نباشد چه می‌شود؟ اگر مقداری کمتر شود، چه اتفاقی می‌افتد؟

شنیده‌ام پایان‌نامه‌ها باید فلان تعداد صفحه باشند، روی کاغذ A4 باشند، در هر صفحه ۱۱ سطر، هر سطر ۱۱ کلمه و... باشد. اینکه پژوهش نمی‌شود. مانند مرده شورهای قدیم که مرده‌های چاق را کیلویی، مرده‌های قد بلند را متری و بچه‌ها را عددی می‌شستند. این پژوهش نیست. این مرده‌شوری است، از نوع فرهنگی. محقق کسی نیست که کارش کلمه‌ای و سطری باشد. باید دید، اگر اثرش باشد چه می‌شود و اگر نباشد چه می‌شود. حدیث آن هم این است: «إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ الْفَقِيهَ تَلَمَّ فِي الْإِسْلَامِ تَلْمَةٌ لَا يَسْدُهَا شَيْءٌ». عالم خوب کسی است که اگر نباشد، جای خالی او احساس شود. جای شهید مطهری، شهید بهشتی و امام (ره) کسی نیست. معلوم می‌شود این‌ها آخوندهای خوبی بوده‌اند. اما گاهی اوقات شغلشان کاذب است. گاهی اوقات مجلات می‌توانند همدیگر را معرفی کنند. امام‌ها هم همین کار را می‌کردند. از پدران‌شان نقل می‌کردند یعنی حواله می‌دادند.

من تا امروز حدود ۴۵۰۰ سخنرانی داشته‌ام. فهرست سخنرانی‌هایم را نگاه کردم و این موضوع‌های به نظرم به‌درد مجلات رشد می‌خورند. مثلاً در حرف «أ» کلمه آبرو را داریم. الان خیلی راحت آبرو را می‌ریزند. خیلی راحت می‌گویند: بردند، خوردند. اول ثابت کنید، بعد بگویید بردند و خوردند و بعد مجازات‌شان کنید. تا ثابت نشده نمی‌توانید

بگویید. اگر سه نفر عادل گفتند فلان زن فاسد است، ثابت نمی‌شود. یا باید چهار شاهد عادل شهادت بدهند، یا هر کدام باید ۸۰ ضربه شلاق بخورند. شلاق به عادل می‌زند که چرا حرف غلط زده است.

یک ستونی باز کنید با عنوان «آخرین گفتارها». مثلاً آخرین کلمه‌ای که ابوعلی سینا قبل از مرگش گفت چه بود؟ یا آخرین سخنان حضرت علی (علیه‌السلام) چه بود؟ معمولاً آخرین کلمه قطعنامهٔ عمر آدم‌هاست. قطعنامه همان وصیت‌نامهٔ آدم‌هاست.

ستونی باز کنید با عنوان «آداب» دربارهٔ آداب غذا خوردن، آداب مهمانی، آداب عروسی، آداب سفر، آداب گفت‌وگو و... ستونی باز کنید برای «آرامش»: چه چیزهایی آرامش به وجود می‌آورند. اگر افرادی با یک شایعه دلهره انداختند در جامعه، با آن‌ها چه کنیم؟ قرآن می‌گوید: «وَالْمُرْجَفُونَ فِي الْمَدِينَةِ، رَجَفَ» یعنی لرزید. «وَالْمُرْجَفُونَ فِي الْمَدِينَةِ» یعنی خبرهایی پخش می‌کنند که جامعه بترسد. در اینجا قرآن می‌گوید: اگر دست برندارند، «لِنُعْرِيَنَّكَ بِهِمْ». یعنی پیغمبر تو را بر آن‌ها می‌شورانیم. «لَا يُجَاوِرُونَكَ»: حق مجاورت ندارند و از مدینه باید اخراج شوند. هر کجا آن‌ها را دیدید، بکشیدشان و به نحوه بدی هم بکشید. چرا؟ برای اینکه آرامش جامعه را به هم می‌زنند.

«آزادی»: آزادی یعنی چه؟ یک نفر می‌گوید من می‌خواهم حجابم طور دیگری باشد. این آزادی است؟ اصلاً آزادی یعنی چه؟ هنوز خیلی‌ها معنای آزادی را نفهمیده‌اند. مثلاً کسی با لباس شنا بیاید سر کلاس فیزیک بشیند و بگوید این آزادی است. این طور نیست. اگر من عمامه‌ام را مدل دیگری بر سرم بگذارم، دادگاه ویژه روحانیت مرا احضار می‌کند و از تلویزیون هم مرا بیرون می‌کنند. می‌گویند این آزادی

نیست. چرا می‌گویند لباس مشهور حرام است؟ اگر لباسی بیوشیم که وقتی وارد جایی می‌شویم، همه نگاهمان کنند، این حرام است. این آزادی نیست. معنای آزادی چیست؟ حدود آزادی چیست؟

«آزمایش‌های الهی»: یک ستون برای داستان داشته باشید؛ برای قصه‌های قرآن. قرآن ۲۶۸ قصه دارد. از داستان‌های واقعی استفاده کنید. به قول شهید مطهری: داستان راستان باشد نه داستان خیالی.

«تمثیلات»: خودم کتابی نوشته‌ام به نام «تمثیلات» که در آن ۱۰۰ شبیه را با ۱۰۰ ضرب‌المثل حل کرده‌ام. مثلاً می‌گویند: خدا عادل است. ما که ۳۰ سال گناه کرده‌ایم چرا باید تا ابد بسوزیم؟ چرا جهنم ابدی است؟ من ۵۰ سال گناه کرده‌ام، چرا بیش از ۵۰ سال در جهنم باشم؟ خالدین در قرآن به چه معناست؟ مثالی می‌زنم. شما با چاقو یک لحظه به چشم‌تان بزنید؛ تا ابد کور می‌شوید. گناه شما یک ثانیه است، اما کوری شما ابدی خواهد بود. یک نفر حرف زشتی به شما می‌زند، اما کینهٔ آن یک عمر در دل شما می‌ماند.

قرآن آیه‌ای دارد که می‌گوید: «حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ». یعنی به خاطر یک خلافتی که کردی، همهٔ خوبی‌هایت از بین رفتند. حالا اگر ما اشتباهی کردیم، باید تمام زحمات ۵۰ ساله‌مان از بین برود؟ می‌گویند: بله. می‌گوییم: مگر خدا عادل نیست؟ پس چرا برای یک اشتباه ۵۰ سال عذاب؟ می‌گویند: اگر شما یک سوزن به توپ بزنید، کل بازی فوتبال قطع می‌شود. نمی‌توانید بگویید من یک سوزن به گوشهٔ توپ زدم. همان کار کوچک باعث شد که بازی لغو شود. یک بار در یکی از کشورها سوار هواپیما بودیم، ناگهان همه را از هواپیما پیاده کردند. حتی بارها را هم از هواپیما

خالی کردند. پرسیدیم چه شده. گفتند در هواپیما موش پیدا شده است. گفتیم: این همه مسافر و بار را به خاطر یک موش خالی کردید؟ گفتند بله. ممکن است این موش یک سیم را بچود و رابطه خلبان با فرودگاه قطع شود.

«مهارت های معلمی» من بیشتر از ۵۰ سال است که معلم هستم و ۴۰ سالش هم در تلویزیون بوده است. برای مهارت های معلمی کتابی نوشته ام. کتاب را ببینید. تجربه های خوبی دارد. به این موضوع توجه کنید که حرف را عوام باید بفهمند و خواص هم پسندند. به نوشته های من نگاه فنی نداشته باشید. من وارد اصطلاحات نمی شوم. مثلاً به جای «در روند تکاملی تاریخ» بگویید «همان طور که پیش می رود». یا به جای «در این مقطع حساس»، بگویید: «حالا». بعضی ها با الفاظ بازی می کنند و فکر می کنند مطلبشان علمی شد. خیر چنین نیست. به روح قصه توجه کنید. روزی یکی از استادان دانشگاه که روحانی هم بود می گفت: عبارت «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» حدیث نیست. گفتیم: حدیث نیست اما روحش در قرآن هست. قرآن در یک آیه می گوید: «وَ كَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا». یعنی همه پیامبران دشمن داشتند. این یعنی در مقابل هر یزیدی یک امام حسین هست. در مقابل موسی فرعون هست. برای بعضی چیزها دنبال لفظ و اصطلاح نگردید. روان کنید. یکی از کتاب های من با عنوان «تیم قرن تدریس و تبلیغ»، مطالب خوبی برای معلمان دارد. توصیه می کنم آن را بخوانید. اگر از ۱۰ صفحه آن چیزی گیرتان نیامد، کنار بگذاریدش.

خاطره ای برایتان بگویم. یک بار از من دعوت کردند که پیش نماز مسجد دانشگاه تهران بشوم. گفتیم: به شرطی می آیم که تفسیر قرآن هم بگویم. گفتند: دانشجویان صبح

تا ظهر سر کلاس بوده اند و خسته هستند. گفتیم: تفسیر ۱۰ دقیقه ای می گویم. گفتند: برای ۱۰ دقیقه هم خسته هستند. زمان را کم کردم تا رسیدم به نیم دقیقه. گفتند: شما نیم دقیقه تفسیر می گوید؟ گفتیم زمان بگیرد و شروع کردم: «بسمه تعالی». در قرآن چند بار گفته کُولُوا، یعنی بخورید. هر جور که بخورید، کنارش یک مسئولیت هست: «كُولُوا أَنْفُقُوا» یعنی بخورید و به فقرا هم بدهید. «كُولُوا وَشَكُرُوا» یعنی بخور و یاد خدا هم بکن. «كُولُوا وَ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ»، یعنی بخور و از انرژی که به دست می آوری، عمل صالح انجام بده. «كُولُوا لَا تُسْرِفُوا»، یعنی بخور اما پر خوری نکن. «كُولُوا وَلَا تَغَطُوا»، یعنی بخور اما طغیان و بد مستی نکن. پس کُولُوا، کُولُوا است، اما بخور بخور نیست. کنار هر خوردن مسئولیتی هست. والسلام علیکم و رحمہ اللہ»

در عرض ۳۰ ثانیه این تفسیر را بیان کردم. ما عادت داریم همه چیز را کش بدهیم. خیلی از کتاب های ۴۰۰ صفحه را می توان به یک صفحه تبدیل کرد. خدا می داند اما انگار چون صفحه ای پول می دهند تا پژوهش کنند، می طلب را کش می دهند. به طلبه ها هم همین را می گویم. مثلاً روی منبر یک کلمه بگویید ۶۰ و تمام. حالا بعضی می گویند: ۶۰ یعنی دو ۳۰؛ ۶۰ یعنی سه ۲۰؛ ۶۰ همان عدد بعد از ۵۹ است؛ و... می توان آن را کوتاه کرد و می توان خیلی هم درباره آن حرف زد. قدیمی ها می گفتند: مفت، مفید و مختصر.

در مجله های تان یک ستون خنده داشته باشید. من خودم چند هزار خنده دارم. یعنی هزارتا از سخنرانی های مرا جایی که مخاطب را خندانده ام، گردآوری کرده اند. چون دین ما دین خنده هم هست. قرآن می گوید: «هُوَ أَضْحَكٌ وَ أَبْكِي.»

تایستان بود، از چند معلم خواهش کردیم که نامه‌ها را بخوانند و بررسی کنند. در میان آن‌ها نامه بسیار جالبی بود. عنوان نامه این بود: «شیرین‌ترین نماز من». این نامه از دختری ۱۱ ساله بود که به همراه پدرش با اتوبوس مسافرت می‌کرده است. در راه نگاهش به خورشید می‌افتد و ناگهان یادش می‌آید که نماز نخوانده است. همان موقع از پدرش می‌خواهد که به راننده بگوید ماشین را متوقف کند تا او نمازش را بخواند. پدرش می‌گوید: راننده به خاطر یک دختر بچه ماشین را نگه نمی‌دارد و اگر هم نگه دارد، ممکن است مسافران دیگر ناراحت شوند و اعتراض کنند. دختر به پدرش می‌گوید: خودم بروم و به راننده بگویم؟ پدرش مخالفت می‌کند. می‌گوید پس شما برو به راننده پول بده و از او بخواه چند دقیقه بایستد. پدرش باز هم

یعنی خدا هم می‌گیراند و هم می‌خنداند. اشکالی ندارد که معلم سر کلاس دانش‌آموزان را بخنداند. از خاطرات معلمی استفاده کنید. شما با یک میلیون معلم سر و کار دارید. اگر هر معلمی یک خاطره شیرین هم بفرستد تا مدت‌ها مطلب رایگان برای چاپ در مجله دارید و نیازی هم به پول دادن برای پژوهش ندارید. دائم به عنوان محقق و نویسنده دور خودتان تاب نخورید. شما در نهایت ۲۰ نفر هستید؛ یعنی ۲۰ مغز هستید. اما یک میلیون معلم یعنی یک میلیون مغز؛ یک میلیون خاطره. خاطرات معلمان خیلی مسئله مهمی است. مثلاً از آن‌ها بخواهید شیرین‌ترین نمازی را که خوانده‌اند، برایتان بفرستند. هر کدام که بهتر بود را جایزه بدهید. یک بار برای ستاد اقامه نماز چند گونی نامه آمد. چون



به او می‌گوید: دخترم حالا که می‌خواهی نماز بخوانی، به احترام تو ماشین را نگه می‌دارم.
دختر از اتوبوس پیاده می‌شود و به نماز می‌ایستد. مسافران که این صحنه را می‌بینند، هر کس از بغل دستی خود می‌پرسد: تو نماز خوانده‌ای؟ همین روز قیامت حجت است. این دختر اراده و غیرت داشت. بی‌خیال نبود. درد دین داشت. مسافران یکی یکی از ماشین پیاده می‌شوند و به نماز می‌ایستند. دختر گفت وقتی نماز تمام شد، برگشتم و دیدم ۱۷ نفر پشت سر من دارند نماز می‌خوانند. من فهمیدم امام فقط امام خمینی نیست. یک دختر ۱۱ ساله هم می‌تواند در بیابان امام مردم باشد. این داستان خودش می‌تواند یک فیلم‌نامه باشد، اگر آن را به کارشناسان بدهیم. دکتر پورنجاتی، قائم‌مقام صدا و سیما بود. زمانی برای من

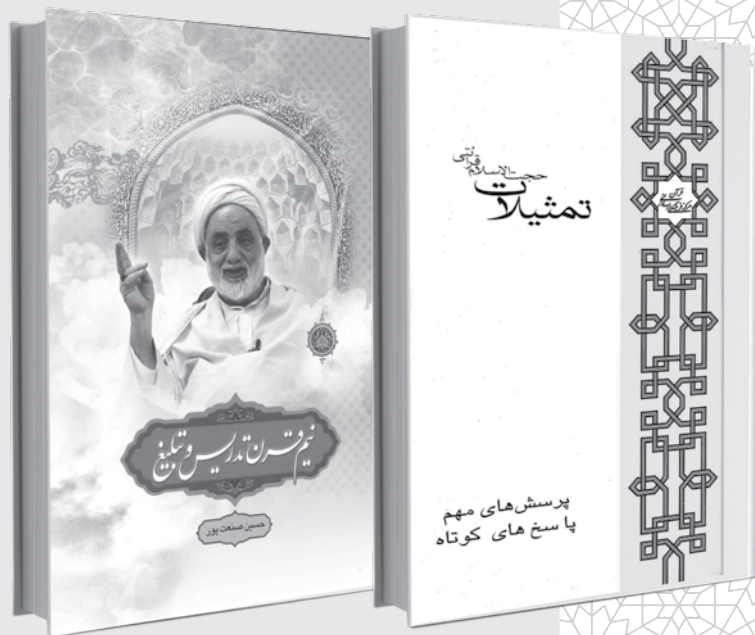
مخالفت می‌کند. اینقدر دختر اصرار می‌کند که پدرش عصبانی می‌شود و به او می‌گوید: حالا که نمازت را به موقع نخوانده‌ای باید منتظر بمانی و قضای آن را بخوانی.
دختر تصمیم می‌گیرد خودش کاری کند. از داخل ساکش یک بطری آب برمی‌دارد و با استفاده از سطلی که زیر صندلی بوده است وضو می‌گیرد. قرآن آیه‌ای دارد که می‌گوید: هر که برای خدا کاری کند، مهرش به دل‌ها می‌نشیند. این دختر بچه نه مأموریتی داشت و نه اضافه کار. دوربینی هم در کار نبود. فقط می‌خواست برای خدا نماز بخواند. همین که داشت وضو می‌گرفت، شاگرد راننده از او پرسید: دختر چه می‌کنی؟ دختر همه ماجرا را برای او تعریف کرد. شاگرد راننده هم این موضوع را به راننده تعریف می‌گوید. مهر آن دختر در دل راننده اتوبوس می‌نشیند و



تجربه‌هایتان را به افرادی که اینجا هستند منتقل کنید. یک نفر می‌گفت من بعضی از یادداشت‌های تو را نقد می‌کنم. به او گفتم اگر چیزی برای من در قیامت ذخیره بشود، همان است که تو برای من نقد می‌کنی. منتها به شرط اینکه نگویی قرائتی، بگویی یکی از دوستان. چون آنچه خود آدم می‌گوید، ممکن است برای خدا نباشد و برای پول، حق‌التدریس و... باشد. اما زمانی که بازنشسته شدی، دیگر هیچ مسئولیتی نداری. به همکارت می‌گویی: آقا من سال‌ها اینجا بوده‌ام. حالا تجربه‌هایی دارم که شما می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید. این برای قیامت شما می‌ماند. چون اینجا شما دیگر خودتان هستید و برای پول این کار را نکرده‌اید. ما می‌توانیم از این ظرفیت استفاده کنیم.

همان‌طور که گفتم، در کتاب تمثیلات، ۱۰۰ ضرب‌المثل هست که به ۱۰۰ شبهه جواب می‌دهد. درباره‌ی امام زمان (عج) سؤال کرده‌اند که ایشان در سه سالگی به امامت رسیده‌اند. آیا واقعاً بچۀ سه ساله می‌تواند امام جمعه بشود؟ در جواب این سؤال مثال زدیم: فلش رایانه به این کوچکی که داخل آن هم خالی است، به یک اشاره صدها هزار صفحه را از یک رایانه به رایانه‌ی دیگر منتقل می‌کند. یعنی بشر چیزی ساخته است که اطلاعات از فلز به فلز منتقل می‌کند. آن وقت خدا نمی‌تواند اطلاعات را از امام حسن عسگری (ع) به بچۀ سه ساله منتقل کند؟

پرسیدند: مگر می‌شود امام زمان (عج) ۱۲۰۰ سال عمر کنند؟ جواب من این بود: ابروی شما ۸۰ سال بلند نمی‌شود، اما در کنار همین ابرو موی سر و صورت هست که تا اصلاح می‌کنی، هفته‌ی بعدش بلند شده است. از یک پوست با یک تغذیه، خدا می‌خواهد یک مو ثابت باشد و



تعریف کرد یک بار از کارگردانان دعوت کردیم که برای امام عسگری (ع) یک فیلم بسازند. همه‌ی کارهای اولیه اعم از برآورد بودجه و... انجام شد. بعد از شش ماه آمدند از ما پرسیدند امام حسن عسگری (ع) همان امام جعفر صادق (ع) است؟! پژوهشگران بی‌دین در برابر آن دختر بچۀ ۱۱ ساله با دین.

الان سال‌هاست در دانشگاه تهران تفسیرهای یک دقیقه‌ای تا پنج دقیقه‌ای داریم. همان‌طور که آبیاری قطره‌ای داریم، دین قطره‌ای هم داریم. اتفاقاً دین قطره‌ای اثرش بیشتر است. به این ترتیب در هر ستونی شما ضامن دین بچه‌ها هم هستید. حتی اگر از اینجا بازنشسته شدید و رفتید،



مجلات شما مفید باشد. شما در درجهٔ اول باید دیوار دور خودتان را بردارید. از دیگران هم استفاده کنید. من هم به عنوان معلم، همکار شما هستم. اگر می‌خواهید نکته‌ای را بگویید به من بگویید که این نکته را در تلویزیون بگویم. شما از من بخواهید که بعضی وقت‌ها من مجری شما باشم که: مثلاً این نکتهٔ مهمی است که نسل نومی ما با آن درگیر هستند و جواب آن هم این است. شما این نکته را در تلویزیون بگو. من هم مثل شما میلیون‌ها مخاطب دارم. باید با هم بده بستان داشته باشیم. تا اینجا چند تخصص را مطرح کردم. تخصص مهدویت، تخصص نماز، تخصص تفسیر، ستون قصه، ستون تمثیلات،

یکی دیگر متغیر. خدا می‌خواهد یک انسان مثل امام زمان (عج) ثابت باشد و بقیهٔ انسان‌ها متغیر باشند. کتاب «مهارت‌های معلمی» مطالب خوبی برای معلمان دارد. اگر می‌بیند حرف تازه‌ای در آن نیست، در عالم رفاقت به من کمک کنید و نظرتان را به من بگویید که آیا واقعاً این کتاب حرف تازه‌ای داشت یا نه؟ چون من ضامن عمر شما هم هستم. وقتی شما کتاب مرا می‌خوانید، باید چیزی نو در آن وجود داشته باشد. حدیث داریم هر پیش‌نمازی باید حرف نو بزند. مسجد که می‌روید، به هشت چیز می‌رسید که یکی از آن‌ها این است: «وَعَلِمًا مُسْتَطْرَفًا». وقتی مسجد بروید، حرف تازه‌ای می‌شنوید. یعنی پیش‌نماز باید دائماً مطالعه کند تا حرف جدیدی یاد بگیرد.

زمانی آقایان **وطنی** و **بهبشتی** بچه بودند و به کلاس‌های من می‌آمدند. آن موقع آن‌ها ۱۴-۱۳ ساله بودند و من ۲۰ ساله. الان هم که آقای وطنی سر کلاس من بنشیند، می‌گوید چیز جدیدی گفتم. من میانگین روزی شش صفحه مطالعه می‌کنم.

کلمهٔ فارغ‌التحصیل را باید از فرهنگمان حذف کنیم. زن باردار فارغ می‌شود. آدم با خواندن ۱۰۰ کتاب و ۲۰۰ کتاب فارغ و باسواد نمی‌شود. دکتر، آیت‌اللهی و... همه الفاظند و سواد نیستند. قرآن یک آیه دارد که می‌گوید همه‌تان با هم یک ذره سواد دارید: «وَمَا أَوْتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا». این ژست‌ها درست نیستند.

اخلاق باید در کار بیاید: برخورد با همسایه، همکار، هم‌شاگردی و... کتاب «اخلاق در آموزش» چهار بخش دارد: اخلاق آموزش، اخلاق پژوهش، منش و رفتار استاد و رابطهٔ بین استاد و شاگرد. موضوع دیگر شیوهٔ دعوت به نماز است که می‌تواند برای

ستون خنده. من اگر بتوانم در هر جلسه چند بار مخاطبانم را بخندانم، میلیون‌ها نفر به مخاطبانم اضافه می‌شود. مردم به خنده هم احتیاج دارند.

کار شما کار مقدسی است. سرمایه شما نسل نو هستند. این بستر را خدا به شما داده است و فردا هم خواهد گرفت. خدا هر چه را که بدهد روزی خواهد گرفت: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا» در ایامی که من معاون وزیر آموزش و پرورش بودم، هشت وزیر آمدند و رفتند. دلتان را به این پست‌ها خوش نکنید. خودتان را هم فارغ‌التحصیل ندانید. روزی دو ساعت مطالعه کنید. از معلمان کمک بگیرید. من فکر می‌کنم می‌توانید بهتر و بیشتر از این که هستید، باشید. در قرآن شش بار گفته است: «سِيرُوا فِي الْأَرْضِ». یعنی پاشو راه بیفت و شش مرتبه هم گفته است: «أَلَمْ يَسِيرُوا». یعنی چرا پانصدی راه بیفتی؟! شش بار می‌گوید برو و شش بار هم می‌گوید چرا نرفتی؟

در مورد قیمت مجله‌ها هم به این فکر کنید که ممکن است همه نتوانند مجله بخزند. پدري پول دار است و می‌تواند انواع مجله‌ها را برای فرزندش بخرد، اما پدري فقير است و پول یک دفتر را هم ندارد که بخرد. به فکر آن‌ها هم باشید.

به هر حال این‌ها حرف‌هایی برای مجلات شما بودند. اما دید من این است که کل آموزش و پرورش باید خاکش عوض بشود. مجلات رشد شاخه‌ای از آموزش و پرورش هستند. من معتقدم که این آموزش و پرورش نجات دهنده بشر نیست. الان فقط محفوظات، نمره و مدرک مهم است و نه هیچ چیز دیگری. آقای **بطحایی** یک بار در تلویزیون تعریف کرد که روز درخت کاری دانش‌آموزان را برده بودیم که درخت بکارند. دانش‌آموزی بود که بیل را پشت و رو

دستش گرفته بود! شما ببینید جوانی که نمی‌تواند بیل را دستش بگیرد چگونه می‌خواهد کشاورزی کند؟ ریلی که برای ما گذاشته‌اند، ریل غلطی بوده است. یک مقدار هم خودمان را باخته‌ایم. من شش کلاس بیشتر درس نخوانده‌ام اما کتاب حقوق من در دانشگاه تدریس می‌شود. ۲۶۰۰ نکته حقوقی از قرآن استخراج کرده‌ام. منتها چون من دانشگاهی نیستم و حوزوی هستیم، این نکته‌ها را دادیم به آقای دکتر میرمحمدصادقی که زمانی سخنگوی قوه قضاییه بود. ایشان دکترای حقوق دارد و استاد تمام دانشگاه در خارج از ایران است. این‌ها را خواند و گفت حرف‌های نوی زیادی در این‌ها هست که اصلاً نشنیده بودم.

ما فوراً خودمان را در مقابل فلان دانشمند می‌بازیم. حرف دانشمندان را گوش بدهید: «يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ». نکته مهم این است که می‌گوید «يَسْتَمِعُونَ» نمی‌گوید «يَسْمَعُونَ». «يَسْمَعُونَ» یعنی گوش داد، «يَسْتَمِعُونَ» یعنی با دقت گوش داد. نمی‌گوید: «يَسْتَمِعُونَ الْقَائِلَ» به معنی بین چه کسی گفت. بلکه می‌گوید «يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ»، یعنی بین چه حرفی زده است. «فَيَتَّبِعُونَ» یعنی وقتی یاد می‌گیری فوراً به آن عمل کن. «يَتَّبِعُونَ» یعنی درسی بخوان که دنبال آن تبعیت باشد. بعضی علم‌ها هستند که مورد نیاز نیستند. در بعضی از رساله‌ها مسئله شک بین دو و پنج در نماز هست. آدم معمولاً سر نماز که شک می‌کند، این شک بین دو و سه، سه و چهار، دو و چهار و هست، اما شک بین دو و پنج اصلاً منطقی نیست. این **يَتَّبِعُونَ** نیست. یعنی علم هست و مرجع هم هست اما وجود خارجی ندارد.



کار شما کار مقدسی است. سرمایه شما نسل نو هستند. این بستر را خدا به شما داده است و فردا هم خواهد گرفت. خدا هر چه را که بدهد روزی خواهد گرفت

نمی‌خوانند. توپ را به زمین یکدیگر می‌اندازند. ان‌شاءالله خدا به همه شما کمک کند. کار شما کار بسیار مهمی است. ارزش هر چیزی به کاری است که روی آن انجام می‌شود. چوب به تنهایی ارزش زیادی ندارد، اما اگر این چوب به در و پنجره تبدیل شود، ارزش زیادی پیدا می‌کند. نسل نو فطرتی دارد که مهم است ما آن را چطور بسازیم. خاطرات اخلاقی خیلی اهمیت دارند. ما الان دیپلمه کم نداریم که وقتی عصبانی می‌شوند حرف‌های زشتی به هم می‌زنند. دوستی بین دخترها و پسرها بعضی جاها رسم شده است. باید درباره این مسئله تدبیر شود. در این مورد تا حالا چند جلسه داشته‌اید؟ این مسئله‌ای است که وجود دارد و نمی‌توانیم آن را انکار کنیم. آیا تا به حال فکری برای آن کرده‌اید؟

لازم نیست همه چیز را برای بچه‌ها توضیح بدهید. حدیث داریم که در خانه حیوان نر و ماده نگه دارید تا بچه‌ها آمیزش جنسی نر و ماده را ببینند و یاد بگیرند؛ همان‌طور که ایده ساختن هواپیما را از پرنده‌ها یاد گرفتند. سند ۲۰۳۰ هم تا چند وقت دیگر حذف می‌شود. من آماده‌ام این تخصص‌هایی را که در اختیار دارم، به شما منتقل کنم. حتی لازم نیست که نام من را ذکر کنید.

والسلام‌علیکم

یا مانند کاشی‌کاری‌هایی که لبه پشت‌بام‌ها کار می‌شود. من ایرانی هستم، خط آن کاشی‌کاری خط کوفی است. من فارس هستم. همه خطوط را درهم نوشته است. هیچ کس نمی‌تواند آن خط‌ها را بخواند. می‌گوییم: خب کاشی‌ها را پایین و جلوی چشم افراد کار کنید. می‌گویند: معماری سنتی و اسلامی این‌طور است. می‌گوییم: چه کسی گفته این کاشی‌کاری اسلام است؟ می‌گویند: شاه عباس! می‌پرسیم: چه کسی گفته شاه عباس اسلامی است؟ واقعاً خود شاه عباس چقدر مسلمان بود که کاشی‌کاری‌های زمان او بشود اسلامی؟ بعد خط کوفی در هم آن هم لبه پشت بام. حاضر نیستیم فکر کنیم کاشی‌کاری را کجا بنویسیم.

ربلی جلوی پای شما گذاشته‌اند و به شما گفته‌اند کارشناس و شما هم گول خورده‌اید. خودتان را بازنگری کنید که هیچ کس بهتر از شما نمی‌تواند شما را بازنگری کند. ممکن است نقاط قوتی داشته باشید. این نقاط قوت‌تان را وصل کنید به آدم‌هایی. اگر ابهامی دارید وصل بشوید. به دفتر تلفنتان نگاه کنید. از اول تا آخر باید آدم‌هایی باشند دانشمند. چون شما خودتان هم دانشمند و نویسنده هستید. دانشمند باید دفترش پر از تلفن دانشمندان باشد. در غیر این صورت جای تعجب دارد. باید به افرادی اسلام‌شناس، تاریخ‌شناس و... وصل بشوید. افرادی که بیش از ۴۰ سال درس خوانده باشند.

بچه‌ها مدتی در اختیار ما هستند و بعد از آن از دست ما خارج می‌شوند. ما الان که به دانشگاه اعتراض می‌کنیم، می‌گویند این‌ها از آموزش و پرورش آمده‌اند. به آموزش و پرورش که می‌گوییم جواب می‌دهند: پدر و مادرش نماز

رهبری اثر بخش، نقشه راه مدیریت سازمان است

سخنان دکتر حیدر تورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
در بیستمین نشست سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

نمی‌آورید. ببینیم که واقعاً داده‌ها و داشته‌های ما کدام‌اند؟ از چه چیزهایی می‌توانیم بگذریم و گذشته‌ایم؟ این‌ها هستند که به کار ما ارزش می‌دهند و ارزش کار ما را بالا می‌برند. ما در محیط کارمان با افرادی کار می‌کنیم و مخاطبانی داریم. ببینیم چه چیزهایی را می‌توانیم به آن‌ها ببخشیم و چه چیزهایی را می‌توانیم در اختیارشان قرار دهیم. اگر ساعت‌ها وقت‌مان را صرف ایجاد یک پاراگراف برانگیزاننده می‌کنیم این‌ها قیمتی ندارند و نمی‌توان برای آن‌ها قیمت تعیین کرد. اگر ما ساعت‌ها وقت می‌گذاریم و به ازای آن کمترین را برداشت می‌کنیم و آن را هدیه می‌دهیم به مخاطبانمان، این‌ها از جمله داده‌های ما هستند که جزو داشته‌های

یاد و خاطره شهدای دولت و شهیدان رجایی و باهنر را در هفته دولت و همچنین یاد و خاطره شهدای هفدهم شهریور را گرامی می‌داریم. خوش‌حالم که در این فرصت در خدمت شما هستم. من بیشتر خودم را سردبیر مجله «رشد مدیریت مدرسه» می‌دانم. امیدوارم بتوانیم اخلاق حرفه‌ای را در کارهایمان به درستی رعایت کنیم. من می‌کوشم اخلاق حرفه‌ای را حفظ کنم و در جایگاهی که هستم، بتوانم انجام وظیفه کنم.

داشته‌های ما داشته‌های ما نیستند، بلکه داده‌های ما داشته‌های هستند. به عبارت دیگر ارزش آدم‌ها به چیزهایی نیست که دارند، بلکه به چیزهایی است که می‌بخشند. هرگز چیزی را که نبخشیدید به دست



درگوشی صحبت کردن را که کار آدم‌های
زبون و حقیر است، از خودمان دور کنیم

ما محسوب می‌شوند. امیدوارم داده‌های ما روز به روز
بیشتر شوند و در این امور گشاده دست باشیم و بتوانیم
بیشتر خدمت کنیم.

این نوع جلسه‌ها به دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
منحصراً در سال‌های پیش هم که به این جلسه‌ها
می‌رفتیم، به دفترهای دیگر سازمان پژوهش می‌گفتیم
که شما هم چنین جلسه‌هایی برگزار کنید. این جلسه‌ها،
جلسه نقد از خود است. ما در اینجا جمع می‌شویم تا
خودمان را نقد کنیم. قرار نیست از خودمان تعریف کنیم.
فلسفه وجودی چنین جلسه‌هایی این است که گزارش
کارهای انجام شده ارائه و نقد شود. این نوع جلسه‌ها
را دفاتر دیگر سازمان برگزار نمی‌کنند. فکر می‌کنند
از همه چیز بی‌عیب هستند و نیازی به برگزاری این
جلسه‌ها ندارند. من از سایر دفترهای سازمان می‌خواهم
حتماً چنین جلسه‌هایی برگزار کنند و خودشان را در
محضر دیگران قرار دهند تا دیگران هم آن‌ها را ببینند و
کارشان را نقد کنند. نگران نقد شدن نباشید. مدیریت
ارزشمدار به دنبال آن نیست که دیگران تأییدش کنند،
بلکه افراد را ترغیب می‌کند که او را به چالش بکشند.
این یکی از ویژگی‌های مدیریت ارزشمدار است. اگر
ما مدیر ارزشمدار هستیم، باید به آن پایبند باشیم.
جلسه‌های با این فلسفه بسیار خوب هستند. البته این
جلسه در طیف وسیع برگزار می‌شود، اما می‌تواند در
طول سال در طیف کوچک‌تری هم اتفاق بیفتد.

این خیلی مهم است که شفاف حرف بزنیم و شفاف هم
باشنویم و درگوشی صحبت کردن را که کار آدم‌های زبون



اگر همه ما با هم یک قدم برداریم بهتر از ۱۰۰ قدمی است که یک نفر به تنهایی بر می‌دارد

و حقیر است، از خودمان دور کنیم. ما نباید نگران حرف زدن باشیم. اگر این اتفاق بیفتد، می‌توانیم یک قدم به جلو برداریم. همواره باید فکر کنیم که وضع موجود ما وضع مطلوب نیست و برای رسیدن به وضع مطلوب باید قدم برداریم.

از طرف دیگر همه ما باید تلاش کنیم سازمان به اهدافش برسد. هیچ وقت یک فرد به تنهایی نمی‌تواند سازمانی را به هدف‌هایش برساند. همه ما باید با هم یک قدم برداریم، اگر همه ما با هم یک قدم برداریم بهتر از ۱۰۰ قدمی است که یک نفر به تنهایی بر می‌دارد. همه ما باید وظایفمان را به نحو مطلوب انجام دهیم و منتظر نباشیم که دیگران کار کنند تا ما به نتیجه برسیم.

خوشبختانه آموزش و پرورش در ایران فیل در تاریکی نیست. زمانی فیل در تاریکی بود و بعضی اصلاً نمی‌دانستند آموزش و پرورش چیست. تا زمانی که یک نفر آمد و چراغ را افروخت و همه چیز برای همه روشن شد؛ سند تحول، برنامه درسی ملی و... الان مشخص است که آموزش و پرورش ما چه چشم‌اندازها، راهبردها و برنامه‌هایی دارد. بنابراین الان وقت آن است که مرد تحول و تغییر باشیم و کارها را به سرعت جلو ببریم. اینجاست که من نقشه راه مدیریتی به نام «رهبری اثربخش» را مطرح می‌کنم. رهبری اثربخش

یعنی داشتن یک برنامه کلان و بسیج همه منابع برای دستیابی و عینیت بخشیدن به آن تصویر کلان. این را من برای همه شما فرستادم، اما کمترین بازخورد را از شما دیدم. البته دکتر آرانی از آن سوی دنیا (ژاپن) به من بازخورد داد. بدانید که شما باید با ما همراهی کنید. رهبری اثربخش نقشه راه مدیریت سازمان است. این مدل شش بُعد و شش راهبرد دارد. کدام یک از شما آن شش راهبرد را بلد هستید؟ باید تلاش کنیم به این راهبردها پردازیم. راهبرد ماندگارسازی کتاب‌های درسی، راهبرد انطباق برنامه‌های درسی با سند تحول، راهبرد چند تألیفی، چند رسانه‌ای که همان الکترونیکی شدن مجلات است، مرز گستری، پایدارسازی کتاب‌های درسی و چاپکی برنامه درسی.

از جمله بخش‌هایی که در این جلسه می‌توان به آن پرداخت، بحث مرز گستری است. در بحث مرکز گستری می‌گویند مدیر باید برای سازمان کف سازی کند و دیوار نکشد. ما باید کف سازمان را بازسازی کنیم. درهای سازمان باید به سوی بیرون گشوده و آغوشش گشاده‌تر شود. باید به نیروهای خارج از سازمان فرصت داد تا بتوانند در آموزش و پرورش خدمت کنند. همه دفترهای سازمان باید به مرز گستری دست بزنند و بازتر عمل کنند. مثالی است که می‌گوید نهنگ را در جوی آب شکار نمی‌کنند، بلکه آن را در دریا شکار می‌کنند. باید نگاهمان را وسیع‌تر کنیم تا بتوانیم آدم‌های بزرگ‌تری را به سازمان بیاوریم. همه شما بزرگ هستید و اگر بزرگان دیگری هم به ما بپیوندند بسیار خوب است.

ما الان در عصر پست مدرن زندگی می‌کنیم. گفته می‌شود در سال ۲۰۲۴ حجم اطلاعات هر ۱۲ ساعت دو برابر می‌شود. برای همین ما به یادگیری مستمر و دائمی نیاز داریم. که داریم اکتفا نکنیم و سعی کنیم دائم مطالعه کنیم و یاد بگیریم. متأسفانه الان معلمان ما دچار مشکل مطالعه نداشتن شده‌اند و فرهنگ کتاب‌خوانی و مطالعه در فرهنگ ما بسیار پایین آمده و وظیفه ماست که این مسئله را حل کنیم. باید از خودمان شروع کنیم. خودمان باید در حوزه تخصصی خودمان یادگیری مستمر داشته باشیم و از حوزه‌های دانشی عقب نمانیم.

نکته دوم این است که مخاطبان ما انسان‌های بسیار مهم و با ارزشی هستند که باید قدرشان را بدانیم. باید دائم از معلمان و دانش‌آموزان بازخورد بگیریم و بازخوردهایشان را بررسی کنیم. هیچ وقت آن‌ها را دست کم نگیریم و فکر نکنیم که داریم برای افرادی می‌نویسیم که کمتر از ما می‌دانند. هر چه ما می‌گوییم آن‌ها باید گوش کنند و هر چه می‌نویسیم را قبول کنند. بسیاری از نوشته‌های ما را خیلی‌ها می‌خوانند و نمی‌پسندند. اگر نپسندیدند، آیا جایی هست که ما بازخورد بگیریم؟ ممکن است من ۱۰ سال یک مسیری را انتخاب کنم و در همین ۱۰ سال عده زیادی آن را قبول نداشته باشند. چون من هیچ وقت بازخورد نگرفته‌ام که ببینم کجای کارم اشکال دارد، پس دائم همان اشتباه را ادامه داده‌ام.

بنابراین یکی از بخش‌های مهم، بازخورد گرفتن از مخاطبان است که باید به روش‌های متفاوتی انجام شود؛

مثلاً با رفتن سر کلاس و نشستن پای صحبت معلمان. البته نیاز نیست پای صحبت همه بنشینیم. یک نمونه کوچک هم انتخاب شود، کار دستمان می‌آید و کارایی و عملکرد ما پیشرفت خواهد کرد. سعی کنیم بازخورد را به هر زبانی شد از مخاطبانمان بپذیریم؛ حتی با زبان تلخ. اما اگر خودمان خواستیم به آن‌ها بازخورد بدهیم، حتماً با زبان مثبت باشد. سعی کنیم در نوشته‌ها و یادداشت‌هایمان مخاطبانمان را بیشتر انگیزه‌مند کنیم تا سیراب. آن‌ها را سر شوق بیاوریم. سرشوق آوردن مهم‌تر از سیراب کردن است.

نکته بعدی این است که درباره خطوط تولید محتوا فکر کنیم. یعنی با چه خطوطی می‌توان محتوا را افزایش داد. مصاحبه، میزگرد، سفارش مقاله و... همه از انواع خطوط تولید محتوا هستند. هر چه تعداد خطوط تولید ما بیشتر شود محتوای مجلات پر بارتر خواهد شد. در یافتن استعدادها نویسنده‌های بین معلمان، مدیران و دانش‌آموزان اهتمام کنید. این خیلی نکته مهمی است که استعدادها را کشف کنیم و از آن‌ها بخواهیم برای ما بنویسند. مثلاً از عده خاصی که برای مجله ما در سال‌های گذشته مطلب فرستاده‌اند، دعوت کنیم و با آن‌ها به گفت‌وگو بنشینیم.

دریافت تجربه‌های زیسته و خاطرات ناب بسیار مهم است. ما الان به دریا وصل هستیم. هیچ کس به اندازه ما اجازه ندارد وارد زندگی معلمان و دانش‌آموزان شود و از آن‌ها بخواهد خاطراتشان را بنویسند. از ظرفیت‌های داخلی و کناری خودمان استفاده کنیم. ظرفیت همان



توصیه می‌کنم مجلات منتشر شده در سال‌های قبل را حتماً بخوانید. بدانید که در شماره‌های قبلی در مورد چه موضوعاتی صحبت شده است



پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قلب تپنده و مغز متفکر آموزش و پرورش است، حرف درستی است، اما هنوز به آن اعتقاد وجود ندارد و هنوز در جایگاه اصلی خودش در آموزش و پرورش قرار نگرفته است.

توصیه می‌کنم مجلات منتشر شده در سال‌های قبل را حتماً بخوانید. بدانید که در شماره‌های قبلی در مورد چه موضوعاتی صحبت شده است. برای مثال، با شخصی در مجله‌ای گفت‌وگو می‌کنند و چاپ می‌شود که ما از آن بی‌خبریم و در مجله خودمان همان را تکرار می‌کنیم. نمونه آن را در شماره مهر ماه رشد آموزش ابتدایی می‌بینیم. با معلم موفق مصاحبه شده است که این سومین مصاحبه با ایشان در مجلات رشد است. در ۱۵ سال گذشته سه مصاحبه با مضمون‌های تقریباً تکراری با این معلم انجام شده است. آیا واقعاً معلم موفق دیگری وجود نداشته است؟ این نشان می‌دهد که ما به گذشته دقت نمی‌کنیم.

اگر در شورای برنامه‌ریزی مجله بتوانند سوژه تولید کنند و سوژه محور جلو بروند، خیلی خوب خواهد شد. گاهی اوقات نمی‌توانیم سوژه و ایده را درست بشناسیم. اگر بتوانیم سوژه‌ها را درست پیدا کنیم همین سوژه‌ها می‌توانند اطلاعات زیادی به ما بدهند و مجلات را پربارتر کنند.

شمای کلی هر شماره را در بیاورید. مثلاً این شماره درباره مناسبات انسانی، یا درباره شادی در مدرسه‌ها می‌نویسید. اگر می‌خواهید درباره شادی و نشاط در مدرسه صحبت کنید، جای آن در شماره مهر ماه است.

قابلیت‌ها و بالقوه بودن‌هاست. افرادی در دفترهای دیگر سازمان پژوهش که هستند می‌توانند به ما کمک کنند. در صفحه‌های ریاضی اولین شماره رشد آموزش ابتدایی امسال در مهر ۱۳۹۷ نمونه‌ای از این همکاری‌ها وجود دارد. آن‌ها در تعاملی که با دانش‌آموزان ریاضی داشتند توانستند آن مطلب را چاپ کنند. با بخش‌های متناظر در دفترهای تألیف و پژوهشگاه در ارتباط باشید. شما همیشه نباید دنباله روی دفتر تألیف باشید، گاهی هم آن‌ها باید همراه شما باشند و این ارتباط می‌تواند تأثیرگذار باشد. این ارتباط فقط به حوزه‌های داخل سازمان منحصر نیست. باید سراغ معاونت‌های دیگر هم بروید. شما محتوا تولید می‌کنید. باید افرادی را که می‌توانند این محتوا را پشتیبانی کنند و به دست دانش‌آموزان و معلمان برسانند، نسبت به مجلات رشد حساس کنید. مطمئن باشید که وقتی این افراد به استان‌های کشور می‌روند، از مجلات رشد هم حرف خواهند زد. الان در سراسر آموزش و پرورش از تنها چیزی که صحبت نمی‌شود، مجله رشد است. در جلسه مدیران کل استان تهران یکی از ترجیع بندهای صحبت‌های من همین مجله رشد بود. از آن‌ها خواستم که در مدرسه‌ها به مجلات رشد توجه کنند. اینکه گفته می‌شود سازمان

اگر در شورای برنامه‌ریزی مجله بتوانند سوژه تولید کنند و سوژه محور جلو بروند، خیلی خوب خواهد شد

بعضی که قدیمی‌ترند کمتر حوصله کار دارند، اما برخی جوان‌ترها که جدید آمده‌اند بسیار خوب کار می‌کنند. گزارشگرها را به روز کنید. چون تنظیم گزارش با این افراد است و به خوبی می‌توانند موضوع مورد نظر را مطرح کنند. مجلات رشد می‌توانند برخی از نشست‌های علمی سازمان را پوشش دهند.

نکته بعدی موضوع کتاب است. سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی بحث بسیار مهمی است. هر چند امسال خدشه‌ای به مصوبه ۸۲۸ وارد شد اما همچنان کتاب حرف اول را می‌زند و ما می‌توانیم شهر کتاب را تا حدی سامان‌دهی بکنیم.

یا موضوع انجمن اولیا و مربیان باید در شماره آبان مطرح شود، نه در شماره اردیبهشت. هماهنگی با مجلات دیگر را جدی بگیرید. گاه می‌توان به یک موضوع در یک شماره چند مجله پرداخت. سعی کنید نویسندگان متفاوتی را وارد کنید. بعضی از نویسندگان در یک مجله متمرکز شده‌اند. تلاش کنید نویسندگان مجلات را زیاد و متنوع کنید. نقش سردبیر خیلی مهم است. سردبیر نباید خودش را فقط در سرمقاله نشان بدهد. سردبیر باید هر چند وقت یکبار مقاله‌ای قوی بنویسد. وظیفه سردبیر فقط جمع کردن و مدیریت مطالب مجله نیست.

باید تکلیف صفحه پشت جلد مجلات را روشن کنید. می‌توانید برای این صفحه تبلیغات درون‌سازمانی در نظر بگیرید. اگر امکان گرفتن تبلیغات از بیرون از سازمان فراهم نیست، کارهای بزرگ سازمان را در این صفحه‌ها انعکاس دهید.

به موضوع گفت‌وگو و گزارش و میزگرد بیشتر توجه کنید که تأثیر فراوانی دارند. در میزگردها از انتقاد نترسید. می‌توانید به زبان نرم حرف‌هایتان را بزنید که به کسی هم برنخورد. نگران نقد کردن آموزش و پرورش و خودمان نباشید. قرار نیست به کسی توهین شود. فقط نقد کنید بدون نگرانی. مجلات را شهرستانی هم بکنید؛ تمام تهرانی نباشد. هم از جهت محتوا، هم از نظر ادبیات و هم از نظر ظاهر مجله و افرادی که در دفتر مجله حضور دارند. باید تمام شهرستان‌ها را در نظر بگیرید. خبرنگاران و گزارشگران زیادی با ما همکاری می‌کنند.

گزارش

از سَرِّ ترین سخنان تا جزئی ترین مسائل

نگاهی به فعالیت تاریخ‌نگاران و راویان دفاع مقدس

یونس باقری

سالنامه
شماره سیزدهم
په‌ار ۱۳۹۸

۷۲

روز دوشنبه ۲۲/مردادماه/۱۳۹۷، به دعوت دوستان مجموعه «تاریخ‌نگاران و راویان دفاع مقدس»، در «مرکز اسناد و آرشیو دفاع مقدس» مستقر در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به همراه مدیر کل محترم دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، معاونان، سردبیران و مدیران داخلی برخی مجلات، میهمان این عزیزان بودیم. نوشته زیر گزارشی مختصر از این جلسه است. شما در این نوشته شاید برای اولین بار با عنوان «تاریخ‌نگاران و راویان دفاع مقدس» آشنا می‌شوید. فداکارانی که در دل حادثه‌ها فقط به مستند کردن دفاع هشت ساله ملت بزرگ ایران مشغول بوده‌اند.

بررسی هر واقعه تاریخی، فارغ از اینکه در چه مکان و برهه‌ای از زمان اتفاق افتاده است، برای بررسی، واکاوی و تحلیل برای آیندگان به منابع و اسناد معتبر نیاز دارد. تا چنانچه در آینده به هر دلیل امکان وقوع پیدا کند، بتوان آن را شبیه‌سازی کرد و نقاط قوت آن پدیده را تقویت و نقاط ضعف آن را بررسی کرد و به حداقل رساند. دفاع مقدس هشت ساله مردم ایران زمین در مقابل ارتش بعثی عراق و کشورهای برنامه‌ریزی‌کننده، تجهیزکننده و حمایت‌کننده



آنچه را که راویان دفاع مقدس ثبت و ضبط کرده‌اند، می‌توان سالیان سال در مهم‌ترین دانشگاه‌های نظامی و غیرنظامی جهان تدریس کرد

راه‌اندازی و شکل گرفتن آن بوده‌اند. ولی در حال حاضر این مجموعه با عنوان «تاریخ‌نگاران و راویان دفاع مقدس» در حالت فعالیت است.

راویان و تاریخ‌نگاران با تمام مشکلات زمان جنگ، در تمامی جلسات مهم فرماندهان در زمان طرح‌ریزی برای عملیات، قبل از عملیات و حین انجام عملیات همراه با فرماندهان بوده‌اند. حتی در زمان عملیات‌ها دوشادوش فرماندهان حضور داشتند و لحظه‌ها را ثبت می‌کردند. این راویان دفترچه‌هایی داشتند که همه چیز را، از سری‌ترین سخنان فرماندهان تا جزئی‌ترین مسائل، در آن‌ها ثبت می‌کردند. با ضبط صوت کوچکی محتوای جلسات را در ضبط می‌کردند و در پایان عملیات گزارشی کامل از آنچه گذشته بود می‌نوشتند و تحویل می‌دادند. این راویان در زمان دفاع مقدس هزاران گزارش مستند و مهم از انجام عملیات در جبهه‌های نبرد را در قالب نوارهای کاست، دفترچه‌های راوی، گزارش عملیات، کالک، نقشه و سند، جمع‌آوری، ثبت و ضبط کرده‌اند و اکنون این اسناد از جمله مستندترین اسناد مربوط به جنگ ایران و عراق محسوب می‌شوند که این واقعه عظیم را از دست تحریف در امان نگه می‌دارند. آنچه که این راویان ثبت و ضبط کرده‌اند، می‌تواند سالیان

آن، از پدیده‌هایی است که به تحلیل عمیق نیاز دارد. چگونه شد که جمهوری نوپای اسلامی مورد حمله همه‌جانبه دنیای زمان خود قرار گرفت و به جنگی یکطرفه کشیده شد. از فروش سیم خاردار به ما به بهانه تجهیزات نظامی بودن، خودداری می‌کردند، ولی طرف مقابل بدون هیچ گونه محدودیتی از شرق و غرب دنیای آن روز مسلح می‌شد. کشورهای مرتجع عرب هم وظیفه حمایت‌های مادی آن را بر عهده داشتند.

اینجاست که اسناد و مدارک معتبر به کمک ما می‌آیند تا دریابیم، در سپاه اسلام طرح‌ریزی عملیات‌ها و اجرای آن‌ها چگونه انجام شده و در جلسات سری فرماندهان چه می‌گذشته است. به همین دلیل در نیمه دوم سال ۱۳۶۰، هنگامی که بخش‌هایی وسیعی از کشور عزیز ما مورد هجوم لشکر عراق قرار گرفته بود، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با پیروزی انقلاب اسلامی متولد شده بود و فرماندهان جوان و مؤمن آن سودای حفظ و نگهداری انقلاب اسلامی را داشتند، قبل از آغاز عملیات «طریق‌القدس» مجموعه‌ای را راه‌اندازی کردند تا تاریخ دفاع مقدس را ثبت و ضبط کند که بعدها به آن‌ها «تاریخ‌نگاران و راویان جنگ» گفته شد. آن‌ها در طول هشت سال جنگ تحمیلی وظیفه ضبط، گزارش‌نویسی، شرکت در جلسات سری و نگهداری آن مکتوبات را بر عهده داشتند.

این مجموعه نخست به‌عنوان راویان جنگ در دفتر سیاسی سپاه پاسداران شکل گرفت. «مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ» و «مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس»، عناوین سازمانی دیگر این مجموعه از زمان

سال در مهم‌ترین دانشگاه‌های نظامی و غیرنظامی دنیا تدریس شود و هر بار فراز جدیدی از جنگ تحمیلی را رازگشایی کند.

جمع کوچک راویان دفاع مقدس تعداد اندکی از نیروهای خوش فکر و دست به قلم سپاه و بسیج بودند که حرکتی ماندگار را آغاز کردند و کارشان تا پایان جنگ ادامه یافت. اینان جوانانی بودند که در دل حادثه‌ها و صحنه‌های نبرد با تمام توان به مستند کردن حادثه‌ها پرداختند. به تعبیری، کار آنان از جنگیدن رودررو سخت‌تر بود. باید با حوصله و زیرکی عمل می‌کردند و اجازه نمی‌دادند جزئیات از دست بروند. عمر برخی راویان طولانی نبود و در صحنه‌های نبرد به فیض شهادت نائل آمدند. ولی برخی تا پایان جنگ در همین کسوت باقی ماندند و بعد از جنگ هم در مقام پژوهشگر و نویسنده تاریخ جنگ ایران و عراق به کار خود ادامه دادند.

مجموعه راویان جنگ ۱۷ شهید را در جبهه‌های نبرد به هنگام مستندسازی نبردها تقدیم اسلام کرد و مجموعه روایت‌های مستند این عزیزان به خون سرخشان آراسته شد. این گروه از شهدا شاید جزو مظلوم‌ترین شهدای دفاع مقدس باشند. با اینکه جنگ را مستند می‌کردند، اما کسی خود آنان را برای آیندگان مستند نکرد. تا اینکه در سال ۱۳۸۸، «گروه مطالعات اجتماعی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس» در صدد تهیه و تدوین زندگی‌نامه و چگونگی شهادت این عزیزان برآمد که تاکنون زندگی و چگونگی شهادت تعدادی از این راویان را در قالب کتاب برای آیندگان منتشر کرده است.

راویان و تاریخ‌نگاران بعد از جنگ وارد حوزه پژوهشی شدند و محصولات متعددی را در زمینه تاریخ جنگ منتشر کردند. یکی از این محصولات، مجموعه ۶۰ جلدی روزشمار جنگ ایران و عراق است که از دهه اول انقلاب، یعنی ۲۱/اسفندماه/۱۳۵۸ تا پایان مرداد ماه ۱۳۶۹ را که زمان پذیرش قطعنامه و قبول آتش‌بس است، به صورت تحلیلی ارائه می‌کند. از این مجموعه که برای استفاده پژوهشگران، هنرمندان و کارگردانان بسیار مناسب است، تاکنون ۳۰ جلد منتشر شده و ۳۰ جلد باقی‌مانده در حال آماده‌سازی و چاپ است.

همچنین کتاب‌هایی درباره نبرد ایران و عراق آماده و منتشر شده است که از دل جلسات و صحنه‌های نبرد ثبت و ضبط شده‌اند. برای مثال، کربلای ۴ چطور شروع شد، طرح‌ریزی، آماده‌سازی، موافقان و مخالفان و همچنین شرایط کشور در آن زمان چگونه بوده است؟ پاسخ چنین کتاب‌هایی را در کتاب‌های مزبور می‌توان یافت.

کتاب دیگری نیز در حوزه جغرافیا و اطلس مناطق نبرد و اطلس یگان‌ها با استفاده از نقشه‌ها و کالک‌ها آماده چاپ شده است.

امید است روزی فرا برسد که تمامی مستندات این مرکز در مجموعه‌ای کامل به صورت مدون منتشر شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد تا بر آیندگان ارزش این جمله شهید مصطفی چمران بیش از پیش آشکار شود که گفته بود: «بشکند قلم‌هایی که نویسند بر خمینی و یارانش چه گذشت!» به امید چنین روزی.

قبل از عملیات طریق القدس مجموعه‌ای
را اندازی شد برای آنکه تاریخ دفاع
مقدس را ثبت و ضبط کنند و بعدها به آن
تاریخ‌نگاران و راویان جنگ گفته شد

بهبود و تحول در کلاس درس اتفاق می افتد

گزارشی از ششمین همایش درس پژوهی دوره ابتدایی در استان همدان

محمد حسین دیزجی

اشاره

سالنامه
شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸

۷۶

همیشه یک پرسش هست که بتواند دغدغه‌ای ایجاد کند. یک سؤال که چند نفر را گردهم بیاورد تا تجربه‌ها و دانش خود را به اشتراک بگذارند و درصدد یافتن پاسخ آن باشند. گاهی این سؤال از کلاس درس شروع می‌شود. معلم تدریس می‌کند، بیشتر دانش‌آموزان مطلب را می‌گیرند و تعدادی هم متوجه موضوع نمی‌شوند. معلم به تکاپو می‌افتد. دنبال راه‌حلی می‌گردد تا این مشکل را برطرف کند. مطالعه می‌کند، با همکارانش به مشورت می‌نشیند، تجربه‌های دیگران را مرور می‌کند، و سرانجام در قالب درس پژوهی طرح و ایده‌ای را به محل آزمون می‌گذارد، جواب می‌گیرد و در نهایت کار را به سرانجام می‌رساند. درس پژوهی به دنبال آن است که به گروهی از معلمان دارای مسئله‌های مشترک در فرایند آموزش و یادگیری کمک کند، بهتر بیندیشند و با کمک هم راه‌حلی مناسب را برای حل مسئله‌های خود بیابند.

چندی پیش ششمین همایش درس پژوهی دوره ابتدایی استان همدان برگزار شد. در این برنامه از معلمان و کسانی که با تدبیر و ابتکار خود چه به صورت فردی و چه در قالب گروهی پیرامون مسئله‌ها و دغدغه‌های

آموزشی خود به راه حل‌هایی رسیده و از دستاوردهای حاصل موفق به حل برخی مشکلات دانش‌آموزان در نقاط متفاوت این استان شده بودند قدردانی شد. البته در کنار درس پژوهی نیز طرح دیگری در این استان مطرح شد که از برگزیدگان آن نیز با نام «زندگی پژوهی» سپاس‌گزاری کردند. زندگی پژوهی در واقع طرحی است که به موضوع‌های مرتبط با حوزهٔ درس و زندگی دانش‌آموزان از طریق تلفیق فرایند یاددهی - یادگیری می‌پردازد.

در این جلسه دکتر مرتضی شکوهی، مدیرکل دفتر آموزش دبستانی وزارت آموزش و پرورش، به عنوان مهمان برنامه به ایراد سخن پرداخت و نکاتی را پیرامون درس پژوهی با آنان درمیان گذاشت. آنچه پیش روی شماست گزارشی از این برنامه است که با هم می‌خوانیم.



دکتر شکوهی مدیرکل دفتر آموزش دبستانی: تا زمانی که ما خودمان نخواهیم هیچ تغییری اتفاق نمی‌افتد و اگر هم تغییری صورت بگیرد، مانا، پایا و مستمر نخواهد بود

یک احساس زیبا برای حل مسئله در قالب گروهی

دکتر مرتضی شکوهی در این مراسم که با حضور مدیرکل، معاونان، مدیران، مسئولان آموزش و پرورش و معلمان برتر و پژوهشگر استان همدان برگزار شد،



از فکر کردن، اندیشیدن و پژوهش کردن به عنوان عوامل مهم و تأثیرگذار در موفقیت یاد کرد و گفت: «باید بپذیریم که گام اول برای توانمندسازی را باید خودمان برداریم. حضور در کارگاه‌های آموزش ضمن خدمت بسیار خوب و استفاده از سخنرانی‌ها بسیار سودمند است، اما مهم‌ترین نکته آن است که توانمندسازی باید با باور درونی ما همراه شود. تا زمانی که ما خودمان نخواهیم هیچ تغییری اتفاق نمی‌افتد و اگر هم تغییری صورت بگیرد، مانا، پایا و مستمر نخواهد بود.»

مدیرکل دفتر آموزش دبستانی در ادامه از درس پژوهی به عنوان بستر و نقطه مهمی در بحث انتقال تجربه نام برد و یادآور شد: «درس پژوهی در واقع احساسی زیبا برای حل یک مسئله به صورت گروهی است. در این روش، معلمان به کمک هم به تجزیه و تحلیل مسئله می‌پردازند و به کمک هم به دنبال کشف یک راه حل می‌گردند. این در حالی است که محصول فکر و تجربه من با دیگری متفاوت است. در درس پژوهی، ما این دریافته‌های خود را با هم به اشتراک می‌گذاریم.»

امروز باید باور کنیم که کارکردهای مدرسه تغییر یافته‌اند. سند تحول مدرسه‌ای متفاوت را به ما معرفی می‌کند. امروزه این سند از دانش‌آموز معنای نو و تازه‌ای ارائه می‌کند. دانش‌آموزان ما امروز دیگر تنها یک پذیرنده صرف حرف ما نیستند. سند تحول گرچه نیازمند تحول است و من در اینجا از

تا زمانی که ما خودمان نخواهیم هیچ تغییری اتفاق نمی‌افتد و اگر هم تغییری صورت بگیرد، مانا، پایا و مستمر نخواهد بود

شما می‌خواهیم که با نگاه آزاداندیشانه به آن نگاه کنید و نظرات خودتان را برای ما بفرستید، اما این سند پیام‌های بسیار نوینی را برای همه ما در تمام سطوح مدیریتی دارد.»

وی در ادامه تأکید کرد: «ما باید سراغ بهبود و تحول خود برویم و تحول واقعی توسط معلم و دانش‌آموزان در کلاس درس اتفاق می‌افتد. آنچه که غایت نظر یک برنامه است، تا زمانی که توسط مدیر و معلم در کلاس اجرا نشود به نتیجه نمی‌رسد. معلم باید به نظرهای بالادستی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، آموزشی و سایر علوم در کنار تجربه، تحصیلات و تخصص خود اتکا کند و آن را در عمل در کلاس درس خود پیاده سازد تا به نتیجه برسیم. همه ما می‌دانیم که مشارکت، خوب و منفعل کردن بد است. تشویق خوب و تنبیه بد است. هر قدر محیط بچه‌ها را با شوق همراه کنید، آن‌ها بهتر یاد می‌گیرند. لذا ارزش درس پژوهی بر این است که باید برآمده از نیاز معلم باشد.»

دکتر شکوهی در خصوص درس پژوهی و ارتباط آن با معلمان خطاب به مسئولان گفت: «درس پژوهی باید بر اساس آنچه که معلم می‌خواهد اتفاق بیفتد و ما تنها می‌توانیم آن را تبلیغ و ترویج کنیم. نباید اجباری در کار باشد. مجری درس پژوهی را تشویق کنیم، اما رقابت ایجاد نکنیم. به دنبال برترین‌ها و ضعیف‌ترین‌ها نباشیم. بهترین‌ها را در معرض دید قرار بدهیم، اما آنان را زیر فشار رقابت قرار ندهیم.

جشنواره الگوهای تدریس هم به دلیل ورود به فاز مسابقه از مسیر اصلی خود خارج شد.»
مدیرکل دفتر آموزش دبستانی در خاتمه سخنان خود در مورد نتیجه و موفقیت درس پژوهی گفت که باید حاصل را در عملکرد و کنش دانش‌آموز شاهد بود. هر قدر بچه‌ها فعال‌تر باشند، برای یادگیری آماده‌تر عمل کنند، و فراگیری آن‌ها ماندگارتر باشد، طرح معلم به هدف‌های خود نزدیک‌تر شده است. یادگیری امری خودخواسته، درونی و فردی است. هیچ‌کس نمی‌تواند تا زمانی که خودمان نخواهیم آن را در وجود ما عملی سازد.

معلم بالنده و شاگردان پیشرو

پیش از دکتر شکوهی، دکتر محمد پورداود، مدیرکل آموزش و پرورش استان همدان، طی سخنانی به معرفی ویژگی‌های معلمان عصر حاضر پرداخت و از آنان به عنوان کسانی نام برد که توسعه پایدار با سرانگشتان تدبیرشان رقم می‌خورد. وی از معلمانی که صاحب ایده‌های نو و برتر هستند، به عنوان افرادی نام برد که در این دوره هم خودشان موفق هستند و هم می‌توانند زمینه ساز موفقیت دیگران باشند. پورداود یادآور شد: «امروز معلمی که بالنده و با فناوری‌ها و تکنولوژی‌های آموزشی آشناست و بر آن‌ها تسلط دارد، می‌تواند شاگردانی بالنده و پیشرو تربیت کند. تنها اندیشه دادن به شاگردان پاسخ‌گو نیست، بلکه باید با فناوری آموزشی روز پیش برویم. معلم



در این دوران، معلم باید آینده پژوه باشد و برای آینده خود برنامه داشته باشد. یعنی با نگاه به افق آینده در کلاس درس حاضر شود و تدریس کند

باید با استانداردهای کشور و استانداردهای جهانی آشنا باشد و با تسلط بر اطلاعات روز بتواند با شاگردان خود ارتباط برقرار کند و آموزش خود را پیش ببرد. «مدیرکل آموزش و پرورش استان همدان در ادامه به موضوع استفاده از روش‌های نوین تدریس توسط معلمان اشاره کرد و گفت: «در این دوران، معلم باید آینده پژوه باشد و برای آینده خود برنامه داشته باشد. یعنی با نگاه به افق آینده در کلاس درس حاضر شود و تدریس کند. خلاقیت و ابتکار معلم باید به شاگردان او تسری یابد و آن‌ها را دانش‌آموزانی پرسشگر بار بیاورد. در درس پژوهی باید به دنبال یافتن راه حل‌های مسائل باشیم و به صورت هم‌فکری درصدد پیدا کردن جواب سؤال‌ها باشیم. معلم خوب کسی است که فقط یاددهنده نیست، بلکه خود به دنبال یادگیری است.»

یادگیرنده متعالی

یاسر نانکلی، دبیر همایش و معاون آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان همدان نیز دیگر سخنران این جلسه بود. وی هدف از برگزاری این برنامه را تجلیل از کسانی دانست که ابتدا خود عاشق یادگیری هستند و ادامه تجربه و تخصص خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهند. نانکلی درس پژوهی را راهکاری برای حرفه‌ای شدن معلمان دانست و گفت: «درس پژوهی باعث می‌شود که معلم از یک



طرح زندگی پژوهی سه سال است که در آموزش و پرورش استان همدان اجرا می شود و هدف ما ارتقای سطح خواندن است

یاددهنده صرف به یک یادگیرنده متعالی تبدیل شود و این حاصل یک طراحی جمعی است که آموزگاران و سایر عوامل اجرایی را به شکلی درگیر تدریس او می کند که نتیجه آن متوجه دانش آموز می شود.» معاون آموزش ابتدایی استان همدان سپس به طرح ها و پروژه های زندگی پژوهی اشاره کرد و افزود: « طرح زندگی پژوهی سه سال است که در آموزش و پرورش استان همدان اجرا می شود و هدف ما ارتقای سطح خواندن است. چرا که خواندن مهم ترین نیاز یادگیری بچه ها در طول تحصیل و زندگی است. سواد خواندن مبتنی بر توانایی درک مطلب است. اگر این توانایی در شاگرد تقویت نشود، به یقین حفظ کردن جایگزین آن می شود و بچه ها به مطالعه مطالب خارج از کتاب درسی نمی پردازند. موفقیت و پیشرفت هر شاگردی با میزان توانمندی وی در درک مطلب ارتباط دارد.

وی در خاتمه گزارشی از اجرای این طرح در سطح استان همدان ارائه کرد و گفت: «در این دوره ۷۳۰ آموزشگاه و ۴۳۴۹ نفر از آموزگاران و عوامل اجرایی درگیر درس پژوهی شدند. همچنین ۳۳ هزار دانش آموز نیز با این طرح مرتبط بودند.»

در بخش دیگری از برنامه، **زهرا باقری** یکی از درس پژوهان برگزیده و منتخب استان، طرح خود را برای حاضران تشریح کرد. در پایان نیز از صاحبان طرح های برگزیده تجلیل و قدردانی شد.



برگزیدگان این دوره از جشنواره

بخش درس پژوهی

۱. فرایند یاددهی - یادگیری مفهوم درصد در کلاس پنجم با بهره‌گیری از روش‌های نوین، دبستان پویندگان دانش ۲، ناحیه ۲ همدان.
۲. چگونه چالش‌های تلفظی و ترکیبی صامت (بی) با مصوت (یی) را به دانش‌آموزان یاد بدهیم، دبستان شاهد حاج طوسی، شهرستان ملایر.
۳. مسئله‌سازی به کمک چهار فرایند اصلی (جمع، ضرب، تقسیم و تفریق)، مدرسه دانش، شهرستان کبودرآهنگ.
۴. تقویت فرایند یاددهی - یادگیری تقسیم یک عدد بر عددهای اعشاری با استفاده از روش‌های نوین تدریس، مدرسه رسالت یک، قهاوند.
۵. آموزش مفهومی تقسیم کسر بر کسر با مخرج نامساوی با بهره‌گیری از الگوهای نوین تدریس، مدرسه سمیه، قهاوند.
۶. تقویت فرایند یاددهی - یادگیری مفهوم ضرب کسرها (ضرب عدد در کسر، ضرب کسر در کسر) در کلاس‌های چند پایه (پنجم و ششم) برگرفته از الگوی تدریس نوین تلفیقی، مدرسه شهید محمد منتظری، قهاوند.
۷. مفهوم ترکیبی اعداد (ترکیب‌های دوتایی، جدول جمع نظام‌دار)، مدرسه مقدار، شهرستان بهار.
۸. مراحل روش علمی، مدرسه حاج زرگرها ۲، شهرستان ملایر.
۹. چگونه یادگیری تبدیل واحدهای اندازه‌گیری احجام را برای دانش‌آموزان ماندگارتر سازیم، مدرسه شاهد شهید جابر شیرازی، شهرستان ملایر.
۱۰. الگوی مطلوب آموزش و یادگیری مفهوم سود (ارزش افزوده) در درس ریاضی پایه ششم ابتدایی با بهره‌گیری از روش‌های نوین، دبستان شهید وحدتی پویا، ناحیه ۲ همدان.
۱۱. بدن ما، دبستان شاهد شهید صابریان رنجبر، ناحیه ۱ همدان.

بخش زندگی پژوهی

۱. در جست‌وجو، مدرسه حضرت رقیه (س)، شهرستان کبودرآهنگ.
۲. قهرمان روستای من، دبستان مانده فخریه، شهرستان ملایر.



سالنامه
شماره سیزدهم
په‌سار ۱۳۹۸

۸۳



میزگرد

نشانیاتی که پشتیبان برنامه درسی اند

میزگردی با محور نقش و اهمیت مجلات رشد در آموزش

سالنامه
شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸

۸۴

«دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی»، ضمن توسعه فرهنگ مطالعه، همواره پشتیبان برنامه درسی ملی بوده و سعی کرده است با انتقال راهکارهایی مناسب در مجلات رشد، فعالیت‌های حرفه‌ای معلمان را ارتقا دهد. در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» سه دفتر «تألیف کتاب‌های ابتدایی و متوسطه نظری»، «تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش» و «انتشارات و تکنولوژی آموزشی» در تولید محتوای آموزشی نقش پراهمیتی دارند.

در بیستمین نشست سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی میزگردی با عنوان «نقش و اهمیت مجلات رشد در آموزش» با حضور آقایان دکتر حیدر تورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، دکتر محمود امانی طهرانی، مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های ابتدایی و متوسطه نظری و مهندس احمدرضا دوراندیش، مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش برگزار شد. آنچه در ادامه می‌آید گزارشی از این میزگرد است.

اهمیت مجلات رشد در پشتیبانی از برنامه‌درسی محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

بیستمین نشست سالانه این دفتر به نظر من اهمیت بسیار زیادی دارد. شاید اگر این نشست در تنکابن یا مشهد برگزار می‌شد، این توفیق به دست نمی‌آمد که آقایان دکتر امانی و مهندس دوران‌دیش را هم‌زمان در این گفت‌وگو داشته باشیم. در تاریخ سازمان پژوهش رابطه بین این سه دفتر هیچ‌گاه تا این حد نزدیک نبوده است. استحضار دارید که جناب آقای دکتر امانی و جناب آقای مهندس دوران‌دیش بالاترین و عالی‌ترین بخش تصمیم‌گیری در حوزه کتاب در سازمان پژوهش هستند و با بخش مجلات رشد نیز ارتباط تنگاتنگی دارند. در سال‌های اخیر که ویژه‌نامه‌هایی اختصاصی در زمینه تغییرات کتاب‌های درسی داشته‌ایم، به غیر از یکی دو دوره، از خود آقایان دعوت کرده‌ایم که کار را قبول کنند.

جناب آقای دکتر امانی ویژه‌نامه تغییرات کتاب‌های درسی را در بخش ابتدایی و نظری، و جناب آقای مهندس دوران‌دیش، ویژه‌نامه بخش فنی و حرفه‌ای را در کسوت سردبیری آماده کرده‌اند. این ویژه‌نامه‌ها مجلات بسیار مهمی بودند و چه بسا در زمان تغییرات کتاب‌های درسی تنها سندهای قابل اتکا و مراجعه محسوب می‌شدند. در واقع در کم و کیف انجام کار سردبیری این ویژه‌نامه‌ها هر دو بزرگوار از ابتدا تا انتها نقش اساسی داشته‌اند. در سال‌های قبل هم ویژه‌نامه‌ای در حوزه آموزش علوم منتشر شد که ویژه‌نامه مهمی بود و هنوز هم به آن مراجعه می‌شود. یک بخش از این ارتباط - صرف‌نظر از مسئولیت سازمانی



محمد ناصری: همیشه دعا می‌کنم ارتباطی که بین مدیران دفاتر سازمان وجود دارد، در بدنه کارشناسی دفاتر هم ایجاد شود

که هر دو بزرگوار دارند، به عنوان دو دوست و عزیز قابل اتکا و مشاور در امور مختلف - به خاطر ارتباط بسیار صمیمانه و نزدیک ما و ارادت به هر دو نفر است. بسیار پیش آمده است که در برخی از امور دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، در بخش مجلات رشد و سایر حوزه‌های فعالیت خودمان از این عزیزان مشورت گرفته‌ام. ارتباط ما با هم بسیار نزدیک است و باید قدر این ارتباط را بدانیم. همیشه دعا می‌کنم ارتباطی که بین مدیران دفاتر سازمان وجود دارد، در بدنه کارشناسی دفاتر هم ایجاد شود. چنین ارتباطی هر چه بیشتر اتفاق بیفتد، مطمئناً به نفع سازمان خواهد بود.

با این سؤال بحث را شروع می‌کنم: نقش و اهمیت مجلات رشد در پشتیبانی از برنامه‌درسی چیست و چه مسیری می‌توانید به ما معرفی کنید که مجلات رشد برای انجام این هدف، یعنی پشتیبانی از برنامه‌درسی، در آن قدم بگذارند؟

مجلات رشد زمینه‌ساز تبیین اسناد بالادستی
دکتر محمود امانی طهرانی، مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های ابتدایی و متوسطه نظری

خوش‌حالم که در جمع شما عزیزان هستم. این جلسات سالانه و گردهمایی‌ها از نقاط قوت سازمان پژوهش است که تا به امروز با جدیت پیگیری شده‌اند. نکته اول که به



محمود امانی طهرانی: تحقیقات نشان می‌دهند، بچه‌هایی که مفهوم عدد در ذهنشان خوب شکل بگیرد، قطعاً در پیشرفت ریاضی خیلی متفاوت عمل می‌کنند

آن می‌پردازم، تأکید بر فرمایش جناب آقای ناصری است که امروز سازمان پژوهش در شرایط خوبی قرار دارد. همین شرایط خوب برای ما مسئولیت مضاعف می‌آورد. امروز به غیر از اینکه تیم مدیریت سازمان پژوهش، مدیریتی بی‌مسئله، راحت و به نوعی فارغ از حاشیه‌هایی دارد که جاهای دیگر با آن درگیر هستند - و این جای شکر دارد - چشم‌اندازهای خوبی را برای سازمان ترسیم است.

شاید خبر داشته باشید که سازمان اخیراً به عرصه توانمندسازی معلمان وارد شده است. جناب آقای دکتر تورانسی طی مکاتباتی با وزیر محترم آموزش و پرورش، آمادگی سازمان پژوهش را در زمینه ورود به این عرصه اعلام کرده است. هنگامی که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وارد این عرصه شود، حال و هوای جدیدی به وجود می‌آید. مهم‌ترین نقص آموزش‌های ضمن خدمت در طول ۲۵ سال گذشته این بوده است که نگاه دائمی و مستمر به این آموزش‌ها وجود نداشته است. در این آموزش‌ها همه چیز موقت بوده است؛ برنامه موقت، مدرس موقت، کد موقت، محل اجرای موقت و... . هیچ‌گاه برای آموزش ضمن خدمت، یک سازمان کاری و یک مدیریت فکری مستمری تعبیه نشده است.

سازمان پژوهش برای ورود به این عرصه امکانات بسیار زیادی دارد. مجتمع‌های رشد که به لحاظ فیزیکی امکانی

عالی هستند، مجلات رشد، وبگاه رشد، ویژه‌نامه‌های رشد، سالنامه رشد، جشنواره فیلم رشد - که برای خودش یک بنای قدیم و چهل و چند ساله شناخته شده است - و همین مرکزی که امروز در آن حضور داریم؛ یعنی دارالفنون، می‌توانند برای آموزش‌های ضمن خدمت به خوبی به میدان بیایند. این فضا را چند تولید ما در سال‌های اخیر مثل «بر فراز آسمان» که به مرور زمان شناخته شده است، تقویت می‌کنند. در کنار هر کتاب درسی نرم افزاری شامل یک ویدیو وجود دارد که در آن مؤلفان درباره صفحه به صفحه کتاب، هدف‌های کتاب، برنامه‌های درسی و تشریح این فضا به طور مستقیم با معلمان صحبت می‌کنند.

«انتشارات مدرسه»، نیز در زمینه آموزش ضمن خدمت می‌تواند خیلی مؤثر واقع شود. همچنین «پخش مدرسه» که الان آن را به طور فیزیکی و نمادین راه انداخته‌ایم و البته هنوز به جایگاه واقعی خودش نرسیده است هم می‌تواند مفید باشد. به هر حال می‌بینیم که همه ابزار و لوازم و زمینه‌های این کار برای اینکه سازمان پژوهش بتواند در آموزش‌های ضمن خدمت وارد شود فراهم است. استان‌ها و مؤسساتی که با سازمان همکاری دارند به سازمان پژوهش، مؤلفان و سردبیران مجلات رشد، تولیدات و قول‌های سازمان اعتماد دارند و روی آن بیشتر از بخش‌های دیگر آموزش و پرورش حساب می‌کنند. این‌ها سرمایه‌هایی قرار دارند که در اختیار ما هستند و می‌توانند به ما کمک کنند.

بحث دوم این است که اسناد تحولی یک بخش اصلی دارند و یک سلسله حاشیه‌های فزاینده. در اسناد تحولی ما دوره‌ای با عنوان دوره هم‌سوسازی را گذرانده‌ایم که فشار بسیار زیادی روی سازمان آورد. از جمله تولید کتاب‌های



اول ابتدایی. بعد یک دوره آموزش بدون تنش، بدون تنش، بدون فشار، با احساس موفقیت کامل برای تک تک بچه‌ها، با فرصت دادن به بچه‌هایی که مقداری از خانه سخت‌تر جدا می‌شوند، بچه‌هایی که زبان مادری‌شان متفاوت است و در خانه به زبان دیگری صحبت می‌کنند، با توزیع زبان‌آموزی به جای یک سال در سه سال، با حذف یک سلسله چیزهایی که نیاز نیستند، ظرف سه ساله اول به آن‌ها بپردازیم.

یعنی تمرکز بر اینکه یک سه ساله رشد دهنده همگانی جذاب همراه با احساس موفقیت همگانی شکل بگیرد. قرار بود در این دوره بازی، رشد توانمندی‌های پایه‌ای یادگیری و خواندن لذت‌بخش محور باشند. شبیه آنچه که در مجلات داریم؛ خواندن لذت‌بخش. یعنی بچه‌ها بخوانند که احساس لذت کنند. در ریاضیات به مفهوم سازی‌های ریاضی، تشکیل مفهوم عدد در ذهن بچه‌ها، بازی‌هایی که به تشکیل مفهوم عدد در ذهن می‌انجامند و مانند این‌ها بپردازیم. تحقیقات

درسی دو پایه در یک سال، آموزش معلمانی که چندان مناسب انتخاب نشده بودند و فضایی که آمادگی لازم را نداشت. اگر در مورد اسناد تحولی از افراد جامعه سؤال کنید که به نظر شما چه چیزی متحول شده است، پاسخ می‌دهند که نظام دوره ابتدایی از پنج سال به شش سال تغییر کرده است و بقیه پایه‌ها هر کدام یک پایه بالاتر آمده‌اند و هنوز هم این سؤال برایشان وجود دارد که: اصلاً چه سودی در این شش ساله شدن بود؟ هیچ کس هم جواب درستی به این سؤال نداده است.

البته بارها در سازمان درباره این موضوع توضیح داده شده است که قرار نبود کار به این روش پیش برود. قرار نبود که دانش‌آموزان کلاس پنجم به پایه ششم بیایند. این بعداً اتفاق افتاد. ابتدا قرار بود که بر دوره ابتدایی یک سال افزوده شود، اما این یک سال به ابتدای دوره ابتدایی افزوده شود. یعنی این پایه یک و دو، بشود پایه یک و دو و سه و بشود دوره

نشان می‌دهند، بچه‌هایی که مفهوم عدد در ذهنشان خوب شکل بگیرد، قطعاً در پیشرفت ریاضی خیلی متفاوت عمل می‌کنند. شما می‌بینید که یک نماینده مجلس و عضو کمیسیون اقتصادی، یک عدد را چهار بار می‌خواند و در نهایت هم نمی‌تواند آن را درست بخواند.

برنامه این بود که یک دوره سه ساله اول ابتدایی شکل بگیرد و پایه‌های چهار و پنج و شش کار خودشان را بکنند. اما یک مرتبه با تصمیمی عجولانه، دانش‌آموزان پایه پنجم را به پایه ششم فرستادند. به هر حال این اتفاق افتاد. اسناد تحولی نقاط مهمی را نشانه گذاری کرده‌اند. شما ببینید در این کشور سند‌های زیادی نوشته می‌شوند، اما کمتر سندی است که هر کس درباره آن صحبت می‌کند، یک نکته مثبتی راجع به آن می‌گوید. در فرمایشات مقام معظم رهبری تأکید و تأیید این سند وجود دارد، اما درباره سایر اسناد این طور نیست. ایشان چند بار گفته‌اند که این سند، هم آن طور که خود ما خواندیم و هم آن طور که کارشناسان به ما گزارش دادند، سند خوبی است و باید خوب اجرا شود.

در اجرای این سند مهم‌ترین بخش رسیدن به معرفت و شناخت درباره موضوع آن است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کلامی نورانی به کمیل فرمودند: «یا کَمیلُ ما مِنْ حَرکةٍ إِلَّا و أَنْتَ مَحْتاجٌ فیها إلی مَعْرِفَه». یعنی: کمیل از تو حرکتی سر نمی‌زند، مگر آنکه تو در انجام آن حرکت و کار نیازمند معرفت و شناخت باشی. اگر از اسناد شناختی عمومی به جامعه ندهیم، حرکتی از جامعه سر نخواهد زد. این کار وظیفه ماست. یکی از کارهایی که مجلات رشد می‌توانند انجام دهند این است که وضعیت آموزش و پرورش‌های

مطلوب را برای معلمان، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها ترسیم کنند. مجلات می‌توانند این فضا را تجسم بخشند که آیا دانش‌آموز حق دارد نوع خاصی از تدریس را از معلمش مطالبه کند؟ آیا پدر و مادر حق دارند نوع خاصی از پرورش فرزندشان را از معلم مطالبه کنند؟ قطعاً این حق را دارند. این نوع خاص از فضا را مجلات می‌توانند ترسیم کنند.

بچه‌ها باید بدانند که تدریس خوب حقشان است. خیلی از پدر و مادرها فکر می‌کنند همین که اسم فرزندشان را در مدرسه نوشتند، دیگر مسئولیتشان تمام شده است. اما ترسیم این مطالبه برای پدر و مادر که آن‌ها باید درباره نحوه شروع درس، درباره نوع فعالیت‌های فرزندشان در مدرسه، نوع تکالیف یادگیری او، مشق شبی که به او می‌دهند، نوع امتحانی که از او می‌گیرند، ... تصمیم بگیرند، می‌شود یک مطالبه همگانی که همان پشتوانه سند است. این بخش از جنس آگاهی است.

جاهایی که استاندارد داریم، آن استاندارد اجازه نمی‌دهد که چیزی از یک حدی پایین تر بیاید. جاهایی هم استاندارد نداریم. باید استانداردها را اشاعه داد. ما باید در ایران استانداردهای آموزشی را برای بچه‌ها و معلمان ترسیم کنیم. این از آن جنس مطالبه‌گری‌ها مثبت است که باید از اسناد استخراج شود. خیلی جاها بین تدریس خوب و تدریس بد تنها چیزی که تأثیر ندارد، پول است و بیشتر از آن مسئولیت پذیری معلم، آگاهی معلم، رشد حرفه‌ای معلم و ... مطرح است. همین جاست که می‌بینید در یک مدرسه دو معلم هستند که یکی از آن‌ها تدریس بسیار خوبی انجام می‌دهد و دیگری تدریس غیر مؤثر و نامطلوب دارد. خواهش‌م این

است که مجلات رشد در این دوره‌ای که آقای دکتر تورانی اسم آن را دورهٔ رسیدن به کیفیت یادگیری گذاشته‌اند، روی این موضوع کار کنند. مجلات رشد می‌توانند سندها را از این حیث پشتیبانی کنند.

در سال ۱۹۸۸، انقلابی در نظام آموزش و پرورش انگلستان رخ داد؛ انقلابی که بیشتر در نحوهٔ ارزشیابی رخ داده بود، بدین شکل که از آن زمان تست چهار جوابی را در انگلستان ممنوع کردند. در همان زمان درس جدیدی با عنوان «طراحی و فناوری» (Design and Technology) به دورهٔ ابتدایی اضافه شد. البته تغییراتی هم در ساختار تحصیلی اتفاق افتاد که در آن امتحان پایهٔ دهم (GCSE) جدی شد. O Level حذف شد و A Level عامل اصلی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها شد.

در سال ۲۰۰۸ و ۲۰ سال پس از تغییر نظام آموزشی در انگلستان، پژوهشگری انگلیسی به نام دایلین ویلیام که شخصیت بسیار مشهوری در زمینهٔ ارزشیابی است، در یک سخنرانی با عنوان **tight but lose** به معنی «سفت و محکم در عین حال آزاد» را ارائه کرد. ویلیام در این سخنرانی با اشاره به تغییر نظام آموزش و پرورش انگلستان در سال ۱۹۸۸ گفت: «اگر شما تحول را به قدری ساده و سهل بگیرد که هر کسی بتواند هر کاری در هر جا انجام دهد، به حساب تحول بگذارد، دیگر تحولی برجانی ماند. آن‌ها همان کارهای عادی‌شان را به اسم کار تحولی به شما ارائه می‌دهند. حالا شما ببینید این موضوع چقدر با وضعیت کنونی ما هم خوانی دارد. اگر تحول را چنان سخت بگیرید و آن را بزرگ و دست نیافتنی کنید که هیچ کس نتواند رابطهٔ بین وضعیت موجود

خودش و آن را تعریف کند باز هم به جایی نمی‌رسید. ویلیام معتقد بود باید چند عنصر تحولی خدشه ناپذیر را به عنوان محور معرفی کنید و به هیچ وجه از آن‌ها کوتاه نیایید. اما در شکل‌های اجرایی در شرایط مختلف، انعطافی به وجود بیاورید که همه بتوانند نسبت خود را بین وضعیت کنونی و این محورهای اساسی تعریف کنند.

اگر از من بپرسید که مهم‌ترین محور تحول ما چه باید باشد، به نظرم یک طراحی آموزشی مؤثر تکان دهنده برای دانش‌آموز که منبعث از الگوی هدف‌گذاری برنامهٔ درسی ملی است. این همان هسته مرکزی و همان بخش **tight** و محکم آن است. بخش انعطاف‌پذیر آن که همان **Lose** است نیز عبارت از این است که هر مدرسه‌ای با این طراحی آموزشی مؤثر، تکان دهنده و رشد دهندهٔ دانش‌آموز، بر اساس این الگوی هدف‌گذاری برنامهٔ درسی ملی که رابطه‌های چهارگانه و عنصرهای پنج‌گانه در آن است، باید نسبت خود را تعریف کند. اینجاست شکل‌های گوناگون اجرا در هر مدرسه‌ای پدید می‌آیند و هر کدام به روشی به این برنامه نزدیک می‌شوند. اینجاست که می‌گوییم آموزش‌ها و پرورش‌های مطلوب.

در ایران ما انواع متفاوتی از مدرسه داریم: مدرسهٔ عادی با کلاس‌های پرجمعیت؛ مدرسهٔ عادی با کلاس‌های متوسط؛ مدرسهٔ چندپایه با تعداد کم و پایه‌های زیاد که همین مدرسه‌های چندپایه هشت نوع متفاوت دارند. در هر یک از این شکل‌های اجرا و شرایط متنوع، موضوع بد و خوب مطرح است، اما نوع آن فرق می‌کند؛ تدریس خوب و تدریس بد. من ابایی ندارم از اینکه از کلمهٔ تدریس بد و معلم بد استفاده کنم چون واقعیتی است که وجود دارد. ما معلم‌هایی داریم

لزوم تبیین نظام جامع آموزش و تقویت فنی و حرفه‌ای و مهارتی در مجلات رشد

مهندس احمدرضا دوران‌دیش، مدیرکل دفتر
تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش

ابتدا خلاصه‌ای از آنچه در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اتفاق افتاده است خدمت دوستان عرض می‌کنم و بعد مروری بر پیشنهاد‌های این دفتر خواهم داشت. می‌دانید که یکی از حوزه‌های مهم برنامه درسی ملی، حوزه تقویت و یادگیری و کار فناوری است. در برنامه درسی ملی در خصوص سازمان‌دهی محتوا این گونه آمده است که در دوره ابتدایی به صورت تلفیقی و درس مستقل، مفاهیم مربوط به ارزش کار، تلاش و کارآفرینی به دانش آموزان یاد داده می‌شود. در دوره اول متوسطه این مفاهیم باز هم به صورت درس مستقل و تلفیقی همچنان وجود دارند و بعد مباحثی مانند دست ورزی هم به آن‌ها اضافه می‌شود. در دوره دوم متوسطه این مفاهیم در قالب رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش ظهور پیدا می‌کنند. همچنین در شاخه نظری، برخی از درس‌ها به این حوزه وابسته‌اند. دفتر تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش، پس از ابلاغ برنامه درسی ملی در سال ۱۳۹۲، مطالعات مربوط را آغاز کرد و نهایتاً با مشارکتی که این دفتر با ذی‌نفعان داشت، توانست شاخه رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش را طراحی کند. از درون این طراحی‌ها رشته‌های جدیدی به وجود آمدند و رویکرد درس‌ها متفاوت شد. در شاخه فنی و حرفه‌ای، درس‌ها دیگر عنوان‌های سابق را ندارند. با اینکه دوره نظام آموزش فنی و حرفه‌ای سه ساله شده است،

که واقعاً معلم‌های بدی هستند. همان‌طور که معلم‌های فراوانی داریم که معلم‌های خوبی هستند. البته من به خوب و بد از منظر حرفه‌ای نگاه می‌کنم. بعضی می‌گویند معلم باید مهربان باشد. بعضی دیگر می‌گویند معلم باید سخت‌گیر باشد. من معتقدم این‌ها موضوع‌های فرعی هستند، معلم باید حرفه‌ای باشد. حرفه‌ای بودن معلم مهم‌ترین ویژگی اوست. ما الان در کشورمان معلم دلسوز و مهربان خیلی زیاد داریم، اما معلم حرفه‌ای کم داریم. وظیفه مجلات رشد در اینجا ترسیم شکل‌های مطلوب و پیچیدن نسخه بهبود برای هر کدام است. به عنوان آخرین نکته عرض می‌کنم که همه ما شاهد هستیم، معلمان در کشور از نظر مدرک تحصیلی رشد کرده‌اند و ادعاهای فراوان دارند. ادعای آن‌ها خیلی وقت‌ها بجاست. معلم‌ها فضایی می‌خواهند که خود را نشان دهند: «پری رو تاب مستوری ندارد.» مجلات رشد ابزاری هستند که می‌توانند به این گونه نیازها پاسخ بدهند. سهم و حضور معلمان در این مجلات الان هم موجود است، اما به صورت قصد شده، هر چه بتوانیم بر آن بیفزاییم، بر تیم طرفداران خود در کشور افزوده‌ایم. اگر مجله‌ای به گونه‌ای سازمان‌دهی و مدیریت شود که در تولید آن گروه فکری تحریریه اصلی در دفتر مرکزی نقش عمده خودشان را فعال‌سازی، سفارش مقاله، دریافت و انجام کار به وسیله معلم‌ها در نظر بگیرند و تیم استانی پیدا کنند، بسیار خوب خواهد بود. امروز یکی از شرط‌های بقای ما استان‌ها هستند. در سال‌های قبل این کار تا حدی دشوار بود. امروز فضای مجازی که این همه معلمان در آن می‌نویسند، نشان می‌دهد که افراد مشتاق نوشتن و صاحب قلم زیاد شده‌اند. اگر به این افراد خط بدهیم، می‌توانند نقشی بسیار غنی را ایفا کنند.



احمد رضا دوراندیش: در تدارک اجزای بسته آموزشی هم کار منحصر به فردی انجام شده و آن تألیف کتاب همراه هنرجوست

این است که هنرجویان فعال هستند. ما در این رشته به دانش آموزان «هنرجو» می‌گوییم. موقعیت‌های یادگیری در این کتاب‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دانش آموز در تعامل با سایر هنرجویان و در تعامل با هنرآموز (دبیر) و محتوای کتاب بتواند فعالیت‌ها را انجام بدهد. در کنار طراحی کتاب‌های جدید، ویژه‌نامه‌رشد هم هر سال منتشر شده است. در پایه دهم «آموزش مبتنی بر

اما درس‌ها از نظر تنوع بیشتر شده‌اند. طبق مطالعاتی که انجام شده بود، درس‌ها با هم تلفیق شدند و درس‌های جدید مبتنی بر شایستگی پدید آمدند. طبق نقشه جامع علمی کشور، نظر و عمل با هم تلفیق شده‌اند و بحث‌های شایستگی به وجود آمدند. در هر رشته فنی و حرفه‌ای شش درس کارگاهی که زمان هر کدام هشت ساعت است طراحی شده‌اند. برای هر درس پنج پودمان وجود دارد. هر پودمان گویای یک شغل است و انتظار ما این است که در پایان دوره متوسطه دانش آموز میانگین ۳۰ شغل را آموزش دیده باشد. بعد از تصویب این طرح‌ها در «شورای عالی آموزش و پرورش»، طراحی اجزای بسته آموزشی انجام شد و کتاب‌های درسی جدیدی طراحی شدند. تفاوت عمده کتاب‌های جدیدالتألیف نسبت به کتاب‌های قدیمی



در هر درس پنج پودمان وجود دارد. بعد از انجام ارزشیابی پودمان اول، آن پودمان کنار گذاشته می‌شود و به ترتیب سایر پودمان‌ها انجام می‌شوند

شایستگی»، در پایه یازدهم «ارزشیابی مبتنی بر شایستگی» و در پایه دوازدهم «صلاحیت حرفه‌ای هنرآموزان» تألیف شده‌اند.

در تدوین برنامه‌های درسی چند نوع شایستگی داریم: «شایستگی‌های عمومی» مثل کتاب تاریخ، ادبیات و جغرافی و آنچه که مربوط به زندگی شهروندی ماست. شایستگی‌های مربوط به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که با دنیای کار سروکار دارند و شایستگی‌های مربوط به علوم پایه و شایستگی‌های غیر فنی. مطالعات ما در چندسال اخیر نشان داده‌اند که ۲۰ تا ۲۵ درصد از زمان آموزش فنی و حرفه‌ای به این آموزش‌ها اختصاص دارد. ما در پایه دهم درس «الزامات محیط کار» را به عنوان شایستگی‌های غیر فنی طراحی کردیم که در این درس دانش‌آموزان با شرایطی که در کارگاه‌ها یا دنیای کار واقعی وجود دارد مثل بحث‌های ایمنی، ارتباط مؤثر با دیگران، کاریابی و ... آشنا می‌شوند.

برای پایه یازدهم درس‌های «نوآوری و کارآفرینی»، «کاربرد فناوری‌های نوین» و «مدیریت تولید» را طراحی کردیم که البته یکی از دو درس کاربرد فناوری‌های نوین و مدیریت تولید انتخابی هستند. در پایه دوازدهم هم درس «اخلاق حرفه‌ای» تألیف شده است.

در تدارک اجزای بسته آموزشی هم کار منحصر به فردی

انجام شده و آن تألیف «کتاب همراه هنرجو» است. این کتاب برای اولین بار برای رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش در سازمان پژوهش تألیف شده است. همه مباحث مربوط به بحث‌های حافظه‌مداری را در این کتاب آورده‌ایم و به دانش‌آموزان اجازه داده‌ایم که این کتاب همیشه در کارگاه و در جلسات امتحانی و ارزشیابی همراهشان باشد. در این کتاب و در کتاب‌های درسی هم به این نکته اشاره شده که دانش آموز به استفاده از این کتاب در جلسات ارزشیابی مجاز است. این کار باعث می‌شود استرس دانش‌آموزان هنگام ارزشیابی کم کاهش یابد.

همان‌طور که عرض کردم، در هر درس پنج پودمان وجود دارد. بعد از انجام ارزشیابی پودمان اول، آن پودمان کنار گذاشته می‌شود و به ترتیب سایر پودمان‌ها انجام می‌شوند. بنابراین چه در کتاب‌های شایستگی فنی و چه در کتاب‌های علوم پایه نیازی نیست دانش‌آموز در ارزشیابی پایانی پودمان‌های قبلی را امتحان بدهد. اگر به شایستگی لازم رسید در همان پودمان اول آن را انجام می‌دهد و کنار می‌گذارد.

با توجه به تغییراتی که صورت گرفته و با توجه به اینکه برخی از مدیران و معلمان هنرستان‌ها به روش‌های قبلی تدریس و آموزشی عادت دارند، انجام این تغییرات در برخی موارد با ممانعت مواجه می‌شود. لذا نیاز است که سازمان پژوهش به کمک شما عزیزان در مجلات رشد این مباحث را اشاعه دهید تا آموزش‌های لازم صورت بگیرند.

پیشنهاد اول من «تبیین تأثیر اسناد بالادستی بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای» است. مجلس اخیراً مصوبه‌ای را در قالب «نظام جامع آموزش و تقویت فنی و حرفه‌ای و



یکی از سیاست‌هایی که این دفتر، هم در تألیف کتاب‌های درسی و هم در طراحی برنامه‌های درسی‌مان دنبال می‌کند، بحث «مرزگستری» است

فنی و حرفه‌ای و کار دانش، تألیفات صورت گرفته و طراحی و تدوین موقعیت‌های یادگیری که می‌توانند در کلاس درس اتفاق بیفتند، جایشان در مجلات رشد است. البته ما در کتاب‌های درسی و نرم افزارها و سایر اجزای بسته آموزشی به این موضوعها توجه می‌کنیم، اما این محدود است. کار زمانی دوام بیشتری پیدا می‌کند و پایدار می‌شود که افراد بتوانند درباره موقعیت‌ها نظر خودشان را بگویند و تجربه‌هایی که در این زمینه دارند، به اشتراک بگذارند. بنابراین یکی از کارهایی که می‌توانیم در مجلات رشد انجام دهیم، طراحی موقعیت‌های یادگیری است. گزارش‌هایی که گاه در زمینه معرفی تجربه‌های موفق در اجرای برنامه‌های درسی در مجلات مشاهده می‌کنیم برای خود ما برنامه‌ریزان درسی خیلی خوب است. اگر بتوانیم تجربیات هنرآموزان را در کارگاه‌ها، در مجلات رشد منعکس کنیم، هم برای برنامه‌ریزان درسی و هم برای سایر افراد که در صحنه اجرا حضور دارند، خوب است.

ما از اینکه برنامه‌های درسی و اجزای بسته آموزشی‌مان قرار است به صورت دوره‌ای ارزشیابی و نقد شوند، استقبال می‌کنیم. به نظر من در ۱۱ حوزه تربیتی جای مجله حوزه «کار و فناوری» به صورت خاص بین مجلات رشد خالی است. با توجه به شرایط اقتصادی کشور و مسائل مربوط به کار اگر

مهارتی» تصویب کرده که به نظر من لازم است مجلات رشد به این موضوع بپردازند و با توجه به مسائل اقتصادی کشور که بر آنها تأکید می‌شود، آموزش‌های لازم به دانش‌آموزان، والدین و مسئولان داده شود.

مسئله دوم «هدایت تحصیلی حرفه‌ای» است. یکی از مشکلاتی که همیشه نظام آموزشی ما را تهدید کرده، همین بحث هدایت تحصیلی است. دانش‌آموزان ما هیچ‌گاه مجال آن را نیافته‌اند که بدانند علاقه و استعدادشان چیست و نیاز کشور در رابطه با هدایت حرفه‌ای‌شان چیست. در دوره اول متوسطه که یکی از مأموریت‌های اصلی این دوره است این فرصت آنطور که باید و شاید فراهم نمی‌شود. بنابراین تقاضای من این است که در مجلات رشد این فرصت را فراهم کنیم و مواردی را که لازم است دانش‌آموزان ما بدانند تا بتوانند هدایت تحصیلی و حرفه‌ای را ملموس درک کنند و انتخاب آگاهانه داشته باشند، با ایشان در میان بگذاریم.

یکی از سیاست‌هایی که این دفتر، هم در تألیف کتاب‌های درسی و هم در طراحی برنامه‌های درسی‌مان دنبال می‌کند، بحث «مرز گستری» است. البته در تألیف کتاب‌های درسی، دفتر این سابقه را داشته است و فقط باید آن را نظام‌مند کنیم. ما انتظار داریم مرز گستری در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی اتفاق بیفتد. اگر درس‌هایی در یک استان خاص اجرا می‌شوند، به جای اینکه آن درس را در مرکز بنویسیم، تألیف آن را به همان استان خاص واگذار کنیم. برای این کار باید آموزش‌های لازم صورت بگیرند. این آموزش‌ها و اشاعه این کار در مجلات رشد می‌تواند شرایط و بستری را ایجاد کند برای آنکه استان‌های مشتاق در این زمینه به ما کمک کنند. به نظر من اشاعه تحول و چرخش‌های برنامه درسی



ناصر نادری: الان ما ضعف نگارش داریم. حتی در گفت‌وگوهایی با مؤلفان و کارشناسان کتاب‌های درسی و بحث‌هایی که مطرح شده‌اند، به قدری در سطح پایینی بوده‌اند که ترجیح داده‌ایم آن‌ها را چاپ نکنیم

بتوانیم مجله‌ای ویژه کار و فناوری منتشر کنیم، خیلی خوب خواهد بود.

محمد ناصری

با تشکر از دوستان. یکی از مهم‌ترین نکاتی که در صحبت‌های دوستان بود، بحث تبیین و اشاعه اسناد بالادستی بود. بیان کردن، فهماندن و ملموس کردن برنامه درسی ملی در قالب‌های متفاوت و وظیفه مجلات رشد است. البته مجلات رشد در زمینه اسناد تحولی زیاد کار کرده‌اند. برای مثال، در دومین شماره از مجله رشد معلم امسال، گفت‌وگویی با آقایان دکتر صادق زاده و دکتر حسینی که از طراحان سند تحول هستند، در زمینه حیات طیبه انجام شد. این گفت‌وگو کاملاً مفهوم حیات طیبه را برای مخاطبان ملموس کرده است. در این جلسه هم، فهماندن و تبدیل صحبت‌های آقایان دکتر امانی و مهندس دوراندیش به زبان مخاطب عام خیلی اهمیت دارد.

ناصر نادری

من تجربه‌های خودم را که مرور کردم، دیدم در

سال‌هایی که در سازمان پژوهش بودم، ارتباط مجلات رشد با دفاتر تألیف در بخش ترویج اهداف و محتوای برنامه درسی و به ویژه محتوای کتاب درسی، به سختی برقرار می‌شد. این انتظار وجود دارد که به ویژه در کتاب‌هایی که تازه تألیف هستند، گروه‌های تألیف در قالب نشست‌ها، یادداشت، مقاله و... به مجلات رشد بیشتر کمک کنند. واقعیت این است که در حال حاضر ظرفیت علمی و سواد رسانه‌ای کارشناسان سازمان قوی نیست. چرا این‌گونه شده است؟ زمانی وقتی ما به شناسنامه کتاب‌های درسی مراجعه می‌کردیم، اسم بزرگ‌ترین افراد آن دوره در شناسنامه قید شده بود. الان متأسفانه به شرایطی رسیده‌ایم که اولین کاری که یک فرد انجام می‌دهد تألیف کتاب درسی است و این خیلی بد است. یعنی اسم فرد بدون هیچ پشتوانه ادبی و علمی در شناسنامه کتاب درج می‌شود. این باعث سرشکستگی است.

الان ما ضعف نگارش داریم. حتی در گفت‌وگوهایی با مؤلفان و کارشناسان کتاب‌های درسی و بحث‌هایی که مطرح شده‌اند، به قدری در سطح پایینی بوده‌اند که ترجیح داده‌ایم آن‌ها را چاپ نکنیم. برخی از دوستان از نوشتن یادداشت هم ناتوان هستند. طرف نویسنده کتاب درسی است اما می‌ترسد در یک میزگرد شرکت کند.

دیگر اینکه وقتی مباحث مرتبط با این حوزه در قالب مجلات رشد وارد مدرسه‌ها می‌شوند، طبیعتاً بازتاب دارند و نقد می‌شوند. ما همواره در دریافت پاسخ‌های نقد از کارشناسان مشکل داشته‌ایم. البته بخش‌هایی هم بوده‌اند که پاسخ‌های علمی و دقیقی می‌داده‌اند اما عمدتاً در پاسخ به نقدها مشکل دارند. جایزه دادن به نقد کتاب‌های درسی هم سنت بسیار خوبی است. در مطبوعات هم چنین چیزی



داریم. اگر فضای نقد را در فضای فرسوده آموزش و پرورش ایجاد کنیم، بسیار مفید خواهد بود. خوب است که اصلاً فضای سازمان پژوهش را اینگونه کنیم که البته لازمه آن داشتن افراد باسواد، متین و خوش فکر است. جایگاه علمی سازمان باید تضمین بشود. الان کلی نشریات خوب داریم. اگر سازمان فصلنامه‌ای داشت که مانند سالنامه رشد نمود اتاق‌های فکر می‌شد، بسیار خوب بود.

در حال حاضر در سازمان پژوهش آینده نگری نداریم. ای کاش ۲۰ سال پیش فکر می‌کردند که اگر فردی روزی از سازمان رفت، جایگزین شایسته‌ای داشته باشد.

محمدرضا حشمتی، عضو شورای سردبیری رشد

معلم

به نظر من شفافیت به تنهایی کافی نیست. شعار ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی سه چیز بوده است: شفافیت، مشارکت و تخصص‌گرایی. همان‌طور که آقای دکتر امانی گفتند، معلم‌ها بسیار رشد کرده‌اند و ما می‌توانیم در مجلات رشد می‌توانیم این موضوع را به شکلی انعکاس بدهیم. معلم‌ها بسیار جلوتر از سازمان پژوهش هستند. وقتی ما به استان‌ها می‌رویم، گلایه‌ی معلمان از سازمان پژوهش این است که سازمان رفتاری کرده که اعتماد به آن کاهش یافته است. بازخوردهایی که نسبت به کتاب‌های درسی داده شده‌اند، متأسفانه لحاظ نشده‌اند. من خودم در ارتباط با درس علوم و فیزیک به دوستانم باز خورد می‌دهم، اما لحاظ نمی‌شود. یعنی معلم‌ها باید به دنبال یک مرجعیت پاسخ‌گویی باشند.

همان‌طور که آقای نادری گفتند، معلم‌ها نسبت به معلم‌های چند سال پیش بی‌سواد هستند. بی‌سواد به این معنا

شعار ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی سه چیز بوده است: شفافیت، مشارکت و تخصص‌گرایی

که از ابزارهای لازم استفاده نمی‌کنند. نمونه‌اش را در گروه‌های فعالی می‌بینم که معلمان در شبکه‌های اجتماعی دارند. در این گروه‌ها معلمان بسیار توانمندی وجود دارند که باید از آن‌ها استفاده شود. واقعیت این است که سازمان پژوهش در حال پیر شدن است و الان نیاز است که از این ظرفیت‌ها استفاده شود. ما از آموزش معکوس حرف زده‌ایم اما هر روز در «گروه معلمان فیزیک» من درس‌های پنج دقیقه‌ای را به صورت فیلم می‌بینم. این گروه را مدیر گروه فیزیک تهران اداره می‌کند. جدیدترین مسائل را از آن طرف به اینجا می‌آورند، به هنگام

می‌کنند و ارائه می‌دهند. خواهش می‌کنم در سازمان به این موضوع توجه کنید که امکان رفت و آمد معلمان فراهم شود. برداشتن دیوارها و سنگفرش کردن کف بسیار اتفاق خوبی است. ما نیاز داریم معلمان جوان را بیاوریم. الان یک معلم جوان با سابقه یک سال کار مدل فکری بسیار متفاوتی با من به عنوان یک معلم با سابقه دارد.

سعی کنیم مرجعیت سازمان را با مشارکتی که به معلمان می‌دهیم، حفظ کنیم تا بتوانیم به عنوان مجموعه‌ای که مغز متفکر آموزش است، از فکرهای نو را بهره بگیریم. یعنی ما نیاز داریم خون‌های جدیدی در سازمان جریان یابند. الان وقت آن است که بعضی‌ها کنار بروند و در جایگاه مشاور قرار بگیرند. حرکتی که آقای ناصری در این زمینه کردند بسیار قابل ستایش است. در دفتر تألیف هم می‌شود به این موضوع فکر کرد. نیروهای جوان بیایند و شورای سردبیری تشکیل بدهند. به نظرم به بحث مشارکت بیشتر از شفافیت باید توجه شود. شفافیت امری درون سازمانی است، اما مشارکت جلوه بیرونی دارد. این اتفاق در دفتر فنی و حرفه‌ای افتاده است. ما در رشد معلم گفت‌وگویی با آقای محمدی داشتیم. ایشان معلم هستند و جزوه درسی‌شان که حاصل سال‌ها تدریس در ایرانشهر و بیرجند بوده، به کتاب درسی تبدیل شده است. دوستان در دفتر فنی و حرفه‌ای از ایشان دعوت کرده‌اند، مؤلف یکی از کتاب‌های این رشته باشد.

سپیده چمن آرا، عضو شورای سردبیری رشد برهان متوسطه اول

دیروز به «جشنواره نوآوری‌های آموزشی» رفته بودم. دیدم در بخش ریاضی بعضی از کارهایی که معلمان

انجام داده‌اند بسیار جلوتر از کارهایی است که در سازمان پژوهش انجام شده‌اند. متأسفانه همان معلمان با اسناد بالادستی و برنامه درسی ملی و اتفاقاتی که در آموزش و پرورش می‌افتند، آشنایی ندارند و نمی‌توانند دانش و علم موضوعی و حرفه‌ای‌شان را پیدا کنند که منطبق با آن اقدام به تولید و نوآوری دست بزنند. تعداد زیادی از ارائه‌هایی که در زمینه ریاضی دیدم به روش سخنرانی بودند؛ روشی که الان در برنامه درسی نفی شده است. در برنامه درسی نقش دانش‌آموز پررنگ و نقش معلم کم‌رنگ‌تر شده و قرار است که یادگیری دانش‌آموز محور باشد. اما آنجا برای اینکه روش سخنرانی را به شیوه متفاوتی ارائه کنند، از پاورپوینت، نمایش فیلم و... استفاده می‌کردند. دانش‌آموزان کاملاً منفعل نشسته بودند و اگر هم فعالیتی بود، در حد اینکه سؤالی می‌شد و در مقابل جواب بله یا خیر شنیده می‌شد. اینکه دست‌اندرکاران آموزش باید از طریق مجلات با این اسناد آشنا شوند یک ضرورت است. چون در غیر این صورت، افراد کار خودشان را خیلی بدتر و غیرمنسجم‌تر از قبل انجام می‌دهند. روش‌های سنتی انسجام خودش را در زمان و مکان خودشان انسجام داشتند و نتیجه می‌دادند. دانش‌آموز امروز با مبارزانی از ابزارهای جالب مواجه است، بدون اینکه بداند چه اطلاعاتی توسط آن ابزارها دریافت می‌کند. به نظرم به این شکل، دانش‌آموزان بیشتر سردرگم می‌شوند تا اینکه بخواهند یادگیری متناسب با قرن بیست و یکم را دریافت کنند.

محبت‌الله همتی

در فضایی که در این جلسه ترسیم شد، به نظرم نقش

مجلات رشد به عنوان یک ارگان آموزشی و یادگیری برای معلمان ویژه‌تر می‌شود و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اگر مجله‌ای بتواند پل ارتباطی ویژه‌ای بین معلمان خوب - معلمانی که پرتلاش‌اند و فکر و اندیشه‌ی خوب دارند - و کارشناسان فراهم کند، تا حدودی توانسته است که در این فضا نقش آفرینی کند. من هم روی این نکته تأکید می‌کنم که ارتباط عمیق و مناسبی بین کارشناسان دفاتر در سازمان پژوهش و همچنین بین آن‌ها و گروه‌های درسی هم چنین فضایی وجود ندارد. شاید اشکال از ماست که زیاد به سمتشان نرفته‌ایم.

سازمان پژوهش تولید کننده محتواست، پس افرادی باید وارد آن شوند که بتوانند در حوزه تخصصی خودشان محتوا تولید کنند. اگر معلمانی هستند که می‌توانند به خوبی درس بدهند، محتوا تولید کنند و تجربه‌هایشان را انتقال دهند، باید از آن‌ها استفاده کنیم. برای مثال، همکار خوبمان سرکار خانم محمودی دو سه سالی است که مطالبی در رشد آموزش ابتدایی می‌نویسند و من مشتاقانه آن مطالب را می‌خوانم. جنس مطالب ایشان در واقع دغدغه‌های مادری است که با معلم و مدرسه مشکل دارد. از این نگاه مسئله‌ها را به محتوای موردنظرشان تبدیل می‌کنند و به این ترتیب مطلب خواندنی می‌شود. لذا در این فضا شناخت مسئله‌های معلمان در حوزه خودشان و پاسخ به آن‌ها از طرف مجله بسیار مطلوب خواهد بود.

یونس باقری، مدیر داخلی رشد قرآن و معارف اسلامی

در «سند تحول برنامه درسی» شش مرحله تعریف شد

و بخشی از آن که به عهده سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گذاشته شد، «برنامه درسی ملی» بود. در این برنامه آنچه از همه مهم‌تر بود، تغییر الگوی هدف‌گذاری بود. یعنی قرار شد الگوی هدف‌گذاری از علوم به برنامه درسی ملی منتقل شود. زمانی که برنامه در حال اجرا بود، قرار بود در چهار عرصه و پنج عنصر باشد، ولی به مرور زمان این موضوع کم‌رنگ شد. آن زمان که من در دفتر تألیف بودم، گفتند: اگر چند مرحله از نگرشی‌ها را در قالب ایمان، علم و تعقل بنویسید همه چیز درست خواهد شد. بعد از مدتی هم همه چیز تمام شد.

سؤال من این است که اگر قرار است ما در مجلات رشد از برنامه درسی که تغییر الگوی هدف‌گذاری است حمایت کنیم، همین برنامه درسی الان در دفتر تألیف چه وضعیتی دارد؟ یعنی تا الان چه مراحل را طی کرده است؟

دکتر مریم عابدینی، سردبیر رشد آموزش علوم

زمین

سؤال من این است که: آیا درک همه افراد از معلم حرفه‌ای یکی است؟ آیا یک نفر با داشتن مدرک دکترا حتماً آدم توانمندی است؟ آیا وقت آن نشده است که تعریفی از معلم حرفه‌ای و اینکه چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد، ارائه دهیم؟ الان از حلقه مفقوده‌ای صحبت می‌کنیم که هیچ‌گاه به آن پرداخته نشده است. از چند نفر سؤال کنیم تعریف شما از معلم حرفه‌ای چیست، آیا همه یک جواب دارند؟ مطمئناً نه. پس ابتدا باید یک الفبایی را تعریف کنیم تا همسان‌سازی بشود و بعد آن را نقد کنیم.

متأسفانه الان فضای نقد ما صرفاً نقد شخص است. یعنی من از یک نفر که خوشم نمی‌آید او را نقد می‌کنم و صرفاً به خاطر مشکل قبلی که با او داشته‌ام، برای کوبیدن وی در جلسه نقد حضور پیدا می‌کنم. برای مثال، یک نفر برای خدشه‌دار کردن سازمان پژوهش گفت: درس شهید فهمیده از کتاب‌های درسی حذف شده است. در صورتی که آن درس در پایه‌ای ارائه شده بود که فهم آن برای دانش‌آموزان آن پایه مناسب نبود و به پایه بالاتری منتقل شد تا دانش‌آموزان موضوع اینار و شهادت را بهتر متوجه می‌شوند.

متأسفانه فضای نقد این روزهای ما مقداری سیاسی و گاه شخصی است تا واقعی. باید فضای واقعی وجود داشته باشد تا ما بدانیم شاخص‌هایمان چه چیزهایی هستند و خودمان را نسبت به آن شاخص‌ها تعریف کنیم. باید به سمتی برویم که سازوکاری برای جذب معلمان توانمند داشته باشیم و بعد بتوانیم روی موضوع‌های دیگر کار کنیم.

موضوع بعدی این است که تا وقتی که نیروهای جدیدی به سازمان اضافه نشده‌اند فرصت داریم که از نیروهای قدیمی کمک بگیریم. چون افرادی که به تازگی به مجموعه اضافه می‌شوند، ممکن است از تکنیک‌های لازم برخوردار نباشند. خوب است دوره‌های ضمن خدمت در حوزه خودشان برایشان برگزار شود.

دکتر محمود امانی طهرانی

البته موضوع جلسه ما صلاحیت افراد حاضر در دفتر

تألیف نبود، اما خوب است بدانیم که تقریباً در هر دوره‌ای چند فرد خیلی شاخص، تعدادی افراد متوسط و تعدادی هم افراد ضعیف حضور داشته‌اند. این نسبت ممکن است مقداری بالا و پایین بشود، اما متأسفانه چندان تغییری نکرده است. چون در طول این سال‌ها باید سازوکارهایی به وجود می‌آمد که ما بتوانیم شمار نیروهای برجسته‌ای را که در سازمان کار می‌کنند، بالا ببریم. اینکه می‌گوییم معلمان رشد کرده‌اند، یک واقعیت است. اما بین معلم رشد کرده با کارشناس مناسب سازمان پژوهش فاصله جدی به معنی حرفه‌ای بودن وجود دارد. ممکن است معلمی در حوزه یاددهی - یادگیری در رشته علمی خودش رشد کند، اما وقتی می‌خواهد وارد حوزه برنامه درسی شود باید به عنوان یک رشته علمی به آن نگاه کرد و در آن زمینه معلمان را توانمند ساخت کرد.

سازمان پژوهش در این زمینه اقداماتی انجام داده است و افرادی هم در این راستا به سازمان اضافه شده‌اند. اما میزان آن به اندازه‌ای نیست که کفایت کند. بعضی از اسم‌هایی که امروز از آن‌ها نام می‌بریم در زمان خودشان در مظان همین حرفه‌ای بودند که به کارشناسان امروز نسبت داده می‌شوند. اما این افراد به مرور زمان بزرگ شدند، به طوری که امروز همه اذعان داریم، آن‌ها انسان‌های بزرگی هستند. اگر روز اول به همین بهانه می‌خواستیم آن‌ها را کنار بگذاریم، باید همه را کنار می‌گذاشتیم.

روزی که من به سازمان پژوهش وارد شدم، به عنوان یک معلم متوسط نسبتاً خوب وارد گروه درسی شدم. اما سازوکاری وجود داشت که این سازوکار مرا رشد داد و توانمندم کرد. یعنی یک فرایند "personal development" شکل



روزی که من به سازمان پژوهش وارد شدم، به عنوان یک معلم متوسط نسبتاً خوب وارد گروه درسی شدم. اما سازوکاری وجود داشت که این سازوکار مرا رشد داد و توانمند کرد

در سال‌های گذشته خیلی سعی شده است که این قبیل مشکلات حل شوند.

ضعف گروه‌های درسی امروز بیشتر از قبل نیست. اما فضای بیرون رشد جهشی کرده است که ما خودمان را برای آن فضا آماده نکرده‌ایم. فضای مجازی به هر کسی امکان داده است حرف خودش را به گوش همه برساند. در این فضای جدید و حجم نوشتن‌ها، حضور نه فقط برای کارشناسان بلکه برای رئیس سازمان و وزیر هم بسیار دشوار است. اگر بخواهید خودتان را در این فضا به روز نگه دارید و از همه‌ی مطالبی که در این فضا منتشر می‌شوند، آگاه باشید و به همه‌ی مطالب پاسخ دهید، قطعاً از کارهای عادی‌تان باز خواهید ماند. اما باید سهم آن را داد و در عین حال، خودباوری لازمه‌ی کارمان را هم از دست ندهیم. فکر نکنیم که امروز اوضاع از قبل بدتر است. بسیاری از افرادی که به آن‌ها مباحثات می‌کنیم، اگر امروز وارد سازمان شوند، ما به آن‌ها می‌گوییم شما پداگوژی امروز ما را بلد نیستید و حرفه‌ای بودن امروز مجلات ما را درک نکرده‌اید. شما در زمان خودتان خوب بودید. امروز کارشناسانی در سازمان حضور دارند که بسیار کارکشته‌تر از قبلی‌ها هستند و این همان رشد است.

گرفت. این فرایند نیازمند زمان، صبوری و افراد است. من با کوچک کردن گروه‌های درسی در سازمان مخالف هستم. چون معتقدم اگر شما می‌خواهید قله داشته باشید باید بدانید که کوه است که قله دارد. یعنی باید دامنه‌ای وجود داشته باشد تا قله به وجود بیاید. اما اگر یک ستون را بگیرد و از آن بالا بروید در نهایت آن ستون روزی فرو می‌ریزد. باید رفت و آمدها به سازمان را تسهیل کرد. باید گروه‌ها را درست چید تا از بین آن‌ها افراد توانمند بیرون بیایند.

البته باید سختگیری هم وجود داشته باشد. برخی افرادی که به اینجا می‌آیند، جاگیر و پاگیر می‌شوند. خیلی هم افراد به درد بخور و توانمندی نیستند، اما اجازه‌ی ورود به افراد دیگر را نمی‌دهند. این افراد در بروندادهای سازمان نقشی ندارند، اما محکم‌تر از دیگران هم به اینجا چسبیده‌اند. یکی از ابعاد بسیار دشوار مدیریت این است که افراد را از این جایگاه‌ها جدا کند. یا برعکس افرادی داریم که از هر جهت توانمند هستند، اما قانون اجازه‌ی استفاده از توانمندی‌های آن‌ها را به ما نمی‌دهد. دغدغه‌ی مدیریت سازمان باید این باشد که نیروهایی که به اینجا می‌آیند در هر جمعی که حاضر می‌شوند و هر چه که تولید می‌کنند برای سازمان آبرو بیاورند.

نکته‌ی دوم که دوستان اشاره کردند، درباره‌ی ارتباط بین گروه‌های درسی و گروه‌های فعال در دفتر مجلات رشد بود. مدارا، تسامح و همکاری با یکدیگر از جمله اصول کار است. خوش‌بختانه در سطح کلان مدیریتی سازمان این روحیه وجود دارد. به یاد دارم که برخی از گروه‌ها می‌گفتند: نقش گروه ما در مجله‌ی فلان صفر است و ما را راه نمی‌دهند. در مقابل هم مجله‌ای به تریبون کتاب درسی تبدیل می‌شد.



احمد رضا دوراندیش

ما مؤلف کتاب را به این صورت انتخاب می‌کنیم که غیر از اینکه صلاحیت عمومی او باید برای ما محرز باشد، باید در آن درس شایستگی و در آن شغل صاحب تجربه عملی باشد، نه تجربه دانشی. مثلاً ما از هنرآموزی که فقط درس این کار را داده است، برای تألیف کتاب استفاده نمی‌کنیم. او باید تجربه عملی کار در کارگاه هم داشته باشد. اولویت بعدی هم این است که پداگوژی را بلد باشد. در کتاب‌های جدیدالتألیف بیش از ۱۰۰۰ مؤلف داریم. بحث الگوی هدف‌گذاری در برنامه درسی را در دو سطح انجام داده‌ایم. بعد از اینکه نظرسنجی شغلی صورت گرفت و مشخص شد که هدف‌های رشته‌ها چه هستند، این موضوع در هدف‌های درس‌ها به صورت کلان و در هدف‌های توانمندسازی هر درس مورد توجه قرار گرفت. یعنی وقتی هدف‌های توانمندسازی برنامه‌های درسی رشته فنی و حرفه‌ای را ملاحظه فرمایید، می‌بینید که رابطه بین عرصه‌ها و عنصرها برای آن درس فنی و حرفه‌ای مشخص شده است. اگرچه برای پیاده کردن این هدف‌ها در موقعیت‌های یادگیری - یاددهی خیلی تلاش کرده‌ایم، اما نمی‌گوییم خیلی موفق بوده‌ایم. با توجه به شرایط و کمبود زمانی که داشتیم، این اقدام صورت گرفته است. ما برای تألیف، ماکتی در اختیار کسانی می‌گذاشتیم که از آن‌ها برای تألیف کتاب دعوت کرده بودیم. در سطح این ماکت هدف توانمندسازی، و در کنار این هدف عرصه و عنصرش مشخص شده است. ارتباط تعاملی‌اش با هنرآموز و با سایر هنرجویان و با محتوای درس و زمان آن را هم مشخص کرده‌ایم. ما برای هر موقعیت یادگیری

یک صفحه را پیشنهاد داده‌ایم. تقریباً حدود ۴۰ درصد از مؤلفان دفتر فنی و حرفه‌ای خارج از شهر تهران زندگی می‌کنند.

گفتمان‌سازی، مهم‌ترین رویکرد سازمان پژوهش

است

دکتر حیدر تورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

همه شما بالقوه و بالفعل یک سازمان هستید. همه باید احساس کنید مدیر و رهبر سازمان هستید. این فرصت همیشه اتفاق نمی‌افتد که ما بتوانیم از این بسترهای مناسب برای رشد و ترقی استفاده کنیم. باید قدر داشته‌هایمان را بدانیم. نباید همیشه به نداشته‌هایمان فکر کنیم. کمتر رویکردی را مهم‌تر از رویکرد گفتمان‌سازی می‌دانم. ما نیاز داریم با هم حرف بزنیم. اتاق‌های ما کنار هم هستند اما از هم دوریم. در خانواده‌ها هم همین‌طور هستیم. کمتر حرف می‌زنیم و بیشتر اهل سکوتیم. یکی از این بسترها همین جلسات هستند. اگر این جلسه خوب است، پس همه دفاتر سازمان باید از این نوع جلسات برای همکاران خودشان بگذارند. یک جلسه دیگری هم می‌تواند جلسه‌ای باشد که افراد اندیشمند و مؤلفان و کارشناسان در کنار هم بنشینند و درباره مباحث کلی بحث کنند. هر چه گفت‌وگو کنیم، بیشتر می‌توانیم به هم نزدیک شویم.

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی باید بیشتر از این تقویت شود. چون کتاب، مجله و فناوری را در اختیار دارد.



حیدر تورانی: دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی باید بیشتر از این تقویت شود، چون کتاب، مجله و فناوری را در اختیار دارد

خودش نیست. بخشی از این‌ها برمی‌گردد به مدیریت‌ها، جسارت‌ها و شجاعت‌های ما و بخشی هم برمی‌گردد به اختیارات سازمان. یک جاهایی اختیارات سازمان صد درصد نیست. اگر آموزش معلمان و سرگروه‌های آموزشی به سازمان پژوهش سپرده شود، این خلأ پر خواهد شد. با استفاده از امکاناتی مانند مدرسان، مؤلفان و متخصصانی که داریم، می‌توانیم شهر آموزش راه بیندازیم. اگر بتوانیم آموزش را به دست بگیریم، بسیاری از بحث‌های اجرا هم به سراغ ما می‌آیند. جایگاه سازمان هم مقداری دست خود ماست. باید گشاده‌رو و گشاده‌دست باشیم. این‌ها خیلی اهمیت دارد.

کمتر دفتری در وزارتخانه چنین وزنی دارد. اما متأسفانه این دفتر از همهٔ دفاتر کمتر شناخته شده است. یکی از معانی جهان سوم همین است که ما دیوارها، ستون‌ها و ساختمان‌ها را می‌بینیم، اما نرم‌افزارها را نمی‌بینیم. به عبارت دیگر، سازه‌های نرم را نمی‌بینیم اما سازه‌های سخت را می‌بینیم. مسئولان ما حاضر هستند برای افتتاح یک ساختمان وقت بگذارند، اما در مراسم علمی و تخصصی حضور پیدا نمی‌کنند و از کنار آن سریع رد می‌شوند. این یک نگاه جهان سومی است که باید تغییر پیدا کند.

جایگاه سازمان پژوهش باید برای همگان تبیین شود. بعضی از افراد حتی اسم سازمان را هم به درستی نمی‌دانند. هر کس با یک اسم از سازمان پژوهش یاد می‌کند: سازمان کتاب‌های درسی، سازمان برنامه‌های درسی، سازمان پژوهش و نوسازی. حتی مدیران کل استان‌ها و رؤسای مناطق هم اسم سازمان را به درستی نمی‌دانند. جایگاه سازمان پژوهش الان جایگاه اصلی



تدوین کتاب‌های آموزشی با راهنمای تولید کتاب

نگاهی به تازه‌ترین راهنمای کتاب‌های آموزشی

زهرا امینیان

که اگر به صورت اصولی نوشته شده باشد، کمک مؤثری به آموزش می‌کند. به عبارت دیگر، کتاب‌ها و منابع آموزشی استاندارد، کمک شایانی به یادگیری دانش‌آموزان و تکمیل فرایند یادگیری می‌کنند. از طرف دیگر، کتاب‌های آموزشی غیراستاندارد در فرایند یاددهی و یادگیری اختلال به وجود می‌آورند و تلاش‌های انجام شده در «برنامه درسی ملی» و «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» را ناکام می‌گذارند.

برخی عیب‌های کتاب‌های غیراستاندارد عبارت‌اند از:

- تحمیل مفاهیم اضافی به دانش‌آموزان؛
- ممانعت از رشد خلاقیت در دانش‌آموزان؛
- مبتلا کردن دانش‌آموز به تبلی ذهنی؛
- هدایت ذهن دانش‌آموز به برخی مباحث و غفلت از

وجود یک نظام آموزشی متمرکز سراسری موجب شده است، در طراحی کتاب‌های درسی، سطح متوسطی از هوش و استعداد دانش‌آموزان در نظر گرفته شود. به این ترتیب، برای آموزش دو گروه دانش‌آموزان پایین‌تر یا بالاتر از حد متوسط مواد و منابع جانبی مورد نیاز است. بنابراین کتاب‌های آموزشی و تربیتی پشتیبان هدف‌های برنامه درسی هستند و می‌توانند موجب تقویت یادگیری شوند. اگرچه این کتاب‌ها نمی‌توانند جایگزین کتاب درسی و معلم باشند، ولی ابزار آموزشی قدرتمندی هستند که فضای «معلم محور» را تعدیل می‌کنند و نقش دانش‌آموزان را در یادگیری افزایش می‌دهند. ضمن آنکه در کتاب‌های آموزشی معمولاً بخشی برای راهنمایی معلمان وجود دارد

مباحث مهم دیگر؛

• متکی کردن دانش آموز به محفوظات؛

• آموزش غلط مفاهیم یا روش های نادرست؛

• تحمیل هزینه های اضافی به خانواده ها.

برای جلوگیری از اشاعه برخی کتاب های آموزشی که نه تنها موجب بهبود یادگیری نمی شوند، بلکه به انجماد فکری دانش آموزان نیز می انجامند، طبق آیین نامه «ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی»، مصوب سال ۱۳۸۸ «شورای عالی آموزش و پرورش»، بررسی و تأیید انواع کتاب های آموزشی و تربیتی، از جمله کتاب های کمک درسی به «سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی» محول شد. ضمن آنکه نهادهای فرهنگی، وزارت ارشاد و بدنه آموزش و پرورش نیز ملزم به اجرای این مصوبه شده اند.

در این راستا، «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» با تشکیل کارگروه های مجرب و متخصص موضوعی، و با حضور نماینده محترم «شورای هماهنگی علمی» سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، طی جلسات متعدد به تهیه راهنماهای تولید کتاب های آموزشی اقدام کرد و به بررسی کیفیت کتاب های مطلوب پرداخت. این معیارها و سنجه ها که با مراجعه به اسناد بالادستی آموزش و پرورش، منابع علمی و پژوهشی، و نظرسنجی از صاحب نظران شناسایی، تبیین و تألیف شده اند، از طرفی راهگشای ناشران و مؤلفان کتاب های آموزشی برای تهیه کتاب های مناسب و استاندارد هستند، و از سوی دیگر برای ارزیابی کیفیت کتاب ها در اختیار داوران مربوط قرار می گیرند. هر راهنما چهار بخش دارد: دو بخش اصلی و دو بخش

ویژگی های هر کتاب به دو دسته «عمومی» و «اختصاصی» تقسیم شده اند

ضمیمه. بخش اول شامل مقدمه، ضرورت، اهداف و تعریف انواع کتاب های آموزشی و مبانی نظری است. بخش دوم جدول های ویژگی های عمومی، ویژگی های اختصاصی مشترک و ویژگی های اختصاصی هر یک از انواع کتاب های آموزشی را در برمی گیرد. بخش سوم، دربرگیرنده همه جدول های ویژگی های (عمومی، اختصاصی مشترک و اختصاصی) هر کتاب است که در کنار هم تجمیع شده اند و مجموعاً ۲۰۰ امتیاز را به خود اختصاص داده اند. بخش چهارم نیز شامل تعریف واژه ها و اصطلاحات به کار رفته در راهنماست.

ویژگی های هر کتاب به دو دسته «عمومی» و «اختصاصی» تقسیم شده اند. طبق مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳ معیار و استاندارد عمومی معرفی شده اند که برای هر کدام از آنها سنجه ها و امتیازاتی در نظر گرفته شده اند. ۴۰ درصد امتیازهای یک کتاب در گرو رعایت این معیارهاست:

۱. خلاقیت و نوآوری؛
۲. رعایت قواعد زبان و خط فارسی؛
۳. سهولت به کارگیری؛
۴. صحت و دقت علمی؛
۵. تناسب محتوا و روش های ارائه، با مشخصات و هدف های برنامه درسی و رشته تحصیلی؛

۶. رعایت و ترویج ارزش‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی جامعه اسلامی - ایرانی؛
۷. تناسب با ویژگی‌ها و نیازهای مخاطبان مبتنی بر روان‌شناسی رشد؛
۸. به‌روز بودن و تناسب با مقتضیات زمان؛
۹. سادگی و روانی محتوا؛
۱۰. سازماندهی مناسب محتوا؛
۱۱. توجه به متون علمی تمدن اسلامی - ایرانی؛
۱۲. جذابیت شکلی و ظاهری؛
۱۳. رعایت اصول بهداشتی و ایمنی؛

ویژگی‌های اختصاصی

در میان ویژگی‌های اختصاصی کتاب‌های آموزشی یک درس (شامل کتاب‌های تکمیلی یا دانش‌افزایی، کتاب‌های

حمایتی معلمان و کارشناسان، کتاب‌های کار و تمرین، کتاب‌های حمایتی والدین، کتاب‌های مرجع، پوستر، فلش کارت، کتاب‌های جنبی و سرگرمی، کاربرد فناوری، و...)، ویژگی‌های یکسانی وجود دارند که در جدولی جداگانه با عنوان «ویژگی‌های اختصاصی مشترک» آورده شده‌اند و به تناسب هر کتاب، سنجه‌های لازم برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. سپس «ویژگی‌های مختص هر کتاب درسی» بررسی و به همراه سنجه‌های مربوط تدوین می‌شوند. مجموع ویژگی‌های اختصاصی مشترک و ویژگی‌های اختصاصی غیر مشترک هر کتاب ۱۲۰ امتیاز را به خود اختصاص می‌دهد.

لازم به ذکر است، با توجه به اینکه بعضی از کتاب‌های درسی به همه انواع کتاب‌های آموزشی نیاز ندارند، تعداد جدول‌های ارزشیابی راهنماهای تولید یکسان نیست.



کتاب‌های آموزشی و تربیتی (غیر درسی)

کتاب‌های کمک درسی

کتاب‌های کمک آموزشی

کتاب تمرین

کتاب کار

کتاب‌های
فن‌آوری

کتاب‌ها و منابع
تکمیلی

کتاب‌های
حمایتی

فلش کارت

پوستر

کتاب‌های
جنبی و
سرگرمی

کتاب‌های
مرجع

کتاب‌های
تکمیلی

کتاب‌های
حمایتی
(والدین)

کتاب‌های
حمایتی
(معلم)



کتاب‌های کاربرد فناوری که دانش‌آموزان، معلمان و متصدیان کارگاه‌های رایانه در مدرسه‌ها مخاطبان آن هستند .

۲. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک برای کتاب‌های مرجع، پوستر و فلش‌کارت.

پنج راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی با عنوان‌های ریاضی، زبان و ادبیات فارسی، زبان‌های خارجی، شیمی و تاریخ درس سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده‌اند که در ادامه به معرفی کوتاهی از آن‌ها و شرح تفاوت‌هایشان می‌پردازیم:

راهنمای تولید کتاب‌های شیمی

علم شیمی رابطه بسیار نزدیکی با زندگی روزمره بشر دارد و به جرئت می‌توان گفت شیمی یکی از درس‌هایی است که فراگیری آن بسیار مهم و کاربردهای آن در زندگی روزمره ما فراوان است. در هم آمیختن علم شیمی و زندگی انسان به امروز و دیروز باز نمی‌گردد. گویی خالق یکتا این جهان را بر مبنای همین علم بنا کرده است.

در این راهنما برای ویژگی‌های اختصاصی مشترک کتاب‌های آموزشی شیمی، دو جدول جداگانه طراحی شده است:

۱. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک بین کتاب‌های تکمیلی (دانش‌افزایی)، حمایتی معلمان، کارشناسان و والدین، کتاب‌های کار و تمرین (به‌صورت واحد) و

راهنمای تولید کتاب‌های تاریخ

شیوه درس‌آموزی از پیشینیان شیوه‌هایی است که آخرین کتاب آسمانی و پیامبر اعظم (ص) و خاندان مطهرش (ع) بدان تمسک جسته‌اند. خداوند متعال در سوره یوسف، آیه ۱۱۱ فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود). در تدوین راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی تاریخ، کتاب‌های تکمیلی (دانش‌افزایی)، حمایتی معلمان و کارشناسان، کار و تمرین، دایرةالمعارف و فرهنگنامه، اطلس و مجموعه عکس‌های تاریخی در نظر گرفته و برای هر کدام از آن‌ها جدول‌هایی طراحی شده‌اند. برای ویژگی‌های اختصاصی مشترک کتاب‌ها نیز، سه جدول به‌صورت

جداگانه تنظیم شده‌اند:

۱. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک کتاب‌های تکمیلی (دانش‌افزایی)، حمایتی معلمان و کارشناسان و کار و تمرین؛
۲. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک دایره‌المعارف‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها؛
۳. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک اطلس‌ها و مجموعه عکس‌های تاریخی.

راهنمای تولید کتاب‌های ریاضی

درس ریاضی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین درس‌های آموزشی تمامی دوره‌های تحصیلی، مورد توجه کارشناسان و صاحب‌نظران قرار دارد. با توجه به هدف‌های تبیین شده در «سند تحول بنیادین» آموزش و پرورش، می‌توان ریاضی را به شکلی فعال و پویا آموزش داد. وجه مهم ریاضی، توانمندسازی انسان برای توصیف دقیق موقعیت‌های پیچیده، و پیش‌بینی و کنترل وضعیت‌های ممکن مادی، طبیعی، اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین، توانایی به‌کارگیری ریاضی در حل مسائل روزمره و انتزاعی، از هدف‌های اساسی آموزش ریاضی است. ریاضیات زبان طبیعت است و بستر رشد و توسعه آن، مشاهده، توصیف، تجزیه و تحلیل محیط پیرامونی است. اگر دانش‌آموزان ما با کاربردهای متفاوت ریاضی در زندگی آشنایی پیدا کنند، قطعاً میزان علاقه‌مندی و تمایلشان به آموختن ریاضیات بیشتر می‌شود و این باعث ایجاد رشد و شکوفایی هوش ریاضی دانش‌آموز می‌شود.

راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی ریاضی شامل کتاب‌های تکمیلی، حمایتی معلمان و کارشناسان، کتاب‌های کمک

درسی (کار و تمرین)، کاربرد ریاضی، مرجع، والدین، پوستر و فلش‌کارت است که برای هر کدام از آن‌ها جدول‌هایی طراحی شده‌اند. در این راهنما برای ویژگی‌های اختصاصی مشترک، پنج جدول جداگانه تعیین شده است:

۱. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک کتاب‌های تکمیلی، حمایتی معلمان و کارشناسان ریاضی و کتاب‌های کمک درسی (کار و تمرین) و کاربرد فناوری؛
۲. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک کتاب‌های مرجع؛
۳. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک کتاب‌های والدین؛
۴. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک برای پوستر؛
۵. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک فلش‌کارت.

راهنمای تولید کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی

پرورش مهارت‌های زبانی زمینه درک مفاهیم در سایر متون و موضوع‌های درسی را فراهم می‌آورد، به رشد مهارت‌های اجتماعی، شخصی، ذهنی، ارتباطی، فرهنگی، مطالعه و پژوهش، و ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کند. قانون‌مندی‌های زبانی، شامل تلفظ کلمات، ساخت کلمات و ساخت دستوری، از طریق کسب تجربیات واقعی و وابسته به موقعیت‌های فرهنگی متریبان شکل می‌گیرد. این امر خصوصاً در سال‌های اولیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مجموعه تجربه‌های ارائه شده در قالب‌های گوناگون زبان و ادبیات فارسی، دانش‌آموزان را افرادی پایبند به ارزش‌های ملی و دینی، و متخلق به آداب و اخلاق متعلق به این سرزمین می‌پرورد، و آنان را در حفظ فرهنگ و تمدن خویش توانمند می‌کند.

راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی



در برنامه درسی ملی در حوزه یادگیری زبان، «رویکرد ارتباطی» تعقیب می‌شود که نتیجه آن تقویت زبان انگلیسی و حفظ فرهنگ ملی کشور است

شامل کتاب‌های تکمیلی، حمایتی معلمان و کارشناسان، حمایتی والدین، و کتاب‌های درسی کار و تمرین است. در این راهنما برای ویژگی‌های اختصاصی مشترک، دو جدول مجزا در نظر گرفته شده است:

۱. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک برای کتاب‌های تکمیلی، کتاب‌های حمایتی معلمان و کارشناسان، حمایتی والدین و کتاب‌های کمک‌درسی کار و تمرین؛
۲. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک پوستر و فلش‌کارت؛

۳. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک پوستر زبان‌های خارجی؛

۴. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک فلش‌کارت. امید است دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی توانسته باشد با تهیه راهنماهای فوق، چراغ راه ناشران و مؤلفان گرامی باشد، معلمان دلسوز را یاری دهد و گام مؤثری در راه اعتلای سطح یادگیری و دانش فرزندان این سرزمین بردارد.

راهنمای تولید کتاب‌های زبان‌های خارجی

در برنامه درسی ملی در حوزه یادگیری زبان، «رویکرد ارتباطی» تعقیب می‌شود که نتیجه آن تقویت زبان انگلیسی و حفظ فرهنگ ملی کشور است. یعنی ما با ارزش‌های محوری خودمان، در محیط پیرامون ارتباط برقرار می‌کنیم و در زندگی روزمره از محتوای آموزشی زبان انگلیسی بهره می‌گیریم.

راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی زبان‌های خارجی، کتاب‌های تکمیلی (دانش‌افزایی)، حمایتی معلمان و کارشناسان، کار و تمرین، مرجع و افسس، پوستر و فلش‌کارت را بررسی کرده و برای هر کدام از آن‌ها جدول‌های جداگانه طراحی شده است و نیز چهار جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک متفاوت به شرح زیر تدوین شده‌اند:

۱. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک کتاب‌های تکمیلی (دانش‌افزایی)، کتاب‌های حمایتی معلمان و کارشناسان، کتاب‌های کار و کتاب‌های تمرین؛
۲. جدول ویژگی‌های اختصاصی مشترک کتاب‌های مرجع و افسس؛

منابع

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
۲. حوزه‌های تربیت و یادگیری برنامه درسی ملی.
۳. راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی: شیمی، تاریخ، ریاضی، زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.
۴. وفسی دخت، فاطمه (۱۳۹۳). «کتاب‌های کمک‌آموزشی خوب یا بد». روزنامه اطلاعات. ۲۹ دیماه.
۵. هدایتی، فریفته (بیتا). کتاب‌های کمک‌درسی استاندارد یا غیراستاندارد. خبرگزاری صدا و سیما.
۶. شکوهی‌نیا، نجمه (۱۳۹۳). «نگاهی به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با محوریت آموزش ریاضی در دوره ابتدایی». مجموعه مقالات سیزدهمین سمینار ریاضی کشور سال ۱۳۹۳. دانشگاه شهید رجایی.
۷. محمدی، برات (۱۳۹۲). «آموزش شیمی و زندگی». هشتمین سمینار آموزش شیمی ایران، ۶ و ۷ شهریورماه. دانشکده شیمی دانشگاه سمنان.

حضور فهرستگان رشد در مدارس سراسر کشور برای سومین سال متوالی

گزارشی از انتشار فهرستگان و کتاب‌نامه‌های رشد در سال ۱۳۹۷

طیبه‌الدوسی

فهرستگان رشد، منتخبی از منابع آموزشی و تربیتی مناسب و مرتبط با برنامه درسی دوره‌های مختلف تحصیلی را در بر دارد که طی یک سال در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است. بخش قابل توجهی از این منابع، منابع مکتوب و به عبارت دیگر کتاب‌های آموزشی و تربیتی است. گزیده‌ای از منابع غیرمکتوب (مانند فیلم، نرم‌افزار و وسایل آموزشی) نیز در فهرستگان معرفی می‌شود. از سال ۱۳۹۵ تا کنون انتشار فهرستگان به تعداد آموزشگاه‌های کشور میسر شده و در اختیار همه مدارس کشور قرار گرفته است. در سال جاری پنج عنوان فهرستگان رشد (شماره ۳) در دوره‌های پیش‌دبستانی، آموزش ابتدایی، آموزش متوسطه اول، آموزش متوسطه دوم و آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای و کاردانش تولید شده است.

فهرستگان رشد دوره پیش دبستانی

در این فهرستگان تعداد ۹۴ عنوان (۲۱۶ جلد) کتاب آموزشی و تربیتی از بین ۳۵۸ عنوان کتاب مناسب و دو عنوان منبع غیرمکتوب معرفی شده است. مجموع این کتاب‌ها در قالب‌های «انس با قرآن»، «بازی»، «بسته آموزشی»، «زبان آموزی»، «شعر»، «شعر-قصه»، «فعالیت‌های علمی»، «قصه»، «کاردستی»، «کتاب کار کودک-مربی»، «مرجع»، «مرجع نظری و دانش‌افزایی مربیان» و «تقاشی» آمده‌اند. بیشترین فراوانی، به قالب قصه با ۳۰ عنوان کتاب و پس از آن فعالیت‌های علمی با ۱۳ عنوان کتاب تعلق دارد. مخاطبان این فهرستگان، کودکان، مربیان و والدین کودکان هستند. دو تولیدکننده منابع آموزشی غیرمکتوب و ۳۵ ناشر تولید کتاب‌های آموزشی و تربیتی این دوره پیش دبستانی را به‌عهده داشته‌اند.

فهرستگان رشد دوره آموزش ابتدایی

از میان ۱۱۹۴ کتاب مناسب این دوره در سال ۱۳۹۶، تعداد ۱۴۷ عنوان کتاب آموزشی و تربیتی و ۳۲ عنوان منبع آموزشی غیرمکتوب انتخاب و در این فهرستگان معرفی شده‌اند. تعداد ۶۴ ناشر کتاب و ۱۳ تولیدکننده محصولات در تأمین منابع آموزشی و تربیتی مناسب دوره آموزش ابتدایی همکاری کرده‌اند. بیشترین فراوانی موضوعی را کتاب‌های داستان با ۲۶ عنوان، مهارت‌های زندگی با ۲۳ عنوان و هدیه‌های آسمان با ۱۵ عنوان به خود اختصاص داده‌اند. مخاطبان این فهرستگان، دانش‌آموزان، معلمان، مدیران، کارشناسان و اولیا و مربیان آموزشی هستند. گفتنی است امسال کتاب‌های کمک‌درسی در دوره ابتدایی معرفی نشده‌اند.



فهرستگان رشد دوره آموزش متوسطه اول

در این دوره از فهرستگان متوسطه اول، تعداد ۹۸ عنوان (۱۰۹ جلد) کتاب آموزشی و تربیتی از میان ۵۰۵ کتاب مناسب انتخاب شده‌اند. از کتاب‌های معرفی شده، تعداد ۶۷ عنوان کتاب کمک آموزشی، ۱۲ عنوان کتاب کمک درسی و ۱۹ عنوان کتاب تربیتی (ادبیات داستانی) است. همچنین ۱۶ عنوان منبع آموزشی غیرمکتوب به مخاطبان آن معرفی شده است. بیشترین فراوانی موضوعی را کتاب‌های داستان با ۱۴ عنوان، علوم تجربی با ۱۲ عنوان و مطالعات اجتماعی با ۱۰ عنوان داشته‌اند. منابع آموزشی و تربیتی معرفی شده در این فهرستگان توسط ۵۶ ناشر و ۱۱ تولیدکننده تهیه شده است.

فهرستگان رشد دوره آموزش متوسطه دوم

در فهرستگانی که برای دوره متوسطه دوم تهیه شده است تعداد ۱۲۰ عنوان کتاب آموزشی و تربیتی از بین ۵۵۴ کتاب مناسب و هفت عنوان منبع آموزشی غیرمکتوب معرفی شده‌اند. از کتاب‌های معرفی شده، ۶۵ عنوان کتاب کمک آموزشی، ۳۵ عنوان کتاب کمک‌درسی و ۲۰ عنوان کتاب تربیتی (ادبیات داستانی) است. در میان موضوعات، بیشترین فراوانی به کتاب‌های داستان با ۱۲ عنوان، کتاب‌های روان‌شناسی با ۱۱ عنوان و کتاب‌های فیزیک با ۹ عنوان اختصاص یافته است. آثار ۵۰ ناشر و ۵ تولیدکننده در این فهرستگان معرفی شده است.

فهرستگان رشد دوره آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای و کار دانش

منابع منتخب این دوره، تعداد ۹۰ عنوان کتاب آموزشی و تربیتی از بین ۴۰۳ عنوان کتاب مناسب و همچنین دو عنوان





منبع آموزشی غیرمکتوب هستند. از میان کتاب‌های معرفی شده، ۷۰ عنوان کتاب کمک آموزشی و ۲۰ عنوان کتاب تربیتی (ادبیات داستانی) است. بیشترین فراوانی موضوعی به مجموعه هنر با ۱۷ عنوان کتاب، مدیریت خانواده با ۱۵ عنوان کتاب و نمایش نامه/فیلم‌نامه با ۸ عنوان کتاب اختصاص داده شده است. ضمناً ۴۱ ناشر کتاب‌های آموزشی و تربیتی و دو تولید کننده منابع آموزشی غیرمکتوب در این فهرستگان همکاری داشته‌اند. مخاطبان این فهرستگان، هنرجویان، هنرآموزان، مدیران و کارشناسان آموزشی هستند.

کتاب‌نامه‌های رشد در سال ۱۳۹۷

افزون بر تدوین و انتشار فهرستگان رشد که شامل منابع آموزشی و تربیتی منتخب هستند، انتشار کتاب‌نامه‌های رشد که فهرست کامل کتاب‌های مناسب پنج دوره تحصیلی را در برمی‌گیرد، به صورت الکترونیکی انجام می‌شود. نسخه الکترونیکی آن‌ها در وب‌گاه سامان کتاب به نشانی: samanketab.roshdmag.ir قابل دریافت و مطالعه است. این دوره از کتاب‌نامه‌ها، فهرست توصیفی کتاب‌های آموزشی و تربیتی مناسب چاپ اول سال ۱۳۹۶ و یک سال قبل از آن را در برمی‌گیرد.

کتاب‌نامه رشد دوره پیش دبستانی؛ شماره ۸

در این کتاب‌نامه با ۳۵۸ عنوان کتاب مناسب آشنا می‌شوید که از میان ۶۸۵ کتاب رسیده، مناسب تشخیص داده شده‌اند. از میان ۱۰۳ ناشر، بیش‌ترین کتاب‌های مناسب معرفی شده در این کتاب‌نامه به ترتیب به انتشارات مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (۷۰ عنوان)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان



(۲۵ عنوان) و شهر قلم (۲۳ عنوان) اختصاص داده شده است. در بین قالب‌ها: قصه، شعر و فعالیت‌های علمی به ترتیب با ۱۱۳، ۱۰۰ و ۷۵ عنوان کتاب مناسب، بیش‌ترین فراوانی را دارند.

کتاب‌نامه رشد دوره آموزش ابتدایی؛ شماره ۲۰

در این کتاب‌نامه با ۱۳۰۹ عنوان کتاب مناسب آشنا می‌شوید که از میان ۲۱۴۴ کتاب رسیده، مناسب تشخیص داده شده‌اند. ضمناً ۱۴۶ عنوان کتاب کمک‌درسی نیز بنا به سیاست جدید وزارت آموزش و پرورش مبنی بر حذف آزمون‌های زائد و منع بهره‌گیری از کتاب‌های کمک‌درسی در مدارس ابتدایی از این کتاب‌نامه کنار گذاشته شده‌اند. از میان ۲۲۵ ناشر، بیش‌ترین کتاب‌های مناسب معرفی شده در این کتاب‌نامه به ترتیب به انتشارات مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان با ۹۲ عنوان کتاب، قدیانی با ۸۲ عنوان کتاب و پرتقال با ۷۰ عنوان کتاب تعلق دارد. در بین موضوعات نیز داستان، مهارت‌های زندگی و علوم تجربی به ترتیب با ۵۵۱ و ۱۰۹ و ۸۵ عنوان کتاب مناسب از بیش‌ترین فراوانی برخوردارند.

کتاب‌نامه رشد دوره آموزش متوسطه اول؛ شماره ۱۹

این کتاب‌نامه دارای فهرست توصیفی ۵۰۵ عنوان کتاب آموزشی و تربیتی است که از میان ۹۳۴ کتاب رسیده، مناسب شناخته شده‌اند. کتاب‌های ۱۷۷ ناشر در این کتاب‌نامه معرفی شده که بیش‌ترین فراوانی به مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان با ۳۴ عنوان، انتشارات به‌نشر با ۳۳ عنوان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با ۲۹



شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸

۱۱۲

عنوان تعلق می‌گیرد. کتاب‌هایی با موضوع داستان (۱۲۶) عنوان)، علوم تربیتی (۷۵ عنوان)، مطالعات اجتماعی (۵۲ عنوان) و تفکر و سبک زندگی (۵۱ عنوان) دارای بیش‌ترین فراوانی هستند.

کتاب‌نامه رشد دوره آموزش متوسطه دوم؛ شماره ۱۷

از مجموع ۱۲۴۶ عنوان کتاب رسیده، ۵۵۴ عنوان کتاب مناسب در این کتاب‌نامه معرفی شده است. از میان آثار ۱۸۵ ناشر، بیش‌ترین کتاب‌های مناسب معرفی شده به به‌نشر با ۳۷ عنوان، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان با ۲۹ عنوان و حماسه یاران با ۲۶ عنوان اختصاص یافته است. در بین موضوعات نیز بیش‌ترین فراوانی به کتاب‌های داستان، علوم تربیتی، زبان و ادبیات فارسی و روان‌شناسی به ترتیب با ۹۰، ۷۲، ۶۷ و ۴۷ عنوان تعلق گرفته است.

کتاب‌نامه رشد دوره آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای و کاردانش؛ شماره ۱۷

در این کتاب‌نامه با ۴۰۱ عنوان کتاب مناسب آشنا می‌شوید که از میان ۵۴۸ کتاب رسیده، مناسب تشخیص داده شده‌اند. از میان ۱۱۶ ناشر، بیش‌ترین کتاب‌های مناسب معرفی شده در این کتاب‌نامه به ترتیب به انتشارات به‌نشر با ۲۹ عنوان کتاب، مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران با ۲۸ عنوان کتاب و حماسه یاران با ۲۶ عنوان کتاب تعلق دارد. در بین موضوعات نیز داستان، علوم تربیتی، مدیریت خانواده و هنر به ترتیب با ۸۲، ۵۹، ۴۹ و ۴۳ عنوان کتاب مناسب از بیش‌ترین فراوانی برخوردارند.



نقش کتاب‌های داستانی در گسترش ذهن

گزارشی از نشست ناشران داستانی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

س. رمضان‌پور

اهمیت داستان‌گویی در افزایش انگیزه و تسهیل یادگیری و به یادسپاری مفاهیم آموزشی و تربیتی همواره مورد تأکید متخصصان بوده است. دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در سال‌های اخیر همراه با فاصله گرفتن از توجه صرف به مفاهیم پر حجم آموزشی، با توجه به نقش مهم کتاب‌های داستانی در ایجاد لذت مطالعه و تداوم آن در کودکان و نوجوانان، همکاری با پدیدآوردگان و ناشران کتاب‌های داستانی را مورد توجه قرار داده است. برگزاری سی‌ویکمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، بهانه‌ای شد تا نشست با عنوان «بایدها و نبایدهای تألیف و ترجمه کتاب‌های داستانی» با حضور مدیر کل و معاونت این دفتر، داوران، نویسندگان و ناشران کتاب‌های داستانی برگزار شود. آنچه می‌خوانید گزارشی از این نشست است.

۷۰ درصد داستان‌ها تأیید می‌شوند

در آغاز نشست، فریبا کیا، معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، در اظهاراتی گفت: «حدود شش سال است که دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، برپایی

نمایشگاه کتاب را برای خود فرصتی می‌شمارد تا ضمن برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های گوناگون، نقطه‌نظرات ناشران و مؤلفان را، به منظور ارتباط هرچه بیشتر با آن‌ها، دریافت کند.»



خانم کیا پس از اشاره به سابقه ۲۰ ساله سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی در این دفتر، افزود: «با توجه به نقش و تأثیر کتاب‌های داستانی در پیشبرد مأموریت اصلی آموزش و پرورش در تربیت دانش‌آموزان از طریق انتقال ارزش‌های اخلاقی و کسب مهارت و توسعه ذهن، از سال ۱۳۹۲، سامان‌دهی و معرفی کتاب‌های مناسب داستانی در دستور کار قرار گرفت. از آن زمان تاکنون، بیش از پنج هزار عنوان کتاب از سوی ۲۵۰ ناشر داستانی دریافت و ارزیابی شده که حدود ۷۰ درصد آن‌ها مورد تأیید قرار گرفته‌اند.»

کیا اصلی‌ترین دلیل تشکیل این نشست را بیان دلایل داوران در رد آثار و شنیدن نقطه‌نظرات ناشران در جهت هر چه بهتر شدن آثار داستانی دانست و گفت: «۲۴ ناشری که در این پنج سال با ما همکاری داشته‌اند، حدود ۴۰ درصد کتاب‌های مناسب را تولید کرده‌اند.»

دلایل رد شدن کتاب‌های داستانی

محمد ناصری، مدیرکل دفتر در سخنانی با تأکید بر نزدیک بودن دغدغه ناشران آموزشی و دفتر متبوعش در استفاده از ظرفیت ادبیات داستانی برای دانش‌آموزان گفت: «پیش از سخنان معاونت پرورشی وقت در سال ۱۳۹۲ که خواستار ورود دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به بحث سامان‌دهی کتاب‌های داستانی شد، ما با توجه به اهمیت آن در مباحث تربیتی، همواره با شعر و داستان در مجلاتی مانند جوانه ارتباط داشتیم.»

این مقام مسئول افزود: «با مطرح شدن سامان‌دهی کتاب‌های داستانی، از ابتدا شاهد همراهی و هماهنگی ناشران ادبیات داستانی بوده‌ایم به گونه‌ای که در فضای

کتاب‌های کمک‌درسی در ابتدای کار حدود ۱۸ درصد تولیدات مناسب بودند، در حالی که ۷۲ درصد کتاب‌های داستانی که به دست ما می‌رسند، با اهداف آموزشی هماهنگ‌اند و اگر روند همکاری‌ها به نحو احسن ادامه یابد، به زودی بالغ بر ۹۰ درصد کتاب‌های داستانی که به دست ما خواهند رسید، مناسب خواهند بود.»

به گفته ناصری، والدین و دانش‌آموزان با مراجعه به سایت دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به راحتی می‌توانند، کتاب‌های داستانی مناسب را در تمامی ژانرها انتخاب کنند. وی تصریح کرد: «اگر برای هر کتاب ۱۰۰ امتیاز در نظر بگیریم، ما کتاب‌هایی را که زیر ۶۰ امتیاز کسب می‌کنند مناسب نمی‌دانیم. علاوه بر محتوای نامناسب، شلختگی زبانی، نثر به هم ریخته، رعایت نکردن مسائل مربوط به کتاب‌سازی، مانند تصویرسازی و اصول گرافیک، از جمله دلایلی هستند که باعث رد شدن کتاب‌ها می‌شوند. برای





مثال اولین وظیفه آموزش و پرورش زبان آموزی است و اگر کتابی ابتدایی ترین مسائل زبان شناسی را زیر پا گذاشته باشد، بدون تردید از نظر ما مردود است. یا در حوزه ترجمه هر کسی شایستگی آن را ندارد که کتابی را در حوزه داستانی برای بچه‌ها ترجمه کند.

جاری بودن نگاه فرهنگی تربیتی در کتاب‌های داستانی از مهم‌ترین نکاتی بود که ناصری بر آن تأکید کرد و گفت: «ممکن است از دید شما به عنوان یک خواننده، کتابی به لحاظ فانتزی عالی باشد، ولی از نگاه ما مناسب نباشد یا درجه یک محسوب نشود؛ چون نگاه فرهنگی و تربیتی مدنظر ما در آن وجود ندارد. در اینجا باید این نکته را هم اضافه کنم که شاید ۲۰ درصد از کتاب‌هایی که از نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد تأیید قرار گرفته‌اند، از نظر ما مورد تأیید نباشند. چون خط قرمزهای ما برای تأیید کتاب با وزارت ارشاد قدری متفاوت است. مثلاً شاید از نظر ارشاد داستان ضعیف و قوی هر دو مجوز بگیرند، اما از نظر ما آثار ضعیف قابل قبول نیستند. یا کتاب‌هایی از نظر ما قابل قبول اند که ضد مدرسه یا معلم نباشند. ضمن اینکه ممکن است نکاتی هم از چشم آن‌ها دور مانده باشد.»

وی با برشمردن مصداق‌های مسئله‌ساز کتاب‌های داستانی حوزه ترجمه گفت: «در حوزه کتاب‌های ترجمه‌ای، مهم‌ترین مشکل، انتقال شکلی از فرهنگ است که با فضای مدرسه، فرهنگ و رویکرد تربیتی ما تناسب ندارد. فحاشی، تبلیغ فرهنگ غربی، داشتن تصاویر نامناسب و متن‌های مستهجن از جمله مواردی هستند که بدون تردید و بلادرنگ از جانب ما رد می‌شوند.»

مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با تأکید بر اینکه ما کتاب‌ها را صرف نظر از نام نویسنده و ناشر آن مورد

بررسی قرار می‌دهیم، تصریح کرد: «در حوزه کتاب‌های داستانی تألیفی مهم‌ترین مسئله، رعایت نکردن ملاحظات فرهنگی است که ناشران فرهنگی و قدیمی‌ترین ملاحظات را بیش از ناشران آموزشی که به تازگی به تولید کتاب داستان رو آورده‌اند، مد نظر دارند و بیشتر رعایت می‌کنند.» وی افزود: «من کتابی تألیفی را دیدم که مفاخر ادبیات کهن ایران را که مورد احترام همه ماست، به اصطلاح دست انداخته بود تا موجب خنده بچه‌ها شود! در حالی که به بهانه خنداندن بچه‌ها نباید به مفاخر ادبیات کشور یا معلمان یا دیگر مسئولان مدرسه بی‌احترامی کرد.»

دست انداختن یک معلم یا دیگر دست‌اندرکاران مدرسه از جمله مصداق‌هایی هستند که باعث تأیید نشدن کتاب‌ها می‌شوند. استفاده از ادبیات شعاری هم یکی دیگر از اسباب رد شدن آثار است. به گفته ناصری، رعایت نکات دستور زبان فارسی در تألیف کتاب‌ها در کنار شخصیت‌پردازی قوی داستانی و رعایت مسائل فنی، مثل وزن و قافیه در کتاب‌های شعر از جمله نکاتی هستند که باید در کتاب‌های تألیفی مورد توجه باشند.

نقدهای ناشران

ناشری که خود را فرهنگی بازنشسته معرفی کرد، با تأکید بر اینکه با مؤلفانی کار می‌کند که همگی از اهل قلم و بازنشستگان فرهنگی هستند و از ضرورت رعایت خط قرمزهای فرهنگی، ادبی و اخلاقی اطلاع دارند، گفت: «من ۱۴ جلد کتاب به دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی ارسال کردم که فقط یکی از آن‌ها تأیید شد. آن هم مجموعه شعری به زبان آذری بود. برای من جای تعجب است، چرا این کتاب‌ها که از قالب شعر و داستان به‌عنوان بستر

آموزشی استفاده کرده و تمامی اصول در آن‌ها رعایت شده، رد شده‌اند؟»

این ناشر ادامه داد: برای مثال، من کتابی را به دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی دادم که دربارهٔ پسر یک خان روستایی بود. پسر سعی داشت به زور با دختر یکی از نوکران پدرش ازدواج کند. دختر که به او علاقه‌ای نداشت، با پسر دیگری فرار کرد و در کمتر از ۲۴ ساعت هر دوی آن‌ها کشته شدند. مؤلف کتاب می‌خواست با گفتن این قصه، عاقبت فرار را به بچه‌ها گوشزد کند. اما این کتاب مورد تأیید واقع نشد.»

یکی از کارشناسان دفتر تألیف کتاب ریاضی، با تأکید بر نقش و اهمیت داستان در مقولهٔ آموزش گفت: «دکتر بهزاد، یکی از استادان برجستهٔ ریاضی، کتابی را با زمینهٔ داستانی در حوزه تخصصی آموزش ریاضیات نوشته است. آیا دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازوکارهایی را به منظور بهره‌گیری از چنین ظرفیت‌هایی در نظر دارد یا خیر و آیا داوران خاصی به منظور داوری این گونه کتاب‌ها تربیت کرده است؟»

کارشناس دیگری همین سؤال را درباره بهره‌گیری از ادبیات داستانی و تربیت نویسندگان به منظور آموزش مسائل اعتقادی برای بچه‌ها مطرح کرد.

مدیر یکی دیگر از انتشارات آموزشی که در حوزهٔ کتاب‌های داستانی هم فعالیت دارد، خطاب به داوران کتاب‌های داستانی گفت: من فکر می‌کنم که داوران با حساسیت بیشتری کتاب‌های ناشران آموزشی را در حوزه‌های داستانی بررسی می‌کنند. به‌عنوان نمونه، در حوزهٔ کتاب‌های ترجمه‌ای، کتابی که توسط ناشران آموزشی ارسال شده است، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد، اما همان کتاب

اگر توسط ناشر دیگری برای شما ارسال شود، مورد تأیید واقع می‌شود.»

وی در ادامه با سخت‌گیرانه خواندن ملاحظات دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی گفت: «وجود برخی خشونت‌های کنترل شده در کتاب یا شوخی‌های متناسب با مدرسه، باعث می‌شود رغبت خواننده بیشتر و مقداری از هیجانات دانش‌آموزان تخلیه شود.»

یکی دیگر از ناشران حاضر در نشست گفت: «چنین ممیزی‌هایی باعث می‌شود کتاب‌های داستانی شبیه کتاب‌های درسی شوند. بچه‌ها نیازهای متفاوتی دارند. ما معمولاً از بالا برای بچه‌ها تصمیم می‌گیریم، در حالی که باید توجه داشته باشیم داستان مقوله متفاوتی است که چنین نگاهی در آن اثرگذار نیست.»

یکی از داوران حاضر در نشست، در پاسخ به برخی از انتقادات مطرح شده گفت: «من اخیراً کتابی را دربارهٔ آلمان پس از جنگ جهانی دوم خواندم که شخصیت پردازی و قالب داستانی فوق‌العاده قوی و پرکششی داشت. اگر ناشر یکی از بندهای آن را که مخالف فرهنگ و اعتقادات ما بود، مورد تجدید نظر قرار می‌داد، حتماً این کتاب تأیید می‌شد. یا کتاب خوبی نوشته شده بود که در جایی از آن، به معلم توهین شده بود. متأسفانه چنین کتاب‌هایی را نمی‌توان پذیرفت.»

لزوم توجه به نیازهای نسل جدید

خانم ناشری با بیان اینکه خودش فرزند هشت ساله‌ای دارد، بر توجه داوران به سلیقهٔ بچه‌های نسل جدید تأکید کرد و بیان داشت: «برای بچه‌های امروز، خواندن یک رمان عاشقانه یا کتاب روان‌شناسی، مهم‌تر از خواندن کتابی در

پاسخ‌های داوران

محمد علی قربانی، یکی از داوران دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، در پاسخ به برخی سؤالات مطرح شده گفت: «هر اندازه هم که توصیه شود فضای مدرسه باید باز باشد، باز نمی‌توان پذیرفت که در کتاب‌های داستانی از مشروبات الکلی یا روابط آزاد دختران و پسران صحبت شود. فضای مدرسه دارای حرمت‌هایی است که این حرمت‌ها باید رعایت شوند. در کشور ترکیه خیلی چیزها آزاد است، اما در مسجدها باید میزانی از پوشش را رعایت کرد. فضای مدرسه هم شبیه مسجد است که ملاحظات آن باید رعایت شود.»

ناصر نادری، یکی دیگر از داوران هم با بیان اینکه روی آوردن به رمان‌های تألیفی ویژه کودکان و نوجوانان از سوی ناشران، پدیده قابل اعتنایی است، گفت: «این واقعیت وجود دارد که کارهای ترجمه‌ای نسبت به کارهای تألیفی جذاب‌ترند و بچه‌ها به کارهای ترجمه‌ای اقبال بیشتری دارند. سوژه‌یابی، زایش ذهنی ادبی، خلاقیت و رعایت جنبه‌های زیبایی‌شناسی از مهم‌ترین مسائلی هستند که در کتاب‌های تألیفی به درستی رعایت نمی‌شوند. کتاب‌های ترجمه‌ای به لحاظ کتاب‌سازی و رعایت نکات بصری از کتاب‌های تألیفی بسیار قوی‌تر عمل می‌کنند.»

نادری اظهار داشت: «پدیده غلبه ترجمه بر تألیف نگران‌کننده است. درست است که ما نمی‌توانیم به واقعیات بچه‌های امروز بی‌تفاوت باشیم، اما نمی‌توانیم نسبت به هنجارهای مد نظر هم اعتنا نکنیم.»

مهری ماهوتی، شاعر و یکی دیگر از داوران دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هم گفت: «در وضعیت اقتصادی نامناسب امروز، دست شما ناشران را به دلیل اینکه



حوزه جنگ است که برای نسل ما حائز اهمیت بود. توجه نداشتن به سلیقه دانش‌آموزان باعث می‌شود وقتی آن‌ها را برای دیدن نمایشگاه کتاب می‌آوریم، دست خالی از غرفه‌ها خارج شوند.»

خانمی که خود را روان‌شناس معرفی کرد، با طرح این پرسش‌ها که: آیا کارشناسان شما از نیازهای بچه‌ها اطلاع دارند؟ و آیا بچه‌ها واقعاً کتاب‌های تأیید شده را می‌خوانند؟ گفت: «متأسفانه خیلی از کتاب‌هایی که توسط شما انتخاب شده‌اند، مورد رضایت نسل نوجوان ما نیست. باید کارشناسی شود که بچه‌های ما در چه فضایی هستند و به چه کتاب‌هایی علاقه دارند. بچه‌های امروز بچه‌های دهه ۶۰ نیستند که تنها منبع اطلاعاتی شان صدا و سیما باشد. توجه داشته باشید اگر بچه‌ها در کودکی لذت خواندن را تجربه نکنند، در بزرگسالی هم آن را تجربه نمی‌کنند.»



به سوی کتاب و نشر می‌روید، می‌بوسم. باید بگویم متأسفانه در حوزه کتاب‌های شعر نوجوان با وضعیت مناسبی روبه‌رو نیستیم. کتاب‌هایی در این حوزه تولید می‌شوند که با وجود حجم زیاد، کل محتوای آن‌ها در چهار خط هم نمی‌گنجد؛ گرچه در بخش کودک کارهای قشنگ‌تری ارائه و با علاقه بیشتری کار می‌شود.»

ماهوتی افزود: «در حوزه کتاب‌های ترجمه‌ای، سلیقه مترجم در جایگزینی لغت‌ها و تلطیف فضای کار بسیار حائز اهمیت است. مدتی قبل یک کار ترجمه سه جلدی را داوری می‌کردم که محتوای خوبی داشت، اما مترجم اثر آن را با ادبیات نامناسب، یعنی با همان ادبیاتی که می‌گویند بچه‌ها دوست دارند و امروزه آن‌ها را بر زبان می‌آورند، ترجمه کرده بود. من نتوانستم خودم را راضی و آن را تأیید کنم. چند روز قبل، ناشر دیگری ترجمه دیگری از همان کتاب را برای ارزیابی فرستاد. مترجم این کتاب، آن کلمات زشت را به خوبی تلطیف کرده بود. به همین دلیل معتقدم که مترجم اوضاع را عوض می‌کند و مترجم خوب می‌تواند کتاب بد را نجات دهد.»

مهری ماهوتی تأکید کرد: «برخی از کتاب‌ها شاید به لحاظ مفهومی دارای سطح خیلی بالایی نباشند، اما دارای طنزی شیرین و تصویرگری مناسبی هستند که لذت خواندن را به خواننده انتقال می‌دهند.»

داستان، کتاب درسی نیست

محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، در پایان پس از شنیدن سخنان ناشران و داوران

در جمع‌بندی سخنان آن‌ها و در پاسخ به یکی از منتقدان که از شبیه شدن کتاب‌های داستانی به کتاب‌های درسی انتقاد کرده بود، ضمن تأکید بر ضرورت تعامل بیشتر دفتر انتشارات با ناشران، گفت: «قرار نیست در حوزه تألیف و ترجمه کتاب‌های داستانی، ما دنباله‌رو کتاب‌های درسی باشیم. خط‌مشی ما در حوزه کتاب‌های داستانی، غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان است، در حالی که جنس کتاب درسی آموزشی است.»

وی در پاسخ به سؤال دیگری در خصوص تربیت افراد متخصص برای داوری آثار خاص مانند آموزش داستانی ریاضیات، گفت: «ما در دفترمان افراد متخصصی داریم که می‌توانند در این زمینه مشارکت جدی داشته باشند. اکنون بیشتر افراد اهل قلم به دلیل همکاری با ما در تألیف مجلات رشد و به واسطه کارگاه‌های قصه‌نویسی که برگزار می‌شود، با ما ارتباط دارند. دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی مدت زمان طولانی است که با فضای قصه در تماس است و ما به ناشران آموزشی هم که به‌تازگی وارد این فضا شده‌اند خوشامد می‌گوییم.»

ناصری در پاسخ به نقد دیگری مبنی بر اینکه داوران آموزشی سخت‌گیری بیشتری در بررسی کتاب‌های داستانی ناشران آموزشی اعمال می‌کنند، گفت: «ما کتاب‌ها را صرف‌نظر از اینکه ناشر آن برچسب آموزشی دارد یا خیر، بررسی می‌کنیم. ما باید همواره ضمن رصد کردن فضای داستان‌نویسی، توجه داشته باشیم که ایرادات کار که باعث ریزش مخاطب می‌شوند، کجا هستند و با رفع آن‌ها، هرچه بیشتر به تولید داستان‌های جذاب‌تر اقدام کنیم.»



پایان شانزدهمین جشنواره کتاب با معرفی ۳۸ کتاب برتر

دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

مراسم پایانی «شانزدهمین جشنواره کتاب رشد»، روز ۱۲ آذر ۱۳۹۷، در محل مرکز آفرینش‌های فرهنگی هنری «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» با معرفی ۳۸ اثر برتر به پایان رسید. به گزارش خبرنگار «سامان کتاب» در این مراسم که با حضور جمعی از مسئولان آموزش و پرورش، شخصیت‌های فرهنگی و جمع زیادی از معلمان، ناشران و پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی و تربیتی برگزار شد، ۱۶ کتاب به عنوان برگزیده دست یافتند و به ۲۲ کتاب عنوان تقدیری و جایزه دوم جشنواره اعطا شد. از ۶۰ ناشر نامزد، آثاری از ۲۵ ناشر موفق به کسب عنوان برگزیده و تقدیری شدند که شش ناشر شهرستانی و بقیه تهرانی بودند. بین ناشران، «انتشارات مدرسه» با کسب هشت جایزه و «انتشارات فاطمی» با کسب چهار جایزه، بالاتر از دیگران ایستادند. انتشارات شهر قلم، طلایی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز هر کدام دو جایزه از آن خود کردند. بقیه ناشران هر کدام یک جایزه به دست آوردند.

گفتنی است فقط ۷ عنوان از ۳۸ عنوان اثر برگزیده و تقدیری ترجمه‌ای هستند.



برگزیدگان شانزدهمین جشنواره

● در گروه داورى آموزش و پرورش کودکان استثنایى، کتاب «تئاتر درمانى در کودکان و نوجوانان مبتلا به اوتیسم، راهنمای عملی برنامه هنر برای خانواده‌های کودکان مبتلا به اختلال‌های طیف اوتیسم»، تألیف کاوه مقدم و هومن سرابی از «انتشارات وانیا»، لوح سپاس و تندیس شانزدهمین جشنواره را برای مؤلفان خود به ارمغان آورد.

در گروه داورى بازی و سرگرمی، مجموعه سه جلدی «بازی با ابزارهای ساده: بازی‌های چوب، بازی‌های سنگ و بازی‌های طناب»، تألیف معصومه پورطاهریان، از «انتشارات شهر قلم»، لوح سپاس و جایزه تقدیری جشنواره را از آن خود کرد.

● در گروه داورى پیش دبستانی: کتاب‌های آموزشی، مجموعه سه جلدی: «ماجراهای ریحانه و پیشی کوچولو»، از «شرکت انتشارات فنی ایران»، بر همگان پیشی گرفت و با کسب عنوان برگزیده، تندیس و جایزه اول جشنواره را نصیب مؤلف خود، معصومه یزدانی کرد.

● در دیگر گروه حوزه پیش دبستانی، یعنی بخش کتاب‌های داستانی، دو اثر به صورت مشترک به عنوان برگزیده و دو اثر به‌طور مشترک به عنوان تقدیری دست یافتند. داوران جشنواره، «بفرما آب انار»، سروده مریم هاشم‌پور، از «انتشارات مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان» و مجموعه پنج جلدی «ترانه‌های نیایش» سروده مصطفی رحماندوست، از «انتشارات افق» را به‌طور مشترک شایسته عنوان تقدیری این گروه دانستند و لوح سپاس و تندیس جشنواره را مشترکاً به صاحبان مجموعه هفت جلدی «دوست داری... باشی؟»، لاله جعفری و مجموعه هفت جلدی «گیلی گیلی»، سوسن طاق‌دیس اهدا کردند. هر دو کتاب برگزیده این بخش توسط «مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان» منتشر شده‌اند.



۱۲۱



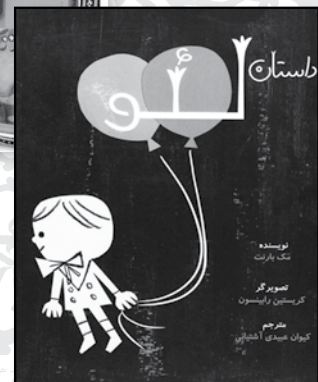
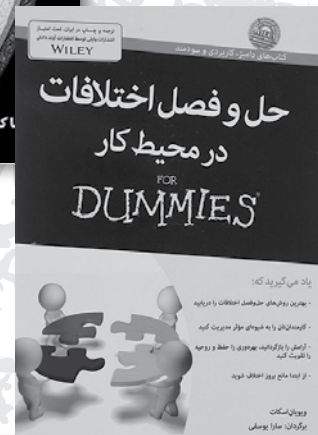
● در گروه داوری تاریخ و زندگی نامه، عنوان و جایزه تقدیری جشنواره به کتاب «پرده‌نشینان عهد ناصری: نگاهی به حیات اجتماعی زنان در عهد قاجار»، تألیف پریسا کدیور، از «انتشارات گل آذین» تعلق گرفت.

● در گروه داوری تربیت بدنی، عنوان و جایزه تقدیری به کتاب «حیات پویا: طراحی بازی‌ها و مهارت‌ها در حیات مدرسه»، تألیف سمانه قائدیان و ابراهیم نیکومنش، از «انتشارات سلسله» اختصاص یافت.

● در گروه داوری تعلیم و تربیت دینی، مجموعه «دوست عزیزم خدا»، تألیف سید محمد مهاجرانی، از «انتشارات کتابک» و مجموعه «ستاره‌های دوست‌داشتنی» نوشته محسن هجری، از «انتشارات شهر قلم» عنوان تقدیری را مشترکاً تصاحب کردند و از تندیس جشنواره و عنوان برگزیده این گروه به نفع کتاب «پول، خدا، بچه‌ها» تألیف غلامرضا حیدری ابهری، از «انتشارات جمال» چشم پوشیدند.

● داوران گروه حسابداری و بازرگانی جشنواره، لوح سپاس و عنوان تقدیری این گروه را شایسته کتاب «حل و فصل اختلافات در محیط کار»، ترجمه سارا یوسفی، از «انتشارات آوند دانش» دانستند.

● در گروه داوری داستان کودک، «داستان لئو» ترجمه کیوان عبیدی آشتیانی، از «انتشارات مؤسسه فرهنگی فاطمی» خود را برای دریافت عنوان تقدیری جشنواره سزاوارتر نشان داد. در این گروه، گرچه جایزه ترجمه به یک خانم رسید، اما جایزه تألیف به طور مشترک به دو آقا داده شد. به این ترتیب، «قصه پیرزنی که دلش می‌خواست تمیزترین خانه دنیا را داشته باشد» نوشته زنده‌یاد شکور لطفی، از «انتشارات شهر قلم»، و «من مترسکم ولی می‌ترسم»، نوشته احمد اکبریور، از «مؤسسه فرهنگی فاطمی»، در عنوان برگزیده و تندیس جشنواره این گروه شریک شدند.





● اما در گروه داوری داستان نوجوانان و بزرگسال، کتابی عنوان برگزیده را به دست نیاورد، ولی عنوان و جایزه تقدیری این گروه به طور مشترک به «باد و کاه»، نوشته محمدرضا بایرامی، از «انتشارات کتاب نیستان» و «نجات الاغ»، نوشته فاطمه دهقان نیّری، از «انتشارات محراب قلم» رسید.



● در گروه داوری رایانه، کتاب «خودآموز تصویری فتوشاپ سی سی» (Adobe Photoshop CC)، تألیف علی محمودی، از «انتشارات دانشگاهی کیان» به عنوان تقدیری بسنده کرد.



● در گروه داوری روان شناسی، «هنر گوش دادن»، ترجمه روح الله میرزا آقاسی، محصول مشترک «انتشارات دانش آفرین» و «رشد اندیشه»، گوی توفیق را از هم گروهی ها ربود.



● در گروه داوری ریاضی، کتاب «گر... نگاهی متفاوت به عددها و اندازه های بسیار بزرگ»، ترجمه فروغ فرجود، از «مؤسسه فرهنگی فاطمی» نیز به عنوان کتاب تقدیری و جایزه دوم جشنواره قناعت کرد.



● داوران گروه زبان و ادبیات فارسی، از بین کتاب های این گروه، لوح سپاس و تندیس جشنواره را به کتاب «مدخل شعر معاصر فارسی (از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۹۲)»، تألیف شهریار خسروی، از «مؤسسه فرهنگی فاطمی» اعطا کردند.

● «خداحافظی در خیابان پاییز»، سروده مریم اسلامی، توانست با قدرت تمام تندیس جشنواره و عنوان برگزیده را در گروه داوری شعر، خاطره و نشر ادبی این دوره از جشنواره از آن خود سازد. این کتاب محصول «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» است.

● اما در گروه داوری علوم تجربی، که اغلب کتاب های آن ترجمه های هستند، «آسان بر فضایی (آشنایی با فناوری نانو)»، تألیف سمانه علی رضازاده باقری، از «انتشارات مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان» عنوان تقدیری جشنواره را به چنگ آورد.

● در گروه داوری علوم تربیتی و مدیریت خانواده عنوان اثر تقدیری جشنواره به کتابی در موضوع تربیت خانواده رسید. این کتاب، کتابی نبود جز «والدین قطعاً تأثیرگذارند: چگونه کودکانی تربیت کنیم که شخصیتی به خود متکی، مصمم و مهربان داشته باشند»، ترجمه ستاره بابایی، از «انتشارات صابرین». کتاب «مدیریت و برنامه‌ریزی کلاس‌های چندپایه»، تألیف سیدحشمت‌الله مرتضوی‌زاده، از «انتشارات مؤسسه کورش چاپ» نیز توانست تندیس جشنواره و عنوان برگزیده گروه را به نام خود ثبت کند.

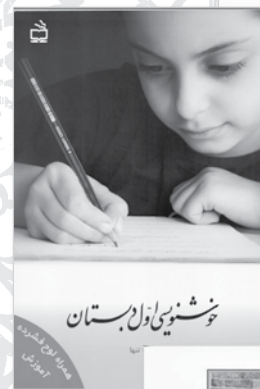
● کتاب دو جلدی «راهنمای حقوقی شهروندان»، تألیف محسن اسماعیلی، از «دفتر نشر فرهنگ اسلامی» در گروه داوری علوم و مطالعات اجتماعی، یک سر و گردن بالاتر از دیگران ایستاد و عنوان تقدیری جشنواره را در این گروه از آن خود ساخت.

● در گروه داوری فرهنگ و هنر، مجموعه «خوش‌نویسی اول، دوم و سوم دبستان»، تألیف زنده‌یاد غلامرضا تنها، از مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، شایسته کسب عنوان برگزیده شناخته شد و به این سبب، تندیس جشنواره را به یادگار به خانه این هنرمند فقید بردند.

● اما در گروه قرآن، داوران عنوان برگزیده و تندیس جشنواره را شایسته مجموعه هشت جلدی «یک داستان تخیلی با مفاهیم قرآنی»، نوشته کلر ژوبرت، از «انتشارات به‌نشر» دانستند.

● داوران گروه کار و فناوری، مجموعه کتاب‌های «رایانه برای اول، دوم و سوم دبستان»، تألیف هما ملک، از «مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان» را به عنوان کتاب برگزیده معرفی کردند و تندیس جشنواره را به آن هدیه دادند.

● کتاب «آجر در معماری، زیبایی‌ها و کارایی‌ها»، تألیف سیدباقر حسینی و سیده‌زهره سیدین خراسانی، از «دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی»، در گروه داوری معماری، پیشتاز شد و عنوان برگزیده این گروه و تندیس جشنواره را تصاحب کرد.





● در گروه داوری مکانیک و مکاترونیک، کتاب «خودروسازی از صفر تا صد» از ایران و جهان»، ترجمه حسین عسگری، از «انتشارات طلایی»، به لوح سپاس و عنوان تقدیری جشنواره دست یافت.



● در گروه داوری مهارت‌های زندگی، تفکر و سبک زندگی، که یکی دیگر از گروه‌های پر کتاب جشنواره به‌شمار می‌رفت، عنوان تقدیری جشنواره مشترکاً به کتاب‌های «اقتصاددان کوچک: راهنمای کاربردی آموزش به کودکان ۶ تا ۹ سال»، تألیف خانم زهره میرجافری، از «انتشارات مفتاح حکیم» و مجموعه چهار جلدی «ده فرمان»، تألیف علی اصغر سوادکوهی، از «نشر نوشته» اعطا شد که هر دو ناشر در شهر اصفهان فعال‌اند.



اما برای دریافت تندیس جشنواره و عنوان برگزیده این گروه کتابی جز «بازی و فراغت به مثابه خلاقیت و معنویت: (چگونه جدی نباشیم!)»، تألیف عبدالعظیم کریمی، از «مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان» شایسته تشخیص داده نشد.



۱۲۵

● گروه داوری نمایش، فیلم و سینما، عنوان تقدیری گروه، لوح سپاس و جایزه دوم جشنواره را به این دو کتاب تقدیم کرد: «آماده‌سازی استوری‌برد»، ترجمه ناصر گل‌محمدی، از «انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» و کتاب «دومی‌ها»، از مجموعه نمایش‌نامه‌های مدرسه، تألیف مسلم قاسمی، از «مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان».



● در گروه داوری هنرهای تجسمی و مباحث عمومی هنر نیز «فرهنگ‌نامه هنر» تألیف محمد شمخانی، از «انتشارات طلایی» بهتر از دیگران تشخیص داده شد و تندیس جشنواره و عنوان کتاب برگزیده را به خویش اختصاص داد.

● در چهار گروه داوری زبان عربی، زیست‌شناسی، شیمی و فیزیک، هیچ کتابی به فهرست کتاب‌های برگزیده یا تقدیری جشنواره راه نیافت.

قهرمان‌هایی که از خط پایان گذشتند

گزارشی از مراسم پایانی شانزدهمین جشنواره کتاب رشد

سمیه میرزایی



آموزش خواندن کافی نیست. عشق به خواندن را به کودکان بیاموزیم. این جمله از اسکینر، نویسنده و روان‌شناس شهیر آمریکایی، به شکلی کوتاه و البته گویا، چکیده هدفی است که جشنواره کتاب رشد با گذشت ۱۵ دوره آن را دنبال می‌کند و امروز، اینجا و نزدیک به نیمه آذر ماه، در «مرکز آفرینش‌های فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، در شانزدهمین آیین اختتامیه این جشنواره، نویسندگان، مترجمان، ناشران، معلمان و اهالی فرهنگ و رسانه گرد هم آمده‌اند تا باری دیگر شاهد معرفی برترین پدیدآورندگان حوزه کتاب‌های آموزشی و تربیتی باشند. کسانی که «عشق به خواندن» سرلوحه آثارشان است و به باور محمد ناصری، دبیر شانزدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، شأن و جایگاهی خاص به جشنواره بخشیده‌اند.

دمیدن بر تنور مطالعه



محمد ناصری: اولین سیاست جشنواره در این سال‌ها این بوده است که به کتاب‌های تألیفی بیش از ترجمه‌ای بها داده‌ایم

و کمیته‌ای علمی متشکل از هفت عضو که بر فرایند داوری نظارت می‌کنند، در این دوره از جشنواره به رقابت با یکدیگر پرداختند. در نهایت از میان کتاب‌های موجود، ۳۸ عنوان کتاب به‌عنوان کتاب برتر معرفی شدند. همچنین ۱۶ کتاب از میان برترین‌ها به‌عنوان کتاب سال اعلام خواهند شد و بقیه کتاب‌های تقدیری هستند.» دبیر شانزدهمین جشنواره کتاب رشد اظهار داشت: «اولین سیاست جشنواره در این سال‌ها این بوده است که به کتاب‌های تألیفی بیش از ترجمه‌ای بها داده‌ایم. البته کتاب‌های ترجمه‌ای خوبی داریم اما به کتاب تألیفی بیشتر بها می‌دهیم. از همه ناشران که به

ناصری در این آیین در بیان اهمیت جشنواره کتاب رشد گفت: «در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، جشنواره‌های متفاوتی را در راستای پشتیبانی از برنامه‌های درسی برگزار می‌کنیم. در یکی دو ماه اخیر، سه جشنواره عکس رشد، فیلم رشد و امروز جشنواره کتاب رشد را برگزار کردیم. البته این جشنواره از جایگاه بالایی در وزارت آموزش و پرورش برخوردار است.» مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی ادامه داد: «دفتر ما دائم بر تنور مطالعه می‌دمد و اساساً فلسفه وجودی این دفتر رونق امر کتاب‌خوانی است. بالغ بر ۵۰ سال از انتشارات مجلات رشد می‌گذرد که به شکل غیررسمی و غیراجباری مورد اقبال دانش‌آموزان قرار گرفته است. ما به این موضوع اعتقاد داریم که مطالعه از سر اجبار تأثیر مثبتی نخواهد داشت.»

وی با اشاره به روند همکاری ناشران با دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی گفت: «در مجموع هزار و ۲۷ ناشر در سامانه ما عضو هستند و به محض انتشار کتابشان، نسخه‌ای از آن را برای ما می‌فرستند تا توسط ۴۰۰ داور، آن‌ها را از لحاظ استانداردهای موجود در دفتر انتشارات و تکنولوژی بررسی کنیم تا به اصطلاح، سره از ناسره جدا شود. البته در سال گذشته حدود نیمی از این کتاب‌ها، فاقد استانداردهای مدنظر وزارت آموزش و پرورش بودند.» ناصری تصریح کرد: «مجموعه کتاب‌ها به گروه‌های درجه یک، درجه دو و درجه سه تقسیم‌بندی می‌شوند. کتاب‌های درجه یک و دو که امسال تعدادشان به یک هزار و ۱۳۶ عنوان کتاب رسید، براساس نظر ۹۰ داور



قاسم احمدی لاشکی: در کشور ما آموزش و پرورش از سهم و تأثیری که باید در حوزه‌های متفاوت داشته باشد، برخوردار نیست

وی افزود: «اما در کشور ما بالاترین رقم بودجه به امور رفاهی، از جمله صندوق‌های بازنشستگی، کمیته امداد و بهزیستی تعلق می‌گیرد. بودجه‌های امنیت و بهداشت در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. البته که هر یک از آنها در جای خود اهمیت دارند، اما نباید از اهمیت آموزش غافل بود.»

احمدی لاشکی توضیح داد که در سال گذشته ۳۶ هزار میلیارد تومان اعتبار در لایحه بودجه برای آموزش و پرورش پیش‌بینی شد که این میزان کمتر از ۱۰ درصد کل بودجه پیشنهادی بود. بعد از چانه‌زنی‌ها در کمیسیون تلفیق مجلس، ۶۷۰۰ میلیارد تومان به

کتاب‌های تألیفی اهمیت می‌دهند و کسانی که در پدید آوردن کتاب در شرایطی که مشکلات بسیاری برای تهیه کاغذ وجود دارد، قدمی برمی‌دارند، قدردانی می‌کنم؛ زیرا کارشان ارزنده است. همچنین کسانی که به تولید ادبیات داستانی، به‌ویژه در حوزه پیش‌دبستانی و دبستان می‌پردازند نیز قابل تقدیر هستند.»

مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی بیان کرد: «این جشنواره به کتاب‌سازی درست، اصولی و موفق، جاذبه‌ها، تأثیرگذاری و جنبه سرگرم‌کنندگی کتاب توجه دارد. کتاب مناسب کتابی است که به نیازهای مخاطبان که البته صرفاً کودکان و نوجوانان نیستند، بلکه معلمان و خانواده‌ها را نیز در بر می‌گیرد، پاسخ دهد. البته منظور از نیاز، نیازهای واقعی مخاطبان است و نه نیازهای بازاری. کتاب باید شوق مطالعه را در مخاطب بیشتر کند.»

آموزش، راه برون‌رفت از مشکلات اجتماعی

قاسم احمدی لاشکی، نایب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، دیگر سخنران این آیین بود که در سخنانی با تأکید بر تأثیرگذاری آموزش و پرورش گفت: «در کشور ما آموزش و پرورش از سهم و تأثیری که باید در حوزه‌های متفاوت داشته باشد، برخوردار نیست. یک سال پیش با همتای خود از مجلس سنای فرانسه دیداری داشتم و از نحوه توزیع بودجه پرسیدم. اشاره داشت که در این کشور ابتدا بودجه در حوزه آموزش توزیع می‌شود و بعد به امور دیگر می‌پردازیم.»

این بودجه اضافه شد و به عدد ۴۲ هزار میلیارد تومان رسید که بیشتر آن در خانواده یک میلیون نفری آموزش و پرورش، صرف حقوق و مزایا می‌شود. او افزود: «تا زمانی که اراده لازم در دولت و مجلس برای افزایش بودجه وزارت آموزش و پرورش ایجاد نشود، وضعیت همین گونه است.»

این عضو مجلس دهم ادامه داد: «برای برون رفت از مشکلات اجتماعی و بسیاری از ناهنجاری‌ها باید راه آن را در آموزش و پرورش جست‌وجو کنیم. اگر می‌خواهیم کمتر از طلاق و اعتیاد حرف بزنیم، باید از آموزش و پرورش و جشنواره‌هایی مانند جشنواره حاضر که در این راستا برگزار می‌شوند، حمایت کنیم. اگر در سند تحول بنیادین مهم‌ترین موضوع را برنامه درسی ملی در نظر بگیریم، باید بینیم معلمان و ناشرانی که باید در این راستا کمک کنند، کجای این سند دیده شده‌اند.»

وی ادامه داد: «ناشران تمام توان خود را برای تولید کتاب‌های آموزشی می‌گذارند، اما وقتی کتاب درسی برای سال آینده به صورت سلیقه‌ای یا با بی‌دقتی و اشتباه در محتوای کتاب‌ها تغییر کند، عملاً این کتاب‌ها قابل استفاده نخواهند بود. در کشورهایمانند آلمان و ژاپن هر ۱۰ سال یک بار در کتاب‌های درسی تجدید نظر می‌شود، اما متأسفانه در کشور ما ثبات لازم در این زمینه وجود ندارد.»

از سوی دیگر صداوسیما هم کتاب‌های غیراستاندارد را تبلیغ می‌کند و نقش خود را در معرفی کتاب‌های مناسب به درستی ایفا نمی‌کند.»

نایب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس افزود:

«سند تحول بنیادین نوشته شد، اما سؤال اینجاست که کجا باید اجرا شود. اگر مهم‌ترین موضوع برنامه درسی ملی باشد کجای جامعه باید دیده شود؟ مهم‌ترین موضوع‌های جامعه امروز کدام‌اند و چه اندازه برایشان هزینه می‌شود؟ امروز در هلند ماجرای پتروس فداکار در موزه‌ها مطرح است و برای آن هزینه می‌شود، اما ما چقدر به شهید فهمیده‌ها بها داده‌ایم؟»

وی با بیان اینکه اگر قرار باشد تحرکی در آموزش و پرورش برای متناسب‌سازی آموزش با نیازهای دانش‌آموزان ایجاد شود، باید به ناشران پناه ببریم، زیرا حتی در دانشگاه‌ها هم آموزش و نیاز با یکدیگر همسان نیستند، گفت: «ما باید نیازها را با ناشران در میان بگذاریم تا آن‌ها دست ما را بگیرند. ما ملزم به حرکت در راستای سند تحول بر مبنای نظام آموزشی ۳-۳-۶ هستیم که باید در این راه از ناشران و نخبگان علمی کمک بگیریم. نظام آموزشی ۳-۳-۶ ولو اینکه اشکالاتی داشته باشد، باید بر مبنای آن و شش زیرنظام تصویب شده تحت آن حرکت کرد که مهم‌ترین آن برنامه درسی ملی است.»

یادی از زنده‌یاد توران میرهادی

نمایش بخش‌هایی از فیلم «توران خانم»، ساخته رخشان بنی‌اعتماد و نشان دادن دغدغه‌های توران میرهادی در تدوین «فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان» و استفاده از نظرات آنان در نوشتن مقالات این فرهنگ‌نامه، بخش دیگری از مراسم اختتامیه شانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشد را تشکیل می‌دهد.

زنده‌یاد توران میرهادی، استاد ادبیات کودک، نویسنده



حیدر تورانی: ما امروز در جامعه گرفتار چرخهٔ انجام درست کارهای نادرست شده‌ایم. وقتی تشخیص درست نباشد، درمان درست هم جواب نمی‌دهد

درست انجام دهیم، اما امکان‌پذیر نیست.» وی ادامه داد: «بعد از ۴۰ سال هنوز برخی‌ها اسم این سازمان را درست بیان نمی‌کنند و این سازمان را سازمان تألیف کتاب درسی می‌خوانند. در حالی که نام آن سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است. برخی به این سازمان، مغز متفکر و برخی آشپزخانهٔ آموزش و پرورش می‌گویند. البته این سازمان مغز متفکر آموزش و پرورش است.»

تورانی اضافه کرد: «سازمانی مغز متفکر است که مرزگستر، گشاده‌رو و گشاده‌در باشد و محوریت تحول را در دستور کار قرار دهد. اما آنچه که مغفول مانده، سبک

و کارشناس آموزش و پرورش و شخصیت برجستهٔ فرهنگی است. او بیش از ۶۰ سال در گسترهٔ آموزش و پرورش و فرهنگ و ادبیات کودکان کوشید و در این راه یکی از چهره‌های تأثیرگذار سدهٔ کنونی ایران است. او به همراه همسرش به مدت ۲۵ سال «مجمع آموزشی تجربی فرهاد» یا «مدرسهٔ فرهاد» را اداره کرد. این مجمع یکی از آموزشگاه‌های تجربی ایران بود که هدف‌ها و کارکردهای آموزش و پرورش مدرن در آن تجربه و ارزیابی می‌شدند. توران میرهادی یکی از بنیان‌گذاران «شورای کتاب کودک» است و از سال ۱۳۵۸ سرپرستی تدوین و تألیف فرهنگ‌نامهٔ کودکان و نوجوانان را نیز برعهده داشته است. میرهادی را «مادر ادبیات کودک و نوجوان در ایران» خوانده‌اند.

درهای باز به روی ناشران آموزشی

دکتر **حیدر تورانی**، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش هم در ادامه و در سخنانی گفت: «آموزش محور توسعه است. سؤال اینجاست که: کدام آموزش و پرورش محور توسعه است؟ می‌توانیم پاسخ دهیم آموزش و پرورش که در حُسن اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اهتمام ورزد تا بتواند چشم‌اندازهایی را که در سند تحول بنیادین دیده شده‌اند، جاری و ساری کند. این سند قصد دارد میناها را متحول کند. ما امروز در جامعه گرفتار چرخهٔ انجام درست کارهای نادرست شده‌ایم. وقتی تشخیص درست نباشد، درمان درست هم جواب نمی‌دهد. چه بسیار پروژه‌های اشتباهی که تلاش داریم آن‌ها را

رهبری چنین سازمان‌هایی است که بهترین سبک، سبک رهبری اثربخش است.»

سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با بیان اینکه سند تحول مبنایی است که ما در زمین دیگران بازی نکنیم، گفت: «اگر گفته می‌شود سازمان پژوهش مغز متفکر آموزش و پرورش است، منظور سازمان کنونی نیست، بلکه باید یک سلسله تحولات در خود ایجاد کند.»

تورانی بیان داشت: «سازمانی مغز متفکر است که محوریت تحول را به برنامه‌دستی دهد، بر شایستگی محوری و چندتألیفی تأکید کند، اجرای سند را آرمان خود قرار دهد و به این منظور فرصت‌های درون و برون‌سازمانی و بخش‌های غیردولتی و دولتی را از جمله ذی‌نفعان این مرکزگستری بداند.»

وی با طرح این سؤال که کدام بخش خصوصی شرایط تعامل با آموزش و پرورش را دارد و چه خلأهای آشکار و پنهانی وجود دارند، گفت: «آموزش و پرورش باید بستر لازم را برای فعالیت بخش خصوصی فراهم کند. اگر آموزش و پرورش همه ذی‌نفعان را با آغوش باز و روی باز به کار نگیرد، هرگز پیشرفت واقعی اتفاق نمی‌افتد. ما امروز به مدیران تحول‌ساز نیاز داریم تا تمامی منابع را برای دستیابی به هدف‌های آموزش و پرورش بسیج کنند. شما دست‌اندرکاران تألیف و نشر کتاب‌های مناسب از منابع مهم آموزش و پرورش هستید. ما می‌خواهیم برخی از تألیفاتمان را برون‌سپاری کنیم و باید با تبیین هدف‌هایمان این امور را به شما بسپاریم؛ به ناشرانی که کارهای آموزشی، داستانی، و علمی انجام می‌دهند

و کتاب‌هایشان در کتابخانه‌های مدارس دیده می‌شود.» به گفته تورانی، اکنون بیش از هزار ناشر با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همکاری می‌کنند که عملکردشان با هدف‌های آموزش و پرورش در یک راستاست. وی در ادامه گفت: «آیا انصاف است که ذهن کودکانمان را با آموزه‌های بی‌هوده پر کنیم و جایی برای آموزه‌های واقعی نگذاریم؟ آیا این حقوق تربیتی کودکان ماست که از دوره ابتدایی، کتاب‌های کمک‌درسی را با آنان کار کنیم و از آن سو، مطالبه خانواده‌ها را از مدرسه، از طلب عشق، محبت، دانش و خلاقیت، به سمت نمره‌محوری سوق دهیم؟ این رویکردها باید تغییر یابند.»

سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در مورد تأثیر آزمون‌ها بر دانش‌آموزان گفت: «دانش‌آموزان برای یادگیری باید در مسیر پیشرفت قرار گیرند و برگزاری آزمون‌های متعدد به یادگیری منجر نمی‌شود. ناشران زحمت می‌کشند و کتاب‌های مناسب آموزشی و تربیتی تهیه می‌کنند، اما صداوسیما فقط کتاب‌های کنکوری را تبلیغ می‌کند.»

تورانی تصریح کرد: «با همه آنچه گفته شد، ما از ظرفیت مصوبه ۸۲۸ استفاده می‌کنیم و باب استقبال از ناشران آموزشی باز است. ما می‌توانیم از فرصت‌های سیاست مرکزگستری استفاده کنیم و در را به روی ناشران آموزشی باز بگذاریم. سند تحول بنیادین برای همه دستگاه‌ها تکلیف تعیین کرده است و همه باید به کمک یکدیگر هدف‌های این سند را محقق سازند.» وی اضافه کرد: «اگر معلمی به اندازه کافی توانمند



نیست که موقعیت یادگیری خلق کند، آیا باید به سمت کتاب‌های کمک درسی برویم؟ ما در دنیا کتاب کمک درسی نداریم، بلکه کتاب‌ها یا درسی‌اند و یا آموزشی.»

تورانی در پایان با بیان اینکه اکثر کتاب‌های ما خلاقیت‌محور هستند، اما خوب خودمان را معرفی نمی‌کنیم، گفت: «ما به دنبال ماندگاری کتاب‌های درسی هستیم و تا پایان سال ۱۴۰۰ کتاب نونگاشت نداریم. می‌خواهیم از هم‌سویی به انطباق برسیم و بازطراحی جدید انجام دهیم.»

رونمایی از پنج راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی و تربیتی، تقدیر از سه برگزیده مسابقه خاطره نویسی دبیران که در مجموعه مجلات رشد معلم فراخوان آن داده شده بود و برپایی نمایشگاهی از تولیدات برتر منابع آموزشی و تربیتی، از دیگر برنامه‌هایی بودند که در حاشیه این دوره از جشنواره اجرا شدند.





سالنامه
شماره سیزدهم
پیاپی ۱۳۹۸



جشنواره
فیلم رشد

سینما و آموزش، گامی برای صلح در جهان است

گزارشی از مراسم اختتامیهٔ چهل و هشتمین جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد

روابط عمومی چهل و هشتمین جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد

اشاره

سالنامه
شماره سیزدهم
پیاپی ۱۳۹۸

۱۳۴



«چهل و هشتمین جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد» عصر روز جمعه، دوم آذرماه ۱۳۹۷ بعد از نمایش بیش از ۵۰۰ فیلم کوتاه، بلند، پویانمایی و مستند ایرانی و خارجی به پایان رسید. در این مراسم برگزیدگان چهار بخش اصلی داستانی بلند، مستند علمی و آموزشی، داستانی کوتاه، و پویانمایی، و همچنین فرهنگیان فیلم‌ساز؛ بخش دانش‌آموزی و بخش جنبی و حمایتی «انجمن سینمای جوان ایران» که جوایز خود را به دانش‌آموزان فیلم‌ساز اهدا کرد، معرفی شدند و جوایز خود را دریافت کردند.

در این مراسم دکتر حیدر تورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی؛ محمد ناصری، رئیس جشنواره و مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه، احمد مسجد جامعی، عضو شورای شهر تهران، دکتر حجت‌الله صیدی، مدیرعامل بانک صادرات ایران، سید صادق موسوی، رئیس انجمن سینمای جوان ایران، و منوچهر شاهسواری، مدیرعامل «خانهٔ سینما» حضور داشتند.



برانگیختن ارزش‌های فطری زیاجویی، حقیقت‌دوستی و کنجکاوی دانش‌افزا، ایجاد تنوع در محیط یادگیری، تسهیل و تعمیق محتوا و ملموس کردن مفاهیم از انتزاعیات تا مشاهدات و تجربه موفق انتقال ارزش‌های اخلاقی و معارف دینی در فیلم آموزشی، این رسانه مؤثر را برای تربیت نسلی سرافراز در اولویت قرار می‌دهد. تجربه فیلم دیدن گسترده تجربه زیسته فراگیرندگان است. خواندن فیلم آموزشی با لایه‌های معنا، مشارکت توأم با تفکر، تخیل و خلاقیت می‌طلبد و تأثیر شگفت‌انگیزی بر بافت ارتباطی آموزش دارد. ضمن ابراز خرسندی از حضور پرنشاط فیلم‌سازان فرهنگی و فرهنگیان فیلم‌ساز از همراهی‌تان در به ثمر نشاندن چهل و هشتمین شکوفه این درخت پر سایه سپاس‌گزارم.»

پیام وزیر آموزش و پرورش به چهل و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

دکتر شاپور محمدزاده، مدیرکل دفتر وزارتی آموزش و پرورش در این مراسم پیام دکتر سید محمد بطحایی، وزیر آموزش و پرورش را قرائت کرد. در این پیام آمده بود:

«سرچشمه نبوغ اشتیاق است. هر رویداد، روش و فرایندی که به شوق انگیزی دانش‌آموزان منتهی شود، یک فرصت مغتنم آموزشی است. جشنواره فیلم آموزشی رشد به عنوان یک رویداد غرورانگیز بین‌المللی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، بیش از پیش می‌تواند در بسته‌های آموزشی متأثر از تحول بنیادین در آموزش و پرورش نقش آفرینی کند.»

• دیپلم افتخار، به فیلم «یراکو» به کارگردانی هاشم کریمی از کشور ایران.

جوایز بخش مستند

- تندیس زرین جشنواره، به مستند «لوتوس»، به کارگردانی محمدرضا وطن دوست از کشور ایران؛
- تندیس سیمین جشنواره، به مستند «فصل بادهای گرم»، به کارگردانی حسین ریگی از کشور ایران؛
- دیپلم افتخار، به مستند «گوش کنید»، ساخته آسترید بوسینک از کشور هلند؛
- جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره، به مستند «بدون ما هرگز»، به کارگردانی زیگرید کالوسمن از کشور آلمان.

جوایز بخش جنبی و حمایتی انجمن سینمای جوانان ایران به آثار دانش آموزی

- جوایز بخش جنبی و حمایتی انجمن سینمای جوانان ایران به آثار دانش آموزان توسط وحید نیکخواه آزاد، دبیر چهل و هشتمین جشنواره بین المللی فیلم رشد، و صادق موسوی، رئیس انجمن سینمای جوان ایران به شرح زیر به برگزیدگان اهدا شد:
- فیلم مستند «ابدز»، به کارگردانی مریم رضازاده علی آبادی از استان کرمان؛
- فیلم مستند «مترسک»، به کارگردانی فردیس نجیبی فر از استان خوزستان؛
- فیلم مستند «تاریخ انقضا»، به کارگردانی ماندانا هوشمندیان از استان فارس؛
- فیلم مستند «بیماری پروانه‌ای»، به کارگردانی دانیال غفاری از استان تهران؛



جوایز بخش مستند علمی و آموزشی

- در این مراسم جوایز فیلم‌های مستند علمی و آموزشی توسط داوران این بخش، ایف ارگزن و اشتفان ملاشوویچ به شرح زیر به برگزیدگان اهدا شد:
- تندیس زرین جشنواره، به فیلم «جاده‌های برفی»، به کارگردانی هایده مرادی از کشور ایران؛
- تندیس سیمین جشنواره، به فیلم «دوستان سیار»، به کارگردانی امین قدمی از کشور ایران؛
- دیپلم افتخار، به فیلم «جوجه‌ها برای کیمارو»، به کارگردانی آنه ون کمپنهاوت و اریس خاجیرا از کشور هلند؛



• فیلم مستند «پیچاخ»، به کارگردانی ملیکا عبادی از استان زنجان.

جوایز بخش اصلی دانش آموزی

جوایز بخش دانش آموزی توسط نیما عباسپور به شرح

زیر به برگزیدگان اهدا شد:

• تندیس زرین جشنواره، به فیلم «شهر من»، به کارگردانی نیکا شاهین‌زاده از استان خراسان؛

• تندیس سیمین جشنواره، به فیلم مستند «لقمه حلال»، به کارگردانی زهرا عبدی از استان زنجان؛

• دیپلم افتخار، به فیلم مستند «تخل دستان»، به کارگردانی نرجس لشکری از استان خوزستان؛

• جایزه ویژه هیئت داوران این بخش، به فیلم مستند «بیماری پروانه‌ای»، ساخته دانیال غفاری از تهران به دلیل پرداختن به سوژه‌ای کمتر شناخته شده.

برگزیدگان بخش فرهنگیان فیلم‌ساز

جوایز بخش فرهنگیان فیلم‌ساز با حضور دکتر محمود

امانی‌طهرانی، محمد ناصری، حسن آفاکریمی و دکتر علی زرافشان به برگزیدگان اهدا شد:

• تندیس زرین جشنواره، به فیلم مستند «نور؛ سایه؛ زندگی»، به کارگردانی شهریار پورسیدیان از استان گیلان؛

• تندیس سیمین جشنواره، به فیلم پویانمایی «هیچ کس»، به کارگردانی الهام طرقي از استان خراسان رضوی؛

• دیپلم افتخار، به فیلم مستند «رؤیاهای من زنده‌اند»، به کارگردانی علی حسن‌پور از استان خوزستان؛

• دیپلم افتخار، به فیلم داستانی «پناه»، ساخته فاطمه جوکار و ابوالفضل حسینی‌پور از یزد؛

• جایزه ویژه هیئت داوران این بخش، به فیلم داستانی «هابیل یا قابیل»، ساخته ایمان قنبری از کهگیلویه و بویراحمر.

برگزیدگان بخش پویانمایی

ماتیبا میلیج، مریم کشکولی و مهدی خرمیان از

اعضای هیئت داوران بخش پویانمایی جوایز برگزیدگان را به شرح زیر اهدا کردند:

• تندیس زرین جشنواره، به فیلم «روباه»، به کارگردانی صادق جوادی از کشور ایران؛

• جایزه تندیس سیمین جشنواره، به فیلم «پرنده و نهنگ»، به کارگردانی کارول فریمن از کشور ایرلند؛

• دیپلم افتخار، به فیلم «می‌خواهم در باغ وحش زندگی کنم»، به کارگردانی اوژنیا گلوبووا از کشور روسیه؛

• دیپلم افتخار، به فیلم «گرگم و گله می‌برم»، به کارگردانی علیرضا معین از کشور ایران؛

• جایزه ویژه هیئت داوران این بخش، به فیلم پویانمایی «یکی بود؛ یکی نبود»، به کارگردانی مهین جواهریان از



کشور ایران به دلیل نحوه برخورد، توجه به شعر ایرانی و پیام اخلاقی برای کودکان.

جوایز بخش جانبی وزارت امور خارجه

جوایز بخش جنبی وزارت امور خارجه توسط بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه، منوچهر شاهسواری، مدیرعامل خانه سینما، احمد مسجد جامعی، عضو شورای شهر تهران و وحید نیکخواه آزاد، دبیر جشنواره اهدا شد.

• جایزه اول این بخش، به فیلم «بچه‌های رنگین کمان: تصویر الیکا»، به کارگردانی مریم بیاتی از کشور ایران و فیلم «هلو سام»، به کارگردانی کیم برند از کشور هلند به طور مشترک.

• جایزه ویژه هیئت داوران، به فیلم «شش خونه»، ساخته عباد ادیب‌پور از کشور ایران و فیلم «از درون»، ساخته رامی الجبری از کشور مصر.

• لوح افتخار این بخش، به فیلم «پنهانده»، ساخته رمضان کیلیچ از کشور ترکیه.

بخش داستانی کوتاه

فانگ گانگ لیان و داور لبنانی، داوران این بخش بودند که جوایز خود را به برگزیدگان اهدا کردند.

• تندیس زرین جشنواره، به فیلم داستانی کوتاه «بچه خور»، به کارگردانی محمد کارت از کشور ایران؛

• تندیس سیمین جشنواره، به فیلم داستانی کوتاه «گرد ستاره»، به کارگردانی آلدو سوتلو لازارو از کشور مکزیک؛

• دیپلم افتخار، به دو فیلم داستانی کوتاه «شش خونه»، به کارگردانی عباد ادیب‌پور از کشور ایران و «کلمات کارامل»، ساخته خوان آنتینو مورنو آمادور از کشور اسپانیا؛

• جایزه ویژه هیئت داوران این بخش، به فیلم «هدیه آلیس»، به کارگردانی گابریله مارینو از کشور ایتالیا.

برگزیدگان بخش داستانی بلند

• تندیس زرین جشنواره، به فیلم داستانی بلند «پابرهنه»، به کارگردانی یان اسوراک از کشور جمهوری چک؛

• تندیس سیمین جشنواره، به فیلم داستانی بلند «بیست و یک روز بعد»، به کارگردانی محمدرضا خردمندان از کشور ایران؛

• دیپلم افتخار، به فیلم «لکنت»، به کارگردانی محمدرضا حاجی‌غلامی یزدی از کشور ایران؛

• دیپلم افتخار، به فیلم «برقهرمان»، به کارگردانی اریک آنگ از کشور مالزی؛

• جایزه ویژه هیئت داوران، به فیلم «درساز»، به کارگردانی پویا بادکوبه از کشور ایران.



اهدای تندیس زرین

در پایان مراسم اختتامیهٔ چهل و هشتمین جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد، دکتر **حیدر تورانی**، **بهرام قاسمی**، **ابراهیم طلایی**، **محمد ناصری** و **وحید نیکخواه آزاد** برای اهدای جوایز نفرات اول همهٔ بخش‌ها روی صحنه رفتند و جوایز را به شرح زیر اهدا کردند:

- تندیس زرین، در بخش فیلم‌سازان دانش‌آموز، به نیکا شاهین‌زاده برای فیلم «شهر من»؛

- تندیس زرین، در بخش فرهنگیان فیلم‌ساز، به شهریار پورسیدان برای فیلم «نور، سایه و زندگی»؛

- تندیس زرین، در بخش پویانمایی، به صادق جوادی برای انیمیشن «روباه»؛

- تندیس زرین، در بخش مستند آموزشی، به هایدی مرادی برای فیلم «جاده‌های برفی»؛

- تندیس زرین، در بخش مستند، به محمدرضا وطن‌دوست برای فیلم «لوتوس»؛

- تندیس زرین، در بخش فیلم داستانی کوتاه، به محمد کارت برای فیلم «بچه خور»؛

- تندیس زرین، در بخش فیلم داستانی بلند، به یان اسوراک برای فیلم «پابرهنه».

در این مراسم **هاشم کریمی**، کارگردان فیلم «پراکو»، بعد از دریافت جایزهٔ خود از **زهرا گیتی‌نژاد** برای ساخت مدرسه در استان کهگیلویه و بویراحمد تقدیر کرد و گفت: «با ساختن این فیلم ۳۰ میلیارد تومان به مردم این منطقه کمک شده است.»


حسین ریگی، کارگردان «فصل بادهای گرم» هم بعد از دریافت جایزه خود گفت: «امیدوارم مسئولان، استان سیستان و بلوچستان را بیشتر ببینند و روزی برسد که دیگر

در کشور کودک بازمانده از تحصیل نداشته باشیم.»

ایمان قنبری، کارگردان فیلم «هایبل یا قابیل» گفت: «من معلم روستایی هستم که نه برق دارد، نه آب، نه گاز و نه کامپیوتر. اما از دل این مدرسه یک فیلم و یک اختراع تخته پاک‌کن الکتریکی درآمده است. من جایزه‌ام را به دانش‌آموزان خود در مدرسه اهدا می‌کنم.»

پس از سخنان او اعلام شد دو کامپیوتر به این مدرسه اهدا خواهد شد.

نمایندهٔ سفارت ایتالیا که جایزهٔ فیلم «هدیه آلیس» را دریافت کرد بعد از بیان یک جمله کوتاه به زبان فارسی، گفت: «خیلی متاسفم که صحبت قدردانی را به زبان ایتالیایی می‌گویم و امیدوارم دفعهٔ بعد که یک ایتالیایی از این جشنواره جایزه می‌گیرد با زبان فارسی با شما صحبت کنم. بسیار سپاسگزارم که یک شب را به ایتالیا اختصاص دادید و فیلم‌های کوتاهی دیدیم که از جنبهٔ هنری و آموزشی بسیار ارزشمند بودند. امیدوارم فیلم‌های ایتالیایی بیشتری در جشنوارهٔ فیلم رشد و دیگر جشنواره‌ها نمایش داده شوند و فیلم‌های ایرانی هم در جشنواره‌های ایتالیا نمایش داده شوند.»



جشنواره
فیلم رشد

دانش آموزان فیلم ساز در چهل و هشتمین سکانس جشنواره بین المللی فیلم رشد

روح... مال میر

جشنواره بین المللی فیلم رشد از جمله عرصه های سالم و جذاب برای رقابت دانش آموزان فیلم ساز است. دانش آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه هر سال شور و شوق بیشتری برای شرکت در بخش دانش آموزی فیلم رشد از خود نشان می دهند و آثار خود را علاوه بر شرکت در مسابقات فرهنگی و هنری، به دبیرخانه بین المللی فیلم رشد نیز ارسال می کنند. شانزده سال است که بخش دانش آموزی این جشنواره به معرفی آثار برتر دانش آموزی از سراسر کشور می پردازد و دانش آموزان دوره متوسطه دوم از این طریق آثار خود را به بخش های دیگر جشنواره پیوند می زنند و نام و اثرشان در تاریخچه قدیمی ترین جشنواره هنری این سرزمین ثبت می شود. آنچه بر ما مسلم است این است که، آینده سینمای ایران با پرورش چنین دانش آموزان مستعد و هنرمندی، در آینده ای نزدیک، دچار تحولی شگرف خواهد شد. آنچه در ادامه می آید، گزارشی از شانزدهمین جشنواره دانش آموزان فیلم ساز در چهل و هشتمین جشنواره بین المللی فیلم رشد است.

تعداد فیلم‌های دانش‌آموزی ثبت شده در

دبیرخانه

فیلم‌های دانش‌آموزی معمولاً از دو طریق به دبیرخانه مرکزی فیلم رشد ارسال می‌شود. نخست از طریق دبیرخانه مسابقات فرهنگی و هنری دانش‌آموزی معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش و دوم از طریق خود دانش‌آموزان فیلم‌ساز. در تابستان ۱۳۹۷ تعداد ۷۰ اثر از طریق معاونت مذکور به دبیرخانه فیلم رشد ارسال و اسامی آنها در سایت جشنواره فیلم رشد ثبت شد. علاوه بر این آثار، تعداد ۱۵۸ اثر دیگر نیز توسط خود دانش‌آموزان در سایت جشنواره به ثبت رسید که در مجموع ۱۲۸ فیلم دانش‌آموزی در دبیرخانه مرکزی فیلم رشد در دست بررسی قرار گرفت.

اعضای هیئت انتخاب فیلم‌های دانش‌آموزی

- زینت اسدی، کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی
- روح ... مال میر، کارشناس ارشد هنرهای نمایشی
- شهریار ابراهیمی، کارشناس ارشد روابط بین الملل

تعداد فیلم‌های دانش‌آموزی راه‌یافته به بخش

مسابقه

بنابر آراء هیئت انتخاب، از بین فیلم‌های ارسال شده به دبیرخانه فیلم رشد، تعداد ۱۴ فیلم به بخش مسابقه راه یافت. متأسفانه در این دوره از جشنواره تعدادی از فیلم‌های دانش‌آموزی به دلیل عدم ارسال به موقع مدارک لازم و فرم‌های مخصوص، از راه‌یابی به بخش مسابقه محروم شدند.

اعضای هیأت داوران فیلم‌های دانش‌آموزی

- علیرضا شجاع نوری، تهیه کننده و بازیگر سینما و تلویزیون
- دکتر سعید پوراسماعیلی، مدرس دانشگاه و معاون آموزش انجمن سینمایی جوانان ایران
- نیما عباسپور، فیلم‌ساز و عضو انجمن فیلم کوتاه ایران

اسامی برندگان جشنواره چهل و هشتم در بخش دانش‌آموزی

مراسم اختتامیه چهل و هشتمین جشنواره فیلم رشد عصر روز جمعه ۱۳۹۷/۹/۲ در سینما فلسطین برگزار گردید و بر اساس رأی هیئت داوران، برندگان دانش‌آموزی در دو بخش اصلی و جنبی به شرح ذیل اعلام شدند:

الف) جوایز بخش اصلی دانش‌آموزی

۱. تندیس زرین برای فیلم مستند «شهر من» به کارگردانی دانش‌آموز، نیکا شاهین زاده از استان خوزستان
۲. تندیس سیمین برای فیلم مستند «لقمه حلال» به کارگردانی دانش‌آموز، زهرا عبدی از استان زنجان
۳. دیپلم افتخار برای فیلم مستند «تخل دستان» به کارگردانی دانش‌آموز، نرجس لشکری از استان خوزستان
۴. جایزه ویژه هیئت داوران برای فیلم مستند «بیماری پروانه‌ای» به دلیل انتخاب سوژه کمتر شناخته شده بیماری پروانه‌ای به کارگردانی دانش‌آموز، دانیال غفاری از تهران

ب) جوایز بخش جنبی و حمایتی انجمن سینمای جوانان ایران در آثار دانش آموزی

۱- فیلم مستند «ایدز» به کارگردانی دانش آموز، مریم رضازاده علی آبادی از استان کرمان

۲- فیلم پویانمایی «مترسک» به کارگردانی دانش آموز، فردیس نجیبی فر از استان خوزستان

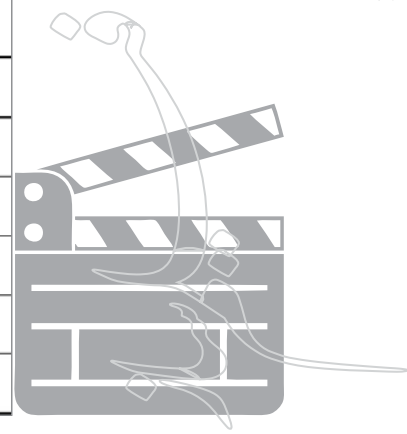
۳- فیلم پویانمایی «تاریخ انقضاء» به کارگردانی دانش آموز، ماندانا هوشمندیان از استان فارس

۴- فیلم مستند «بیماری پروانه‌ای» به کارگردانی دانش آموز، دانیال غفاری از شهر تهران

۵- فیلم مستند «پیچاخ» به کارگردانی دانش آموز، ملیکا عبادی از استان زنجان

جدول ۱. اسامی فیلم‌های دانش‌آموزی راه یافته به بخش مسابقه چهل و هشتمین جشنواره فیلم رشد

ردیف	عنوان فیلم	کارگردان	قالب	استان
۱	دایره تعامل	نگین رحیمی تهرانی	داستانی	اصفهان
۲	بیماری پروانه‌ای	دانیال غفاری	مستند	تهران
۳	هبوط در خیابان	محمد مهدی عبدی	مستند	تهران
۴	انتخاب	صالح وائی	داستانی	تهران
۵	بجنگ	مرتضی علی سمیعی	نماهنگ	تهران
۶	پیچاخ	ملیکا عبادی	مستند	زنجان
۷	لقمه حلال	زهرا عبدی	مستند	زنجان
۸	ایدز	مریم رضازاده علی آبادی	مستند	کرمان
۹	شهر من	نیکا شاهین زاده	مستند	خوزستان
۱۰	نخل دستان	نرجس لشکری	مستند	خوزستان
۱۱	مترسک	فردیس نجیبی فر	پویانمایی	خوزستان
۱۲	تاریخ انقضاء	ماندانا هوشمندیان	پویانمایی	فارس
۱۳	هنر مینودری	محدثه رضازاده کمینی	مستند	قزوین
۱۴	نگاه دانا	سحر قهرمانیان	پویانمایی	خراسان رضوی



جدول ۲.
استان‌هایی
که فیلم‌های
دانش‌آموزی آن‌ها
در بخش مسابقه
فیلم رشد
پذیرفته شده است

ردیف	استان	تعداد اثر راه یافته به بخش مسابقه	تعداد جوایز کسب نموده
۱	اصفهان	۱	-
۲	خراسان رضوی	۱	-
۳	خوزستان	۳	۱ تندیس زرین + ۱ دیپلم افتخار + ۱ جایزه در بخش جنبی
۴	زنجان	۲	۱ تندیس سیمین + ۱ جایزه در بخش جنبی
۵	شهر تهران	۴	۱ جایزه ویژه + ۱ جایزه در بخش جنبی
۶	فارس	۱	۱ جایزه در بخش جنبی
۷	قزوین	۱	-
۸	کرمان	۱	۱ جایزه در بخش جنبی
جمع آثار		۱۴	

جدول ۳.
شانزدهمین
جشنواره
دانش‌آموزان
فیلم‌ساز چهل و
هشتمین جشنواره
بین‌المللی فیلم رشد
در یک نگاه

عنوان	جشنواره چهل و هشتم جشنواره	جشنواره چهل و هفتم جشنواره	جشنواره چهل و هشتم جشنواره	در جشنواره چهل و هشتم ...
تعداد فیلم‌های ثبت شده در دبیرخانه	۱۵۶	۱۳۶	۱۲۲	۱۰ درصد نسبت به سال قبل کاهش داشته است.
تعداد فیلم‌های راه‌یافته به بخش مسابقه	۴۰	۳۵	۱۴	۶۰ درصد نسبت به سال قبل کاهش داشته است.
تعداد استان‌های راه‌یافته به جشنواره	۱۸	۲۰	۸	خوزستان با سه فیلم و شهر تهران با چهار فیلم حضور داشته است.
تعداد دانش‌آموزان غایب در جشنواره	-	۱	-	-
تعداد دانش‌آموزان پسر دعوت شده به جشنواره	۲۴	۱۷	۱	فقط از هشت دانش‌آموزی که جایزه کسب نموده بودند برای حضور در جشنواره
تعداد دانش‌آموز دختر دعوت شده به جشنواره	۱۶	۱۷	۷	دعوت به عمل آمد.
تعداد تندیس زرین اعطا شده	۲	۳	۱	خوزستان
تعداد تندیس سیمین اعطا شده	۱	۳	۱	زنجان
تعداد دیپلم افتخار اعطا شده	۷	۵	۱	خوزستان
تعداد لوح تقدیر و جایزه ویژه اعطا شده	۲	۳	۱	شهر تهران
تعداد جایزه حمایتی از طرف سینمای جوانان	-	-	۵	کرمان، خوزستان، فارس، شهر تهران، زنجان

جشنواره
فیلم رشد

رقابت فرهنگیان فیلم ساز در چهل و هشتمین جشنواره بین المللی فیلم رشد

روح... مال میر

سالنامه
شماره سیزدهم
پیاپی ۱۳۹۸
۱۴۴

یکی از بخش‌های ملی جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، بخش فرهنگیان و دانشجومعلم‌ان است. در سال ۱۳۸۱ برای نخستین بار بخش فرهنگیان فیلم‌ساز به این جشنواره افزوده شد و فرهنگیان فرهیخته‌ای که به صورت تجربی و یا حرفه‌ای با هنر فیلم‌سازی آشنایی داشتند توانستند آثار خود را در این بخش برای جشنواره فیلم رشد بفرستند. همچنین در سال ۱۳۹۵ بخش دانشجومعلم‌ان نیز به این جشنواره افزوده شد و پنجره‌ای تازه تر به روی دانشجویانی که در پردیس‌های فرهنگیان سراسر کشور تحصیل می‌کردند گشوده شد تا ایده‌ها و اندیشه‌های خود را در قالب فیلم کوتاه تولید و برای این جشنواره ارسال نمایند.

و دانشجومعلم‌ان در دبیرخانه فیلم رشد دریافت گردید که سال قبل این تعداد ۱۷۲ اثر بود. تعدادی از این آثار توسط خود فرهنگیان و تعدادی نیز از طرف پردیس‌های فرهنگیان به دبیرخانه ارسال شده بود.

تعداد فیلم‌های فرهنگیان و دانشجومعلم‌ان ثبت شده در دبیرخانه چهل و هشتمین امسال در چهل و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد تعداد ۱۵۱ فیلم کوتاه و نیمه بلند در بخش فرهنگیان

ردیف	عنوان فیلم	کارگردان	قالب	استان
۱	هیچکس	الهام طرقي	پویانمایی	خراسان رضوی
۲	قوری	مهدی صادقی راد	پویانمایی	اردبیل
۳	تحمل	مهدی خدایاری	پویانمایی	همدان
۴	اولین تجربه	رضا احمدیاری	پویانمایی	کردستان
۵	رودخانه	ابراهیم طاهری نمپیل	داستانی	اردبیل
۶	سمفونی سیاه	رضا کیوانلو	داستانی	خراسان رضوی
۷	هلیا	جلال نصیری هائیس	داستانی	کردستان
۸	نیمکت اضافه	محمدهادی عبدی نسب	داستانی	یزد
۹	هابیل یا قلیبل؟	ایمان قمیری	داستانی	کهگیلویه و بویراحمر
۱۰	پناه	ابوالفضل حسینی پور، فاطمه جوکار	داستانی	یزد
۱۱	سی اف	مهدی جوادی	مستند	خراسان رضوی
۱۲	نور ، سایه ، زندگی	شهریار پورسیدیان	مستند	گیلان
۱۳	رویاهای من زنده‌اند	علی حسن پور	مستند	خوزستان
۱۴	آقای فروزانفر	منصور غلامی	مستند	تهران
۱۵	باران آباد	رضا غلامی مطلق	مستند	خراسان شمالی
۱۶	وقتی گنجشک‌ها جیغ می‌کشند	خلیل رشنوی	مستند	خوزستان
۱۷	عطر نان ، طعم نار	محمد مرادی جاوید	مستند	خوزستان
۱۸	امین التجار	سیدمصطفی سیدی	مستند	خراسان رضوی
۱۹	بازی اردیبهشت	سیدرضا سیدفاتی	مستند	کردستان
۲۰	هم سایه	محمد ابراهیم غفاریان	مستند	خراسان رضوی
۲۱	آشنایی با دریا و بنادر	رضا احراری و منصور میر شکاری	مستند	تهران

اعضای هیئت انتخاب فیلم‌های فرهنگیان و دانشجویان

- حسن آقا کریمی، دانش آموخته رشته کارگردانی سینما
- روح ا... مال میر، کارشناس ارشد هنرهای نمایشی
- شهریار ابراهیمی، کارشناس ارشد روابط بین الملل
- زینت اسدی، کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی

تعداد فیلم‌های فرهنگیان و دانشجویان راه یافته به بخش مسابقه

بنابر آراء هیئت انتخاب، از بین فیلم ارسال شده به دبیرخانه فیلم رشد، تعداد ۲۱ فیلم به بخش مسابقه راه یافت.

اعضای هیئت داوران فیلم‌های فرهنگیان و دانشجویان

- محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان
- دکتر محمود امانی طهرانی، مدیرکل دفتر تألیف کتب نظری سازمان

- علی زرافشان، کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی
- حسن آقا کریمی، دانش آموخته رشته کارگردانی سینما
- پوران درخشنده، مدرس و کارگردان سینما

جدول ۱. اسامی فیلم‌های فرهنگیان و دانشجویان راه یافته به بخش مسابقهٔ چهل و هشتمین جشنوارهٔ فیلم رشد



اسامی برندگان جشنواره چهل و هشتم در بخش فرهنگیان و دانشجومعلمان

مراسم اختتامیه چهل و هشتمین جشنواره فیلم رشد عصر روز جمعه ۱۳۹۷/۹/۲ در سینما فلسطین برگزار شد و بر اساس رأی هیئت داوران، برندگان بخش فرهنگیان و دانشجومعلمان به شرح ذیل اعلام شدند:

۱. تندیس زرین برای فیلم مستند «نور، سایه، زندگی» ساخته شهریار پورسیدیان از استان گیلان
۲. تندیس سیمین برای فیلم پویانمایی «هیچکس» ساخته الهام طرقی از استان خراسان رضوی
۳. دیپلم افتخار برای فیلم مستند «رؤیاهای من زنده‌اند.» ساخته علی حسن‌پور از استان خوزستان
۴. دیپلم افتخار برای فیلم داستانی «پناه» ساخته فاطمه جوکار و ابوالفضل حسینی‌پور از استان یزد
۵. جایزه ویژه هیئت داوران برای فیلم داستانی «هابیل یا قابیل» ساخته ایمان قنبری از استان کهگیلویه و بویراحمر



سالنامه
شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸
۱۴۷

جشنواره
فیلم رشد

کارگاه نقد و بررسی فیلم‌های فرهنگیان و دانش‌آموزان فیلم‌ساز در چهل و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

روح... مال میر

سالنامه
شماره سی‌ونهم
بهار ۱۳۹۸

۱۴۸

هجری شمسی (۱۹۶۳ میلادی) توسط «اداره فعالیت‌های سمعی و بصری» وزارت آموزش و پرورش در تهران برگزار شد. نام رسمی این جشنواره ابتدا «فستیوال بین‌المللی فیلم‌های آموزنده» بود. اما پس از پنج دوره برگزاری، واژه «جشنواره» برای نخستین بار در زبان فارسی برای نامیدن این رویداد به کار گرفته شد و بدین ترتیب، نام آن در دوره ششم و در سال ۱۳۴۸ به «جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آموزشی» تغییر کرد. پانزدهمین دوره و نخستین دوره برگزاری آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با چند سال وقفه، به نام «جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آموزشی و تربیتی»، با شرکت ۲۱ کشور، در سال ۱۳۶۴ هم‌زمان با هفته معلم، از ۱۲ تا ۱۹ اردیبهشت ماه، در تهران و در محل موزه هنرهای معاصر برگزار شد. از دوره

برگزاری جشنواره‌های هنری، یکی از مهم‌ترین رویدادهای هنری در ایران است که سال‌هاست با عنوان‌های متفاوت در سطح‌های گوناگون برگزار می‌شوند و شور و شوق وافر را در جامعه هنری برمی‌انگیزند. در این میان، «جشنواره بین‌المللی فیلم رشد» به عنوان یکی از قدیمی‌ترین جشنواره‌های هنری در زمینه فیلم و سینما برای مخاطبان خاص و عام خود برگزار می‌شود. مخاطبان خاصی همچون دانش‌آموزان، معلمان و فعالان عرصه تعلیم و تربیت. این جشنواره با مدیریت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش هر سال با هدف شناسایی، انتخاب و معرفی فیلم‌های برتر علمی، آموزشی و تربیتی برگزار می‌شود. جشنواره بین‌المللی فیلم رشد نخستین بار در سال ۱۳۴۲



است. این یعنی تمامی فرهنگیان و دانشجومعلم‌ان سراسر کشور ایران می‌توانند فیلم‌های کوتاه، نیمه‌بلند و بلند خود را برای شرکت در جشنواره در زمان اعلام فراخوان به دبیرخانه جشنواره بفرستند. همچنین دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه برای شرکت در بخش دانش‌آموزی می‌توانند با کمک اولیا، مربیان و معلمان خود در داخل و خارج مدرسه فیلم بسازند و در جشنواره شرکت کنند.

امسال نیز فراخوان چهار و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد در خردادماه ۱۳۹۷ اعلام شد و تا پایان شهریورماه حدود هزار فیلم در همه بخش‌ها به دبیرخانه فیلم رشد رسید. بین فیلم‌های رسیده به دبیرخانه ۱۵۱ اثر فرهنگیان و دانشجومعلم‌ان و ۱۲۸ فیلم دانش‌آموزی توسط اعضای هیئت انتخاب و بررسی شدند که در نهایت ۱۴ فیلم دانش‌آموزی و

بیستم نام جشنواره به نام کنونی آن، یعنی «جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد» تغییر کرد. جشنواره بین‌المللی فیلم رشد هر ساله در چهار بخش متفاوت، فیلم‌های تولید شده در زمینه‌های علمی، آموزشی و تربیتی را دریافت و بررسی می‌کند: الف) بخش آزاد؛ ب) بخش معلمان فیلم‌ساز؛ ج) بخش دانشجومعلم‌ان فیلم‌ساز؛ د) بخش دانش‌آموزان فیلم‌ساز

در بخش آزاد، علاوه بر فیلم‌سازان داخل کشور، بسیاری از کشورهای دیگر از جمله آلمان، استرالیا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و... در این جشنواره شرکت می‌کنند. اما بخش‌های معلمان، دانشجومعلم‌ان و دانش‌آموزان بخش‌های ملی این جشنواره هستند و چند سالی است که در این بخش به دلایلی اثری از کشورهای دیگر دریافت و پذیرفته نشده

۲۱ فیلم فرهنگیان به بخش مسابقه جشنواره چهل و هشتم راه یافتند.

«هفته اکران» فیلم‌های پذیرفته شده در بخش مسابقه چهل و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد از روز جمعه ۲۵ آبان‌ماه تا جمعه ۲ آذرماه ۱۳۹۷ در شهر تهران برگزار شد. طبق روال همه ساله، دانش‌آموزان و فرهنگیان دعوت شده به جشنواره از عصر روز چهارشنبه ۳۰ آبان تا شامگاه روز جمعه ۲ آذرماه مهمان جشنواره بودند و آثار آن‌ها روزهای پنجشنبه و جمعه در سالن شماره ۲ سینما فلسطین پخش و نقد و بررسی شد. از جمله ویژگی‌های بارز فیلم‌های دانش‌آموزان و فرهنگیان توجه به مسائل آموزشی و تربیتی در محیط مدرسه است. از آنجا که فرهنگیان و دانش‌آموزان فیلم‌ساز به چشم شیشه‌ای مسلح هستند و قادرند نقاط قوت و ضعف موجود در نظام آموزش و پرورش را بیشتر و بهتر از سایر افراد شناسایی و به دیگران معرفی کنند لذا جنبه کاربردی بودن این آثار در کلاس‌های درس دانش‌آموزان و سایر جلسات کارشناسان و متولیان امر تعلیم و تربیت بیش از سایر فیلم‌های بخش آزاد جشنواره است.

آنچه در ادامه می‌آید، گزارشی از جلسه‌های نقد و بررسی کارگردانان دعوت شده به شانزدهمین جشنواره دانش‌آموزان و فرهنگیان فیلم‌ساز در چهل و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد است.

فیلم‌های فرهنگیان فیلم‌ساز در روز اول کارگاه

از جمله فیلم‌های فرهنگیان که به مسائل آموزشی و تربیتی پرداخته بودند و در کارگاه مورد توجه حضاران قرار گرفتند می‌توان به فیلم‌های «آقای فروزانفر» (منصور غلامی از تهران)، «تحمل» (مهدی خدایاری از همدان)، «اولین

تجربه» (رضا احمدیاری از کردستان)، «رودخانه» (ابراهیم طاهری نمپیل از اردبیل)، «هابیل یا قابیل؟» (ایمان قمبری از کهگیلویه و بویراحمر)، «تور، سایه، زندگی» (شهریار پورسیدیان از گیلان)، نیمکت اضافه (محمدهادی عبدی نسب از یزد) اشاره کرد.

اولین فیلمی که در بخش فرهنگیان پخش شد و توجه مخاطبان را به خود جلب نمود؛ فیلم مستند «آقای فروزانفر» بود. پزشکی که در سن پیری هنوز همچون جوانی پرامید و با انگیزه به کار طبابت مشغول است و برای ما از دوران سخت و پر مشقت کودکی تا بزرگسالی‌اش سخن می‌گوید. تلاش، همت، امید، اعتماد به نفس و... از جمله مفاهیمی هستند که در این فیلم می‌توانند راهگشای مشکلات دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم متوسطه و راهنمایی برای اولیا و مربیان باشند. با سوار شدن بر موج امید و تلاش و کوشش برای رسیدن به یک هدف مشخص، حتی در محروم‌ترین مناطق و سخت‌ترین شرایط زندگی می‌توان به اوج موفقیت رسید و زندگی سالم، آرام و بی‌تکلفی را به دست آورد.

فیلم کوتاه پویانمایی «تحمل» به نحوه برخورد غلط پدر با فرزند خود و احترام نگذاشتن به پیشنهاد خوب و سازنده او اشاره دارد و نشان می‌دهد که چگونه اهمیت ندادن به نظرات و پیشنهادات دیگران در ایجاد تغییری مطلوب، بین دیگران تسری می‌یابد و آثار مخربی را در اجتماع بر جای می‌گذارد. این فیلم شادی آفرین و در عین حال آموزنده، اولین تجربه کوتاه کارگردانش نیز بوده و به سبک مجموعه پویانمایی‌های «دیرین دیرین» تولید شده است که جدا از آموزش غیر مستقیم به مخاطبان برای پذیرش انتقادات و پیشنهادهای دیگران، لحظات شاد و خنده‌آوری را برای آنان به همراه دارد. «اولین تجربه» یکی دیگر از فیلم‌های پویانمایی بخش

فرهنگیان است که با نگاهی طنز، به موضوع مناطق مرزی و مین‌های به جا مانده از دوران جنگ می‌پردازد. پسری می‌خواهد گوسفندانش را به چرا ببرد و پدرش برای او توضیح می‌دهد که کجاها ممکن است مین‌گذاری شده باشد. این فیلم نیز همچون فیلم «تحمل» با تکنیک «کات‌اوت» (Cut Out) تولید شده است که به دلیل استفاده از لهجه کردی، زیرنویس فارسی دارد. «اولین تجربه» اولین تجربه کاری کارگردان کردستانی نیست و او قبلاً هم با فیلم‌های کوتاه دیگری در جشنواره حضور داشته است. این اثر می‌تواند برای دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم ابتدایی جنبه‌های آموزشی مفیدی داشته باشد.

فیلم داستانی «رودخانه» به تدریس معلمی جوان در یک کلاس چندپایه در روستای «تمهیل» از روستاهای محروم استان اردبیل اشاره دارد. یکی از دانش‌آموزان دختر به دلیل مشکلی که برایش پیش آمده است دیگر نمی‌تواند به مدرسه برود. از این رو برادر کوچکش را به مدرسه می‌فرستد تا درس‌هایی را که آقا معلم به دیگر دانش‌آموزان می‌آموزد از پشت پنجره گوش دهد و برای او بازگو کند. شور و شوق دانش‌آموز دختر برای بازماندن از تحصیل، تلاش برادر کوچک برای کمک به خواهر بزرگش، پیگیری معلم جوان برای برطرف کردن مشکل دختر بچه و رساندن برادر کوچک به خانه، از جمله مفهوم‌های ارزشمند و انسانی این فیلم هستند که پایانی خوش را برای آن رقم می‌زند.

«هابیل یا قابیل؟» یکی دیگر از فیلم‌های داستانی است که توسط یکی از معلمان استان کهگیلویه و بویراحمر با امکاناتی محدود و در یک کلاس چندپایه تولید شده است. این فیلم اگر چه از نظر تکنیک و نکات فنی تا اندازه‌ای ضعیف و غیرحرفه‌ای است، اما داستانی زیبا و به یادماندنی با موضوع

محبت و همدلی را در ذهن‌ها به یادگار می‌گذارد. معلم جوان که کارگردان فیلم هم هست، به دانش‌آموزانش درس باهم بودن و همدلی در کلاس را می‌آموزد تا در نمایشی که قرار است تمرین کنند، نقش‌های خود را به خوبی ایفا کنند. یکی از دانش‌آموزان کلاس قرار است در نمایش آدم و حوا نقش هابیل را بازی کند، اما از آنجا که دوست ندارد نقش هابیل مظلوم را بازی کند و در نمایش کشته شود، وسایل نمایش را از بین می‌برد. به این سبب با تصمیم جدید سرگروه مواجه می‌شود و سر شرمندگی پایین می‌اندازد.

«نور، سایه، زندگی» فیلم کوتاه مستند دیگری بود که در کارگاه به نمایش درآمد و توجه و تحسین بیشتر معلمان و دانش‌آموزان حاضر در کارگاه را برانگیخت. پورسیدیان، کارگردان فیلم، یک معلم جوان گیلانی که در رشته گرافیک و نقاشی تحصیل کرده و سال‌هاست که زبان فیلم و تصویر را به صورت آکادمیک و تجربی آموخته و توانسته با فیلم‌هایی که ساخته است جایزه‌های بسیاری را در جشنواره‌های داخلی و خارجی، از جمله جشنواره‌های قبلی فیلم رشد، از آن خود کند. «نور، سایه، زندگی» با قطعاتی از شعرهای فروغ فرخزاد آغاز می‌شود و به زندگی جوانی به نام علی

می‌پردازد که ناتوانی ذهنی دارد. پدر علی فرزند خود را که هیچ مدرسه‌ای او را نپذیرفته، در خانه تحت آموزش‌های خلاقانه خود قرار داده و نور امید و زندگی را در او زنده نگه داشته است. مسئولان مدرسه‌ها به پدر علی گفته بودند که علی بهره هوشی خیلی پایینی دارد و آموزش‌پذیر نیست.



جشنواره به نمایش درآمد. در این اکران چند ساعته همه فیلم‌های باقی‌مانده بر پرده بزرگ سالن شماره ۲ سینما فلسطین رفت و دانش‌آموزان راه‌یافته به بخش مسابقه، استعداد و توان هنری خود را در مقابل چشمان فرهنگیان و اولیای خود به نمایش گذاشتند. بر اساس رأی هیئت داوران فیلم‌های دانش‌آموزی، امسال ۱۴ فیلم برای بخش مسابقه انتخاب شده بود که پس از داوری این ۱۴ فیلم توسط گروه سه نفره هیئت داوران، ۸ فیلم حائز دریافت جایزه شناخته شدند. کارگردانان این ۸ فیلم به همراه پدر و یا مادر خود برای حضور در جشنواره به تهران دعوت شدند؛ فیلم‌های:

«بیماری پروانه‌ای» (دانیال غفاری از شهر تهران)، «پیچاخ» (ملیکا عبادی از زنجان)، «لقمه حلال» (زهرا عبیدی از زنجان)، «ایدز» (مریم رضازاده علی‌آبادی از کرمان)، «شهر من» (نیکا شاهین‌زاده از خوزستان)، «تخل دستان» (نرجس لشکری از خوزستان)، «مترسک» (فردیس نجیبی فر از خوزستان) و «تاریخ انقضاء» (ماندانا هوشمندیان از فارس).

فیلم‌های «بیماری پروانه‌ای»، «ایدز»، «پیچاخ» و «شهر من» از جمله فیلم‌های مستند دانش‌آموزی بودند که بار علمی و آموزشی بیشتری نسبت به فیلم‌های دیگر داشتند. فیلم «بیماری پروانه‌ای» و یا EB به معرفی یکی از بیماری‌های خیلی سخت و ناشناخته می‌پردازد که خیلی از افراد جامعه از آن بی‌اطلاع بودند. دانش‌آموز دانیال غفاری جنبه‌های متفاوت این بیماری را در فیلمش بررسی و با تعدادی از افرادی که به این بیماری مبتلا شده بودند، مصاحبه کرده است. افرادی که به این بیماری مبتلا و در مقابل دوربین حاضر شده بودند، یک درخواست خیلی مهم داشتند. درخواستشان این بود که مردم بدانند این بیماری مسری نیست و هر جا که با چنین بیمارانی مواجه می‌شوند، رفتار عادی داشته باشند.

اما آموزش‌هایی که پدرش به او می‌دهد، حرف دیگری می‌زند. «تیمکت اضافه» نیز توجه مخاطبان را به خود جلب کرد. فیلمی داستانی با مدت زمانی کمتر از دو دقیقه! بدون هیچ گونه پلان و یا دیالوگ اضافه‌ای. تعدادی دانش‌آموز ۱۲-۱۰ ساله با اندامی سالم و متعادل مشغول بازی گل کوچک هستند و صدای گزارشگری که به خارجی صحبت می‌کند در حین بازی آن‌ها به گوش می‌رسد. یکی از تیم‌ها به تیم حریف گل می‌زند و فریاد شادی سر می‌دهد. اما دانش‌آموز دیگری که چاق است و سر در گوشی تلفن همراه خود دارد، در حال انجام یک بازی فوتبال در گوشی است و مدام از اینکه گل می‌خورد اظهار ناراحتی می‌کند. مهم‌ترین ویژگی این فیلم کوتاه، موجز بودن و استفاده از عنصر غافلگیری است که ذهن تماشاچیان را به خود قلاب می‌کند. عنصر جذابی که در دیگر فیلم‌ها وجود نداشت.

فیلم‌های دانش‌آموزان فیلم‌ساز در روز دوم کارگاه
روز جمعه دوم آذرماه ۱۳۹۷ از ساعت ۱۴/۳۰ تا ۱۸ سایر فیلم‌های فرهنگیان و دانش‌آموزان فیلم‌ساز برای مهمانان

«ایدز» فیلم مستند دیگری بود که به نمایش درآمد. این فیلم در آغاز با استفاده از آمار، تصویرها و مطالب نوشتاری آرشویی به معرفی این بیماری و راه‌های انتقال آن به دیگران می‌پردرد. جامعه آماری این فیلم تحقیقاتی معتادان و افراد مبتلا به بیماری ایدز در شهر کرمان هستند که کارگردان طی مصاحبه‌هایی با این افراد و همچنین چند پزشک و مددکار اجتماعی اطلاعات و آگاهی‌های لازم در این خصوص را گردآوری و در اختیار مخاطب قرار داده است. او توانسته است به سؤال‌هایی از قبیل پاسخ دهد: ایدز چیست؟ از چه سالی وارد ایران شد؟ راه‌های انتقال آن کدامند؟ افراد مبتلا به آن برای درمان خود چه باید بکنند؟

«پیچاخ» که در زبان ترکی به معنای چاقوست، عنوان فیلم مستندی از زنجان است. ملیکا عبادی از زنجان که در کلاس یازدهم درس می‌خواند در این فیلم به مراحل ساخت و تولید چاقوهای زنجان پرداخته و ویژگی‌های آن را با چاقوهای وارداتی به تصویر کشانده است. این فیلم دانش‌آموزی در چنین دورانی که حمایت از کالاهای ایرانی ورد زبان‌هاست و مسئولان در صدد گسترش چنین فرهنگی در خانواده‌ها هستند می‌تواند با پخش در کلاس‌های دانش‌آموزان توجه آن‌ها را به تولیدات ایرانی از جمله چاقوهای زنجان، جلب کند و در باور آن‌ها بگنجاند که بعضی از کالاهای ایرانی می‌توانند بهتر و مرغوب‌تر از کالاهای غیر ایرانی باشد.

توجه به خانواده، مدرسه، محله و شهر محل زندگی از جمله خصوصیات فیلم‌های دانش‌آموزی است که این ویژگی در اکثر آن‌ها مشهود است. از جمله چنین آثاری می‌توان به فیلم‌های مستند «نخل دستان» و «شهر من» از خوزستان اشاره کرد. «نخل دستان» به نخل‌های خرماي سر به آسمان

کشیده شادگان، از نواحی اهواز و آثار و برکات آن‌ها برای اهالی آن دیار اشاره دارد. نرجس لشکری‌نژاد در این فیلم، هنرمندانه به گونه‌های متفاوت نخل و خرما، صنعت حصیربافی و جنبه‌های هنری و کاربردی آن پرداخته و خرما و نخل و سَعف و حصیر و نان و طعام، همه را در سفره اهالی شادگان به تصویر کشیده است تا بگوید چگونه درختان نخل و محصولات آن‌ها باعث اشتغال‌زایی و برکت در زندگی افراد بومی و محلی آن دیار شده است.

فیلم «شهر من» نیز به معرفی پل‌های اهواز می‌پردازد. نیکا شاهین‌زاده، دانش‌آموز پایه یازدهم رشته پویانمایی، در کلاس جغرافیای استان به این فکر می‌افتد که از پل‌های اهواز یک فیلم مستند دانش‌آموزی بسازد و در آن همه ۱۰ پل اهواز، از «پل سیاه» (کارون) تا «پل طبیعت» را در قاب تصویر به دیگر دانش‌آموزان معرفی کند. «شهر من» می‌تواند به عنوان یکی از فیلم‌های آموزشی در کلاس‌های جغرافیای استان خوزستان یاریگر معلمان جغرافیا باشد و در تدریس معلمان و یادگیری ماندگار دانش‌آموزان کاربرد مؤثری داشته باشد.

فیلم‌های «مترسک» (فردیس نجیبی فر از خوزستان) و «تاریخ انقضاء» (ماندانا هوشمندیان از فارس) نیز از جمله فیلم‌های پویانمایی دانش‌آموزان بودند که در کارگاه پخش شدند و مورد نقد و بررسی دانش‌آموزان و فرهنگیان قرار گرفت.

مراسم اختتامیه چهل و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد عصر روز جمعه ۲/آذرماه/۱۳۹۷ از ساعت ۱۸:۳۰ تا ۲۱ در سینما فلسطین برگزار شد و تندیس‌های زرین، سیمین و دیپلم‌های افتخار جشنواره در بخش‌های فرهنگیان و دانش‌آموزان به برندگان این دوره اهدا شد.

جشنواره
عکس رشد

مسائل آموزش و پرورش از پشت لنز دوربین شما

گزارش مراسم پایانی دهمین جشنواره عکس رشد



آیین پایانی دهمین دوره جشنواره عکس رشد روز ۲۵ مهر ۱۳۹۷ در تالار «فرهنگستان هنر» با حضور مدیران سازمان، برگزاریدگان و علاقه‌مندان به هنر عکاسی برگزار شد. آنچه در ادامه می‌خوانید گزارشی از این مراسم است.



جشنواره عکس رشد بهترین عکس‌ها را صید می‌کند

محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عرض می‌کنم خدمت خانم‌ها و آقایان حاضر در جلسه و خیرمقدم می‌گویم به همگی، به خصوص دانش‌آموزان عزیز که گل‌های سرسبد جلسه ما هستند. امروز مراسم اختتامیه دهمین

سالنامه
شماره سیزدهم
پیاپی ۱۳۹۸

۱۵۴



محمد ناصری: این جشنواره اولاً توجه جامعه عکاسان کشور را به مسائل آموزش و پرورش جلب کرده است و ثانیاً نوع نگاه شما بسیاری از تولیدات در آموزش و پرورش را غنی می‌کند.

آموزش و پرورش نقش دارد، از عکس‌های شما استفاده می‌کنیم.

عکس‌های شما در جای جای در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نصب شده‌اند. در دفتر مجلات رشد و در ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها این عکس‌ها نصب شده‌اند. این نمایشگاه به استان‌های کشور خواهد رفت و افراد زیادی عکس‌های شما را خواهند دید. آن‌ها مسائل آموزش و پرورش را از پشت لنزی می‌بینند که شما دیده‌اید. پس وزارت آموزش و پرورش به چنین جشنواره‌ای نیاز دارد

جشنواره عکس رشد را برگزار می‌کنیم. نمایشگاه عکس را دیدید و حظ وافر بردید. همه زحمات انتخاب از میان ۱۸۵۰۰ عکس بر عهده استادان محترم و هیئت محترم داوران بود. داوری‌ها در دو مرحله انجام شدند. در مرحله اول تعدادی از دوستان جشنواره عکس را داوری کردند. در مرحله بعد نوبت به هیئت داوران رسید که نام‌هایشان در کتاب آمده است. کتاب تقدیم شما خواهد شد و جزئیات در آن آمده است.

در این دوره از جشنواره اگر ۱۵ نفر دیگر از عکاسان کشور شرکت می‌کردند، تعداد عکاسان شرکت کننده به عدد ۱۳۹۷ می‌رسید. امسال هم که سال ۱۳۹۷ است. حضور دانش‌آموزان در این دوره بسیار چشمگیر بود. عکاسان حرفه‌ای این جشنواره را در حد و اندازه جشنواره‌های قابل اعتنا، قابل قبول و بسیار مهم می‌دانند. ان شاءالله این جشنواره دو سالانه همچنان ادامه پیدا کند.

شاید بعضی از شما بگویید که جشنواره عکس رشد چه ربطی به وزارت آموزش و پرورش دارد و اصلاً ماهیت این جشنواره می‌تواند مرتبط باشد یا نه. من عرض می‌کنم که این جشنواره اولاً توجه جامعه عکاسان کشور را به مسائل آموزش و پرورش جلب کرده است و ثانیاً نوع نگاه شما بسیاری از تولیدات در آموزش و پرورش را غنی می‌کند. بعضی از عکس‌های نمایشگاه واقعاً به شعر و موسیقی شبیه بودند. بعضی از آن‌ها شاید اگر تنها باشیم ما را به جایی که فوق‌العاده دیدنی است می‌برند و این یعنی ورودی ما، ثبت لحظه‌ای است که شما داشته‌اید. ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در کتاب‌های درسی، مجلات رشد، شبکه رشد، سایت مجلات رشد و در همه جاهایی که وزارت

و بهره خودش را هم می‌برد. عکس‌های شما در آینده به طور ویژه در کتاب‌های درسی و مجلات رشد، که تیراژ آن‌ها در طی سال چیزی حدود ۴۰ میلیون نسخه است دیده می‌شوند. به پیشنهاد سازمان پژوهش و تأیید هیئت داوران در این دوره از جشنواره عکس رشد دو موضوع در نظر گرفته شد. در گروه بزرگسال یک موضوع، مدرسه خانه دوم و دیگری بخش ویژه بود. دانش‌آموزان هم در بخش خودشان به صورت آزاد عکاسی کرده‌اند.

جا دارد که در اینجا از همه همکاران خودم در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی تشکر کنم. ما برای کیفیت‌بخشی به عکس در منابع آموزشی به برگزاری این جشنواره نیاز داریم. آموزش و پرورش جشنواره‌های متفاوتی را برگزار می‌کند. در همین سه ماه جشنواره عکس رشد، جشنواره بین‌المللی فیلم رشد و جشنواره کتاب رشد را خواهیم داشت. این جشنواره‌ها برای اینکه منابع وزارت آموزش و پرورش را غنی‌تر سازند، بهترین‌ها آثار را صید می‌کنند.

ما باید تمهیداتی بیندیشیم و امکاناتی فراهم کنیم که عکاسان بتوانند وارد مدرسه‌ها بشوند. چون ورود به فضای مدرسه مقررات خاص خود را دارد و واقعاً کار سختی است. امکان ندارد هر کسی که می‌خواهد عکاسی کند، به راحتی وارد فضای آموزشی شود. اما شما نشان دادید که در این زمینه هنرمند و لحظه شناسید و لحظات خوب را ثبت می‌کنید. عکس‌های شما می‌تواند منابع ما را قوی کند. عکس‌های شما می‌تواند الگویی باشد برای ورود طیفی از عکاسان دانش‌آموز و غیردانش‌آموز به مدرسه‌ها. یعنی مجوزی باشد برای ورود به مدرسه‌ها و عکاسی از فضاهای

آموزشی. من درخواست می‌کنم همکاران در این زمینه ساز و کار قانونی آن را فراهم کنند که شما برای عکاسی وارد مدرسه‌ها شوید.

خلاقیت، تکنیک و ارائه مهم‌ترین

بسترهای عکاسی هستند

افشین شاهرودی، داور جشنواره و عضو هیئت مدیره انجمن عکاسی ایران

سلام عرض می‌کنم به دانش‌آموزان عزیز که سازندگان فردای ما هستند و معلمان دلسوز که شرایطی را به وجود می‌آورند تا این عزیزان رشد کنند و پرورش یابند. نکته‌ای که توجه مرا جلب می‌کند این است که من در طی ۴۰ سال گذشته که در رویدادهای رقابتی متعددی در زمینه عکاسی به طور مستقیم یا غیرمستقیم حضور داشته‌ام اما شور، انرژی و نشاطی که در این جشنواره هست، کمتر جایی دیده‌ام و واقعاً برای من قابل احترام و ارزش است. به جرئت می‌گویم که این شور و نشاط را در بسیاری از رویدادهای عکاسی مشابه کمتر می‌بینیم. من از این بابت به دست‌اندرکاران، شرکت‌کنندگان و همه افرادی که مستقیم و غیرمستقیم با این رویداد همراه هستند، تبریک می‌گویم.

چیزی حدود ۱۸۰ سال از پیدایش عکاسی می‌گذرد. در همان سال‌های پیدایش عکاسی، نقاشی به نام **پل دلاروش** جمله‌ای گفت که در تاریخ عکاسی ماندگار شد. می‌دانید که تا آن موقع تنها وسیله ثبت موقعیت‌ها نقاشی بود. از زمان پیدایش عکاسی، این نقاش برجسته گفت: «از امروز دیگر نقاشی مرده است.» این جمله آینده‌نگری درباره عکاسی را



افشین شاهرودی: عکاس هم به عنوان یک هنرمند قرار است دریافت، نگاه یا برخوردی را با اطراف خودش در قالب تصویر عکاسی ارائه بدهد که وجود نداشته باشد و یا دریافتی را به بیننده منتقل کند که مسبوق به سابقه نیست

یک هنرمند قرار است دریافت، نگاه یا برخوردی را با اطراف خودش در قالب تصویر عکاسی ارائه بدهد که وجود نداشته باشد و یا دریافتی را به بیننده منتقل کند که مسبوق به سابقه نیست. یعنی وقتی در مقابل یک اثر هنری و یک عکس می‌ایستیم و به آن نگاه می‌کنیم، دریافت تازه‌ای از اطراف به ما بدهد. دریافت تازه‌ای از بیرون از وجود ما بدهد. چطور می‌توانیم خلاقانه عکس بگیریم؟ برای یک عکس از لحظه‌ای که گرفته می‌شود تا لحظه‌ای که ارائه می‌شود

به خوبی نشان می‌دهد. در اوایل قرن بیستم، یک معلم هنر به نام **لازلو موهولی نگای** گفت: «بی‌سواد آینده کسی است که عکاسی نکند.» امروز می‌بینیم که عکاسی به طور عجیب و غریبی با زندگی ما آمیخته است. اصلاً نمی‌توانیم تصور کنیم که زندگی بدون عکاسی و عکس چگونه می‌شود. بخش عمده‌ای از اطلاعاتی که ما کسب می‌کنیم، از طریق عکس و تصویر است. مطالعات علمی بسیاری، از جمله مطالعات جامعه‌شناسی به عکاسی وابسته‌اند.

این‌ها را می‌گوییم تا بدانید که نمی‌توانیم عکاسی را از زندگی امروزمان جدا کنیم. من وقتی امروز در سالن نمایشگاه عکس‌های این جشنواره قدم می‌زدم و عکس‌ها را نگاه می‌کردم، بسیار خوش حال شدم. جوانان، نوجوانان و علاقه‌مندان پر شور و علاقه‌مندی می‌دیدم که با چه اشتیاقی به عکس‌ها نگاه می‌کنند و عکس می‌گیرند. این موضوع برای من خیلی خوش حال کننده است، چرا که که آینده‌ای بسیار مفیدتر و خلاقانه‌تری را در ارتباط با عکاسی نوید می‌دهد.

همان‌طور که اشاره کردم، عکس برای مطالعات علمی، تحقیقات جامعه‌شناسی، پزشکی و خیلی کارهای دیگر به کار می‌رود. در اینجا عکس به عنوان سند به کار می‌رود. از دیدگاه دیگر، عکاسی یک هنر است. یعنی یک ممر خلاقانه و ممری که دید ما را نسبت به جهان اطراف و دریافت ما را از جهان هستی نشان می‌دهد. بحث‌های نظری در ارتباط با وجه هنری عکاسی یا عکس به عنوان یک هنر معمولاً خیلی پراکنده هستند. خلاقیت یعنی نوآوری. ما در مورد پیدایش جهان هستی کلمهٔ خلقت را به کار می‌بریم؛ یعنی چیزی که وجود ندارد و به وجود می‌آید. عکاس هم به عنوان

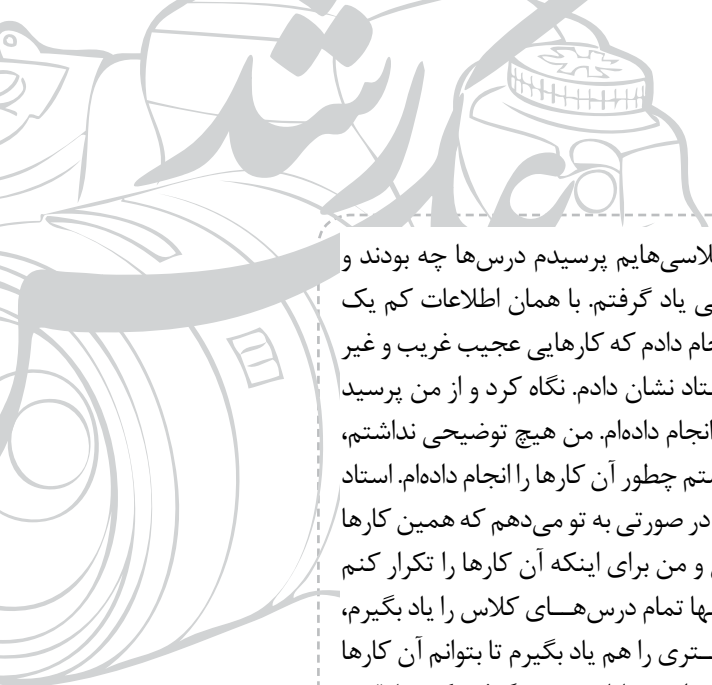
سه وجه مشخص در نظر می‌گیرند: اول از همه، قبل از فشار دادن دکمه دوربین نگاه می‌کنیم و می‌بینیم. همه ما می‌بینیم. ولی هنرمند عکاس با نگاه خلاقانه‌اش چیزی را به ما نشان می‌دهد که ما خودمان ندیده‌ایم؛ یعنی یک نگاه تازه می‌دهد. پس اولین بستر خلاقیت در عکاسی این است که متفاوت ببینیم. اگر قرار باشد عکاس، عکسی از سبد گلی که اینجا هست را به من ارائه بدهد که من به عنوان بیننده خودم هم می‌توانستم آن را ببینم، کار ارزشمند و خلاقانه‌ای نکرده است. بنابراین اولین محمل خلاقیت دید نو، متفاوت و تازه است. خلاقیت یعنی ما پدیده‌ها، موضوع‌ها، آدم‌ها، ماشین‌ها، ساختمان‌ها و هر چیزی را که در اطراف ما وجود دارد، طوری ببینیم که بیننده‌ای که عکاس هنرمند نیست، نبیند. عده‌ای از منتقدان از عکاسی به عنوان چشم سوم یاد می‌کنند. ما دو چشم روی صورت داریم و چشم سوم در ذهن ما شکل می‌گیرد و به موضوع نگاه می‌کند. این متفاوت با آن چیزی است که دیگران می‌بینند.

دومین بستری که می‌توانیم برای خلاقیت عکاسانه قائل شویم، تکنیک و استفاده از تکنیک‌های متفاوت است. عکس تازمانی که درون دوربین است، هیچ بیننده‌ای در آن سهم نیست و متعلق به خود عکاس است، اما باید آن را ارائه بدهد. عکاس عکس را گرفته و دید متفاوتی هم داشته است ولی این باید با یک تکنیک آمیخته بشود که بتواند قابلیت دیدن پیدا کند. چطور باید آن را ثبت و ضبط کند؟ می‌تواند آن را سیاه و سفید، یا رنگی بگیرد. می‌تواند آن را با رنگ‌های زنده‌تر و پخته‌تر بگیرد. می‌تواند عکس را با لنز واید یا لنز تله بگیرد. عکاس می‌تواند کیفیت بصری یا تأثیر روی بیننده را با استفاده از ابزارها ایجاد کند. در عکاسی با

لنز واید، پرسپکتیو به هم می‌ریزد چون زاویه خیلی باری دارد و اطراف بیشتر دیده می‌شود. احساس دوری یا نزدیکی به آن شکلی که ما با چشم عادی و چشم صورت می‌بینیم، تغییر می‌کند. عکاسی با لنز نرمال یا لنز استاندارد شبیه دید طبیعی صورت و دید طبیعی خودمان است. اما لنز واید فضای غیر عادی ایجاد می‌کند که با چشم طبیعی آن را نمی‌بینید. از معلمان عزیز خواهش می‌کنم که درباره این مسائل بیشتر با بچه‌ها کار کنند. این‌ها نکات ابتدایی هستند و خیلی می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند.

یکی از دوستان عکاسم که آموزش نورپردازی می‌دهد، تعریف کرد که یک کلاس آموزشی برای عکاسانی که آتلیه دارند گذاشته بود و به آن‌ها آموزش می‌داد. در آن دوره یکی از شرکت‌کنندگان به او گفته بود، هر عکسی که در آتلیه‌اش می‌گیرد عکس مناسبی از کار در نمی‌آید و از او خواسته بود که به آتلیه او برود و ببیند که مشکل از کجاست. بعد از مدتی دوست ما به آنجا رفت و متوجه شد آن عکاس وسایل آتلیه را جای درستی نگذاشته. عکس‌های نامناسب در آن آتلیه به خاطر استفاده غلط از نورپردازی بود. یعنی تکنیک نادرستی را به کار می‌برده است. دوست ما به او گفت باید وسایل نورپردازی را جابه‌جا کنیم، اما عکاس در جواب گفت آن‌ها را تکان ندهید که همه چیز به هم می‌ریزد. مدت‌هاست که این وسایل به همین شکل تنظیم شده‌اند. خب علت معلوم شد. وقتی سه پایه‌های نورپردازی را از جایشان تکان دادند، جای پایه‌ها روی زمین معلوم بود. او مدت‌های طولانی از یک روش اشتباه استفاده کرده بود. با تغییر جای وسایل نورپردازی خودش نتیجه را دید.

برای عکاسی تکنیک‌های متفاوتی وجود دارند که همه



بلد نیستیم. از هم کلاسی‌هایم پرسیدم درس‌ها چه بودند و کم و بیش چیزهایی یاد گرفتیم. با همان اطلاعات کم یک سلسله کارهایی انجام دادم که کارهایی عجیب غریب و غیر عادی بودند و به استاد نشان دادم. نگاه کرد و از من پرسید آن کارها را چگونه انجام داده‌ام. من هیچ توضیحی نداشتم، چون واقعاً نمی‌دانستم چطور آن کارها را انجام داده‌ام. استاد به من گفت نمره را در صورتی به تو می‌دهم که همین کارها را دوباره تکرار کنی و من برای اینکه آن کارها را تکرار کنم مجبور شدم نه تنها تمام درس‌های کلاس را یاد بگیرم، بلکه چیزهای بیشتری را هم یاد بگیرم تا بتوانم آن کارها را دوباره انجام بدهم. او در پایان نتیجه گرفت که خلاقیت در شکستن قوانین است، ولی قوانین را باید بشناسیم و بعد آگاهانه بشکنیم. بنابراین خلاقیت انسان با رعایت قواعد و آموزش‌های علمی امکان‌پذیر نیست.

سومین بستر خلاقیت ارائه است. بعد از اینکه عکس را نوآورانه ثبت کردیم و تکنیک ویژه هم به کار بردیم، زمان ارائه می‌رسد. چه کسی گفته است که در یک نمایشگاه عکس، عکس‌ها باید حتماً رو به روی چشم ما باشند و من ایستاده باید آن‌ها را ببینیم؟ در دوره‌ای که آقای صمدیان «جشنواره تصویر سال» را برگزار کرد، تعدادی از عکس‌هایی را که روی دیوار جا نشده بود، روی زمین چیده بود؛ یعنی جایی که بیننده‌ها رد می‌شدند. اتفاق جالبی که افتاد این بود که بیننده‌های عکس‌ها با تماشای عکس روی زمین از دید متفاوتی آشنا شدند. یا در نمایشگاهی قرار بود چند عکاس هم‌زمان شرکت داشته باشند و به هر کدام فضای معینی اختصاص داده شده بود. به یکی از عکاسان دیواری ۱۲ متری برای نمایش عکس‌هایش داده بودند. او در آن

ما از آن‌ها استفاده می‌کنیم. ولی اگر قرار باشد آن تکنیک‌ها را همان‌طور که همه استفاده می‌کنند، استفاده کنیم که کار مهمی نکرده‌ایم. ما برای گرفتن عکس و ارائه آن باید تکنیک و روش‌های تازه‌ای ابداع کنیم. در یک مسابقه جهانی عکس «یونسکو» با موضوع کودکان که در آلمان برگزار می‌شود، یک بار عکسی را دیدم که به شدت تار بود. یعنی این عکس با تمام تعریف‌های موجود از نظر تکنیک غلط بود، اما وقتی جلوی این عکس می‌ایستادید، با تمام وجود اضطراب، شرایط دشوار و زندگی سخت این کودک را درک می‌کردید. تار بودن عکس دقیقاً در خدمت ارائه اضطرابی بود که شرایط زندگی آن کودک داشت. رنگ و لعاب و چاپ براق و شفاف و زیبا همیشه دلیل خوبی عکس نیست. عکس درستی است اما عکس خوبی نیست. خیلی وقت‌ها عکس خوب عکس غلط است. یعنی به عزیزان نوجوان و جوانان سازندگان آینده پیشنهاد می‌کنم، در تمام اصول، قواعد و مسائل آکادمیک و علمی که برای عکاسی لازم است بازنگری کنند و ببینند: آیا اگر این عکس را تار بگیرم، مؤثر است یا واضح؟ از زاویه‌های غیر معمول بگیرم چطور می‌شود؟

سال‌ها پیش کتابی در یک دست‌فروشی در خیابان انقلاب به خاطر عکس‌های عجیب و غریبی که در آن بود، توجه مرا به خود جلب کرد. آن کتاب را گرفتم. یک صفحه مطلب داشت و بقیه همه عکس بود. در آن یک صفحه عکاس توضیح داده بود که در کلاس درس دانشگاه در تمام طول ترم درس‌ها را گوش نمی‌کردم و حواسم به درس و حرف‌های استاد نبود. در پایان ترم، استاد تکلیفی داد که باید برای گرفتن نمره پایان ترم انجام می‌دادیم. من دیدم هیچی

برای عکاسی هدف تعیین کنید

نرگس رستمی، معلم عکاسی هنرستان نادره حق شناس

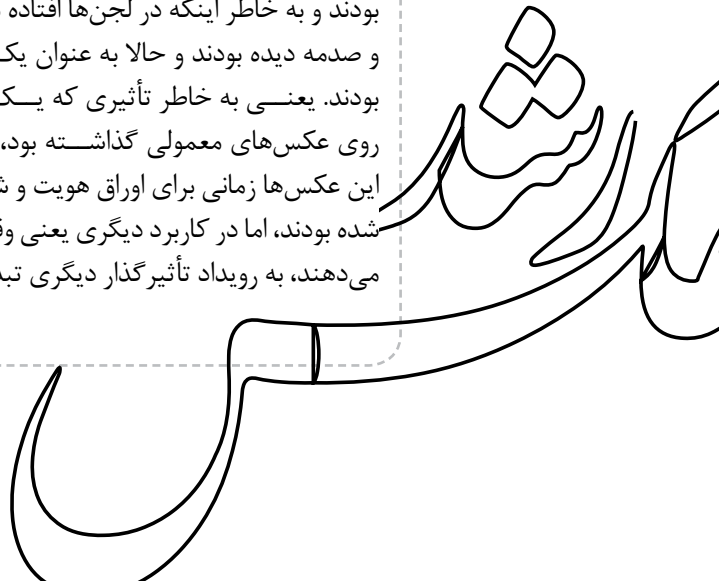
بسم الله الرحمن الرحيم. سلام و صلوات بر پیامبر مهر و مهربانی و خاندان پاک و مطهرش. ابتدا مراتب تشکر و قدردانی را با افتخار به مسئولان محترم برگزاری این جشنواره به سبب اهمیتی که ایشان به مقوله هنر داده‌اند، ابراز می‌کنم. هنرستان حق شناس که بنده به عنوان هنرآموز عکاسی در آن مشغول فعالیت هستم، نهایت تشکر خود را از دبیرخانه که با ارسال کتاب و فراخوان جشنواره عکاسی به این هنرستان، زمینه شرکت کردن دانش‌آموزان را در این جشنواره فراهم کرد، ابراز می‌دارد.

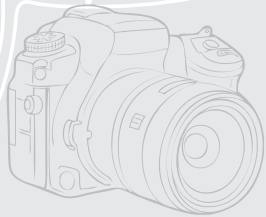
به نظر من این جشنواره یکی از زیباترین فعالیت‌های فوق برنامه و فرصتی برای بروز و کشف استعدادها و دانش‌آموزان است. همان‌طور که در سند تحول بنیادین به ساحت‌های شش‌گانه و ساحت‌های تعلیم و تربیت و به ویژه زیباشناختی توجه ویژه‌ای شده است، ما هم سعی کردیم که در هنرستانمان آن را در میان دانش‌آموزانمان اجرایی کنیم. من و همه همکارانم می‌کوشیم که دانش‌آموزانمان با ورود به جشنواره‌های متنوع هنری، از جمله جشنواره عکس رشد که برخاسته از متن آموزش و پرورش است، ضمن کسب تجربه و موفقیت بتوانند پله‌های موفقیت و پیشرفت را طی کنند.

دنیای عکاسی دنیای جذاب و بسیار وسیعی است. مهارت عکاسی کردن هم مثل بقیه مهارت‌ها به تمرین و تکرار نیاز دارد. و با تمرین و تکرار است که شما می‌توانید به

دیوار تمام عکس‌هایش را در قاب‌های یک اندازه کنار هم نصب کرده بود. بازدیدکنندگان آن نمایشگاه یک دیوار ۱۲ متری با ۴۰-۵۰ عکس را بدون اینکه لازم باشد به این طرف آن طرف بروند به راحتی می‌دیدند. نمایشگاه دیگری را دیدم که برای نصب عکس هیچ فضایی نداشت. عکاس تمام عکس‌هایش را در اندازه‌های بزرگ چاپ و از سقف آویزان کرده بود و بیننده‌ها بین آن عکس‌ها حرکت می‌کردند. از این نمونه‌ها فراوان داریم.

ارائه الزاماً برپایی نمایشگاه نیست. عکس می‌تواند در کتاب هم ارائه شود. مثال دیگری برای شما بزنم. دانشجویی برایم تعریف کرد که یک روز در خیابان ولیعصر ناگهان مقدار زیادی نگاتیو را در جوی آب دیده است. آن‌ها را از آب بیرون کشیده و مسیر جوی را به سمت برعکس رفته تا عکاسی را پیدا کرده است. بعد از گفت‌وگو با صاحب عکاسی متوجه شده که صاحب این مغازه، پدر ایشان بوده که فوت کرده است و پسر هم حالا چون به نگاتیوها احتیاجی نداشته، همه آن‌ها را در جو ریخته است. این دانشجو نگاتیوها را آورده و خشک کرده بود. آن عکس‌ها برای کارت شناسایی، اوراق هویت و... گرفته شده بودند و به خاطر اینکه در لجن‌ها افتاده بودند، خراب شده و صدمه دیده بودند و حالا به عنوان یک اثر هنری مطرح بودند. یعنی به خاطر تأثیری که یک اتفاق غیر عادی روی عکس‌های معمولی گذاشته بود، بسیار زیبا بودند. این عکس‌ها زمانی برای اوراق هویت و شناسنامه گرفته شده بودند، اما در کاربرد دیگری یعنی وقتی تغییر کاربری می‌دهند، به رویداد تأثیرگذار دیگری تبدیل می‌شوند.





نرگس رستمی: برای عکاسی کردن به دوربین خوب و گران قیمت نیاز نداریم، به نگاه خوب نیاز داریم

جشنواره‌های خارجی و بزرگ و یا فلان مجله و نشریه مطرح شود، بد نیست، اما برای ما که تازه کار هستیم، شاید در ابتدای امر زود باشد که به این موفقیت دست یابیم. به همین خاطر از همین جشنواره‌های کوچک، از مجلات و نشریات کوچک شروع کنید. آرام آرام تمرین کنید تا ان شاءالله در مراتب بعدی زندگی تان به جشنواره‌های بزرگ‌تر راه پیدا کنید. در این چندماه هنرجویان هنرستان‌ها حضور چشمگیری داشته‌اند. از همه تشکر می‌کنم. از استقبال عزیزان و اینکه چنین بستری فراهم آورده‌اند، و از برگزار کنندگان باز هم تشکر می‌کنم.

موفقیت دست پیدا کنید. اگر دوربین عکاسی هم مثل انسان هوش داشت و از فناوری مغز انسان برخوردار بود، کافی بود فقط دوربین را به سمت سوژه بگیریم. خود دوربین سوژه را تشخیص می‌داد، کادر بندی، زاویه بندی می‌کرد و عکس را می‌گرفت. اما همه ما می‌دانیم این طور نیست و این اتفاق نمی‌افتد.

شاید برای شما پیش آمده باشد که بخواهید از موضوعی عکاسی کنید. چیزی را در ذهنتان تصور کنید، اما بعد هر کاری کنید، نتوانید آن تصویر را ثبت کنید. برای هر عکس دو تصویر وجود دارد: یکی تصویری که شما در ذهنتان مجسم می‌کنید، دومی تصویری که دوربین شما ثبت می‌کند. اگر همه اجزای دوربین را بشناسید و همه منوی دوربین را بلد باشید و بلد باشید چطور با اجزای دوربین کار کنید، این اختیار را دارید که کنترل دوربین را در دست بگیرید. به این ترتیب، شاید بتوانید عکسی را که در ذهنتان تجسم کرده‌اید، با توجه به این تنظیمات بهتر بگیرید. در عکس حرفه‌ای تفکر و خلاقیت وجود دارد، اما عکاس‌های غیر حرفه‌ای صرفاً عکاس می‌گیرند و به عکاسی کردن بسنده می‌کنند.

باید به دنبال تصویری باشیم که بیننده را در وهله اول به فکر فرو ببرد و توجه او را جلب کند. یادتان باشد، برای عکاسی کردن به دوربین خوب و گران قیمت نیاز نداریم، به نگاه خوب نیاز داریم. این نگاه شماسست که تصویری را که عکاسی می‌کند به بقیه نشان دهید و در واقع دیدگاه شما نسبت به جهان اطرافتان را برای بقیه بازگو می‌کنید. برای عکاسی کردن هدف تهیه کنید، هدفی که عاقلانه و قابل دست یافتن باشد. اینکه من دوست دارم عکسم در

سؤال من از همه هنرجویان عزیز این است که: کدام یک از شما واقعاً خودتان را باور دارید و فکر می‌کنید در آینده یک عکاس بزرگ و معروف خواهید شد؟ باور کلمه مهمی است. خیلی از ما آن را با فکر کردن اشتباه می‌گیریم. باور از تکرار زیاد یک فکر در مدت زمان طولانی به وجود می‌آید. باور نه تنها در هر کاری مشخص می‌کند که جایگاه شما کجاست، بلکه در کیفیت زندگی شما نیز نقش مهمی دارد. پس از همین حالا که در ابتدای راه هستید، خودتان را باور کنید. باور کنید که در آینده عکاس بزرگ و معرفی خواهید شد. برای موفق شدن باید جلو بروید و از جلو رفتن نترسید. در بین راه سختی‌های زیادی می‌بینید، ولی نباید مأیوس نشوید. باید محکم، با اراده و با اطمینان جلو بروید. هیچ کس نمی‌آید موفقیت را به ما هدیه بدهد، خود ما باید دنبال موفقیت برویم.

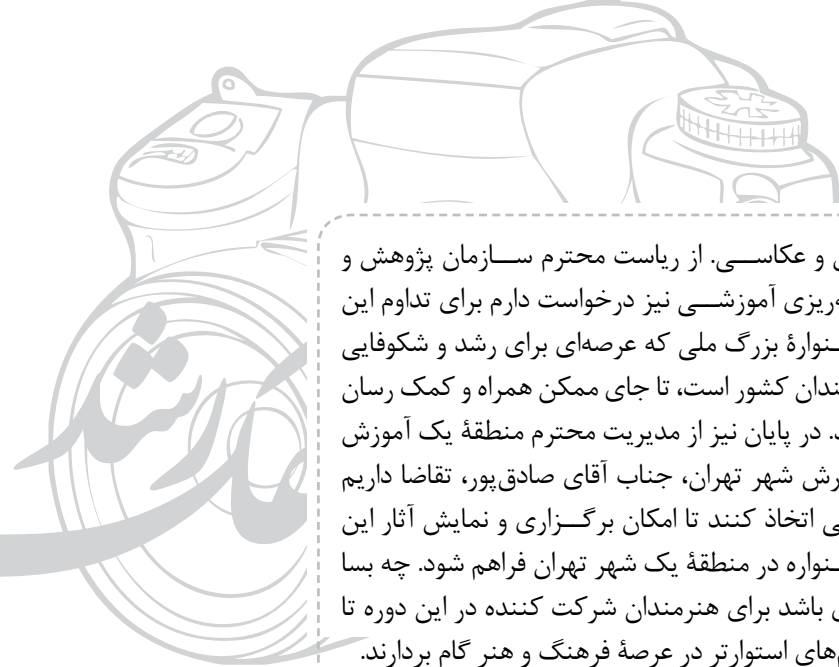
عکاسی عامل تحول در ارتباطات بشر

خانم هاشمی، معلم هنرستان امام حسن مجتبی (ع) در «قابوسنامه» می‌خوانیم: «فرهنگ و هنر آموختن تو را به دو چیز حاصل شود: یا به کار بستن آن چیز که دانی و یا به آموختن آن چیز که ندانی.» من فکر می‌کنم هیچ اتفاق، هیچ هم‌گامی و هیچ در کنار هم بودن بی دلیل نیست. حتماً فرار است اتفاقی بیفتد. معتقدم هر قلمی که بر کاغذی می‌لغزد، هر نقشی که بر بومی شکل می‌گیرد و هر شاتری که می‌خورد و فریمی را از نگاهی کاوشگرانه ثبت می‌کند، همه و همه برای رشد شعور و تفکر آگاهی بشر است. مگر نه اینکه هنر واقعی باعث رشد و شکوفایی نهاد و اندیشه بشری در قرون متمادی بوده است و خواهد بود؟

شوق بشر به ثبت و ضبط تصویرها تحت عنوانی که امروز آن را «عکاسی» می‌شناسیم، به حدود دو سده قبل بازمی‌گردد. و بسیار پیش‌تر از آن، بشر دریافت زبان و خط تنها وسیله ارتباط نیست که گاهی مضمون برخی از پیام‌ها آنقدر احساسی و چنان تأثیرگذار است که هیچ کلامی قادر به بیان همه محتوای آن نیست. و چه بسا تکثر زبان‌ها و خط‌ها، ارتباط اقوام و ملل گوناگون را سخت و سخت‌تر خواهد کرد. در این میان اختراع عکاسی تحول گسترده‌ای را در ارتباطات بشری و انتقال پیام میسر ساخت. مهم‌ترین جنبه وجودی و واقعیت محض این است که آنچه عکس بی‌نهایت مرتبه تکرار می‌کند، تنها یک بار رخ داده است. عکس به گونه‌ای مکانیکی آن چه را تکرار می‌کند که به لحاظ وجودی تکرار نشدنی است. عکس عکاسی فرصت برخورد با واقعیت را برای همگان میسر می‌سازد.

عکس‌ها می‌توانند انگیزه‌های شوند، برای تغییر، برای حرکت و برای پیشرفت و ارتقای بشر به سمت زیبایی. هنر و خصوصاً هنر عکاسی قادر است نگاه انسان را به محیط زندگی‌اش تغییر دهد. یک عکس خوب می‌تواند مانند یک اثر موسیقایی فاخر، مانند یک نقاشی بی‌نظیر و مانند یک قطعه شعر دلنشین و اثرگذار باشد. تاریخ بشریت گویای آن است که یک عکس توانسته است آتش جنگی را خاموش کند. کم نبوده‌اند تصویرهایی که پس از انتشار، روی افکار عمومی جهان و حتی سیاستمداران بزرگ تأثیر گذاشته‌اند و تاریخ را تغییر داده‌اند. پس عکاسی می‌تواند نویدبخش صلح، رشد، انسانیت و روشنی باشد و ما با انتخاب این هنر صدایمان را به همگان می‌رسانیم.

از تمام مسئولانی که در این راه قدم‌های بزرگی



عکس و عکاسی. از ریاست محترم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز درخواست دارم برای تداوم این جشنواره بزرگ ملی که عرصه‌ای برای رشد و شکوفایی هنرمندان کشور است، تا جای ممکن همراه و کمک رسان باشند. در پایان نیز از مدیریت محترم منطقه یک آموزش و پرورش شهر تهران، جناب آقای صادق‌پور، تقاضا داریم ترتیبی اتخاذ کنند تا امکان برگزاری و نمایش آثار این جشنواره در منطقه یک شهر تهران فراهم شود. چه بسا آغازی باشد برای هنرمندان شرکت کننده در این دوره تا با گام‌های استوارتر در عرصه فرهنگ و هنر گام بردارند.

مسائل را از پشت لنز نو ببینید

دکتر حیدر تورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

بسم الله الرحمن الرحيم. دوستان صحبت‌های خوب و شیرینی درباره عکاسی فرمودند. من خودم آشپزی را خوب بلد نیستم، اما مزه غذا را خوب می‌فهمم. کار تراژدیک نمی‌توانم خلق کنم، اما گریه کردن را بلدم. کار کم‌دی هم نمی‌توانم بسازم اما خوب می‌خندم. این کار ماست که مصرف کننده هستیم. شما کارهای خیلی خوبی را بروز و ظهور دادید. امروز از این نمایشگاه لذت بردیم. شما عکسی انداختید، اما همه ایران عکس شما را خواهند دید. جمله‌ای در مدیریت داریم که می‌گوید: «اگر نشکست عوضش نکن، اما اگر تا به حال نشکسته است، وقت آن است که آن را بشکنی و عوضش کنی.» یعنی هر ایده و ارزشی یک تاریخ مصرف دارد. قبل از اینکه تاریخ مصرف آن تمام شود وقت آن است که



هاشمی: کم نبوده‌اند تصویرهایی که پس از انتشار، روی افکار عمومی جهان و حتی سیاستمداران بزرگ تأثیر گذاشته‌اند و تاریخ را تغییر داده‌اند

برداشته‌اند، تشکر ویژه می‌کنم. از دبیرخانه محترم جشنواره عکس رشد به خاطر برگزاری جشنواره‌ای در شکلی فاخر و در خور شأن شرکت کنندگان تشکر ویژه دارم. همت و تلاش شما برای ارزش‌گذاری بر اندیشه و تفکر و پاسداشت و تکریم آموزش هنر بسیار ستودنی است. از جانب خودم و تمامی همکاران محترم نهاد آموزش و پرورش کشور تشکر ویژه‌ای دارم از مدیریت محترم «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» در اهتمام به برگزاری این جشنواره و ایجاد فضایی به منظور بروز و ظهور استعدادها در حوزه

خودمان آن را کنار بگذاریم و ایده جدیدی را وارد کنیم. نگاه تا یک زمانی جواب می‌دهد، بعد آن نگاه باید عوض شود و نگاه دیگری جای آن بیاید یا همان نگاه متفاوت شود. همان بحث چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. این لنزها باید هر چند وقت یک‌بار عوض شوند. نمی‌شود سالیان سال از یک لنز ثابت ببینی.

در علم مدیریت می‌گویند آرزوهای بزرگ داشته باشید اما قدم‌های کوچک و محکم بردارید. درست است که عکاسی جلوه‌های هنری خاص خودش را دارد اما در آموزش و پرورش یک کار مأموریت‌گرایی است. این کارهای خوب در آموزش و پرورش کاربرد دارند. عکس‌های نمایشگاه در کتاب‌های درسی و مجلات رشد خواهند آمد و همه بچه‌ها از آن‌ها استفاده خواهند کرد. این نمایشگاه هم می‌تواند در سراسر کشور برگزار شود. ان‌شاءالله ساز و کاری فراهم شود تا عکاسان بتوانند بروند در مدرسه‌ها حضور پیدا کنند. این کارها باید دیده شوند و ما باید فرصت‌های دیده شدن آن‌ها را فراهم کنیم. حیف است که این کارها مطرح بشوند اما آن‌طور که باید از آن‌ها استفاده نشود. با آنکه فرصت برای عکاسان برای حضور در مدرسه‌ها فراهم نیست، اما توانسته‌اند عکس‌های خوبی تهیه کنند. اما اگر آن فرصت فراهم شود که بسیار بهتر خواهد بود.

از همه شما تشکر می‌کنم. قدر خودتان را بدانید. به داشته‌هایتان تکیه کنید. احساس مسئولیت کنید. اعتماد به نفس داشته باشید و بدانید که اگر اراده کنید بر بسیاری از مشکلات می‌توانید غلبه کنید.



دکتر حیدر تورانی: نگاه تا یک زمانی جواب می‌دهد، بعد آن نگاه باید عوض شود و نگاه دیگری جای آن بیاید یا همان نگاه متفاوت شود



نمایندگان رشد

معرفی نمایندگان نشریات رشد

سالنامه
شماره سیزدهم
پیاپی ۱۳۹۸

۱۶۶

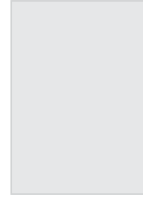
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، با کیفیت بخشی به تولیدات فرهنگی خود اعم از مجلات رشد و کتاب‌های کمک آموزشی و نیز دامن زدن به بحث تحول در آموزش و پرورش، به توسعه و تعمق دیدگاه‌های نو در حوزه آموزش و پرورش کمک می‌کند. این دفتر با تأکید بر ضرورت برنامه‌ریزی در حوزه آموزش‌های غیررسمی و نیز توسعه دامنه رسانه‌های آموزشی به مجلات و نشریات و فراتر رفتن از دایره محدود کتاب درسی، پیشگام تحول در منابع و رسانه‌های آموزشی است.

نمایندگان مجلات رشد در سراسر کشور همواره نقش خود را فراتر از تولید کننده و توزیع کننده صرف مجلات دانسته‌اند و به بازیابی هویت و جایگاه فرهنگی اقدام کرده‌اند و با کمک به توسعه بهره‌مندی از محتوای نشریات رشد در برنامه آموزش و پرورش، حلقه‌ای دیگر از توسعه و تنوع منابع آموزشی را تکمیل و صورت اجرایی و عملی بخشیده‌اند. در این بخش از سالنامه رشد با نمایندگان نشریات رشد آشنا شوید.

نمایندگان نشریات رشد مناطق آموزش و پرورش تهران



◀ **نسرین صمدی**
منطقه ۶ آموزش و پرورش



◀ **حمیدرضا مهربخش**
منطقه ۱ آموزش و پرورش



◀ **زهرا سلیمی زاده**
منطقه ۷ آموزش و پرورش



◀ **گلی قزلو**
منطقه ۲ آموزش و پرورش



◀ **نسرین محمدنبی**
منطقه ۸ آموزش و پرورش



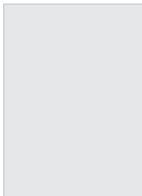
◀ **طاهره صباغها**
منطقه ۳ آموزش و پرورش



◀ **هاله الهاداد قصبه**
منطقه ۹ آموزش و پرورش



◀ **سهیلا صادقی**
منطقه ۴ آموزش و پرورش



◀ **مینا انصاری نطنزی**
منطقه ۱۰ آموزش و پرورش

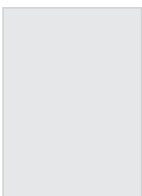


◀ **معصومه صوفی لو**
منطقه ۵ آموزش و پرورش





◀ زهرا راجبی
منطقه ۱۶ آموزش و پرورش



◀ کامران نوری
منطقه ۱۷ آموزش و پرورش



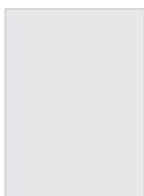
◀ سعید و کیل نژاد
منطقه ۱۸ آموزش و پرورش



◀ محمد خوری
منطقه ۱۹ آموزش و پرورش



◀ فروغ مزارعی
منطقه ۱۱ آموزش و پرورش



◀ سید علیرضا عبادی
منطقه ۱۲ آموزش و پرورش



◀ سینا سروش
منطقه ۱۳ آموزش و پرورش



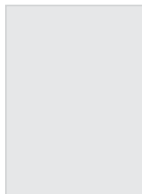
◀ فاطمه مقصودی
منطقه ۱۴ آموزش و پرورش



◀ حسین خواجهزاد
منطقه ۱۵ آموزش و پرورش



نمایندگان نشریات رشد در شهرستان‌های استان تهران



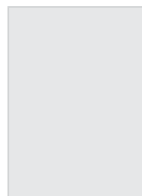
◀ هادی قشقایی
قرچک



◀ نسرین دست‌یار ممقانی
پردیس



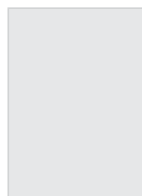
◀ فاطمه غلامپور
فیروزکوه



◀ عصمت مهری
بهارستان ۲



◀ سکینه اکبرنیا ویرثق
فشاپویه



◀ مرتضی دانیالی
ورامین



◀ فاطمه حیدری
شهریار



◀ علیرضا مختاری
ملارد



◀ ژاله اخوان تپه‌سری
ناحیه ۲ شهرری



◀ مرضیه عسکری گشت‌رودخانی
کهریزک



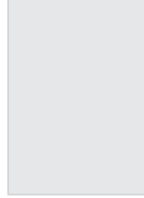
◀ سعید صادقی مجرد
جوآباد



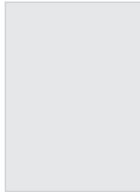
◀ سمیہ میری
ناحیہ ۱ شہری



◀ اسماعیل بولانی
پیشوا



◀ حسین رضانی سراجاری
شہر قدس



◀ کمال بازوکی
پاکدشت



◀ نسرين السادات طهوري
رودهن



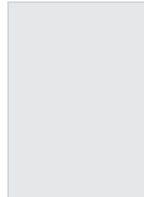
◀ سیدہ مریم الہقلى پور
بہارستان ۱



◀ لیلا مواسات
رباط کریم



◀ داود اصغری دامجانی
اسلامشہر



◀ سمیہ ابراہیمی
دماوند



◀ سیدہ مریم ابراہیمی
دماوند

نمایندگان نشریات رشد در استان‌ها



◀ شهاب عزیزی
ایلام - ایلام



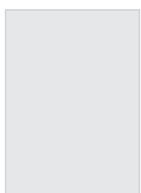
◀ مهدی غلامی
آذربایجان شرقی - تبریز



◀ شاهین افشارپور
بوشهر - بوشهر



◀ یاسر جوزایی
آذربایجان غربی - ارومیه



◀ رحمان شکوهی
چهارمحال و بختیاری - شهرکرد



◀ اسد بیداری
اردبیل - اردبیل



◀ محمدعلی شاکری
خراسان جنوبی - بیرجند



◀ خسرو سبزه‌الی
اصفهان - اصفهان



◀ محمدرضا بهروش
خراسان رضوی - مشهد مقدس



◀ فضل‌اله امیرپور
البرز - کرج





◀ **عبدالعظیم فرجی**
فارس - شیراز



◀ **خلیل اله نیازی**
خراسان شمالی - بجنورد



◀ **محمدرضا فدایی**
قزوین - قزوین



◀ **منصور بهرامی**
خوزستان - اهواز



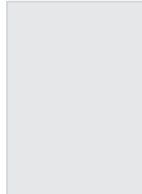
◀ **جعفر کلفشان**
قم - قم



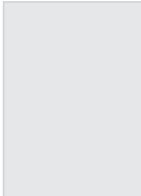
◀ **حسین قاسمی**
زنجان - زنجان



◀ **علی اکبر الیاسی**
گلستان - گرگان



◀ **سعید علی نژاد**
سمنان - سمنان



◀ **اسماعیل نوغانچی**
گیلان - رشت



◀ **سمیه حیدری**
سیستان و بلوچستان - زاهدان



◀ **برزو مصطفی نژاد**
لرستان - خرم آباد



◀ **قاسم مهدوی**
مازندران - ساری



◀ **محمدعلی میرباقری**
مرکزی - اراک



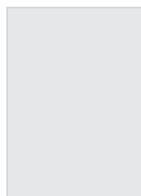
◀ **فاطمه نقشبندی**
هرمزگان - کیش



◀ **حوریه حاجی زاده کهنکی**
هرمزگان - بندرعباس



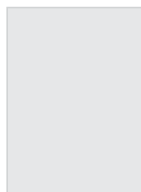
◀ **احمد قره خانی**
همدان - همدان



◀ **عباس احمدی**
کردستان - سنندج



◀ **وحید سیف الدینی**
کرمان - کرمان



◀ **فرهاد فولادی**
کرمانشاه - کرمانشاه



◀ **وحید سجاد پور**
کهگیلویه و بویراحمد - یاسوج



◀ **صادق رضایی**
یزد - یزد



کازنامه رشد

۳ ۲ ۱

روز شمار رشد

فروردین

* ۱ فروردین: انتشار هفتمین شماره مجلات عمومی رشد سال تحصیلی ۹۷-۹۶ با شمارگان ۴۰/۴۰۹/۰۰۰ نسخه و فصلنامه‌های بهار ۹۷ در ۹۶/۵۰۰ نسخه و هفتمین شماره مجلات رشد دانش آموزی نابینایان در ۲۰۰۰ نسخه.

سالنامه
شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸

۱۷۴



۱





سالنامه
شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸
۱۷۵



اردیبهشت

- * ۱ اردیبهشت: انتشار هشتمین شماره مجلات عمومی رشد سال تحصیلی ۹۷-۹۶ با شمارگان ۴/۲۵۲/۴۰۸ نسخه و هشتمین شماره مجلات رشد دانش آموزی نابینایان در ۲۰۰۰ نسخه.
- * ۵ اردیبهشت: برگزاری جلسه عمومی سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با کارکنان دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.
- * ۲۶ اردیبهشت: برگزاری نشست «آموزش ساخت فیلم و عکس نشریات دیجیتالی».



۱



سالنامه
شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸

۱۷۶



۲۶



۵



خرداد

* ۱ خرداد: انتشار نهمین شماره مجلات رشد کودک، رشد نوآموز و رشد دانش آموز سال تحصیلی ۹۶-۹۷ با شمارگان ۲/۷۴۶/۰۰۰ نسخه.



شهریور

* ۷ شهریور: برگزاری نشست «گفت‌وگو و تبادل نظر در خصوص تجربه‌های تأثیر بر مخاطبان».
* ۱۸ شهریور: برگزاری بیستمین نشست سالانه دفتر در مدرسه تاریخی دارالفنون، تهران.



۱۷۷





مهـر

* ۱ مهر: انتشار شماره ۱ مجلات عمومی رشد سال تحصیلی ۹۸-۹۷ با شمارگان ۳/۹۲۰/۰۰۰ نسخه و انتشار فصل نامه‌های پاییز ۹۷ در ۹۲/۱۰۰ نسخه و شماره ۱ مجلات رشد دانش آموزی ناینیان در ۲۰۰۰ نسخه.
* ۲۵ مهر: برگزاری مراسم اختتامیه «دهمین دوره جشنواره عکس رشد».



سالنامه
شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸

۱۷۸





آبان

* ۱ آبان: انتشار شماره ۲ مجلات عمومی رشد سال تحصیلی ۹۸-۹۷ با شمارگان ۴/۰۲۲/۰۰۰ نسخه و شماره ۲ مجلات رشد دانش آموزی نابینایان در ۲۰۰۰ نسخه.



۱

شماره سیزدهم
په‌سار ۱۳۹۸

۱۷۹

آذر

* ۱ آذر: انتشار شماره ۳ مجلات عمومی رشد سال تحصیلی ۹۸-۹۷ با شمارگان ۴/۱۴۰/۵۰۰ نسخه و شماره ۳ مجلات رشد دانش آموزی نابینایان در ۲۰۰۰ نسخه.

* ۲ آذر: برگزاری مراسم اختتامیه چهل‌وهشتمین «جشنواره بین‌المللی فیلم رشد».

* ۱۲ آذر: برگزاری مراسم اختتامیه شانزدهمین «جشنواره کتاب رشد».



۱۲



۲





۱

دی

سالنامه
شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸

۱۸۰



۵

* ۱ دی: انتشار شماره ۴ مجلات عمومی رشد سال تحصیلی ۹۷-۹۸ با شمارگان ۳/۸۳۷/۵۰۰ نسخه و انتشار فصل‌نامه‌های زمستان ۹۷ در ۱۰۲/۵۰۰ نسخه و شماره ۴ مجلات رشد دانش‌آموزی نابینایان در ۲۰۰۰ نسخه.

* ۵ دی: برگزاری مراسم تجلیل از برگزارکنندگان جشنواره‌های رشد.





۱



سالنامه
شماره سیزدهم
په‌ار ۱۳۹۸

۱۸۱





سالنامه
شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸

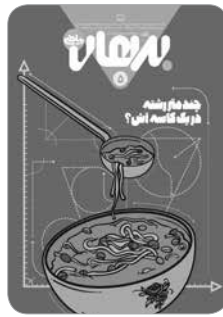
۱۸۲





بهمن

* ۱ بهمن: انتشار شماره ۵ مجلات عمومی رشد سال تحصیلی ۹۸-۹۷ با شمارگان ۳/۸۳۸/۰۰۰ نسخه و پنجمین شماره مجلات رشد دانش‌آموزی نابینایان در ۲۰۰۰ نسخه.



۱



سالنامه
شماره سیزدهم
بهمن ۱۳۹۸
۱۸۳





اسفند

* ۱ اسفند:

انتشار شماره ۶ مجلات عمومی رشد سال تحصیلی ۹۸-۹۷ با شمارگان ۳/۸۲۱/۰۰۰ نسخه و ششمین شماره مجلات رشد دانش آموزی نابینایان در ۲۰۰۰ نسخه.

۱



سالنامه
شماره سیزدهم
په‌ار ۱۳۹۸
۱۸۴



۵





با وب سایت مجلات رشد همراه باشید